

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این‌ها (کارهای پژوهشی دفاع مقدس و ادبیات انقلاب اسلامی و کتاب‌های خاطرات جنگ)
باید برود جزو کارهای پژوهشی دانشجویها قرار بگیرد؛
در این زمینه باید پایان‌نامه‌های فراوان نوشته شود؛
در کارگاه‌های تحقیقاتی و علمی وارد شود؛
در کتاب‌های درسی دانشگاه‌ها وارد شود؛
برای اینها واحدهای درسی قرار داده شود؛ این‌ها حتماً لازم است؛
بروید سراغ این که یک بخشی از این دانشگاه را منحصر کنید در همین رشته‌های مربوط به
ادبیات مقاومت و ادبیات انقلاب.

حضرت آیت‌ا.. العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

۱۳۹۲/۰۲/۲۳ - دیدار با اعضای دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری

دو فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر

نشریه مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس و نبردهای معاصر

صاحب امتیاز و ناشر: مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس و نبردهای معاصر
دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

مدیر مسئول: سر تیپ دوم پاسدار اکبر عابدی

سر دبیر: دکتر محمدجواد سبحانی فر

معاون سردبیر: غلامرضا سلگی

مدیر اجرایی: حمید نجف زاده

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

- | | |
|---|---|
| دکتر خدایار ابراهیمی استادیار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) | دکتر محسن رضایی میرقائد دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) |
| دکتر هادی مراد پیری دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) | دکتر لطفعلی عابدی دانشیار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) |
| دکتر محمدجواد سبحانی فر دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) | دکتر علی فرهی استاد دانشگاه جامع امام حسین (ع) |
| دکتر عباسعلی سلمانی استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) | دکتر محمدهادی همایون دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) |
| دکتر غلامعلی رشید دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی | دکتر حسن بیات استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) |

همکاران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر احمد باصری، دکتر محمدباقر بابایی، دکتر محمد کاظم بصیرتی، دکتر روح اله پورآسیاب، دکتر علی جمالی، دکتر غلامرضا حسین هاشمی دهقی، دکتر محمد رضا رشیدی آل هاشم، دکتر حسین حسینی، حجت الاسلام حسن علی اکبری، دکتر محمدولی علیی، دکتر اسماعیل کاووسی، دکتر حجت اله مرادی، دکتر ابوالقاسم مردمی، احمد مهربان، دکتر مهدی ناظمی اردکانی، دکتر علی محمد نائینی، دکتر عباس نیل فروشان

ویراستار ادبی: یاسر فیض اللهی

مترجم: دکتر ابوالقاسم مردمی

حروفچین و صفحه آرا: حمید نجف زاده

طراح جلد: محمدجواد بابایی

شمارگان: ۱۰۰ (نسخه چاپی) ۲۰۰ (نسخه الکترونیکی) قیمت نسخه چاپی: ۸۰۰۰۰ ریال

دفتر نشریه: تلفن: ۷۴۱۸۶۲۹۶ دورنگار: ۷۴۱۸۶۳۰۰

نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس و نبردهای معاصر

E-mail: Defamoghadas@chmail.ir



تمام حقوق مادی و معنوی برای مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس و نبردهای معاصر محفوظ است.

خط‌مشی و اهداف نشریه

۱. تحقیق و ترویج مبانی، اصول، ارزش‌ها، نمادها و هنجارهای فرهنگ دفاع مقدس و نبردهای معاصر
۲. آسیب‌شناسی تفکر، اندیشه‌ها، جریان‌ها و ابعاد تحریف حقایق و فرهنگ دفاع مقدس و نبردهای معاصر و ارائه راهکارها

محورهای موضوعی نشریه

- تولید دانش در زمینه فرهنگ دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- نظریه‌پردازی در حوزه دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- آسیب‌شناسی در حوزه دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- راهکارهای مقابله با تحریف فرهنگ دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- بررسی نقش رسانه‌ها در دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- بررسی نقش فضای مجازی در دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- عرضه شیوه‌ها، روش‌ها، نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها در زمینه‌های تخصصی موردنظر
- ارتقای سطح دانش علمی در حوزه دفاع مقدس و نبردهای معاصر

شرایط پذیرش و راهنمای تدوین مقاله

۱. مقاله باید پژوهشی، و حاصل تحقیق نویسنده در زمینه دفاع مقدس و نبردهای معاصر باشد.
۲. مقاله‌های ارسالی به نشریه، نباید پیش از این در هیچ‌یک از نشریه‌های داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۳. مقاله‌ها پس از پذیرش اولیه در هیأت تحریریه به منظور ارزیابی برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر و کارشناس فرستاده خواهد شد و پذیرش نهایی بر اساس نظر داوران و موافقت هیئت تحریریه خواهد بود.
۴. مسئولیت علمی مقاله بر عهده نویسنده است و دیدگاه‌های نویسندگان مقالات، لزوماً دیدگاه نشریه نیست.
۵. مقاله باید حداکثر در ۱۲ صفحه A4 (حدود ۲۲ صفحه قطع نشریه) و در قالب Word و با قلم ۱۲ Bzar تایپ شود و به دو شکل الکترونیکی و چاپی برای دفتر نشریه فرستاد شود.
۶. نشریه از مقاله‌های تحقیقی و تحلیلی اصیل استقبال می‌کند که در آن مطلب یا نظریه‌ای تخصصی دارای نوآوری، نکات علمی نوین و غیر اقتباسی ارائه، و به ویژه از مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه‌ها که طی آن نظری بدیع مطرح شده باشد، مجله از چاپ مقاله‌های مبتنی بر گردآوری یا ترجمه معذور است.
۷. **برگه رویه (عنوان)** که در آن فقط اطلاعات شناسنامه‌ای تحقیق از جمله، عنوان، نام نویسنده یا نویسندگان، عنوان شغلی یا علمی، زمان نگارش، نشانی کامل فرد یا مؤسسه یا مؤسسات متبوع،
- پست الکترونیکی (ایمیل) و شماره تلفن درج می‌شود.
۸. **چکیده:** خلاصه‌ای دقیق از مقاله است که در یک صفحه جدا و در قالب و قلم متفاوت از متن نوشته می‌شود و در آن باید درستی و دقت، استقلال، ایجاز و صراحت، غیرقضاوتی بودن و روانی و انسجام رعایت شود.
۹. **مقدمه:** بخش اصلی مقاله با مقدمه آغاز می‌شود که در ضمن آن، مسئله تحقیق (سؤال‌ها، فرضیه‌ها، اهداف) و پیشینه علمی پژوهش بیان می‌شود.
۱۰. **روش تحقیق:** پس از مقدمه می‌آید و محقق جزئیات شیوه اجرای پژوهش را توصیف می‌کند. در این بخش همکاران پژوهش و مراحل پژوهش (جامعه آماری، نمونه‌گیری، حجم نمونه و...) بیان می‌شود.
۱۱. **بدنه نوشتار (بحث و تحلیل):** این بخش بدنه اصلی و ستون فقرات نوشتار را تشکیل می‌دهد. داده‌ها و تحلیل‌ها باید بر اساس نظم و در چارچوب روشی منظم و بر اساس طرح کلی مقاله پیش برود.
۱۲. **نتیجه‌گیری و پیشنهاد:** نویسنده در بخش پایانی مقاله باید نتایج را بیان، و مطالب را چنان جمع‌بندی کند که خواننده احساس کند به پایان مقاله رسیده و از بحث و بررسی‌ها به نتیجه‌ای دست یافته است؛ هم‌چنین پیشنهادها بعدی و چشم‌انداز آینده و مسائل باقیمانده درباره موضوع در بخش نتیجه‌گیری مطرح می‌شود. این بخش یک پاراگراف تا یک صفحه باشد.

فهرست

دو فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

* سخن سردبیر (نه)

۱ * کنشگری حزب الله لبنان در بحران سوریه و تغییرات در تاکتیک‌های رزمی حزب الله

..... جعفر عظیم زاده، بهرام اصلی زاده، علی اسماعیل زاده

۳۹ * تأثیر اندیشه سیاسی سلفی - تکفیری بر ناامنی جمهوری اسلامی ایران

..... مهدی نطاق پور، یاسر رضا پور، روح الله پور آسیاب

۷۳ * تحلیل گفتمان وصیت نامه سرداران شهید شهرستان خلخال

..... پرویز صبوری کرج، جواد صبوری کرج

۹۷ * نشانه‌های شکل گیری مدیریت جهادی در دفاع مقدس: مطالعه موردی عملیات ثامن الائمه

..... رسول حمزه پور اسدی، عبدالله مبینی دهکردی

۱۱۵ * بررسی تحلیلی مهم ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه

..... مهدی رمضانی، محمد حافظی صفت

۱۶۱ * بررسی نقش عوامل جغرافیایی در طرح ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی

..... مرتضی کریمی، محسن رادمهر، محسن غفاری

1- 6 * ترجمه چکیده مقاله ها به انگلیسی

..... دکتر ابوالقاسم مردمی

سخن سردبیر

بهانه

دیگر حتی بهانه‌ای برای گریه نمانده است؛ حرفی برای آه؛ بغضی برای ناله‌های غریبی. چشمه‌های خشکیده چشمم را از حسرت کدام باران نباریده سیراب کنم؟ به عصای دست کدام واژه مهربان بیاوزم؟ قامت شکسته‌ام را به امید امداد کدام عماد عمود نگه دارم؟ من آتش گرفته‌ام می‌شنوید؟ من ویران شده‌ام می‌بینید؟ اینجا نه دیواری پناهگاه است و نه سنگی سد راه. آوار آوار نامردی و و خروار خروار قساوت بر سرم فرود آمده است.

فریادهای خاموشم را طوفان به محاصره گرفته و اشک‌های فراموش را سیل خون به مفاخره.

انتشار این شماره از مجله مصادف است با حمله وحشیانه رژیم اشغالگر و کودک‌کش اسرائیل به فلسطینیان مظلوم که بیش از هفتاد سال است در معرض کشتار ددمنشانه، محاصره، آوارگی و ترس و رعب به سر می‌برند و عده‌ای صهیونیست خونخوار سرزمین آنها را اشغال کرده و به هر بهانه‌ای و هر چند وقت یک بار برای آزمایش سلاح‌های جدید خود و بکارگیری بمب‌ها برای جلوگیری از فاسد شدن و خالی شدن زرادخانه برای جایگزینی سلاح‌های نو به آنها حمله‌ور می‌شوند و آنها را به خاک و خون می‌کشند که در عملیات‌های اخیر برای منطقه کوچکی به نام غزه (بخوانید بزرگترین زندان جهان) همزمان ۱۶۰ فروند هواپیما به بمباران مردم بیگناه این منطقه اقدام نمودند که تاکنون بیش از ۲۱۰ نفر به شهادت رسیده‌اند که ۵۰ نفر آنها کودک و ۲۵ نفر زن می‌باشند این در حالی است که کشورهای متمدن و دموکرات غربی و در رأس آنها شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار از این اقدامات شرورانه و بیشرمانه با کمال وقاحت حمایت می‌کنند آری چنین است چهره زشت و کریه طرفداران حقوق بشر دروغین که چنگال‌های آنها تحت لوای حقوق بشر همیشه به خون مظلومان عالم آغشته است و منافع خود را به همه چیز ترجیح می‌دهند و

اصلاً بشریت حقیقتاً برای آنها مفهومی جز ثروت و قدرت و شهوت و منافع معنایی ندارد. متأسفانه بعضی از افراد خام اندیش و ساده لوح دل به شعارهای حقوق بشری آنها بسته اند در حالی که در ۳۰۰ سال اخیر جنایات آنها در جهان مشهود و مضبوط می باشد و ده ها میلیون آدم را قربانی منافع نامشروع خود کرده اند که فقط در دو جنگ جهانی بیش از ۷۰ میلیون انسان کشته شدند!!!

آری این است چهره واقعی و خونریز و هراس انگیز غرب امیدواریم که مردمان مستضعف جهان به پا خیزند و خود را از شر این جانیان انسان نما برهانند

فریاد ز آفرنگ و دلاویزی افرنگ	فریاد ز شیرینی و پرویزی افرنگ
عالم همه ویرانه ز چنگیزی افرنگ	معمار حرم باز به تعمیر جهان خیز
از خواب گران خواب گران خواب گران خیز	
از خواب گران خیز	

کنشگری حزب الله لبنان در بحران سوریه و تغییرات در تاکتیک‌های

رزمی حزب الله

جعفر عظیم زاده^۱، بهرام اصلی زاده^۲، علی اسماعیل زاده^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۷

چکیده

وقوع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ م و تداوم جنگ داخلی در این کشور بین نظام سوریه و مسلحین و گروه‌های تروریستی، پیامدهای گوناگونی در موازنه قدرت در نظم منطقه‌ای غرب آسیا را به دنبال داشت. در واقع در نتیجه این بحران، کنشگران دولتی محور مقاومت با محوریت ایران و روسیه از یک طرف و کنشگران غیردولتی آن به‌ویژه جنبش حزب الله لبنان توانستند با حمایت از نظام سیاسی سوریه، توازن منطقه‌ای را به نفع محور مقاومت حفظ نموده و زمینه‌ساز تغییرات ژئوپلیتیکی وسیعی در نظم منطقه‌ای غرب آسیا شوند. در این میان حزب الله لبنان به‌عنوان یک کنشگر نامتقارن، با ورود به عرصه جنگ داخلی سوریه با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی در سطح تاکتیکی و استراتژیکی به‌ویژه در حوزه تاکتیک‌های رزمی خود مواجه شد. از این رو در این پژوهش نویسندگان با مفروض قراردادن این گزاره که فرصت‌های پیش روی حزب الله در ورود به جنگ سوریه، بیش از چالش‌های آن بوده است و همچنین اینکه حزب الله توانست در طول این بحران ضمن بازنگری در تاکتیک‌های رزمی خود به یک نیروی نامتقارن مؤثر در عرصه معادلات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی تبدیل شود، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که کنشگری حزب الله در بحران سوریه چه تأثیری بر تاکتیک‌های رزمی آن داشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حزب الله بعد از ورود به بحران سوریه تغییراتی را در تاکتیک‌های رزمی خود از جمله: کسب توانمندی‌های فنی و تسلیحاتی نوین، کسب توانمندی‌های تاکتیکی جدید و ... ایجاد کرده است.

کلید واژه‌ها: بحران سوریه، تاکتیک‌های رزمی، حزب الله، محور مقاومت

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

۲- مدرس و پژوهشگر دانشکده امام علی (ع)

۳- مدرس و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

بیان مسئله

کشور سوریه در منطقه غرب آسیا از جایگاه و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. واقع شدن سوریه در کناره دریای مدیترانه، همسایگی آن با رژیم صهیونیستی و حضور در محور مقاومت، موقعیت ویژه‌ای به این کشور داده است و این موقعیت موجب شده است تحولات این کشور و پیامدهای آن، در محافل منطقه‌ای و بین‌المللی با حساسیت زیادی دنبال شود. به دنبال وقوع خیزش‌های مردمی و انقلاب‌های عربی در منطقه غرب آسیا، برخی از مناطق سوریه نیز از ابتدای سال ۲۰۱۱ میلادی شاهد موجی از اعتراض‌ها و ناآرامی‌ها شد که همه نهادها و مؤسسات دولتی این کشور را نگران ساخت. اعتراض‌ها در فوریه همان سال به صورت مسالمت‌آمیز و به منظور همبستگی با خیزش‌های مردمی در کشورهای تونس، مصر و لیبی شکل گرفت، اما از نیمه دوم مارس ۲۰۱۱ میلادی این اعتراض‌ها منجر به درگیری میان دولت و معترضان شد و با حمایت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی از مخالفان دولت سوریه، این ناآرامی‌ها از بحران داخلی به بحرانی منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد و این کشور را تبدیل به کانون اصلی تحولات استراتژیک غرب آسیا نمود که خود از مهم‌ترین مناطق کشاکش قدرت و سیاست جهانی است. منازعه دائمی ایدئولوژیک، اهداف و منافع متعارض قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، رقابت‌های هژمونیک، دغدغه‌های امنیتی و تلاش برای کسب و حفظ قدرت فزون‌تر توسط بازیگران داخلی و خارجی در این منطقه به عرصه سرزمینی این کشور امتداد یافته و وضعیت شکننده‌ای را برای دولت و ملت سوریه و دیگر بازیگران پدید آورده است. بی‌ثباتی ناشی از این همه ناهمگونی و تعارض، با توجه به صورت‌بندی قدرت‌ها، دورنمای تأمین اهداف و منافع را در آن امری پیچیده و دشوار ساخته است. روایت مقاومت در تقابل با روایت سلفیسم متحد غرب، گفتمان اصلی درون جهان اسلام در بحران سوریه را شکل می‌دهد و در سطح جهانی این بحران، تقابل نظم ناکام نوین جهانی در برابر ظهور نظمی جدید با بازیگران متفاوت مشهود است.

از طرفی تحولات ده سال اخیر نشان داد که انتظارات و آرزوها در این منطقه به آسانی محقق نمی‌گردد. اینجا بر بازار قدرت جهانی است که در آن از دست دادن یک سانتی متر مربع مساوی با از دست دادن اهداف و منافع استراتژیک برای سال‌های متمادی و نامعلوم است. خلیج‌ها، بغازها، کانال‌ها و آبراه‌های استراتژیکی که در این منطقه واقع هستند و علاوه بر آن بیش از شصت درصد

منابع فسیلی، حضور بزرگ‌ترین دوست و نماینده هویت غربی در این پهنه جغرافیایی یعنی رژیم اشغالگر قدس، جریان اسلام‌گرایی و هویت‌خواهی دینی، بازار بزرگ مصرف نظامی و اقتصادی، بسترهای بحران‌خیزی به دلیل تنوع قومی، نژادی، مذهبی و اختلافات ارضی، بحران آب، بحران دموکراسی و دیکتاتوری دولت‌ها، منازعات عقیدتی و ایدئولوژیکی، حافظه تاریخی مبتنی بر جنگ و ناامنی و کشمکش در بین ملل منطقه و حضور نظامی ناتو، آمریکا و کشورهای غربی در خاورمیانه، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اصلی این منطقه به شمار می‌روند.

در حال حاضر بازیگران فعال در عرصه بحران سوریه به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروه نخست بازیگرانی هستند که با تأکید بر حل منازعه سوریه به شیوه‌های مسالمت‌آمیز، خواهان ایجاد اصلاحات اساسی در این کشور بدون هرگونه مداخله نظامی خارجی هستند. در این گروه طیفی از کشورهای قدرتمند و بازیگران جهانی (روسیه و چین) و بازیگران منطقه‌ای (ایران و حزب‌الله لبنان) قرار دارند. در گروه دوم کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، ترکیه، عربستان سعودی، قطر و رژیم صهیونیستی قرار دارند. این بازیگران خواهان تغییر نظام در سوریه با تأکید بر حل منازعه سوریه به شیوه‌های خشونت‌آمیز و مداخله خارجی هستند.^۱ با تشدید بحران در سوریه، هریک از گروه‌ها با حمایت و پشتیبانی از طرف‌های درگیر در منازعه داخلی این کشور، سعی کرده‌اند موازنه قوای نیروهای داخلی را به سود خود تغییر دهند؛ که برآیند این امر، پیچیده‌تر و طولانی‌تر شدن بحران بوده است. در این میان جنبش حزب‌الله لبنان به‌عنوان یکی از کنشگران غیردولتی طرفدار نظام سوریه و محور مقاومت با ورود به عرصه این بحران، ضمن تقویت نظام سوریه و محور مقاومت با فرصت‌های بی‌شماری مواجه بوده است. بدون شک کسب تجربیات جدید جنگی و تغییر در تاکتیک‌های رزمی حزب‌الله یکی از بارزترین فرصت‌های حضور حزب‌الله در عرصه جنگ داخلی سوریه بوده است؛ که از این موضوع می‌توان به‌عنوان یکی از شاخص‌های اثرگذار در تغییر موازنه قدرت بین محور مقاومت و جبهه استکبار جهانی و به‌ویژه رژیم صهیونیستی نام برد. از این رو نویسندگان در این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستند که

۱- لازم به ذکر است که به دلیل سرعت و پویایی تحولات میدانی بحران سوریه، بعضاً شاهد موضع‌گیری‌های متناقضی از گروه دوم هستیم. به‌عنوان نمونه ایالات متحده آمریکا بارها و بارها موضع خود در قبال موضوع ابقای بشار اسد در رأس قدرت سیاسی این کشور را تغییر داده است.

ورود حزب الله لبنان به عرصه جنگ سوریه چه تأثیری در تاکتیک‌های رزمی حزب الله لبنان داشته است. برای پاسخ به این پرسش و تبیین دقیق موضوع، این مقاله در چهار گفتار ساماندهی شده است. گفتار اول به چارچوب مفهومی موضوع اختصاص داده شده است و در آن ضمن تشریح عوامل داخلی و خارجی مؤثر در وقوع بحران سوریه، به دلایل اصلی ورود حزب الله لبنان به عرصه تحولات سوریه پرداخته شده است. در گفتار دوم، عملیات‌های نظامی مهم سوریه در طول جنگ سوریه شرح داده شده است. در گفتار سوم، تاکتیک‌های رزمی حزب الله قبل از ورود به عرصه جنگ سوریه توضیح داده شده است. در گفتار چهارم که به نوعی پاسخ به پرسش اصلی پژوهش است، تغییراتی که در تاکتیک‌های رزمی حزب الله در نتیجه کنشگری حزب الله در طول جنگ سوریه ایجاد شده است، تبیین خواهد شد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی:

کنشگری حزب الله لبنان در بحران سوریه چه تأثیری بر تاکتیک‌های رزمی آن داشته است؟

پرسش‌های فرعی:

۱- حضور حزب الله لبنان در بحران سوریه چه تأثیری بر تاکتیک‌های رزمی آن داشته است؟

۲- مهم‌ترین عملیات‌های نظامی مؤثر بر تاکتیک‌های رزمی حزب الله لبنان در سوریه کدامند؟

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر دستیابی به پاسخ پرسش‌ها در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. روش توصیفی - تحلیلی عبارت است از اینکه محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها فراهم می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۷۱). روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی، منابع اینترنتی و رجوع به اسناد و مدارک مربوط به این پژوهش می‌باشد. لذا در این روش با مطالعه چندین کتاب، فصلنامه تخصصی، مقالات و تحقیق دیگر پژوهشگران به شیوه

فیش‌برداری و جستجو در فضای اینترنت، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردیده و سعی شده است تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام گرفته و به پرسش‌های پژوهش پاسخ مناسبی داده شود.

ادبیات نظری تحقیق

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- **رزم:** واژه‌ای است مترادف و معادل ((جنگیدن)). رزم دلالت بر جنگیدن بدون هیچ گونه قید و شرط دارد (رستمی، ۱۳۸۶: ۴۴۸).

۲-۱- **حزب الله لبنان:** حزب الله در سال ۱۹۸۴ با بروز اختلاف درونی در حزب امل و با اشغال جنوب لبنان به دست رژیم اشغالگر، توسط گروهی از جوانان شیعه و مؤمن به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه پایه‌گذاری شد (ابوالحسن شیرازی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۷). حزب الله در بیانیه موجودیت خود اعلام کرد که ((نظام سیاسی موجود و امتیازهای فرقه‌ای آن، ریشه مشکلات لبنان است و باید از اساس تغییر کند. همچنین ما به رهبری حکیمانه و عادلانه امام خمینی (ره) به عنوان ولی فقیه تعهد و اعتقاد داریم (درخشه و محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۲) و اعلام می‌کنیم که به‌جز خدا از هیچ کس دیگری ترس و واهمه نداریم و هیچ ظلم و ذلتی را نمی‌پذیریم (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۹۳). باور و اعتقاد ما مبارزه با اسرائیل و اشغالگری است... ما به دشمن اشغالگر اعلام می‌کنیم که جهاد و مقاومت را تا اخراج صهیونیست‌ها از مناطق شمالی به عنوان مقدمه‌ای برای نابودی آن ادامه می‌دهیم)) (زمانی محبوب، ۱۳۸۸: ۱۶۳). بنابراین تغییر نظام سیاسی لبنان، پیروی از ولی فقیه و نابودی رژیم اشغالگر از طریق جهاد و مقاومت، سه هدف اساسی تشکیل حزب الله بوده است. حزب الله لبنان در اوج دوران جنگ سرد و پنج سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران متولد شد.

۳-۱- **بحران سوریه:** تحولات سوریه با مبانی نظری بحران از دیدگاه متفکران، همسویی‌های گسترده‌ای دارد. غیرقابل پیش‌بینی بودن، آثار مخرب و طولانی و

استهلاکی، تصمیم‌گیری تحت شرایط وخیم و در زمان محدود، محدودیت و فشردگی زمان، غافلگیری و استرس، از ویژگی‌های بحران است که در تحولات سوریه مصداق عینی یافته است.

با شروع تحولات منطقه عربی - اسلامی از سال ۲۰۱۱ میلادی، سوریه از جمله کشورهایی بود که مستعد دریافت این تحولات محسوب می‌شد. سوریه کشوری است که در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان واقع شده است. سیاست‌مداران و تحلیل‌گران، این کشور را گذرگاه شرق به غرب نامیده و برخی نیز از آن به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان یاد می‌کنند. اهمیت این کشور بیشتر از همه به لحاظ موقعیت جغرافیایی آن در منطقه خاورمیانه است. همسایگی با کشورهای عراق، ترکیه، فلسطین اشغالی، لبنان، اردن و همچنین دریای مدیترانه بر اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن افزوده است. وجود اقوام و فرق مذهبی گوناگون از دیگر ویژگی‌های برجسته این کشور محسوب می‌گردد. وجود مذاهب علوی، سنی، دروزی و شیعه اثنی عشری و وجود قومیت‌های عرب، کرد، ترکمن و جمعیت ۲۱ میلیونی و وجود ذخایر نفت از دیگر ویژگی‌های این کشور است.

از ویژگی‌ها و سیاست‌های مهم نظام سوریه در طی چند دهه گذشته می‌توان به مواردی همچون توجه ویژه به ملی‌گرایی، درگیری با رژیم صهیونیستی (مشارکت در سه جنگ اعراب - رژیم صهیونیستی) و حمایت از مقاومت مردم لبنان در مقابل رژیم صهیونیستی، همراهی با ایران در جنگ ۸ ساله با عراق، سرکوب مخالفان سیاسی و دخالت در امور داخلی لبنان اشاره نمود. در بخش ذیل به‌صورت اجمالی به عوامل داخلی و خارجی مؤثر در وقوع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ پرداخته خواهد شد.

عوامل داخلی:

- حاکمیت اقلیت بر اکثریت:

حاکمیت کنونی سوریه از سال ۱۹۶۳ میلادی توسط حزب بعث و از سال ۱۹۷۱ میلادی به رهبری حافظ اسد بنا گردیده است و با توجه به موروثی‌شدن آن و به قدرت رسیدن فرزند وی بشار اسد، از سال ۲۰۰۰ میلادی می‌توان این حاکمیت را از نوع حکومت‌های مطلقه، موروثی و توتالیته مورد بررسی قرار داد.

- اعتراض‌های مردمی:

با سرایت اعتراض‌های مردمی به سوریه، به سرعت این اعتراض‌ها به سمت مسلح شدن معارضین و درگیری نظامی و فرار برخی از افسران ارتش و پیوستن به مخالفین نظام و همچنین پیوستن مخالفان و ناراضیان سیاسی دستگاه حاکمیت به صف معارضان نظام سوریه منجر گردید. تشکیل گروه‌های متعدد از معارضین سوریه، حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از معارضین سوریه، اختلافات داخلی و شدید معارضین، اخراج سوریه از مجامع منطقه‌ای (اتحادیه عرب)، قدرت نظامی برابر طرفین درگیری و عدم توان هر یک در جهت شکست کامل طرف مقابل را می‌توان از جمله موارد پیچیده و لاینحل و به درازا کشیده شدن این بحران ارزیابی نمود.

عوامل خارجی:

- عوامل منطقه‌ای:

در سطح منطقه‌ای می‌توان به وابستگی نظام سوریه به جریان مقاومت و رقابت کشورهای عربستان و ترکیه با این جریان و سعی این دو کشور به منظور جدانمودن سوریه از این محور اشاره نمود.

رقابت کشورهای عربستان، ترکیه و... حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی این کشورها از جریان‌های مد نظرشان در عرصه بحران سوریه و در راستای تثبیت مدل سیاسی و گسترش عمیق استراتژیک‌شان در منطقه و حمایت‌های سایر کشورهای منطقه از معارضین همانند قطر و اردن در به درازا کشیدن این بحران مؤثر بوده است.

- عوامل بین‌المللی:

در عرصه بین‌المللی نیز می‌توان به عللی همچون رقابت روسیه و آمریکا در راستای نفوذ و تسلط بر خاورمیانه اشاره نمود. از طرف دیگر حمایت‌های چین از نظام بشار اسد در راستای عدم تغییر موازنه قوای منطقه‌ای و جلوگیری از هژمون مطلق آمریکا بر منطقه و همچنین حمایت‌های اروپا از معارضین، از دیگر عوامل فرامنطقه‌ای شکل‌گیری بحران سوریه است که مورد بررسی قرار می‌گیرد. رقابت قدرت‌های جهانی خصوصاً آمریکا و روسیه و در کنار این دو، چین و اتحادیه اروپا در راستای تسلط بر سوریه به عنوان قلب منطقه فوق استراتژیک خاورمیانه و تمامی

قطعه‌های علیه نظام سوریه توسط روس و چین (چهار قطعه‌ای) و کمک‌های مالی، تسلیحاتی و رسانه‌ای از نظام سوریه توسط روسیه و چین و از معارضین توسط آمریکا و اتحادیه اروپا را می‌توان از دیگر عوامل به درازا کشیدن بحران سوریه برشمرد (نورانی، ۱۳۹۶: ۸۹-۹۲).

۲- دلایل حضور حزب‌الله لبنان در سوریه

هدف دشمنان خارجی در طرح بحران‌سازی برای سوریه، صرفاً شخص بشار اسد و نظام سیاسی سوریه نبود؛ بلکه اهداف بزرگ‌تری وجود داشت که در صورت محقق شدن آن‌ها، موازنه قدرت در منطقه و ژئوپلیتیک آن نیز در راستای خواسته‌های آن‌ها تغییر می‌کرد. این وضعیت، جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان را به‌عنوان دو بازیگر تأثیرگذار منطقه نشانه گرفته بود؛ بنابراین طبیعی بود که آن‌ها نیز واکنش نشان دهند و مانع اجرای طرح‌های خصمانه آن‌ها شوند. به این ترتیب شرایط فوق‌العاده وخیم سوریه با ورود جبهه مقاومت به عرصه تحولات داخلی سوریه، تغییر کرد. حزب‌الله لبنان بنا بر دلایلی وارد سوریه شد که گستره وسیع و ابعاد حیاتی دارد.

۲-۱- دلایل امنیتی:

❖ **حفظ حزب‌الله:** آنچه در وهله نخست در باب ورود حزب‌الله به سوریه می‌توان مطرح کرد، مبارزه برای بقا است؛ زیرا بدون وجود دولتی همراه با مقاومت در سوریه، مقاومت اسلامی با مشکلاتی مواجه می‌شود. از این رو هزینه کردن برای سوریه برابر با هزینه کردن برای موجودیت حزب‌الله است. تضعیف یا حذف دولت اسد در سوریه، پیامدهای منفی برای امنیت حزب‌الله دارد. این پیامدها را می‌توان در چند بعد مشاهده کرد:

الف) یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت حزب‌الله مانند هر بازیگر دیگری در صحنه بین‌المللی - که همچنان اصل آنارشی و خودیاری بر آن حاکم است - تقویت توان نظامی است. با تغییر نظام سیاسی در سوریه، حزب‌الله پشتوانه نظامی بزرگی را از دست خواهد. وجود تحریم‌های مشترک برای حزب‌الله و سوریه، دوستی و توافق راهبردی میان آن‌ها را به همراه داشته است؛ بنابراین طبیعی است که آن‌ها به حمایت نظامی از یکدیگر پردازند. حمایت‌های سوریه در جنگ ۳۳ روزه یکی از اصلی‌ترین دلایل پیروزی حزب‌الله بر رژیم صهیونیستی بود. سوریه با

پشتیبانی اطلاعاتی و همکاری در ایجاد پست‌های شنود و دیده‌بانی حزب‌الله در امتداد مرز، سهم به سزایی در پیروزی مقاومت در جنگ سال ۲۰۰۶ داشت (کوردزمن، ۱۳۹۰: ۲۹۱).

سوریه به خوبی می‌دانست که اگر رژیم صهیونیستی در این جنگ به پیروزی برسد، هدف بعدی این حمله خواهد بود. حمایتی که سوریه در جنگ ۳۳ روزه از حزب‌الله به عمل آورد، در جریان بحران این کشور، انعکاس و پاسخ خود را گرفت.

ب) سوریه علاوه بر اینکه حامی مستقیم حزب‌الله است، کانالی برای حمایت‌های غیر مستقیم نیز محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل دشمنی رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن با سوریه، نقش دمشق به عنوان مسیر انتقال حمایت‌های سایر کشورها به حزب‌الله است. این در حالی است که آمریکا و متحدان اروپایی آن، سال‌هاست که به روش‌های مختلف تسلیحاتی و سیاسی از رژیم اشغال‌گر قدس حمایت می‌کنند تا به تجاوز نامشروع و غیرقانونی خود ادامه دهد.

ج) مسلط‌شدن تروریست‌ها بر سوریه به معنای حضور تروریست‌های تکفیری در همسایگی حزب‌الله بود. خطری که گروه‌هایی همچون داعش و جبهه النصره برای حزب‌الله داشتند، از خطر رژیم صهیونیستی کمتر نبود. گروه‌های سلفی - تکفیری که از وهابیت ریشه می‌گیرند، اساساً با موجودیت گروه‌های شیعی مانند حزب‌الله مخالفت دارند. نباید از یاد برد که در سطح منطقه، ((یوسف القرضاوی)) و ((عبدالعزیز بن عبدالله آل شیخ)) مفتی عربستانی، با ((حزب الشیطان)) نامیدن حزب‌الله، خواستار مبارزه با آن شدند.

❖ حفظ لبنان: یکی از اهداف حزب‌الله در زمان تشکیل، حمایت از لبنان در برابر

تهدیدات داخلی و تجاوزات خارجی بود. براساس راهبرد حزب‌الله، حمایت و حراست از لبنان، یکی از اصول اساسی این جنبش است. حزب‌الله، هم‌گرایی داخلی، مبارزه با هر تهدید خارجی با اهداف حراست از خاک لبنان و مردم آن را از اهداف و اصول خود قرار داده است؛ چنان‌که همواره بر اصل حفظ راهبرد دفاعی لبنان شامل حزب‌الله، ارتش و مردم تأکید داشته است. در واقع، امنیت لبنان یکی از خطوط قرمز حزب‌الله است. حزب‌الله با نگرشی باز توانسته است در کنار اعتقاد راسخی که به اسلام و تشیع دارد،

هویت لبنانی خود را حفظ کند و این موضوع، عامل موفقیت و نفوذ آن در جامعه لبنان است.

حزب الله همیشه تأکید کرده است که هر اقدامی - به جز تلاش در راه آرمان فلسطین - که در هر نقطه از جهان، چه در جهان عرب و کشورهای اسلامی و چه در سطح منطقه و فرا منطقه انجام می‌دهد، براساس مصالح و منافع ملی لبنان است و ورود خود را به سوریه نیز بر همین اساس تحلیل می‌کند. هر تحولی در سوریه تأثیر مستقیمی بر امنیت و ثبات لبنان دارد؛ به عبارت دیگر، شرایط اساسی سوریه کاملاً با امنیت لبنان گره خورده و امنیت و ثبات دمشق را نمی‌توان از لبنان جدا کرد. در صورت شکست سوریه در برابر تروریست‌ها و سلطه دشمنان مقاومت بر این کشور، حوزه امنیتی و سیاسی لبنان با تحولات گسترده‌ای همراه می‌شود. این در حالی است که پیروزی سوریه بر تروریسم و حامیانش، زمینه‌ساز تقویت مقاومت لبنان و کاهش تهدیدات در دو سطح داخلی و خارجی می‌شود.

بر این اساس، بحران سوریه از این جنبه برای لبنان تهدید داخلی به حساب می‌آید که شکست دولت سوریه برابر با تقویت جریان مخالف مقاومت در لبنان خواهد بود که حتی می‌تواند به بهره‌گیری دشمنان برای خلع سلاح مقاومت منجر شود. بر این اساس از جمله دلایل ورود حزب الله به سوریه، جلوگیری از اجرای سناریوی توطئه درگیری‌های داخلی در لبنان بود. با شکست معارضان سوریه، توطئه‌های داخلی خنثی شده و جریان غرب‌گرا و سعودی‌گرا در داخل لبنان در حاشیه قرار می‌گیرد؛ اما نتیجه‌ای که از عکس تحولات حاصل می‌شود، تقویت جریان‌های سیاسی غرب‌گرا از جمله فالانژها و ۱۴ مارس است که زمینه‌ساز سلطه آمریکا و عربستان سعودی بر لبنان خواهند شد.

سالم زهران، نویسنده و تحلیلگر سیاسی لبنانی و رئیس مؤسسه رسانه‌ای الارتکاز الاعلامی، وجود تناقض بین گفتار و کردار برخی گروه‌های سیاسی لبنانی را بخشی از سنت‌های موجود در لبنان می‌داند و می‌گوید: «همه لبنانی‌ها، حتی دشمنان حزب الله می‌دانند جنگیدن حزب الله در سوریه با تکفیری‌های تروریست به نفع لبنان است، اما بغض و کینه سیاسی باعث می‌شود این گروه‌ها هنوز هم حزب الله را از این نقطه، هدف آتش حملات خود قرار می‌دهند».

یکی از موضوعاتی که جریان تکفیری - تروریستی را برای امنیت داخلی لبنان خطرناک

می‌سازد، عضویت تعدادی از لبنانی‌ها در این گونه جریان‌هاست. ((مرکز بین‌المللی مطالعات افراط‌گرایی در دانشگاه ((کینگز کولدج)) لندن با استناد به صفحه‌های مربوط به گروه‌های جهادی در شبکه‌های اجتماعی توییتر و فیس‌بوک، پژوهشی را انجام داد که در آن به این نتیجه رسیده است که پنج کشوری که شهروندان آن‌ها بیشترین عضویت را در گروه‌های تروریستی دارند عبارت‌اند از: تونس، عربستان سعودی، اردن، لیبی و لبنان)) (ابراهیم، ۱۳۹۵: ۲۳۳). بازگشت هر یک از این اعضا به کشورهايشان به معنای کاهش ضریب امنیت و ثبات داخلی آن‌هاست؛ بنابراین رفتار حزب‌الله در برخورد با این جریان‌ها کاملاً منطقی است. از آنجا که این نوع رفتار، کاملاً مطابق با حفظ امنیت داخلی هر کشوری است، تنها مختص به حزب‌الله نیست؛ به‌طوری که روسیه نیز چنین دیدگاه و عملکردی در قبال اعضای چپ‌نی داعش داشت.

❖ مقابله با رژیم صهیونیستی:

حزب‌الله معتقد است ((موجودیت صهیونیسم مطلقاً بی‌پایه و باطل است؛ موجودیتی خشن، اشغالگر، تروریست و سرطانی که هیچ مشروعیت یا جایگاه حقوقی ندارد)) (موسوی و قهرمان‌پور، ۱۳۹۰: ۲۰۵). اولین و مهم‌ترین تهدید خارجی لبنان، رژیم غاصب صهیونیستی است. تاریخ رژیم اشغالگر صهیونیستی نشان داده است که هر وقت زمینه مناسبی برایش ایجاد شود، به لبنان و فلسطین حمله می‌کند؛ بنابراین، حذف دولت اسد در سوریه به معنای تضعیف حزب‌الله و مقاومت لبنان خواهد بود که به تسلط رژیم صهیونیستی بر مناطق جنوبی لبنان، رود لیطانی و منابع نفت و گاز سواحل سوریه و لبنان منجر خواهد شد. رژیم صهیونیستی، تغییر نظام سوریه را معادل با نابودی مقاومت می‌داند که نه تنها بقای این رژیم، بلکه اهداف منطقه‌ای آن را تأمین خواهد کرد. این در حالی است که با پیروزی بشار اسد بر معارضان داخلی و خارجی در سوریه، رژیم صهیونیستی از رسیدن به اهداف منطقه‌ای باز خواهد ماند که تأثیر بسیاری بر حفظ امنیت لبنان خواهد داشت. بر این اساس، حزب‌الله با دو هدف ((مبارزه با رژیم صهیونیستی برای حمایت از فلسطین)) و نیز ((مقابله با اهداف منطقه‌ای این رژیم))، ورود به جنگ سوریه را ضروری دانست. در واقع، ورود حزب‌الله به عرصه سوریه، ادامه مبارزه حزب‌الله با رژیم صهیونیستی تلقی می‌شود (رضوی و گودرزی، ۱۳۹۶: ۵۹).

❖ مبارزه با گروه‌های تکفیری:

گروه‌های تکفیری یکی دیگر از تهدیدهای جدی علیه حاکمیت و قلمرو سرزمینی لبنان هستند. جنگی که گروه‌های تکفیری در سوریه به راه انداختند، به آن کشور ختم نمی‌شود. حضور این گروه‌ها در مرزهای شرقی لبنان، به خصوص در مناطق قلمون، القصیر و یبرود و پایگاه‌هایی که در این مناطق ایجاد کرده بودند، نشان می‌داد که آن‌ها به لبنان نیز چشم دوخته بودند. بر این اساس دبیر کل حزب الله معتقد است: ((لبنان یکی از اهداف گروه‌های تکفیری است و این از ادبیات و سخنرانی‌هایشان مشخص است. ولی گفته‌اند لبنان امروز جبهه پشتیبان است، نه جبهه جهاد. اولویت سوریه است، سپس سراغ لبنان خواهیم آمد ... پس مسئله تنها زمان است؛ یعنی از منظر اعتقادی آن‌ها خواهند آمد و ما معتقدیم اگر امروز نیایند، فردا خواهند آمد. خودشان هم این را اعلام کردند و گفتند)).

محکم‌ترین دلیلی که می‌توان برای ادعای خود بیان کرد، اتفاق‌های داخلی این کشور است. کشف شبکه‌های تروریستی در داخل لبنان، بازداشت عماد یاسین، سرکرده داعش در اردوگاه عین الحلوه، کشته شدن ابو خطاب، مسئول نظامی داعش به همراه تعدادی از عناصر در منطقه القاع لبنان، حضور گروه‌های مسلح در مناطق خربه یونین، سهلات العجرم و وادی الخیل در جرود عرسال، چند نمونه از آمادگی گروه‌های تکفیری - تروریستی برای تخریب فضا و امنیت داخلی لبنان است؛ بنابراین، موضع و عملکرد واقع‌گرایانه در قبال فعالیت جریان‌های تکفیری در لبنان، کنترل و مهار آن در خارج از مرزهای این کشور است.

۲-۲- دلایل سیاسی:

❖ حفظ محور مقاومت:

حزب الله نه تنها خود را بخشی از استراتژی دفاعی لبنان، بلکه عضوی از جبهه مقاومت منطقه می‌شمارد که اهدافی کلان و گسترده را مدنظر دارد. جبهه مقاومت در تعریف اولیه شامل جمهوری اسلامی ایران، سوریه، حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی می‌شود. این جبهه با آغاز روند بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا و نیز تغییرات ایجادشده در عراق و یمن و نیز بیداری افکار عمومی جهان در قبال مسئله فلسطین، ابعاد گسترده‌تری یافت. مقاومت مردمی

عراق، جریان‌های مقاومتی و مردمی در یمن با محوریت انصارالله، گروه‌های جهادی در افغانستان و پاکستان که در چارچوب مدافعان حرم در سوریه ایفای نقش می‌کنند، ابعاد جدیدی از مقاومت را به نمایش گذاشتند. در کنار این مقوله، بیداری ملت‌های منطقه علیه ساختار استبدادی حاکم بر این کشورها و سلطه استعمارگران و البته اقدامات افکار عمومی جهان در حمایت از فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی را می‌توان به ترکیب جبهه مقاومت افزود. موفقیت‌ها و پیروزی‌های جبهه مقاومت موجب شد تا دشمنان آن به سمت طراحی و سیاست‌گذاری‌های گسترده برای مقابله با مقاومت روی آورند.

آنچه در طرح آمریکایی‌ها نمود یافت، این بود که آنان سناریوهای متعددی را برای مقابله و حذف مقاومت در منطقه اجرا کردند: سه جنگ علیه غزه (جنگ‌های ۸،۲۲ و ۵۱ روزه)، بحران‌سازی سیاسی و امنیتی در عراق (با محوریت تجزیه این کشور به سه منطقه شیعه، اهل سنت و کردی)، درگیرسازی حزب‌الله لبنان با گروه‌های تروریستی و اردوگاه‌های فلسطینی‌نشین، اعمال سنگین‌ترین فشارها و تهدیدها علیه جمهوری اسلامی ایران (به بهانه پرونده هسته‌ای)، انحراف قدرت‌یابی جریان اخوان المسلمین به پشتوانه ترکیه و قطر (که به سقوط دولت محمد مرسی در مصر و کاهش قدرت اخوان در تونس و لیبی منجر شد) و تلاش برای جایگزین کردن جریان‌های تکفیری به جای مقاومت اصیل برای ملت‌های منطقه.

مهندسی معکوس بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی و بهره‌گیری از گروه‌های تروریستی، ابزارهای غرب برای رسیدن به این مقصود بود. حذف سوریه به معنای از میان رفتن یکی از ستون‌های اصلی جبهه مقاومت که زمینه‌ساز تحقق سایر اهداف دشمنان، یعنی حذف سایر ارکان مقاومت می‌شد. سید حسن نصرالله قبل از حضور رسمی حزب‌الله در سوریه طی یک سخنرانی در ۳۰ تیر ۱۳۹۲ گفت: (سوریه کمر مقاومت است و ما اجازه نمی‌دهیم کمر مقاومت بشکند و با تمام توان از نظام محور مقاومت دفاع خواهیم کرد. دوستان منطقه‌ای و بین‌المللی سوریه اجازه نخواهند داد که این نظام به دست آمریکا و اسرائیل و گروه‌های تکفیری سقوط کند). با توجه به این شرایط، حزب‌الله ورود به عرصه مبارزه با تروریسم در سوریه را نه تنها موجب حفظ خود، لبنان و سوریه، بلکه آن را اقدامی در راستای حفظ سایر ارکان و هویت جبهه مقاومت می‌داند.

پیروزی ائتلاف دشمنان مقاومت بر سوریه ضمن اینکه حلقه واسط و یکی از ستون‌های اصلی جبهه مقاومت را با چالش مواجه می‌کرد، هزینه‌های بسیاری برای مقاومت در پی داشت. نکته بسیار مهم آنکه دستاوردهای حزب‌الله در سوریه، موجب تقویت نگاه مثبت ملت‌ها به مقاومت شد؛ به گونه‌ای که گرایش به گروه‌های تکفیری که غرب سعی داشت آن‌ها را در قالب مهندسی معکوس به ملت‌ها تحمیل کند، کاهش یافت و بسیاری از افراد، مقاومت را تنها گزینه برای برقراری امنیت در منطقه دانستند.

❖ جلوگیری از طرح‌های نظام سلطه:

طرح ((خاورمیانه‌ی بزرگ)) آمریکا، طرحی بر پایه لیبرالیسم بود که قصد داشت در منطقه تغییرات ریشه‌ای ایجاد کند. براساس این طرح که در نهایت به تجزیه برخی از کشورهای خاورمیانه منتهی می‌شد، باید ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تغییر می‌کرد. آشخور این طرح در نظریه کارشناسان و راهبردپردازان آمریکایی قرار دارد که معتقدند آمریکا باید دشمنان بالقوه و احتمالی خود را از میان بردارد. بنا بر تحلیل این کارشناسان، از جمله مهم‌ترین این دشمنان، اسلام و کشورهای اسلامی هستند. به همین دلیل آمریکایی‌ها در صدد لیبرالیزه کردن منطقه برآمدند، زیرا آن‌ها براساس یک نظریه قدیمی معتقدند کشورهای لیبرال با یکدیگر نمی‌جنگند. با این حال، طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا نتیجه موفقی نداشت. اصلی‌ترین دلیل عدم موفقیت این طرح، یک‌جانبه بودن آن است. به عبارت دیگر، این طرح منافع و عقاید کشورهای منطقه را در نظر نگرفت و تنها به منافع خود اندیشید؛ بنابراین، طبیعی است که کشورهای اصیل منطقه - و نه همه آن‌ها - در برابر آن مقاومت می‌کردند.

رهبران حزب‌الله لبنان به‌خوبی می‌دانند که تلاش برای سقوط نظام سیاسی سوریه، مرحله جدید طرح سلطه‌طلبانه آمریکا و حامیانش است و پس از گذر موفقیت‌آمیز آن، مرحله بعد آغاز خواهد شد؛ مرحله‌ای که به نام حزب‌الله ثبت شده است؛ بنابراین، تلاش حزب‌الله برای حفظ دولت سوریه، تلاشی منطقی و راهبردی است و در راستای حمایت از محور مقاومت صورت گرفته است (رضوی و گودرزی، ۱۳۹۶: ۶۸-۶۴).

۲-۳- دلایل ایدئولوژیکی:

حزب الله جنبشی شیعی است که براساس اصول اسلامی شکل گرفته است. این جنبش متعهد است که با هر آنچه که به این اصول لطمه بزند، به مقابله برخیزد. به عبارت دیگر، برای حزب الله دفاع از اسلام و به خصوص آموزه‌های شیعی مهم‌ترین هدف است. این در حالی است که قطع به یقین می‌توان گفت آنچه در سوریه اتفاق افتاد، تلاشی برای از بین بردن ذات اسلام و شیعه است؛ بنابراین، نگرش اعتقادی حزب الله مانع از انفعال آن در برابر تحولات سوریه می‌شد. مبارزه‌ای که حزب الله در این راستا آغاز کرد، چند بُعد داشت که شامل حمایت از جهان اسلام و شیعیان و حمایت از آرمان فلسطین می‌شد.

❖ حمایت از جهان اسلام و شیعیان:

یکی از محورهای اصلی برنامه‌های حزب الله، ((کارکرد جهان اسلامی)) آن است. براساس دیدگاه حزب الله، مقاومت نه تنها مسئول حفظ لبنان و مبارزه با صهیونیست و دشمنان مقاومت، بلکه مسئول حمایت از جهان اسلام نیز است. از نگاه حزب الله، هر اقدامی که علیه رژیم صهیونیستی و آمریکا و ایادی منطقه‌ای آن صورت گیرد، دستاوردی برای جهان اسلام است. در این چارچوب، در هر نقطه از جهان که مسلمانان هدف ظلم قرار گیرند، مقاومت و حزب الله خود را به حمایت از آن ملزم می‌داند.

یکی از عواملی که امروز اسلام را از درون تهدید می‌کند، ترویج و گسترش وهابیت است. این تفکر هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم به اسلام ضربه می‌زند. ضربه مستقیم آن از طریق نظراتی است که علیه دیدگاه‌های ناب اسلامی ارائه می‌دهد و مسلمانان را با شک و تردید مواجه کرده و چندپاره می‌کند. از طرف دیگر، از نظر وهابیت انسان‌ها به دو گروه مؤمنان و کفار تقسیم می‌شوند. این تقسیم‌بندی باعث تکفیر شده و این تکفیر نیز رفتارهای خشونت‌آمیز را به دنبال دارد که چهره و وجهه اسلام را نزد غیرمسلمانان تخریب می‌کند و این چنین به صورت غیرمستقیم به اسلام ضربه می‌زند.

از جمله مهم‌ترین نتایج شکست احتمالی دولت سوریه در جنگ با تروریسم، گسترش تعالیم وهابیت از طریق جریان‌های وهابی است؛ نکته مهم‌تر این است که این مسئله منحصر به سوریه

نخواهد بود و کل منطقه را در بر خواهد گرفت و در نهایت به نابودی اسلام ناب محمدی (ص) منجر می‌شود. با تسلط وهابیت در منطقه، هیچ یک از شیعیان دوازده امامی، علوی‌ها، زیدی‌ها و حتی سنی‌های میانه‌رو در امان نخواهند بود؛ بنابراین، نه تنها حزب‌الله، بلکه همه گروه‌های مسلمان باید تمام تلاش خود را در مبارزه با وهابیت نه تنها در سوریه، بلکه در هر نقطه از جهان به کار گیرند.

بر این اساس، حزب‌الله خود را ملزم به دفاع از جان و مال و عزت شیعیان می‌داند. رفتار غیر انسانی وهابیون در قبال شیعیان، موضوع جدیدی نیست. کشتاری که این فرقه علیه شیعیان در عراق انجام دادند، از خاطره‌ها پاک نشده است و اکنون نیز نمایندگان آن‌ها در جریان بحران سوریه، این راه را ادامه می‌دهند. ساکنان بسیاری از مناطق مرزی لبنان و سوریه شیعه هستند و به‌رغم اینکه در خاک سوریه قرار دارند، اما تبعه لبنان هستند. کشتاری که گروه‌های تکفیری در این مناطق علیه شیعیان انجام دادند، خشونت‌آمیز و بی‌رحمانه بود. آن‌ها به خود اجازه می‌دادند که مردم را ذبح کنند و از هر فرصتی برای ضربه‌زدن به روح و روان و جان و مال شیعیان استفاده می‌کردند. این در حالی بود که یکی از عوامل شکل‌گیری حزب‌الله، دفاع از حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان بود؛ بنابراین، طبیعی بود که حزب‌الله به‌عنوان گروهی شیعی علیه ظلم و ستم به هم‌کیشان خود اقدام کند. علاوه بر این، یکی از مظاهر دفاع از حقوق شیعیان در قاموس حزب‌الله، حفظ احترام اماکن مقدس آن‌هاست. از مهم‌ترین دلایلی که حزب‌الله را ملزم به ورود به سوریه کرد، حفاظت از این اماکن مقدس به‌ویژه حرم حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) بود.

❖ حمایت از آرمان فلسطین:

فصل دوم از اساسنامه حزب‌الله به لبنان اختصاص یافته است و تلاش شده که ابعاد داخلی و خارجی حزب‌الله در همین فصل گنجانده شود. به این معنا که حزب‌الله براساس منافع ملی در کشورهای عربی و اسلامی و یا برخی دیگر از نقاط جهان فعالیت می‌کند؛ اما در این میان آرمان فلسطین مستثنا شده است؛ زیرا اشغال فلسطین و تلاش برای آزادی آن، ذاتاً برای حزب‌الله حائز اهمیت است. از نظر حزب‌الله نه تنها مبارزه مسلحانه مردم فلسطین علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی مشروع است، بلکه حق آن‌ها است. حمایت از حقوق قانونی و مشروع ملت فلسطین به‌عنوان ملتی

مظلوم و مسلمان در کنار مبارزه با دشمن مشترک باعث می‌شود که حزب الله در کنار آنها بایستد و برای تغییر وضعیت موجود مبارزه کند.

از نظر حزب الله وضعیت موجود منطقه، وضعیتی ساختگی است. آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایجاد زمینه‌های درگیری‌های داخلی در منطقه و بحران آفرینی، کشورهای منطقه را به امور خود مشغول کرده‌اند که تا حدودی هم موفق شده‌اند. هدف از این مشغولیت، فراموش کردن قضیه فلسطین و خطر رژیم صهیونیستی و بی‌توجهی به آن است. با این اتفاق، فضا برای تنفس این رژیم باز می‌شود. برخلاف کشورهای عربی سازش کار که آرمان آزادسازی فلسطین را رها کرده‌اند، سوریه همچنان در راستای این موضوع قدم بر می‌داشت و حمایت معنوی و کمک‌های آن به فلسطینیان همواره وجود داشته است؛ بنابراین، تغییر دولت سوریه، یکی از مدافعان آرمان فلسطین را از بین می‌برد. این در حالی است که دستاوردهای حزب الله، موجب تقویت روحیه مقاومت فلسطین و در عین حال، آگاهی ملت‌های منطقه از توطئه‌های رژیم صهیونیستی در منطقه شده است که نتیجه آن، گسترش بیداری ملت فلسطین در اجرای انتفاضه (سال ۲۰۱۵ به بعد) و تقویت حمایت‌های ملت‌های منطقه از فلسطین بوده است.

۳- عملیات‌های حزب الله در سوریه

همان‌طور که در بخش پیشین به دلایل و یا به تعبیری اهداف ورود حزب الله در عرصه جنگ سوریه اشاره شد، حزب الله برای تحقق اهداف مورد نظر خود چندین عملیات نظامی مهم و استراتژیک در طول جنگ سوریه انجام داد.

حزب الله چهار نوع مأموریت نظامی را در سوریه انجام می‌دهد:

- ❖ مأموریت آموزشی برای نیروهای نظامی و غیرنظامی سوریه در مناطق شهری و عملیات ضد شورش؛
- ❖ مأموریت مستشاری در نبرد برای نیروهای نظامی و غیرنظامی؛
- ❖ عملیات ایجاد سپرهای حمایتی؛
- ❖ عملیات مبارزاتی مستقیم در میادین نبرد، مانند قصیر، قلمون و

عملکرد حزب الله در حوزه نظامی در قالب مبارزه با تروریسم، بازگشایی مناطق استراتژیک همچون قنیطره و قلمون برای ارسال کمک‌ها و تسلیحات به سوریه، مقابله و پاسخ‌گویی به تجاوزات رژیم صهیونیستی به لبنان صورت گرفت. نمونه بارز این اقدامات نظامی حزب الله را می‌توان در منطقه قلمون و قنیطره، به‌ویژه در محاصره حلب به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه تروریست‌ها مشاهده کرد. در مجموع از زمان ورود حزب الله به بحران سوریه، چندین عملیات توسط نیروهای حزب الله با همکاری ارتش سوریه به انجام رسید:

۳-۱- عملیات القصیر:

نبرد القصیر به مدت ۱۸ روز از ۱۹ مه ۲۰۱۳ به‌طور مشترک میان ارتش سوریه و حزب الله در شهر القصیر علیه معارضین سوری از جمله ارتش آزاد و جبهه النصره در گرفت و نهایتاً به آزادی آن انجامید. پیروزی در القصیر، جنبه راهبردی داشت؛ زیرا امکان ارتباط حمص و دمشق و نیز تقویت حاکمیت بر حمص را ایجاد می‌کرد. به‌علاوه، باعث مرتبط ساختن نیروهای ارتش به ساحل دریای مدیترانه و بندر طرطوس می‌شد. در همین راستا، حزب الله نیز می‌توانست حامیانش در لبنان را در برابر حمله‌های معارضه، مورد حمایت بیشتری قرار دهد. همچنین القصیر، راه مواصلاتی اصلی برای کمک‌رسانی و تقویت نیروی معارضه از لبنان بود. از این‌رو حزب الله با حضور در این عملیات، نقش مهمی در یک پیروزی راهبردی ایفا کرد.

۳-۲- عملیات قلمون:

عملیات سه مرحله‌ای فتح کامل منطقه قلمون، بزرگ‌ترین دستاورد نظامی از زمان آغاز بحران در این کشور بود که پیامدهای زیادی را در معادلات داخلی و منطقه‌ای داشت. بعد از انفجارهایی که با خودروهای بمب‌گذاری شده در ضاحیه جنوبی بیروت انجام شد، تحقیقات امنیتی حزب الله لبنان و ارتش این کشور نشان داد که تمامی کارگاه‌ها و عناصر بمب‌گذاری خودروها و اعزام آن‌ها به لبنان در منطقه قلمون، به‌ویژه بخش‌های النبک و بیروت مستقر هستند. از این‌رو حزب الله لبنان تصمیم بزرگ خود را برای ورود به معرکه قلمون گرفت؛ زیرا این منطقه را تهدیدی موجودیتی برای خود و محور مقاومت در لبنان می‌دانست. به‌این‌ترتیب بود که عملیات قلمون آغاز شد و نقشه‌ها و برنامه‌های نظامی از جمع‌آوری اطلاعات گرفته تا رصد و نظارت بر

منطقه با هواپیماهای بدون سرنشین صورت گرفت. اطلاعات موجود نشان می‌داد که جبهه النصره قوی‌ترین و خطرناک‌ترین جریان در قلمون است. عملیات نظامی بعد از جمع‌آوری اطلاعات به چهار مرحله تقسیم شد:

مرحله اول از عملیات آزادسازی قلمون آغاز شد، بعد از آن پیشروی‌های تا دیر عطیه و النبک ادامه پیدا کرد. آزادسازی النبک نقطه عطفی در طول این مبارزات بود؛ زیرا مملو از انبارهای سلاح و بمب بود. در این منطقه ۱۲ انبار وجود داشت که بیشتر از سلاح‌هایی که عناصر مسلح از انبارهای تسلیحاتی سوریه مصادره کرده بودند، علاوه بر توپ‌های مختلف در آنجا نگهداری می‌شد. شورشیان از این ادوات برای بمب‌گذاری خودروها و تهیه‌کردن بمب‌های مختلف استفاده می‌کردند.

مرحله دوم عملیات النبک بود که این منطقه به تصرف ارتش سوریه درآمد. در این منطقه تعدادی خودروی بمب‌گذاری‌شده به دست نیروهای ارتش و حزب الله افتاد. بعد از آن، تأمین امنیت مسیر حمص به دمشق و تسلط بر تمام بخش‌های این مسیر از النبک گرفته تا دیر عطیه و قاره در دستور کار قرار گرفت.

مرحله سوم عملیات از یبرود آغاز می‌شد که کانون اصلی برنامه‌ریزی‌های نظامی شورشیان سوری بود. تصرف یبرود، دومین نقطه عطف طرح نظامی ارتش سوریه و حزب الله بود. یبرود شهری بود که تمامی نیروهای ضدسوری روی آن حساب می‌کردند. جبهه النصره مدعی بود که یبرود را به قبرستان نیروهای حزب الله تبدیل خواهد کرد.

چهارمین مرحله از طرح عملیات حزب الله و ارتش سوریه، فتح رنکوس بود که به فروپاشی کامل تروریست‌ها در قلمون منجر شد.

به این ترتیب عملیات نظامی در قلمون به پایان رسید و عناصر مسلح به سمت عرسال، دشت‌های رنکوس، منطقه الزبدانی، جرود و بلودان فرار کردند. قلمون آزاد شد و حزب الله بر ۳۰ گذرگاه که بیشتر از سوی تروریست‌ها برای انتقال سلاح و عناصر تروریست و خودروهای بمب‌گذاری‌شده استفاده می‌شد، تسلط یافت؛ گذرگاه‌هایی که از القصیر تا رنکوس امتداد داشت. این معرکه پیامدهای مهمی بر موازنه‌های قدرت داخلی و منطقه‌ای به جا گذاشت.

۳-۳- عملیات ریف دمشق:

عملیات مهم دیگری که با مشارکت نظامی حزب الله صورت گرفت، به عملیات ((ریف دمشق)) موسوم است که از اواخر آوریل تا مه ۲۰۱۶، به طول انجامید. این عملیات، در استان ریف دمشق صورت گرفت و به سطره ارتش بر نوار جنوبی غوطه شرقی منتهی شد که در دست معارضان قرار داشت. این امر زمانی انجام گرفت که میان معارضه، درگیری های وسیعی در غوطه شرقی در گرفت که ۵۰۰ نفر از آن ها را به کشتن داد. یکی از مهم ترین اهداف عملیات ریف دمشق، آزادسازی شهرک زبدانی در استان ریف دمشق بود. نزدیکی این شهرک به مرزهای لبنان و دمشق، آن را واجد اهمیت راهبردی کرده است؛ که پس از آغاز بحران در سوریه، شهرک زبدانی از جمله مناطقی بود که گروه های مسلح معارضی که از مرزهای لبنان وارد سوریه می شدند، در آن پایگاه ایجاد می کردند و استقرار می یافتند. حزب الله در این گونه عملیات ها هدف راهبردی را دنبال می کرد که با دلایل ورودش به سوریه نیز مطابق بود. حزب الله تلاش می کرد مناطق نزدیک به مرزهای لبنان و مشرف بر آن را از کنترل گروه های تروریستی خارج کند تا از این طریق کم ترین آسیب به مناطق لبنان وارد شود.

۳-۴- عملیات حلب:

شهر حلب در شمال سوریه و دور از مرزهای لبنان قرار دارد. عملیات ارتش سوریه در این شهر از پشتوانه نیروی هوایی روسیه برخوردار بود. حزب الله در چارچوب حمایت از سوریه و مبارزه با تروریسم در این عملیات حضور یافت که نقش بسیار مهمی در محاصره تروریست ها در منطقه و آزادسازی نهایی حلب ایفا کرد. نصرالله در تبیین اهمیت نبرد حلب و طرح دشمنان سوریه برای این شهر گفت: ((ما در برابر مرحله ای جدید از طرح های جنگی ضد سوریه قرار داریم. دفاع از حلب، دفاع از بقیه سوریه و دفاع از دمشق، لبنان، عراق و اردن است)).

آزادسازی شهر حلب در سوریه، با توجه به اهمیت استراتژیک آن، یکی از اهداف نظام سوریه بود و به همین دلیل حزب الله به صورت مستقیم در آن مشارکت کرد. به طوری که به عنوان مثال، منابع روسیه از افزایش نیروهای حزب الله و واحدهای رزمی آن در سوریه تا حدود یک و نیم برابر خبر دادند. هدف از این اقدام، استقرار نیروهای بیشتر در حلب و سپس متوجه شدن آن به

سمت ادلب بود. منابع روسی، از جمله روسیه الیوم، تعداد این مبارزان را حدود ۵ هزار نفر برشمردند.

۴- تاکتیک‌های رزمی حزب الله لبنان قبل از ورود به سوریه

حزب الله لبنان از ابتدای تأسیس خود به عنوان یک نیروی نامتقارن در عرصه ملی و منطقه‌ای ایفای نقش کرده است و از این منظر در بررسی مدل رزم این جنبش، باید مطالعات ذیل را مدنظر قرار داد. در واقع با تبیین دقیق تاکتیک‌های رزم حزب الله در دوره قبل از ورود به بحران سوریه است که می‌توانیم تأثیرات کنشگری حزب الله در جنگ سوریه را روی تاکتیک‌های رزمی این جنبش درک کنیم.

در کارنامه عملکرد حزب الله لبنان دو نکته قابل تحمل است:

۴-۱- آمیزه‌ای ممتاز از دو روش نبرد نامنظم و نبرد منظم:

حزب الله لبنان به خوبی توانست آمیزه‌ای مناسب از دو روش جنگی را در عرصه عمل به نمایش درآورد. این جنبش از روش ابداعی خود که متناسب با شرایط جنگی ایشان در هم‌آوردی با رقیبی که از حیث تعداد نیروی انسانی و کیفیت نیروی فناوری و تجربه درازمدت در جنگ منظم بر آنان برتری داشت، بهره می‌برد. رزمندگان مقاومت اسلامی با تسلیحاتی که در اختیار داشتند (همچون موشک‌های کاتیوشا که در آن زمان بهترین سلاح جنگی حزب الله به شمار می‌رفت)، از تاکتیک‌های جنگ نامنظم از جمله فریب، غافلگیری، تله‌گذاری و دورزدن دشمن از پشت سر به همراه شلیک‌های رگباری از هزاران موشک دوش‌پرتاب به سنگرهای مقابل دشمن در مرز استفاده می‌کردند. این اقدامات با دقت بسیار بالایی صورت می‌گرفت تا واحدهای شناسایی هوایی دشمن نتوانند اقدام به شناسایی مکان و نقطه آغاز این عملیات‌ها کنند (بلقزیز، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

۴-۲- استفاده از عملیات‌های روانی علیه ارتش رژیم صهیونیستی:

حزب الله لبنان به رهبری سید حسن نصرالله توانسته بود تا علاوه بر مقابله نظامی با ارتش رژیم صهیونیستی، عملیات‌های روانی نیز علیه جامعه اسرائیلی رقم بزنند. سید حسن نصرالله، رهبر مقاومت اسلامی لبنان به عنوان سخنوری بسیار ماهر شناخته شده‌اند که در برخی صحنه‌ها ماهرانه و بسیار حرفه‌ای به درون جنگ روانی راه پیدا می‌کنند، چه در جنبه‌های تثبیت روحیه دوستان خود و

چه در راستای تخریب روحیه دشمن. سید حسن نصرالله در مواقع لزوم علاوه بر عملیات روانی علیه سربازان اسرائیلی، از طریق شبکه تلویزیونی المنار اقدام به تضعیف روحیه جامعه صهیونیستی می‌کرد، به‌عنوان مثال در مواقعی که جنازه سربازان رژیم صهیونیستی روی زمین تلنبار می‌شد و یا تانک‌های ارتش این رژیم منفجر و قطعه‌قطعه می‌شد، اعلام می‌کرد که آماده است تا همچنان به نبرد ادامه دهد. از جمله سخنانی که در میان سربازان رژیم صهیونیستی و شهرک‌نشینان اسرائیلی ترس ایجاد می‌کرد عبارت بود از: «ما مجاهد هستیم و آمادگی کامل داریم برای هر نوع جان‌فشانی» (محبوب، ۱۳۹۱: ۲۳۰).

صفت صداقت سید حسن نصرالله در عملیات‌های ((الوعد الصادق)) که به موجب آن هر سخن و پیش‌بینی وی درست از آب در می‌آمد، موجب می‌گردید تا ایشان حتی در بین مردم جامعه رژیم صهیونیستی نیز به ((شیخ راست‌گو)) معروف شوند. اطمینان قلبی دادن سید حسن نصرالله به مردم لبنان مبنی بر عدم توانایی رژیم صهیونیستی در حمله دوباره به خاک لبنان نیز نشان از قدرت و توانمندی این جنبش در مقابل رژیمی بود که میزان امکانات و تجهیزات آن در جنگ سال ۲۰۰۶ برابر بود با میزان تجهیزات و تسلیحات به کار برده‌شده در تمام جنگ‌های رژیم صهیونیستی با اعراب (پاشاپوریوالاری، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

۳-۴- سازمان نظامی کوچک، حرفه‌ای و راهبردی:

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مادی حزب‌الله، برخورداری از یک سازمان رزمی و نظامی کوچک، حرفه‌ای و راهبردی است. همچنین حزب‌الله در قالب یک سازمان چریکی قدرتمند، از توانایی کاملاً تأثیرگذاری در به‌کارگیری و اجرای روش‌ها و شیوه‌های جنگ‌های نامنظم برخوردار است. این ویژگی به‌شدت بر عملکرد حزب‌الله در درگیری‌های نظامی تأثیرگذار بوده است. از سوی دیگر شکی نیست که قدرت تأثیرگذارنده حزب‌الله مرهون رادیکالیسمی است که این حزب اعمال می‌کند. حزب‌الله توانسته است ضمن حفظ روحیه رزمی و دفاعی نیروهای خود، آن‌ها را در بالاترین سطح حرفه‌ای آموزش داده و این سطح از آمادگی، آن‌ها را به نیروهای راهبردی تبدیل کرده است که می‌توانند به همه راهبردهای نظامی و دفاعی منطقه خاورمیانه تأثیرگذار باشند. در این حوزه، بهره‌وری حزب‌الله بسیار مورد توجه است. سازمان نظامی حزب‌الله

در مقابل ارتش رژیم اشغالگر از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین تسلیحات متعارف جنگی بهره می‌برد، اما با به کارگیری شیوه جنگ نامتقارن، این تسلیحات ساده و ابتدایی در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ ارتش رژیم اشغالگر قدس را وادار به عقب‌نشینی کردند (جهان‌فر، ۱۳۹۰: ۵۰).

۴-۴- راهبرد جنگ نامتقارن:

در جنگ نامتقارن، نوع و سطح تجهیزات مورد نظر نیست؛ بلکه شیوه استفاده از آن‌ها و مدیریت زمان و مکان بسیار اهمیت دارد. به جای تأکید بر نوع و توان تسلیحات، به عامل انسانی به عنوان استفاده‌کننده و تعیین‌کننده راهبرد جنگ تأکید می‌شود. جنگ رژیم صهیونیستی علیه حزب الله نبردی نابرابر و نامتجانس محسوب می‌گردد که در گونه‌شناسی منازعات خشونت‌آمیز، جنگ نامتقارن به شمار می‌رود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۵۹). عملکرد رزمی و فنی حزب الله در این جنگ به قدری چشمگیر بود که حتی ((ارتش رژیم صهیونیستی از فتح سنگرهای مستحکم نیروهای مقاومت در چند صد متری مرز لبنان با فلسطین اشغالی عاجز بود و پس از یک ماه نبرد نتوانست بنت جبیل و عیتا الشعب را اشغال کند و این همان ارتشی بود که ظرف چند روز می‌توانست مساحتی وسیع‌تر از کل لبنان را اشغال کند)) (بلقزیر، ۱۳۸۹: ۱۸۲). حزب الله توانست در جنگ ۳۳ روزه از ساده‌ترین تجهیزاتی که در اختیار دارد به شیوه مؤثر و در یک فرآیند کنترل و هدایت صحیح استفاده نموده و به پیروزی برسد.

۵- تغییرات در تاکتیک‌های رزمی حزب الله لبنان بعد از حضور نظامی در سوریه

به اعتبار اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان سیاسی و نظامی، کنشگری حزب الله در جنگ سوریه فرصت‌های بی‌شماری را پیش روی این جنبش قرار داد و کادر رهبری و اعضای این جنبش در طول نبرد با مسلحین و گروه‌های تروریستی، تجربیات رزمی بسیار گران‌بهای را کسب نمود که در نهایت با کاربست آن‌ها در تاکتیک‌های رزم حزب الله، توانسته‌اند در حال حاضر این جنبش را به عنوان یک کنشگر نامتقارن و بلامنازع در عرصه معادلات سیاسی و نظامی منطقه غرب آسیا قرار دهند. نویسندگان این مقاله بر این باورند که تاکتیک‌های رزمی حزب الله در طول جنگ سوریه دچار تغییرات زیادی شده که در نهایت بر اثربخشی این جنبش در تعیین روندهای سیاسی و نظامی منطقه در حال و آینده تأثیرگذار بوده است.

۵-۱- توانمندی‌های فنی و تسلیحاتی نوین:

موشک مهم‌ترین توانمندی تسلیحاتی حزب‌الله است که می‌توان از آن به‌عنوان پایه بازدارندگی این جنبش یاد کرد. شیخ نعیم قاسم، معاون سید حسن نصرالله در این مورد گفته است: ((صهیونیست‌ها به‌خوبی می‌دانند که حزب‌الله موشک‌های نقطه‌زن را در اختیار دارد و به علت امکاناتی که حزب‌الله به دست آورد و حمایت‌های جمهوری اسلامی و آمادگی حزب‌الله برای هر جنگ آینده، این جنگ برای اسرائیلی‌ها سخت‌تر خواهد بود)) (قاسم، ۱۳۹۳). نصرالله هم در سال ۱۳۹۳ در این مورد گفت: ((موشک‌های فاتح ۱۱۰ مدت‌هاست به دست ما رسیده است. در سال ۲۰۰۶ هم این موشک‌ها را داشتیم و خبر تازه نیست، این مسائل قدیمی شده‌اند. موشک‌های فاتح ۱۱۰ نسبت به موشک‌هایی که اکنون در اختیار داریم، بسیار قدیمی هستند. آنچه اکنون حزب‌الله در اختیار دارد، به‌اندازه‌ای است که حتی اسرائیل تصور آن را هم نمی‌تواند بکند)) (المیادین، ۲۰۱۵). این اظهارات با بیان دیگر از سوی مقامات و رسانه‌های رژیم صهیونیستی نیز تکرار شده است که نشانه معتبر تلقی‌شدن تهدیدات در حزب‌الله از سوی طرف مقابل است. حزب‌الله لبنان، سامانه‌های پیشرفته از موشک‌های زمین به زمین را در اختیار دارد و با وجود اینکه استفاده از این موشک‌ها نکته تازه‌ای نیست، اما حجم و میزان تخریب این موشک‌ها و قدرت حزب‌الله برای دستیابی به آن‌ها طی سال‌های اخیر بسیار گسترده‌تر شده است؛ به‌گونه‌ای که در حال حاضر این حزب لبنانی، ده‌ها برابر تجهیزاتی را که در آستانه جنگ ۳۳ روزه در اختیار داشت، در دست گرفته است. ارزیابی‌های نظامی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که حزب‌الله لبنان بالغ بر ۱۳۰ هزار موشک از انواع مختلف در اختیار دارد که بخش‌های متنوعی را شامل می‌شود. موشک گراد با برد ۴۰ کیلومتر، موشک زلزال با برد ۲۰۰ کیلومتر، فاتح ام ۱۱۰ با برد ۲۵۰ کیلومتر و موشک‌های فجر ۷۵ کیلومتری از انواع موشک‌هایی است که حزب‌الله در اختیار دارد. حزب‌الله لبنان از قدرت متنوع و بالایی در پرتاب موشک‌ها نظیر سکوها‌های پرتاب موشک در مواضع مستحکم زیرزمینی و سکوها‌های متحرک نصب‌شده روی کامیون‌ها برخوردار است و در جنگ آینده می‌تواند روزانه بالغ بر ۱۵۰۰ موشک به سرزمین‌های اشغالی شلیک کند. این در حالی است که تعداد این موشک‌ها در جنگ ۳۳ روزه تنها ۲۰۰ موشک بود (رضوی و گودرزی، ۱۳۹۶: ۱۰۴). الیاس حانا، ژنرال بازنشسته لبنانی و مدرس دانشگاه آمریکایی بیروت در این زمینه معتقد است: ((حزب‌الله در

سال ۲۰۰۶، یک گروه شبه‌نظامی بود، اما اینک ارتشی کلاسیک است. حزب‌الله لبنان ۱۰ سال قبل، ۴ هزار موشک کوتاه‌برد را به رژیم صهیونیستی شلیک کرد، اما اینک این گروه، ۱۰۰ هزار راکت چون جنگ‌افزارهای برد متوسط با کلاهک‌های جنگی بزرگ‌تری دارد که قادرند هر نقطه از رژیم صهیونیستی را مورد هدف قرار دهند)). روزنامه اسرائیل الیوم در سال ۲۰۱۳ در گزارشی با نام ((حزب‌الله ۲۰۱۳)) به بررسی قدرت این جنبش، هفت سال بعد از جنگ ۳۳ روزه پرداخته است. پیشرفت تعجب‌آور توان موشکی حزب‌الله یکی از موارد بررسی این روزنامه است (بدیر، ۲۰۱۳). نشانه‌ها و اظهارات پرشماری وجود دارد که بیانگر پذیرش قدرت موشکی حزب‌الله از سوی رژیم صهیونیستی است، اما به نظر می‌رسد آنچه که عاموس یادلین رئیس پیشین اطلاعات ارتش رژیم صهیونیستی مطرح کرده، نظری راهبردی‌تر و حساسیت‌برانگیزتر برای اسرائیل است: ((تعداد موشک‌های حزب‌الله مهم نیست، مهم این است که حزب‌الله پیوسته در حال بهبود دقت موشک‌های دوربرد خود بوده و توانایی آن‌ها را در حمل کلاهک‌ها افزایش می‌دهد. چنین موشک‌هایی می‌توانند مرکز جمعیتی و تأسیسات استراتژیک اسرائیل را هدف قرار دهند)). از سخنان بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در مجمع عمومی سازمان ملل می‌توان فهمید که حزب‌الله، موفق به انتقال سلاح‌های رزمی پیشرفته از سوریه به لبنان شده است که شامل موشک‌های زمین به زمین دقیق و موشک‌های ضد هوایی از نوع ((اس ای ۲۲)) و موشک‌های ساحل به دریا از نوعی ((یاخونت)) است.

واقعیت این است که اطلاعات اسرائیل از کمیت و کیفیت موشک‌های حزب‌الله، تنها براساس برآوردهایی است که از دقت بالایی برخوردار نیستند. به همین دلیل، یکی از مقامات ارشد اطلاعات ارتش اسرائیل، شناخت این ارتش از توان موشکی حزب‌الله را به مشاهده قله کوه یخی تشبیه کرد که بخش عمده آن در زیر آب بوده و قابل مشاهده نیست.

طبیعی است که چنین تصویری به معنای آن است که اسرائیل توان نظامی که زمینه‌ساز توان تهدید حزب‌الله است را در برآوردهای خود لحاظ کرده است. علاوه بر تقویت قدرت موشکی، حزب‌الله در دیگر حوزه‌های مورد نیاز برای نبرد نیز خود را مجهز کرده است. وقتی رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ به لبنان و حزب‌الله حمله کرد، این جنبش مجهز به پهپاد نبود؛ اما شش سال بعد، حزب‌الله پهپاد ایوب را در عملیات موفق رونمایی کرد. این پهپاد به بیان نصرالله:

((صدها کیلومتر را بر فراز دریا می‌پیماید، پدافند گنبد آهنین دشمن را پشت سر می‌گذارد، وارد جنوب فلسطین اشغالی می‌شود و در جنوب به موازات مرز، ده‌ها کیلومتر بر فراز تأسیسات و پایگاه‌های حساس و مهم گشت می‌زند تا اینکه در نزدیکی دیمونا توسط دشمن کشف و با دسته‌ای از هواپیماهای نیروی هوایی اسرائیل مواجه می‌شود که آن‌ها آن را سرنگون می‌کنند)) (نصرالله، ۱۳۹۱). ((ایوب)) در آن شرایط دو پیام معنادار داشت. یکی اینکه حزب‌الله به پهپاد مجهز شده است و دیگر اینکه ممکن است پهپادهای پیشرفته‌تری در اختیار داشته باشد (و یا به آن دست یابد) که علاوه بر توان جمع‌آوری اطلاعات، دارای قدرت هجومی نیز باشند. تل‌آویو با سیستم‌های راداری مجهز و پیشرفته، توان شناسایی ایوب را در ابتدا نداشت و پس از فیلم‌برداری و ارسال تصاویر از سوی ایوب، اسرائیل موفق به انهدام آن شد (ساسانیان، ۱۳۹۷: ۶۲-۳۵).

در همین زمینه روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست در گزارشی در خصوص ((توان نیروی مقاومت حزب‌الله لبنان)) نوشت: ((حزب‌الله اینکه یک قدرت نظامی منطقه‌ای با هزاران نیرویی است که با نبرد در میدان جنگ سوریه به نفع بشار اسد، رئیس‌جمهور این کشور منسجم‌تر نیز شده‌اند. نیروهای حزب‌الله به مجهزترین تسلیحات هوشمند در دسترس، همچون نسل چهارم موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک ((کورنت)) مجهز هستند. آن‌ها همچنین مجهز به پهپاد، توپخانه و تانک نیز هستند)).

۵-۲- کسب توانمندی‌های تاکتیکی جدید:

گذر زمان و حضور جنبش حزب‌الله در عرصه میدانی بحران سوریه، قابلیت‌های تاکتیکی آن را افزایش داده است. واقعیت امر این است که حضور در بحران سوریه از منظرهایی می‌تواند زمینه‌ساز تضعیف این جنبش شده باشد. به‌عنوان نمونه، این حضور موجب بازشدن آرایش نظامی حزب‌الله شده است که این امر می‌تواند امکان نفوذ نیروهای اطلاعاتی اسرائیل و همچنین فاش شدن برخی اسرار نظامی حزب‌الله را در پی داشته باشد. نشانه‌های آشکاری از این موارد بالقوه در دسترس نیست و بنابراین نمی‌توان در خصوص بالفعل‌شدن آن‌ها سخن گفت. بر این اساس، بعضی از تحلیلگران بر این باورند که جنگ سوریه، حزب‌الله را متزلزل کرده است. با این حال، کسانی که نزدیک به حزب‌الله هستند، استدلال می‌کنند که این گروه با حضور در بحران سوریه،

جنگنده‌تر از قبل شده است. برخی تحلیلگران غربی نیز این نظر را تأیید کرده‌اند. اندرو اگزوم یکی از مقامات سابق میز لبنان در وزارت دفاع آمریکا در این مورد معتقد است نبرد سوریه نسل جدیدی از مبارزان را در حزب الله تربیت کرده است.

حضور میدانی حزب الله در بحران سوریه، عمیقاً در تاکتیک‌های عملیاتی آن مؤثر واقع شده است. به طور مشخص، زمینه‌ساز کسب تجربه‌های آفندی، جنگ شهری و مدیریت عملیات‌های گسترده برای حزب الله بوده است. حزب الله در تمامی سال‌های مبارزه علیه رژیم صهیونیستی، از جنگ اول لبنان که در سال ۱۹۸۲ آغاز شد، مراحل نبرد برای آزادسازی جنوب لبنان و جنگ دوم که در سال ۲۰۰۶ رقم خورد، در کنار پرتاب موشک‌هایی که به مرور زمان پیشرفته‌تر و دقیق‌تر شدند، عملیات‌های زمینی پدافندی را در دستور کار داشت. به بیان دیگر، زمین عملیات حزب الله بیشتر مناطق لبنانی محسوب می‌شد که در اشغال اسرائیل بود یا این رژیم در پی حضور در آن بود. بر این اساس، حزب الله بیشتر در مقام دفاع بود؛ اما حضور میدانی در بحران سوریه، تجربه عملیات‌های آفندی را برای این جنبش فراهم کرده است. حزب الله پس از آزادسازی القصر در مناطق مرزی سوریه و لبنان در بهار ۲۰۱۳ که مهم‌ترین نقطه شروع برای حضور آشکار در بحران سوریه بود، در عملیات‌های گوناگونی از جمله آزادسازی حلب در سال ۲۰۱۶، آزادسازی دیرالزور و منطقه قلمون در سال ۲۰۱۷ و ... مشارکت داشته است. البته حضور در سوریه، تجربه تدافعی حزب الله را هم در مواجهه با حملات گروه‌های تروریستی تقویت کرد، اما تجربه آفند یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حزب الله از حضور در بحران سوریه بوده است. نصرالله این تجربه را این گونه بیان کرده است: «(مسئولان سیاسی و نظامی اسرائیلی در کنفرانس‌ها و انجمن‌های سال گذشته نیز بسیار درباره مقاومت لبنان و مشخصاً حزب الله و توان انسانی و مادی، پیشرفت امکانات و پیشرفت تجربه‌اش با نگرش به جنگ سوریه سخن گفتند و گفتند تجربه مقاومت لبنان دفاعی بود، امروز تجربه هجوم را نیز کسب کرده است)» (نصرالله، ۱۳۹۴).

تجربه دیگر حزب الله از صحنه میدانی بحران سوریه، مدیریت و راهبری عملیات‌های گسترده است. پیش از مشارکت در بحران سوریه، تجربه این جنبش در عملیات‌های زمینی که در قالب عملیات‌های چریکی صورت می‌گرفت، با تعداد افراد محدودی طراحی می‌شد. برخی کارشناسان

در این مورد اظهار داشته‌اند که تیم‌های اعزامی حزب‌الله در مناطق تحت قلمروی اسرائیل (اعم از جنوب لبنان در سال‌های اشغال) شامل ۵ تا ۱۵ رزمنده آموزش دیده بوده که در چند ساعت به اجرای عملیات طراحی شده پرداخته و به مقر خود باز می‌گشتند؛ در حالی که در بحران سوریه، حزب‌الله ضمن مشارکت در عملیات‌های بزرگ و طولانی، بعضاً فرماندهی صدها مبارز را در یک عملیات بر عهده داشته است. هماهنگی با نیروهای عملیاتی دیگر در یک عملیات واحد، تجربه دیگر حزب‌الله از جنگ سوریه است. علاوه بر این، به لحاظ شیوه راهبردی عملیات و تأمین نیازهای اطلاعاتی، حزب‌الله تجربه استفاده از پهپادهای شناسایی، ارتباط میان نیروهای حاضر در عملیات، تعاملات صحنه سیاسی و میدانی و ... را نیز در ابعاد وسیع‌تری تجربه کرده است. طبیعی است که به دلیل محدودیت‌های امنیتی و جغرافیایی، چنین تجربه‌ای در هیچ مانور نزدیک به واقعیت نمی‌توانست برای حزب‌الله رقم بخورد. تجربه دیگر حزب‌الله در بحران سوریه، دستیابی به مهارت‌های جنگ شهری است. جفری وایت یکی از مقامات اطلاعاتی سابق وزارت دفاع آمریکا در این مورد معتقد است حضور در سوریه دانش ارزشمندی از جنگ‌های نامنظم را در اختیار حزب‌الله قرار داده است. حضور مؤثر حزب‌الله در عملیات آزادسازی شهر حلب در سال ۲۰۱۶ و تلاش برای پاک‌سازی این شهر بزرگ، تجربه‌ای بی‌بدلیل را برای آن رقم زد (ساسانیان، ۱۳۹۷: ۶۲-۳۵).

تحلیل‌گران رژیم صهیونیستی تأکید دارند که حزب‌الله لبنان به یک ارتش کارآزموده تبدیل شده و در سایه جنگ شهری در سوریه، تجارب بالایی کسب کرده است. روزنامه صهیونیستی "هاآرتس" در مقاله‌ای به قلم عاموس هرئیل، تحلیلگر صهیونیست آورده است: ((حزب‌الله از تابستان سال ۲۰۱۲ میلادی به‌طور مؤثر در جنگ در سوریه مشارکت دارد و از انبارهای سلاح خود در خاک سوریه محافظت می‌کند و به تدریج از یک سازمان لبنانی پا را فراتر گذاشته و بسیار جلوتر رفته است)). این تحلیل‌گر صهیونیست با اشاره به دستاوردهای حزب‌الله در سایه حرکت اوضاع سوریه به نفع دولت این کشور و حضور نظامی روسیه افزود: حزب‌الله هم اکنون در اردوگاه کسانی قرار دارد که دست بالا را در جنگ دارند. همکاری دائم با فرماندهان ایرانی و نیز افسران روس، باعث بهبود قدرت جنگی حزب‌الله شده و تجربیات بسیار ارزشمندی را برای آن به

همراه آورده است. حزب الله لبنان در حال پیشرفته کردن قدرت رزمی و تهاجمی خود در سوریه است و در این خصوص حزب الله از تجربه حضورش در نبردی که روسیه هم در آن مشارکت دارد، در حال کسب تجربه است.

ژنرال مونی کاتس فرمانده سابق تیپ الجلیل و داف فولک پژوهشگر اسرائیلی طی یک مقاله‌ی مشترک در نشریه‌ی هاآرتص اعلام کردند که حزب الله لبنان برای اولین بار در تاریخ حزب الله، در انجام فعالیت‌های هجومی در چارچوب نبرد در سوریه است و به گفته این دو نفر حضور فزاینده روسیه که ابتدا با فعالیت جنگنده‌های نظامی روسیه در سوریه آغاز شده بود و به شمال سوریه در ماه آگوست منحصر شده بود، بعد از گذشت اندک زمانی این فعالیت‌های نظامی با افزایش شمار مستشاران نظامی روسیه برای ارائه مشورت‌های نظامی به ارتش سوریه افزایش پیدا کرده و رفته‌رفته این حضور روسی باعث افزایش تجربه نیروهای حزب الله خواهد شد و این حضور حزب الله سرانجام باعث خواهد شد تا حزب الله به تجربیات بزرگ خود در هر رویارویی آتی بیفزاید. این تجربه حزب الله در سوریه می‌تواند باعث تغییر نظر فرماندهان حزب الله برای تغییر وسیله فعال به منظور پیروزی در جنگ‌ها شود و حضور روسیه در این نبرد باعث می‌شود تا حزب الله تجارب جدیدی را از یکی از بهترین ارتش‌های جهان به دست آورد. هم اکنون اتاق‌های عملیاتی مشترک بین حزب الله و نظامیان ارتش روسیه در سوریه به وجود آمده است، این اتاق‌های عملیاتی در دمشق و لاذقیه تشکیل شده‌اند. هم اکنون حزب الله در حال بررسی اوضاع به گونه تفکر و تجربه افسران نظامی روسیه است، همان تجربه‌ای که ارتش روسیه در چچن به آن دست یافت و هم اکنون حزب الله در حال کسب تجربه نحوه مشارکت در نبردهای مربوط به مناطق پرجمعیت و ساختمانی است؛ مضافاً بر این حزب الله در حال انباشت تجربه برای استفاده از آن در جنگ‌های آتی با بهره‌گیری از امکانات نظامی است که تا پیش از این از آن بهره‌مند نبوده است.

۵-۳- مدیریت راهبردی و توان بازدارندگی:

یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که چندین بار از سوی سید حسن نصرالله نیز مورد اشاره قرار گرفته و با توجه به بحران سوریه، توان عملیاتی آن نیز از سوی حزب الله مثبت ارزیابی می‌شود، راهبرد الجلیل است (الحسینی، سپتامبر ۲۰۱۲). الجلیل منطقه و شهری در شمال فلسطین اشغالی

است که هم مرز با جنوب لبنان است. پایان راهبرد الجلیل از سوی حزب الله، آشکارا نشان از رویکرد پدافند این جنبش در صورت لزوم دارد. به بیان دیگر، حزب الله هرچند در حوزه موشکی در جنگ ۲۰۰۶ شهرها و روستاهای رژیم صهیونیستی را مورد هجوم قرار داد و از هدف گیری ((حیفا و ما بعد حیفا)) سخن گفت، اما در حوزه عملیات زمینی، رویکرد این جنبش بیشتر پدافندی بود. راهبرد الجلیل آشکارا سخن از ورود نظامی به ((الجلیل و ما بعد الجلیل)) می کند. الجلیل به دلیل دارابودن نزدیک به دو میلیون یهودی و با جمعیت عرب بسیار کم، گردشگری غیرمذهبی فعال، مناطق تفریحی، کارخانه ها و همچنین وجود پایگاه های نظامی مهم، از اهمیت زیادی برای رژیم صهیونیستی و حزب الله برخوردار است. نصرالله در سال ۱۳۹۱ در گفتگو با غسان بن جدو، مدیر شبکه المیادین، در این مورد گفت: ((اگر اسرائیل به ما حمله کند، ما به دفاع بسنده نخواهیم کرد. روزی به رزمندگان گفتیم که آماده باشید، شاید روزی بیاید که ما وارد الجلیل شویم. این مسئله هنوز هم به قوت خود باقی است و جزیی از گزینه های ماست)) (المیادین، ۲۰۱۲). وی در سال ۹۳ باز هم در مصاحبه با المیادین، از طرح پیشروی تا الجلیل و این بار ((ما بعد الجلیل)) سخن گفت: ((اینکه گفته شود آیا مقاومت به قدرتی تبدیل شده است که بتواند وارد الجلیل شود؟ می گویم بله، مقاومت هم اکنون به توانی دست یافته که بتواند وارد الجلیل شوند. هم اکنون مقاومت با تمام رزمندگان و افسران و توانایی های نظامی اش آماده هستند وارد الجلیل شوند)). او با اشاره به اشتباه محاسباتی دشمن و اینکه دخالت حزب الله در سوریه توان آن را کاهش داده، گفت: ((البته فراموش نکنید که من می گویم به بعد الجلیل هم می توانیم وارد شویم)) (المیادین، ۲۰۱۵).

اور هیلر، گزارشگر نظامی شبکه ۱۰ تلویزیون رژیم صهیونیستی در مورد اهمیت راهبرد الجلیل گفته است: بخش های ویژه دستگاه امنیتی ارتش اسرائیل به طور دائم تجربیات حزب الله در جنگ سوریه را مورد ارزیابی قرار می دهند و در همین چارچوب، ارتش سرگرم آماده شدن برای مقابله با توانمندی های حزب الله در جنگ آینده از جمله امکان نفوذ صدها رزمنده به شهرک ها و تسلط بر آن است (مواسی، ۲۰۱۶). حزب الله از زمانی که وارد بحران سوریه شده، تجربیات ارزشمندی در حوزه عملیات های آفندی و در قالب های چریکی، شهری و کلاسیک کسب کرده

و همین امر نگرانی صهیونیست‌ها را برانگیخته؛ چون می‌تواند در اجرای طرح الجلیل مؤثر واقع شود. واقعیت این است که استراتژی الجلیل را باید یکی از دستاوردهای بازدارنده و غیرمستقیم حزب‌الله از بحران سوریه تلقی کرد؛ چون این جنبش در این بحران توانست تجربه تهاجمی کسب کند. تجارب تاکتیکی که حزب‌الله از بحران سوریه فرا گرفته است، عمیقاً می‌تواند در خدمت راهبرد الجلیل قرار گیرند. چنین راهبردی در صورت تحقق، در چارچوب یک عملیات آفندی تحلیل می‌شود که نیازمند مهارت جنگ شهری، عملیات شناسایی دقیق از جمله با پهپاد، مدیریت و فرماندهی تعداد نیروهای بیشتری نسبت به عملیات‌های چریکی سابق و ... است. بر این اساس، به نظر می‌رسد راهبرد الجلیل به دلیل توانمندی‌های عملیاتی جدید حزب‌الله، برای رژیم صهیونیستی قابل پذیرش تر تلقی شده و بر این اساس، این راهبرد عملیاتی خاصیت بازدارندگی یافته است. لازم به ذکر است که راهبرد الجلیل در شرایطی از سوی حزب‌الله طرح شد که پیشتر تسلیح کرانه باختری و طرح ((غلاف غزه)) مطرح شده بود. طرح این سه گانه عملاً هزینه‌های امنیتی اسرائیل را افزایش داد. نصرالله گفته است که در صورت حملات سنگین رژیم صهیونیستی به لبنان و در حالی که تنها چند موشک برای حزب‌الله باقی مانده باشد - یعنی بدترین سناریو برای حزب‌الله و بهترین سناریو برای اسرائیل - همان تعداد کم از موشک‌ها می‌تواند جان صدها هزار اسرائیلی را به خطر اندازد (المیادین، ۲۰۱۲). چنین تلقی‌ای بیانگر آن است که حزب‌الله می‌کوشد تا در سطح حداکثری در مقابل قدرت هسته‌ای رژیم صهیونیستی بازدارندگی ایجاد کرده و برای مواجهه با آن و همچنین سایر ضربه‌های متعارف، طرحی برای افزایش قدرت بازدارندگی مطرح کند. البته امکان استفاده از سلاح هسته‌ای از سوی اسرائیل، بنا به دلایل زیادی ضعیف ارزیابی می‌شود. تهدید نصرالله مبنی بر هدف‌گیری مخازن آمونیاک در حيفا، همان چیزی است که تا حدی بازدارندگی نامتقارن حزب‌الله در مقابل توانمندی هسته‌ای رژیم صهیونیستی و توان حملات تخریبی را سامان می‌دهد.

دیرکل حزب‌الله در این مورد گفته است: ((صهیونیست‌ها از جنگ بعدی (احتمالی) می‌ترسند. می‌ترسند که مقاومت، مخزن‌های گاز در حيفا را که به مرگ و جراحت ۸۰۰ هزار نفر در این رژیم غاصب می‌شود، هدف بگیرد و معتقدند که آسیبی که از انفجار این مخزن‌ها ایجاد

خواهد شد، معادل یک بمب اتم است. از دید آنان، ما بمب اتم داریم!)) (مقاومت اسلامی لبنان، ۱۳۹۴). این تهدید حزب الله موجی از هشدارهای امنیتی و زیست محیطی را در اسرائیل ایجاد کرد. برای نمونه، سازمان اسرائیلی ((تسلول)) ویژه امور محیط زیستی، در اظهارنظری رسمی گفت که کارشناسان می گویند در صورتی که فقط ۲ هزار تن از آمونیاک ذخیره شده در این مخازن نشت پیدا کند، ده ها هزار نفر کشته و تعداد بالایی زخمی می شوند و اگر این موضوع عملی شود، اسرائیل به شیوه ای بی سابقه به آن پاسخ می دهد که منطقه را به جنگی خطرناک خواهد کشاند (المنار، ۲۰۱۶). این تهدید سرانجام منجر به این شد که مقامات شهر حيفا در فلسطین اشغالی دستور دادند مخزن جنجال برانگیز آمونیاک در نزدیکی ساحل این شهر بسته شود. اگر راهبرد الجلیل عمیقاً از قدرت آفندی حزب الله و از تجربه حضور در بحران سوریه ریشه گرفته است، راهبرد بازدارنده حمله تعیین کننده به منابع آمونیاک اسرائیل به دلیل توان موشکی برجسته حزب الله است.

نتیجه گیری

بعد از سال ۲۰۰۶ حزب الله لبنان و رژیم صهیونیستی تلاش کردند بازدارندگی را با تمام قواعد حاکم بر آن، در دستور کار خود قرار دهند؛ اما حزب الله از آنجایی که به عنوان کنشگری نامتقارن محسوب می شود، در این حوزه تلاش بیشتری کرد. از آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ و ورود رسمی حزب الله به عرصه جنگ داخلی سوریه از ۲۰۱۳، روندهای سیاسی و نظامی بحران سوریه تحت الشعاع کنشگری حزب الله لبنان قرار گرفت. به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان سیاسی و نظامی، گذر زمان و حضور جنبش حزب الله در عرصه میدانی بحران سوریه، قابلیت های تاکتیکی این جنبش را افزایش داده است. واقعیت امر این است که در ارزیابی توانمندی های کنونی حزب الله، حضور در بحران سوریه، از منظرهایی می تواند زمینه ساز تضعیف این جنبش شده باشد. به عنوان نمونه، حضور میدانی در سوریه، موجب بازشدن آرایش نظامی حزب الله شده است که این امر می تواند امکان نفوذ نیروهای اطلاعاتی اسرائیل و هم چنین فاش شدن برخی اسرار نظامی حزب الله را در پی داشته باشد. بر این اساس، بعضی از تحلیلگران بر این باورند که جنگ سوریه حزب الله را در معرض آسیب پذیری قرار داده است. با این حال، تحلیل

روندهای سیاسی و نظامی و نشانه‌شناسی واقع‌بینانه تحولات جنگ سوریه حاکی از آن است که حزب‌الله به دلیل حضور در بحران سوریه، جنگنده‌تر از قبل شده است. برخی تحلیل‌گران بر این باور هستند که نبرد سوریه، نسل جدیدی از مبارزان را در ساختار سازمانی حزب‌الله تربیت کرده است. علاوه بر آن، حضور میدانی این جنبش در بحران سوریه، به‌طور مؤثر در تاکتیک‌های عملیاتی حزب‌الله مؤثر واقع شده است. به صورت مشخص، این حضور زمینه‌ساز کسب تجربه‌های آفندی، جنگ شهری و مدیریت عملیات‌های گسترده برای حزب‌الله بوده است.

در سال‌های قبل از جنگ سوریه، حزب‌الله در مبارزه با رژیم صهیونیستی عمدتاً در جایگاه تدافعی قرار داشت؛ اما حضور میدانی در بحران سوریه، تجربه عملیات‌های آفندی را برای این جنبش فراهم ساخته است. حزب‌الله پس از آزادسازی القصیر در مناطق مرزی سوریه و لبنان در بهار ۲۰۱۳ که مهم‌ترین نقطه شروع برای حضور آشکار در بحران سوریه بود، در عملیات‌های گوناگونی از جمله آزادسازی حلب در سال ۲۰۱۶، آزادسازی دیرالزور و منطقه‌ی قلمون در سال ۲۰۱۷ و ... مشارکت داشته است. البته حضور در سوریه، تجربه تدافعی حزب‌الله را هم در مواجهه با حملات گروه‌های تروریستی تقویت کرد؛ اما تجربه زایدالوصف حزب‌الله در عرصه عملیات‌های آفندی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حزب‌الله از حضور در بحران سوریه بوده است. سید حسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله لبنان، در مراسم سالگرد شهادت سران حزب‌الله در سال ۱۳۹۴ در این زمینه، اینگونه بیان داشته است: «مسئولان سیاسی و نظامی اسرائیلی در کنفرانس‌ها و انجمن‌های سال گذشته ... گفتند تجربه‌ی مقاومت لبنان دفاعی بود، امروز تجربه‌ی هجوم را نیز کسب کرده است».

تجربه دیگر حزب‌الله از صحنه میدانی بحران سوریه، مدیریت و راهبری عملیات‌های گسترده است. پیش از مشارکت حزب‌الله در بحران سوریه، تجربه رزمی این جنبش در عملیات‌های زمینی عمدتاً در قالب عملیات‌های چریکی صورت می‌گرفت و عموماً با تعداد افراد محدودی طراحی و عملیاتی می‌شد. تا قبل از جنگ سوریه، تیم‌های اعزامی حزب‌الله در مناطق تحت قلمروی اسرائیل (اعم از جنوب لبنان در سال‌های اشغال)، شامل پنج تا پانزده رزمنده‌ی آموزش دیده بوده است که در چند ساعت به اجرای عملیات طراحی‌شده پرداخته و به مقر خود باز می‌گشتند؛ در حالی که حزب‌الله در بحران سوریه ضمن مشارکت در عملیات‌های بزرگ و طولانی، عمدتاً فرماندهی

صدها مبارز را در یک عملیات بر عهده داشته است. همچنین حزب الله در زمینه هماهنگی با نیروهای عملیاتی دیگر در یک عملیات واحد هم صاحب تجربه شده است. علاوه بر این، به لحاظ شیوه راهبری عملیات و تأمین نیازهای اطلاعاتی، حزب الله تجربه استفاده از پهپادهای شناسایی، ارتباط میان نیروهای حاضر در عملیات، تعاملات صحنه سیاسی و میدانی و ... را نیز در ابعاد وسیع تری تجربه کرده است. طبیعی است که به دلیل محدودیت های امنیتی و جغرافیایی، چنین تجربه ای در هیچ مانور نزدیک به واقعیت نمی توانست برای حزب الله رقم بخورد، ولی این جنبش به دلیل حضور در بحران سوریه، به این مهارت های میدانی و مدیریتی دست یافته است.

از دیگر تجربه حزب الله در بحران سوریه، دستیابی به مهارت های جنگ شهری است. به اعتقاد کارشناسان نظامی و اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا حضور در سوریه، دانش ارزشمندی از جنگ های نامنظم را در اختیار حزب الله قرار داده است.

در پایان باید گفت اگرچه به نظر می رسد حزب الله به دلیل ورود به عرصه میدانی جنگ سوریه تا حدودی به لحاظ نیروی انسانی و فرسایشی شدن جنگ تضعیف شده باشد؛ اما این جنبش با طرح راهبردهای عملیاتی و کسب تجارب ارزشمند در زمینه تاکتیک های رزمی و همچنین تقویت قدرت موشکی و تسلیحاتی خود، توانسته است الگوی بازدارندگی نامتقارن خود در مقابل رژیم صهیونیستی را توسعه داده و این بازدارندگی را متناسب با شرایط جدید سیاسی و نظامی منطقه تجدید ساختار نماید. علاوه بر این، در حال حاضر حزب الله به شاخص های سه گانه بازدارندگی پای بند بوده و متناسب با فرهنگ استراتژیک و عقلانیت مختص خود، در تلاش است تا بر قدرت بازدارندگی اش بیفزاید. این سه گانه مهم در بازدارندگی عبارت اند از:

الف) توان تهدید؛ حزب الله به دلیل توان فنی و تسلیحاتی خود همراه با مؤلفه هایی دیگری چون مجاورت جغرافیایی، از قدرت مورد نیاز برای طرح تهدید علیه رژیم صهیونیستی برخوردار است. تجارب تاکتیکی ناشی از میدان بحران سوریه همچون مهارت های تهاجمی، جنگ شهری و مدیریت عملیات های گسترده، وقتی به توان فنی و تسلیحاتی افزوده شود، بر توان تهدید حزب الله می افزاید.

ب) معتبرسازی تهدید؛ تهدیدات حزب الله همچون طرح راهبرد عملیاتی الجلیل و هدف گیری مخازن گاز آمونیاک واقع در شهر حيفا در سرزمین های اشغالی، کاملاً برای رژیم صهیونیستی

معتبر محسوب می‌شوند و بر همین اساس این رژیم با اتخاذ تدابیری همچون آمادگی و سازمان‌دهی نظامی و امنیتی در مناطق شمالی و یا جابجایی مخازن آمونیاک، سعی در برطرف کردن این تهدیدات داشته است.

ج) ارتباط و انتقال پیام بازدارنده؛ حزب الله همچنان از مهم‌ترین کانال خود یعنی شخص سید حسن نصرالله برای انتقال پیام‌های بازدارنده به اسرائیل بهره می‌برد. رژیم صهیونیستی نیز به صورت نسبی به این ارزیابی رسیده است که در صدق گفته‌های تهدیدآمیز نصرالله نمی‌تواند تردید کند. سید حسن نصرالله در این خصوص گفته است «عملیات روانی بخشی از نبرد است و این درست است؛ اما من به جنگ روانی معتبر می‌پردازم. من در مورد حقایق صحبت می‌کنم، دروغ نمی‌گویم».

منابع:

الف) کتاب:

- ۱- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، تهران: انتشارات سمت.
- ۲- رستمی، محمود (۱۳۸۶)، «فرهنگ واژه‌های نظامی»، تهران: انتشارات ایران سبز.
- ۳- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و همکاران (۱۳۹۲)، «سیاست و حکومت در خاورمیانه»، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- نورانی، سید مهدی (۱۳۹۶)، «حزب‌الله در سوریه»، قم: انتشارات شهید کاظمی.
- ۵- آنتونی اچ، کوردزمن (۱۳۹۰)، «درس‌هایی از جنگ ۳۳ روزه اسرائیل - حزب‌الله»؛ ترجمه: گروه مطالعات اسرائیل پژوهی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۶- ابراهیم، فؤاد (۱۳۹۵)، «داعش نوستالژی خلافت»؛ ترجمه: محمدرضا بلودری و میترا فرهادی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۷- موسوی، حسین و قهرمان‌پور، عسگر (۱۳۹۰)، «حزب‌الله لبنان، سیاست، قدرت و اقتدار»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- رضوی، سلمان و گودرزی، طاهره (۱۳۹۶)، «حزب‌الله در سوریه تحول استراتژیک یا تاکتیک»، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۹- بلقزیر، عبدالله (۱۳۸۹)، «حزب‌الله از آزادسازی تا بازدارندگی (۲۰۰۶ - ۱۹۸۲)»؛ ترجمه: علی شمس، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۱۰- پاشاپور یوالاری، حمید (۱۳۹۲)، «حزب‌الله لبنان و بیداری اسلامی»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ب) مقالات:

۱۱- درخشه، جلال و محمدی، علیرضا (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر تکلیف‌گرایی دینی انقلاب اسلامی ایران بر مقاومت اسلامی حزب الله لبنان»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱(۲۴۶) - ۲۲۱.

۱۲- اسداللهی، مسعود (۱۳۸۲)، «حزب الله لبنان: از رادیکالیسم تا واقع‌گرایی»، مطالعات خاورمیانه، ۳۵(۱۴۶ - ۱۰۱)

۱۳- زمانی محبوب، حبیب (۱۳۸۸)، «تأثیر عوامل معنوی در پیروزی مقاومت حزب الله لبنان»، حصون، ۲۲(۱۶۹ - ۱۵۲).

۱۴- فتاحی اردکانی، حسین (۱۳۹۸)، «تبیین عناصر و مؤلفه‌های قدرت هوشمند حزب الله لبنان»، فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۴۸(۱۵۰ - ۱۲۷).

۱۵- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶)، «جنگ نامتقارن لبنان و امنیت ملی اسرائیل»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۱(۹۲ - ۵۷).

۱۶- ساسانیان، سعید (۱۳۹۷)، «ارزیابی تغییرات الگوی بازدارندگی حزب الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۱(۶۸ - ۴۱).

۱۷- جهان‌فر، رضا (۱۳۹۰)، «عملکرد شبکه فرماندهی و کنترل حزب الله در جنگ ۳۳ روزه»، ماهنامه صف، ۳۶۷(۵۱).

ج) سایت:

۱۸- «سخنرانی سید حسن نصرالله، در مراسم سالگرد شهادت سران حزب الله»، مقاومت، ۲۷ بهمن ۱۳۹۲:

<http://Z313/208/>

- ۱۹- «اگر حزب الله در سوریه نبود، بیروت سقوط کرده بود»، ۲۵ بهمن ۱۳۹۴:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/11/25/998058/>
- ۲۰- «حزب الله توان هجومی خود را با تجربیات جنگ سوریه بالا می برد»، دی ۱۳۹۴:
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/10/97503/>
- ۲۱- المیادین (۲۰۱۵). «حوار مع الامین العام لحزب الله السيد حسن نصرالله»:
<http://www.almayadeen.net/episodes/753657/>
- ۲۲- مرکز نورس للدراسات (۲۰۱۶). «دور حزب الله لبنان في شرق الاوسط»:
<http://www.facebook.com/nors.studies/>
- ۲۳- «صحیفه روسیه تکشف دور حزب الله فی الهجوم علی حلب»، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶:
<https://arabi21.com/story/961371/>

تأثیر اندیشه سیاسی سلفی - تکفیری بر ناامنی جمهوری اسلامی ایران

مهدی نطق پور^۱، یاسر رضا پور^۲، روح‌الله پور آسیاب^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۵

چکیده

بدون تردید جمهوری اسلامی ایران، همواره در خصوص تأمین امنیت ملی خود با خطرات متعددی روبرو است. یکی از این خطرات، ایجاد ناامنی در جامعه است. این ناامنی‌ها ناشی از اقدامات تروریستی گروه‌های افراطی وابسته به تفکر سلفیون است که با خشونت همراه گردیده است. این پژوهش به دنبال بررسی و تعیین تأثیر اندیشه سیاسی سلفیون افراطی در ایجاد ناامنی‌های جمهوری اسلامی ایران است. روند رو به رشد جریانات سلفی افراطی به نحوی است که هر روز شاهد رخدادهای متعددی در کشورهای مسلمان هستیم و به نظر می‌رسد که این موضوع به کلیه کشورهای مسلمان تسری یابد. این اقدامات ضمن وارد کردن صدمه جدی به امنیت کشورهای اسلامی، برای جامعه جهانی نیز مشکلات فراوانی خلق نموده و باعث شده است تا دین مبین اسلام به عنوان منبع خشونت در جهان معرفی شود. این گروه‌ها، جوامع منطقه غرب آسیا را به ناامنی کشانده و ضربات مرگباری بر آن‌ها وارد کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی سعی در پاسخگویی به این سؤال دارد که اندیشه سیاسی سلفیون افراطی در ایجاد ناامنی‌های جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری دارد؟ نوع تحقیق در این پژوهش کاربردی و توسعه‌ای می‌باشد. برای انجام این پژوهش از روش مطالعه متون مرتبط و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، بررسی اسناد و مصاحبه با متخصصین و صاحب‌نظران در این زمینه بهره برده شده است. جامعه آماری پژوهش حدود ۲۵ نفر از مدافعان حرم، کارشناسان موضوع و اساتید دانشگاه می‌باشند. برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری کیفی و غیر احتمالی استفاده گردیده که بر اساس نتایج آن و اینکه محقق با انجام مصاحبه‌های مورد نیاز به اشباع نظری رسیده، حجم نمونه برابر با ۲۵ نفر در نظر گرفته شده است. محققین بر اساس داده‌های نظری و همچنین بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده نمونه آماری با توجه به مدل ارائه شده به تجزیه و تحلیل سؤال‌های اصلی و فرعی پژوهش پرداخته و بررسی تأثیر اندیشه سیاسی سلفیون افراطی در ایجاد ناامنی‌های جمهوری اسلامی ایران را مورد کنکاش و تحلیل قرار داده‌اند و در نهایت با تبیین نتایج حاصل از اندیشه‌های سیاسی سلفیون افراطی، پیشنهادهایی برای جلوگیری از بروز ناامنی بیشتر ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: سلفیت، تکفیر، ناامنی، جهان اسلام.

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲ - کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک.

۳ - دکترای فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

مقدمه

به طور کلی سلفیت مکتبی است مبتنی بر بازگشت به سیره و اندیشه که به حدیث گرایی شناخته می‌شوند. عمده ویژگی در این مکتب تمسک به خدا، آیات و روایات و نفی هرگونه تفسیر و تأویل است. این جریان فکری در پی علل و عواملی شکل گرفت که مهم‌ترین آن‌ها ضایعه جبران‌ناپذیر از بین رفتن گنجینه احادیث پس از منع کتابت حدیث در زمان خلیفه دوم است. امروز جهان اسلام با مشکلات متعددی روبرو است که یکی از آن‌ها ناامنی‌هایی است که خاصه در جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه شده است. این ناامنی‌ها که ناشی از اقدامات تروریستی گروه‌های افراطی وابسته به تفکر سلفیون است، با خشونت بیشتری همراه گردیده است. این مقاله به دنبال بررسی و شناخت تأثیر اندیشه سیاسی سلفیون افراطی در ایجاد ناامنی‌های جهان اسلام است. روند رو به رشد جریانات سلفی افراطی به نحوی است که هر روز شاهد رخدادهای متعددی در کشورهای مسلمان از جمله جمهوری اسلامی ایران هستیم. اوج این اقدامات ضمن ایراد صدمه جدی به امنیت کشورهای اسلامی، برای جامعه جهانی نیز مشکلات فراوانی را خلق نموده و متأسفانه دین مبین اسلام به عنوان منبع خشونت در جهان معرفی شده است. این گروه‌ها، جوامع منطقه خاورمیانه را به مبارزه طلبیده‌اند و ضربات مرگباری نیز بر آن‌ها وارد کرده‌اند.

امنیت، مفهومی است با زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی و این مفهوم همانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی به لحاظ کیفی بودن و اینکه جزء علوم غیر دقیق می‌باشند، فاقد تعریف مشخص، واحد و مورد قبول همگان است. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید. لزوم و ضرورت امنیت - به این مفهوم - در جامعه از طبیعت حقوق بشری ناشی می‌شود و لازمه حقوق و آزادی‌های مشروع، مصونیت آن‌ها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات است.

بی‌شک تفکرات سلفی در تاریخ اسلام از آن چنان اهمیتی برخوردار بوده است که بسیاری از صاحب‌نظران را وادار به روشنگری پیرامون آن‌ها نموده است. این رویه مختص شیعیان نبوده و بسیاری از متفکران اهل تسنن را حتی قبل از شیعیان به دایره منتقدان کشانده؛ به گونه‌ای که میزان

انتقاداتشان از تفکر سلفیه چندین برابر انتقادات صاحب‌نظران شیعه است. در این میان، اکثر منابع فارسی موجود به‌صورت سنتی با هدف دفاع از عقاید شیعه در مقابل وهابیت و نشان‌دادن ماهیت غیرصادقانه و خودمتناقض وهابیت تألیف شده است.

بیان مسئله

مقوله سلفی‌گری موضوع مورد بحث بسیاری از پژوهشگران بوده و هست و یکی از جریان‌هایی که در سال‌های اخیر نقش بسزایی در سیاست‌های منطقه‌ای ایفا کرده و هر روز بر دامنه گسترش نفوذ آن در منطقه افزوده می‌شود، جریان سلفی است. نظر به انحراف‌های گسترده اندیشه سلفیان در جهان اسلام که متأسفانه دامنه آن به حوزه عقاید دیگر مذاهب شناخته‌شده اسلامی نیز سرایت کرده و با توجه به اینکه این جریان داعیه جهانی دارد و خود را تنها راه نجات‌بخش می‌داند و این امر را مرهون تفسیر خاص خود از قرآن و سنت می‌داند؛ از سوی دیگر تفسیر افراطی آن‌ها از قرآن و سنت مورد اقبال و حمایت دشمنان اسلام واقع شده است، از این‌رو شناسایی و بازخوانی مبانی فکری و نظری آن‌ها ضرورت دو چندان پیدا می‌کند.

دشمنان جمهوری اسلامی ایران همواره درصدد ایجاد ناامنی در کشورمان هستند. این ناامنی‌ها که ناشی از اقدامات تروریستی گروه‌های افراطی وابسته به تفکر سلفیون است، با خشونت بیشتری همراه گردیده است. در بررسی ابتدایی، آنچه مشخص است اینکه این اقدامات ناشی از اندیشه سیاسی مذهبی این جریان فکری به مسائل روز، به‌ویژه در جهان اسلام ناشی می‌شود. سلفیون افراطی دارای مبانی فکری و اندیشه‌ای خاصی هستند و با اینکه اقدامات آن‌ها از دیدگاه هر مسلمان منصفی حرام تلقی می‌شود، اما به عقیده خودشان این اقدامات جهاد فی سبیل الله است. آنچه که آن‌ها جهاد تلقی می‌کنند، مجموعه‌ای از اقدامات تروریستی و به شکل و شیوه‌ای انتحاری و به‌شدت جنایت‌آمیز و وحشیانه است که جهان اسلام را تهدید می‌کند. این جریان فکری امروزه از حوزه آسیب به تهدید جدی مبدل شده، بطوریکه سلفیون معتدل نیز بعضاً مورد حملات تروریستی آن‌ها قرار می‌گیرند. ابن تیمیه حرانی به‌عنوان مهم‌ترین منبع فکری این جریان شناخته شده و سلفیون عصر حاضر به‌ویژه نوع جهادی آن متأثر از اندیشه‌های وی می‌باشند (نجات، ۱۳۹۳: ۱۷). سلفیون افراطی امروزه باعث پیدایش گروه‌های تروریستی متعددی از جمله القاعده، طالبان، الفرقان، جندالله، انصارالاسلام، انصار السنه، جبهه النصره، داعش و... گردیده که

اثرات سوء اقدامات آن‌ها، خاصه در خاورمیانه آوازه جهانی پیدا کرده است (نوحی، ۱۳۹۲: ۳۴). البته صدماتی از این جریانات و گروه‌های متعصب که مدت‌ها است تحت تأثیر سرویس‌های اطلاعاتی برخی کشورهای اروپایی و بعضی از کشورهای مسلمان (عربستان و پاکستان) قرار گرفته‌اند، به ایران نیز وارد آمده است که عمده آن را می‌توان متوجه گروه‌ک جندالله به سرکردگی عبدالمالک ریگی نمود. لذا این تحقیق به دنبال این است که اندیشه سیاسی سلفیون افراطی چه تأثیری بر ناامنی‌های جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ لذا محققان برای رسیدن به پاسخ سؤالات فوق، ابتدا مبانی فکری سلفیه افراطی و سپس مبانی اندیشه سیاسی ایشان را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و سپس تأثیر آن بر مقوله امنیت را در گستره مورد نظر توضیح می‌دهند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

روند رو به رشد جریانات سلفی افراطی به نحوی است که هر روز شاهد رخدادهای متعددی در کشورهای مسلمان هستیم و به نظر می‌رسد به کلیه کشورهای مسلمان تسری یابد. اوج این اقدامات ضمن ایراد صدمه جدی به امنیت کشورهای اسلامی، برای جامعه جهانی نیز مشکلات فراوانی را خلق نموده و متأسفانه دین مبین اسلام به‌عنوان منبع خشونت در جهان معرفی شده است. این گروه‌ها، جوامع منطقه خاورمیانه و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران را به مبارزه طلبیده‌اند و ضربات مرگباری نیز بر آن‌ها وارد کرده‌اند.

به دلیل اینکه جهت‌گیری اصلی اعمال مخرب این گروه‌ها بر علیه امنیت ملی و منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است، ضرورت دارد این طیف به‌درستی بازشناسی گردد تا از گسترش ناامنی بیشتر در محیط امنیتی غرب آسیا جلوگیری شود. لذا در سه بند ضرورت‌های تحقیق به شرح ذیل می‌آید:

- ۱- افزایش تهدیدات گروه‌های سلفی - تکفیری علیه جمهوری اسلامی ایران در صورت عدم تدوین شناخت متناسب برای مقابله با آن‌ها.
- ۲- استمرار و توسعه تقابل گروه‌های سلفی تکفیری با جمهوری اسلامی ایران و مبارزه با مذهب تشیع به‌عنوان دشمن شماره یک خود.
- ۳- افزایش زمینه‌های فعالیت گروه‌های تکفیری در اغلب کشورهای همسایه و بخش‌هایی از کشورمان.

ادبیات تحقیق

پیشینه تحقیق:

بی‌شک تفکرات سلفی در تاریخ اسلام از آن‌چنان اهمیتی برخوردار بوده است که بسیاری از اندیشمندان منصف را وادار به روشنگری پیرامون آن‌ها نموده است. این انگیزه مختص شیعیان نبوده و بسیاری از متفکران اهل تسنن را نیز به دایره منتقدان کشانده است. در این میان، اکثر منابع فارسی موجود به صورت سنتی با هدف دفاع از عقاید شیعه در مقابل وهابیت و نشان دادن ماهیت غیر صادقانه و خودمتناقض وهابیت تألیف شده است. البته در سال‌های اخیر محققان جوان سعی کرده‌اند از زوایای دیگری به این موضوع نگاه کنند و ریشه تاریخی، عوامل فرهنگی و سیاسی و ... را نیز در شکل‌گیری وهابیت مورد مذاقه قرار دهند.

پایان‌نامه‌ها:

(۱) - پایان‌نامه با نام بررسی فعالیت‌های جریان‌ات سلفی اهل سنت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر جماعت تبلیغی در بلوچستان (۱۳۹۴) با راهنمایی دکتر علی کریم‌زاده و مشاوره برادر سید مهدی حسینی توسط برادر محمد سعید زمانی است؛ راهنمای بسیار مناسبی در طبقه‌بندی جریان سلفی تکفیری و نقش آن در امنیت است. این پایان‌نامه ضمن بررسی دقیق جماعت تبلیغی در منطقه موردنظر و تهدیدهای آن بر امنیت ملی، به ارائه راهکار مقابله و مهار این جریان در کشور پرداخته است.

(۲) - پایان‌نامه برادر فردین ناظمی باقرآبادی که به تأثیر تصوف اسلامی (طریقت قادریه) بر مهار جریان‌های سلفی (۱۳۹۳) پرداخته است. با استفاده از روش تحلیل محتوا و تحلیل آماری به آزمون فرضیه پرداخته است. ایشان در پایان‌نامه خود، گروه‌های سلفی فعال در منطقه اورامانات را معرفی کرده و به استناد نتایج حاصله و با لحاظ قرار دادن برخی ملاحظات امنیتی از طریقت قادریه به عنوان فرصتی بالقوه و در اختیار یکی از راه‌های مهار سلفیت را معرفی کرده است.

(۳) - پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد آقای محمد جهانی با نام اقلیت‌گرایی مذهبی در بلوچستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران (۱۳۹۴) است که این پایان‌نامه با راهنمایی دکتر اصغر افتخاری و مشاوره دکتر محمد رئیس زاده انجام گرفته است. سؤال تحقیق ایشان «اقلیت‌گرایی مذهبی در بلوچستان چه تأثیری بر امنیت ملی ج.ا.ایران می‌گذارد؟» و به لحاظ تخصصی و

محتوایی قوی است و به عنوان یکی از نمونه‌های مناسب تحقیق در این زمینه پیشنهاد می‌گردد. در این پژوهش ضمن بسط و واکاوی امنیت در ابعاد نرم و سخت و طبقه‌بندی مذاهب اهل سنت، به صورت خلاصه به فرآیند تبدیل اقلیت مذهبی به جنبش فعال اقلیت‌گرایی مذهبی و در نهایت گرایش به رادیکالیسم و اقدامات تروریستی و ایجاد بحران امنیتی پرداخته شده است.

(۴) - پایان‌نامه «تفکرات سلفی‌گری در استان کردستان و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی» (۱۳۹۵) توسط برادر محمدرضا اربابی پژوهش شده است و به این سؤال «تفکرات سلفی در کردستان چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی دارد؟» پاسخ داده است.

مقاله‌ها:

(۱) - مینایی در مقاله‌ای که مرکز بین‌المللی مطالعات صلح آورده با عنوان تهدیدها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران به برخی از تهدیدها و فرصت‌ها اشاره نموده است.

(۲) - افتخاری و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان راهبرد مقابله با تروریسم در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر داده‌های عینی تاریخی، بعد از تعاریف راهبرد و تروریسم به آسیب‌های جمهوری اسلامی ایران از ناحیه تروریسم اشاره دارد و در عین حالی که از ابزارهای نظامی و تاکتیکی در کوتاه‌مدت برای مقابله بهره گرفته، درصدد مبارزه با ریشه‌های تروریسم است؛ و اشاره کرده است جمهوری اسلامی ایران راهبرد پیشگیری، مهار و مقابله را در پرتو سیاست‌های تدافعی ویژه و در اقدامی ابتکاری، راهبرد ترکیبی در پرتو صلح عادلانه جهانی را دنبال نموده است.

(۳) - پیمان خواجوی و همکاران در گروه روندهای فکری مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، بایسته‌های استراتژیک ایران در مقابل داعش تحلیلی براساس مدل SWOT، در این پژوهش تلاش شده تا این روش حول موضوع اتخاذ راهبرد مناسب ایران در مقابل داعش مورد استفاده قرار گیرد.

(۴) - مقاله‌ای تحت عنوان «مدل راهبردی (SWOT) در تحلیل بحران رفتار سیاسی داعش، جمهوری اسلامی ایران و راه‌های برون‌رفت» توسط مرتضی شیروودی در سال ۹۴ در فصلنامه

پژوهش‌های سیاسی به چاپ رسیده است که براساس این مدل راهبردی‌های برون‌رفت را ارائه داده است.

کتاب‌ها:

(۱) - کتاب «آشنایی با جریان‌های سلفی - تکفیری» گردآوری و تنظیم شده توسط اکبر عابدی و دیگران که در سال ۱۳۹۵ توسط مرکز باقرالعلوم (ع) منتشر شده است و منبع مناسبی برای شناخت جریان‌ات سلفی - تکفیری در کشورهای مختلف و تاکتیک‌های داعش در عراق و سوریه و نقاط قوت و ضعف این جریان و در انتها به «جریان تکفیری» از نگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پرداخته است.

(۲) - کتاب «امنیت» نوشته دکتر اصغر افتخاری است که در سال ۱۳۹۱ و از سوی دانشگاه امام صادق (ع) به چاپ رسیده است. در این اثر، امنیت از منظری درون‌دینی مورد بحث قرار گرفته و از این حیث می‌توان کتاب را حاوی اندیشه و نظری تازه ارزیابی کرد.

(۳) - کتاب «آسیب‌ها و تهدیدات درون‌نگر» که نوشته دکتر غلامرضا علاماتی در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده و در واقع برگرفته از رساله دکتری ایشان است به آسیب‌ها و تهدیدات شمال غرب در مقابل آمریکا است که با روش "SWOT" به تدوین راهبردهای مقابله پرداخته است. در پژوهش‌های قبلی، عمدتاً به معرفی تفکر سلفی وهابی و ریشه آن‌ها پرداخته‌اند، لکن پیامدهای این تفکر کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. لذا در این تحقیق سعی شده است ضمن معرفی دقیق این اندیشه، اولاً تمایز آن را با فرق و مذاهب اصلی اهل تسنن بیان نموده و پس از جریان‌شناسی دقیق آن و ارائه نقشه وضعیتی از حضور و عملکرد آنان در جهان اسلام به‌ویژه خاورمیانه، رفتار خشونت‌آمیز آنان در کشورهای خاورمیانه را به روشنی مطرح سازیم. لذا به نظر می‌رسد تحقیق پیش‌رو نگاه روشن و مشخصی در خصوص سلفیون افراطی به مخاطب گرامی خواهد داد.

مفهوم واژه‌شناسی تکفیر

واژه تکفیر، مصدر باب تفعیل از ماده «کفر» است. در معاجم لغت برای این واژه چندین معنا گفته شده است. ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: اصل کفر پوشاندن شیء است. کافر را کافر

می‌گویند، چون کفر، همه قلب او را پوشانده است. تکفیر آن است که کسی به برادر مسلمان خود بگوید: ای کافر. در این صورت، کفر به یکی از آن دو نفر بر می‌گردد؛ زیرا نسبت دادن کفر به برادر مسلمان یا راست است و یا دروغ؛ اگر راست گفته که خوب و اگر دروغ گفته، به واسطه تکفیر برادر مسلمان، کفر به خود وی بر می‌گردد. وی همچنین تکفیر را به معنای پوشاندن محارب در سلاح، پوشاندن گناهان از طریق کفارات، نهادن دو دست بر روی سینه و انحنای انسان همانند کسانی که از روی تعظیم در برابر صاحب خود خم می‌شوند، آورده است (ابن منظور، ۷۰۵ ق-۱۵۰). زبیدی، تکفیر را در پوشاندن گناه و انحنای انسان در برابر دیگری از روی تعظیم آورده است. همچنین تکفیر را به معنای نسبت دادن کفر به دیگران و کافر نامیدن آنان آورده (زبیدی، ۹۱۲ ق-۶۲) و این همان مفهوم اصطلاحی تکفیر است؛ بنابراین تکفیر در معنی مصطلح مورد بحث، نسبت دادن کفر به دیگری و کافر شمردن او است (زبیدی، ۹۱۲ ق-۶۲).

تکفیر در فرهنگ اسلامی

آموزه‌های اسلام همواره بر استحکام جامعه اسلامی و قوام بخشیدن به بنیان‌های اساسی آن تأکید داشته و تعالیمی را به مسلمانان ارائه داده که در سالم‌سازی محیط ارتباطات و برخورد اندیشه‌ها بسیار مؤثر است. در این راستا، قرآن از پیوندهای اجتماعی به عنوان یکی از نعمت‌های الهی نام برده (عمران/ ۱۰۳) و رابطه مسلمانان را بر اساس اخوت و برادری می‌داند (حجرات/ ۱۰) و از آنان می‌خواهد تا از اعمال و رفتاری که موجب خدشه دار شدن ثبات جامعه اسلامی و تشدید تفرقه در میان آنان می‌شود، پرهیز کنند (حجرات/ ۱۱-۱۲). قرآن از اتهام تکفیر که بدترین نوع برخورد میان مسلمانان است، نهی نموده و می‌گوید: به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می‌کند، مگویید تو مؤمن نیستی (نساء/ ۹). این تعالیم راهبردی در روایات نیز دیده می‌شود. پیامبر (ص) فرمودند: هرگاه شخصی به برادر مسلمان خود کافر بگوید، همانند آن است که او را به قتل رساند (متقی، ۳/ ۲۳) و امام صادق (ع) می‌فرمایند: بر مسلمانان لازم است کوشش کنند تا دل‌های خود را به یکدیگر نزدیک سازند و از تعاون آمیخته به محبت فروگذار نکنند؛ نسبت به نیازمندان مواسات نمایند و نسبت به یکدیگر ابراز عاطفه کنند تا مصداق قول خداوند «رحماء بینهم» (فتح/ ۲۹) گردند (حر عاملی، ۲/ ۸). نقل شده که در یکی

از سربیه‌ها، مسلمانی به نام ابودرداء به مردی که در حال حمل غنایم بود، با شمشیر حمله کرد و با اینکه او «لا اله الا الله» گفت، او را کشت و غنایم او را گرفت؛ پس از آن در خود احساس گناه کرد و نزد پیامبر آمد و ماجرا را باز گفت. پیامبر (ص) ناراحت شد و فرمود: چرا او را کشتی در حالی که اظهار اسلام کرد؟ ابودرداء پاسخ داد که اسلام او از روی ترس بود. پیامبر (ص) فرمود: تو که از دل او آگاه نبودی؛ او تو را به زبان خودش آگاه کرد، ولی تو او را تصدیق نکردی (طبرسی، ۱/۳). مشابه این نقل در منابع اهل سنت نیز آمده است (هیثمی، ۸/۷). این موارد برای جلوگیری از تکفیر و تثبیت احترام اهل مذاهب و فرق اسلامی نسبت به یکدیگر کافی است. البته باید به این نکته توجه نمود که کسانی که از حربه تکفیر استفاده می‌کنند، نه این است که با وجود باور به اسلام طرف مقابل او را کافر می‌دانند، بلکه معتقدند که وی به علل و اسبابی، ملک ایمان و اسلام را از دست داده و در نتیجه کافر شده است. لیکن باید دید که آیا این علل و اسباب، موجب تکفیر می‌شود؟ حقیقت آن است که بسیاری از آن‌ها با تعالیم اسلام مخالف است و در نتیجه تکفیرهای صورت گرفته، مبنای دینی متقنی ندارد و باطل است.

ریشه‌های بروز اندیشه تکفیری

الف) بنیان‌های حدیثی

یکی از مهم‌ترین ریشه‌های بروز اندیشه تکفیری، خلق احادیث دروغین یا کج‌فهمی احادیث معتبر است. حدیث جایگاه والایی در بین ادله شرعیه دارد و پس از قرآن، برترین منبع برای دستیابی به مقاصد شریعت است (ربانی، ۹). یکی از مستندات فقها در صدور فتوا نیز احادیث است. از باب مثال، فقهای شیعه (بحرانی، ۱۸۳؛ صدر، ۳/۳۰۸-۳۰۹) به استناد برخی احادیث (کلینی، ۲/۳۸۸؛ حر عاملی، ۳/۲۸)، به کافر بودن ناصبی و سایر احکام مربوط به او فتوا داده‌اند. فقهای اهل سنت نیز به استناد برخی احادیث (ابن ابی عاصم، السنه، ۷/۲، حدیث ۹۷۹) شیعیان را رافضی و کافر نامیده‌اند (مقدسی، محمد، الفروع، ۱؛ ابن تیمیه، کتب و رسایل و فتاوی ابن تیمیه فی الفقه، ۳۷؛ سیوطی، ۲۸۳؛ ابن ضوبان، ۲/۳۳۹). درباره احادیث دو نکته قابل طرح است: نخست آنکه نگاه‌های متفاوت درباره دلایل احادیث مورد توجه قرار گیرد و نشان داده شود که این تفاوت‌ها چگونه در نتیجه‌گیری‌های متفاوت مؤثر است و همه نگاه‌ها به تکفیر ختم

نمی‌شود. از باب مثال دربارهٔ احادیثی که برخی از مشایخ اخباری با استناد به آن‌ها بر کفر مخالفان استناد نموده‌اند (بحرانی، ۱۸۳). فقیهی چون امام خمینی (ره) معتقد است که باید کفر وارد در این روایات، حمل بر بعضی از مراتب کفر شود و سنخ روایات وارده در باب معارف غیر از سنخ روایات فقهی است و این روایات، دلالت بر کفر مخالفان ندارد (خمینی، کتاب الطهاره، ۳/ ۳۲۰-۳۲۱). نکتهٔ دوم در این قبیل احادیث، صحت آن‌ها از جهت سندی و دلالتی است (ابن فورک، ۱۵). اگر حدیثی از هر دو جهت تام و تمام باشد، می‌تواند مستند تکفیر واقع شود؛ اما اگر از یکی از دو جهت اشکال داشته باشد، موجب کج‌فهمی می‌شود. چنین احادیثی ممکن است مجعول باشد. تردید در مورد دلالت این قبیل احادیث، سبب می‌شود تا مسئله به قواعد کلی این باب ارجاع شود. پرواضح است که اصل در تکفیر، احتیاط و خودداری از تکفیر است.

مسئلهٔ جعل حدیث از سوی صاحب‌نظران در علوم حدیث یادآوری شده و آن را یکی از آفات حدیث و سنت دانسته‌اند که آن را تا مرحلهٔ بی‌اعتباری پیش برده است (قربانی لاهیجی، ۶۳). برخی معتقدند که جعل احادیث دروغین، یکی از اقدامات جریان سیاسی حاکم پس از پیامبر به‌ویژه در دوران بنی‌امیه برای تحکیم سلطهٔ خود بوده و در این راستا احادیث جعلی و واهی در مدح شخصیت حضرت علی (ع) نیز خلق شد و چهره‌ای نامناسب از حضرت به نمایش گذاشتند (فخلعی، ۲۶۲). متأسفانه احادیث مجعول در منابع روایی اهل سنت (به‌ویژه در کتب احادیث ضعیفه) کم نیست (قربانی لاهیجی، ۶۳).

در منابع روایی شیعه نیز احادیثی همانند احادیث «ارتد الناس بعد النبی الا ثلاث» (کلینی، ۲، هامش ص ۲۴۴) دیده می‌شود که دلالت آن قابل تأمل است؛ به‌گونه‌ای که برخی معتقدند که ارتداد مطرح‌شده در روایت، به مفهوم مصطلح آنکه موجب کفر و نجاست و قتل می‌شود نیست، بلکه به مفهوم شکستن پیمان ولایت و نوعی رجوع و بازگشت از مشی رسول اعظم (ص) و عدم رعایت وصایای او در مورد عترت اوست (موسوی گلپایگانی، ۱۹؛ سبحانی، أضاء علی عقائد الشیعه، ۲ / ۲۲).

ب) بنیان‌های فکری و عقیدتی

عامل دیگر در بروز اندیشهٔ تکفیری، مبانی فکری و اعتقادات مذهبی پیروان مذاهب

اسلامی است که نزد آنان مهم و مقدس است و براساس آن، مخالف خود را تکفیر می‌کنند. از جمله این مبانی، مسئله امامت است که باعث شده تا دو گروه عمده جهان اسلام، یکدیگر را تا مرز تکفیر سوق دهند. اشعری در مقالات الاسلامیین می‌گوید: اولین اختلافی که بین مسلمین پس از پیامبر (ص) بروز کرد، اختلاف آنان در مسئله امامت بود (اشعری، ۲). دیگری می‌گوید: بزرگ‌ترین اختلاف بین امت، اختلاف امامت بود، زیرا شمشیری در اسلام برای یک قاعده دینی کشیده نشد، مثل آنچه که بر امامت کشیده شد (شهرستانی، ۱/ ۲۴). تعصبات مذهبی و کلامی، اساس تکفیر بین فرق و دسته‌های کلامی همانند اشاعره و معتزله است؛ حتی بعضی از متعصبان، شیعیان اهل بیت را به خاطر اموری تکفیر کرده‌اند که بر فرض اثبات، موجب کفر نمی‌شود؛ چه رسد به این که اکثر آن‌ها همانند قول شایع به تحریف قرآن و نظایر آن از ریشه باطل است. اکثر مسائلی که موجب تکفیر طایفه‌ای بر طایفه دیگر گردیده، مسائل کلامی است که سابقه‌ای در زمان پیامبر (ص) نداشته و آن حضرت در پی استفسار معترف به شهادتین بر نمی‌آمد (سبحانی، ایمان و الکفر، ۵۸ - ۶۰). شایان ذکر است که چنانچه پافشاری بر مسائل فکری و اعتقادی در بین پیروان مذاهب کنترل نگردد، منجر به آثار نامطلوب و زیانباری همانند تکفیر و انتقام‌گیری از مخالف اعتقادی با هدف طلب ثواب و بهشت می‌گردد. ریشه‌های اعتقادی را نمی‌توان علاج کرد، مگر این که آن‌ها ابطال شود و این کار دشواری است.

ج) بنیان‌های سیاسی

برخی از تکفیرها در تاریخ اسلام ریشه سیاسی دارد. گفته شده که رافضی خواندن شیعیان و متهم کردن آنان به رفض از این قبیل است و «رفض» یک اصطلاح برای تکفیر شیعیان و دور ساختن آنان از صحنه سیاسی و اجتماعی بوده و مبنای شرعی و فقهی صحیحی ندارد، بلکه از یک عرف معلول برخاسته است (سبحانی، ابحاث فی الملل و النحل، ۱/ ۱۱ - ۱۱۸). یکی می‌گوید: صرف باور شیعه به برتری داشتن علی (ع) بر سایر صحابه، امری مرفوض شمرده شده که صاحبش مستحق سخت‌ترین مجازات است؛ این امور، بیانگر نفوذ روش اموی‌ها در فهم اسلامی بود که هرچه مربوط به فضایل و مناقب اهل بیت بود را ترک می‌کردند (بصری، ۹۱). در دوران ما نیز پاره‌ای از تکفیرها که توسط گروه‌های تکفیری صورت می‌گیرد، از این قبیل است.

برخی گفته‌اند که مطامع قدرت‌های حاکم و سلطه‌گر برای تحکیم حاکمیت و حفظ سلطه خود در کشورهای اسلامی از راه ایجاد جو تکفیر، قابل تأمل است و بسیاری از کسانی که مانع آن‌ها بوده‌اند، به دست برخی از مفتیان و یا پیروان مذاهب اسلامی، تکفیر گردیده‌اند (صفاتاج، ۹۱).

تکفیر در بستر تاریخ

ریشه‌های تاریخی اولیه تکفیر در جهان اسلام به دو جریان عمده اهل رده و خوارج در صدر اسلام باز می‌گردد. مسئله ارتداد که سرآغاز آن را در جریان شورش برخی از قبایل عرب علیه حکومت مدینه بعد از وفات پیامبر (ص) می‌توان یافت، در میان مورخان به رده شهرت یافته است (واقعی، ۱/۱۹۴؛ بذری، ۱/۱۰۶؛ ابن اثیر، ۲/۳۴۳). در اهمیت تاریخی این موضوع همین بس که برخی این مسئله را پس از امامت، در ردیف نخستین اختلافات موجود میان مسلمانان قرار داده‌اند (مقدسی، البدء و التاریخ، ۵/۱۲۳؛ شهرستانی، ۱/۲۵). در این جنگ‌ها، دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خارج از دین خواند (طبری، ۲/۴۹۰-۴۹۲). عواملی مانند ندادن زکات و ادعای پیامبری در انتساب کفر به اهل رده نقش داشته که می‌تواند تکفیر را از دیدگاه فقهی توجیه کند (همو، ۲/۴۹۹؛ ابن اثیر، ۲/۳۴۴، ۳۵۴؛ ابن خلکان، ۳/۶۷؛ امین، ۱/۲۹۲). درباره اینکه واقعاً تمامی یا بعضی از کسانی که در آن دوره تکفیر شده‌اند مرتد بوده‌اند، تردید وجود دارد و برخی گزارش‌های تاریخی، تردیدها را در این باره حتی از سوی افراد نزدیک به خلیفه نشان می‌دهد (مقدسی، البدء و التاریخ، ۱/۱۲۳؛ شهرستانی، ۱/۲۵). واقعه تاریخی دیگر در زمینه تکفیر، غائله خوارج است. خوارج، گروهی تندرو و افراطی در سپاه امام علی (ع) بودند که در جریان جنگ صفین در اعتراض به قضیه حکمیت، با شعار «لا حکم الا الله» از فرمان امام (ع) تمرد کردند. آنان از امام (ع) خواستند تا مسئله تحکیم را رها کرده و از رأی پیشین خود که منجر به کفر او شده بود، توبه کند (ابن اثیر، ۳/۳۲۷-۳۲۸). در پی آن خوارج، کسی را که مرتکب یکی از گناهان کبیره می‌شد، تکفیر می‌کردند (شهرستانی، ۱/۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰؛ مجلسی، بحارالأنوار، ۳۳/۳۷۳).

از دیگر موارد تکفیر در تاریخ اسلام، تکفیر صوفیه است. برخی از عالمان اهل سنت، به طرد و تکفیر صوفیه یا برخی از صوفیان همانند حلاج نظر داده و آنان را از زنداقه دانسته‌اند (بعلی

حنبل، ۱/ ۷۱). همچنان که برخی از عالمان شیعی همچون مجلسی، با صوفیه مخالفت نموده‌اند (مجلسی، محمدباقر، عین‌الحیا، ۷۴۹/۷۵۰). بر این اساس، گروهی در برخورد با عرفان و تصوف، موضعی انکارآمیز و مخالف اتخاذ نموده و مکاتب و شخصیت‌های منتسب به عرفان و تصوف را مطرود و مردود شمرده‌اند (یثربی، ۷-۷۱).

در حال حاضر نیز یکی از عوامل فتنه‌گری در دنیای اسلام، جریان سلفی تکفیری است. قرائت خشن آنان از سنت نبوی (ص) و برداشت‌های ظاهری از آیات قرآن باعث شده تا مخالفان عقیدتی خود را تکفیر نمایند. برخی گفته‌اند که مهم‌ترین چیزی که در کتب علمای آنان، نظر خواننده را به خود جلب می‌کند، حرص شدید بر تکفیر امت حضرت محمد (ص) به غیر از خودشان است؛ حرصی که به حد شهوت یا انتقام می‌رسد (مغنیه، ۷). چنین تفکر غلطی را در بین اتباع آنان نیز می‌توان دید که شیعیان و پیروان اهل بیت (ع) را کافر می‌خوانند.

حاصل بحث اینکه مشکل تکفیر همواره از صدر اسلام تاکنون وجود داشته و گروه‌های زیادی از دم تیغ تکفیر رانده شده‌اند. بدون اینکه بخواهیم به تحلیل محتوایی افکار و باورهای گروه‌های تکفیر شده بپردازیم از منظر آسیب‌شناسانه و از آنجا که اغلب تکفیرها بی‌پایه و ناروا صورت گرفته، به این واقعیت اشاره می‌کنیم که حاصل تکفیرهای ناروا، چیزی جز طرد جمع کثیری از مسلمانان از جامعه بزرگ امت اسلامی نبوده است. نمونه‌های یادشده، حساسیت و خطربودن به کارگیری ناروای حربۀ تکفیر در جهان اسلام را گوشزد می‌کند. این در حالی است که منطق دین اسلام بر اجتناب از تکفیر در هر مورد شبه‌ناک است.

سلفیت

سلفی از ریشه سلف به معنای پیشین است. ابن منظور می‌گوید: سلف، یسلف، سلفا، سلوفا، یعنی پیش گرفت، سالف یعنی پیشی گیرنده، سلف، سلیف و سلفه؛ یعنی جماعت پیشی گیرنده (ابن منظور، ۱۴۰۴: ۶۶).

ابن فارس می‌گوید: ((سلف: س ل ف، اصلی است که دلالت بر تقدم و سبقت دارد. پس سلف کسانی هستند که گذشته‌اند)) (معجم مقاییس اللغة، ماده سلف). از خلال این عبارات استفاده می‌شود که سلف در لغت به معنای تقدم تابعین و تابعین تابعین و حتی علمای زمانی است و

همچنین در اصطلاح متکلمان و اصحاب ملل و نحل به صحابه اسلامی در سه قرن نخست هجری، سلف گفته شده است. گاهی نیز از نخستین تابعین به سلف صالح تعبیر می‌شود. لذا هر زمانی نسبت به زمان آینده سلف و نسبت به زمان گذشته خلف است (ابن فارس، ۱۳۶۶: ۴۷). پس در کل از معانی فوق باید چنین برداشتی را نمود که سلفی‌گری در معنای لغوی به معنی تقلید از گذشتگان، کهنه‌پرستی یا تقلید کورکورانه از مردگان است.

سلفیه در معنای اصطلاحی آن، نام فرقه‌ای است که تمسک به دین اسلام جسته، خود را در اعمال پیرو سلف صالح می‌دانند (ابن بشر، بی تا: ۳۸).

آنان معتقدند که عقاید اسلامی باید به همان نحو بیان شود که در عصر صحابه و تابعین مطرح بوده است، یعنی عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فرا گرفت و علما نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه قرآن در اختیار می‌گذارد، پردازند. در اندیشه سلفیون، اسلوب‌های عقلی و منطقی جایگاهی ندارند و تنها نصوص قرآن، احادیث و نیز ادله مفهوم از نص قرآن برای آنان حجیت دارد (ابوزهره، بی تا: ۱۵).

مرحوم دکتر محمد سعید رمضان البوطی می‌نویسد: معنای اصطلاحی مستقر برای این کلمه همان سه قرن اول از عمر این امت اسلامی یعنی امت آقای ما محمد (ص) است. منشأ این اصطلاح نیز فرموده رسول خدا (ص) است که بنا بر روایت ابن مسعود به نقل بخاری و مسلم فرمود: «بهترین مردم، مردمان قرن من هستند، سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و سپس دیگرانی که در پی آنان می‌آیند» (رمضان البوطی، ۱۳۸۹: ۱۹).

- مکتب سلفیت

سلفیت مکتبی است مبتنی بر بازگشت به سیره و اندیشه که به حدیث‌گرایی شناخته می‌شوند. عمده ویژگی در این مکتب، تمسک به خدا، آیات و روایات و نفی هرگونه تفسیر و تأویل است. این جریان فکری در پی علل و عواملی شکل گرفت که مهم‌ترین آن‌ها ضایعه جبران‌ناپذیر از بین رفتن گنجینه احادیث پس از منع کتابت حدیث در زمان خلیفه دوم است.

در خصوص پیشینه سلفیت باید گفت که پیشگامان سلفیت افرادی چون مالک بن انس، سفیان بن ثوری، ابن ابی ابل، اسحاق بن راهوی و... هستند. این دوره مکتب حدیثی احمد بن حنبل (متولد، ۲۴۱) به عنوان یک اندیشه و روش سامان یافته تجسم یافت (دهقان، ۱۳۸۹: ۳).

- جبهه النصره

این گروه تروریستی در سال ۲۰۱۱ به سرکردگی ابو محمد الجولانی و با کمک داعش تأسیس و تقویت شد، سپس از داعش جدا و از طرف ایمن الظوهری (رهبر القاعده) به عنوان نیروی القاعده در سوریه فعالیت می‌کند. این جبهه در ۱۱ استان از ۱۴ استان سوریه حضور دارد. مأموریت این گروه عملیات‌های انتحاری، بمب‌گذاری، ربایش افراد شرور، محاصره شیعیان مانند نبل و الزهرا در استان حلب بود.

بیشترین اعضای این گروه غیر سوری و از ۴۸ کشور جهان هستند و به لحاظ گسترش این گروه در سال ۲۰۱۳، آمریکا با سرکردگان آن مذاکراتی در خصوص تضعیف دولت سوریه انجام داد.

- گروه تروریستی داعش

این گروه در سال ۲۰۱۲ بعد از درگیری‌ها در عراق وارد سوریه شد. سرکرده این گروه ابوبکر البغدادی است و حدود ۵ هزار تروریست در سوریه دارد. اختلاف شدید این گروه با دیگر گروه‌ها منجر به جنگ بین آن‌ها شد. شهر رقه در مرز سوریه و ترکیه را تصرف و روزانه ده‌ها نفر را به خاک و خون کشید و رقه را پایتخت خود اعلام کرد و هدف اصلی این گروه در سوریه را مبارزه با شیعیان، علویان و مسیحیان اعلام کرد. این گروه یک تفکر سلفی تکفیری دارد و بیشترین جنایت‌ها را در سوریه و عراق انجام داده است.

امنیت

امنیت از دیدگاه اسلام

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «الَا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد/۲۸)، «دل‌ها به یاد خدا آرام می‌گیرد». انسان به دلیل فطرت، از ترس و خوف و ناامنی گریزان است و محیطی را می‌طلبد که به امنیت اجتماعی و فردی‌اش خدشه‌ای وارد نشود. بنابراین امنیت از نظر اسلام عبارت است از مجموعه شرایط مطلوب جهت فعالیت‌های فردی و اجتماعی، به نحوی که در سایه تحقق این شرایط، جهت‌گیری‌ها به سوی اهداف آفرینش، هرچه صحیح‌تر و کامل‌تر شکل گرفته و اسباب تسریع در نیل به تعالی و رشد انسان فراهم شود (عاصف، ۱۳۸۷: ۳).

یکی از متداول‌ترین واژه‌هایی که از ابتدای پیدایش ادبیات در میان انسان‌ها رواج یافته است، مقوله امنیت است که شرط لازم برای ادامه حیات و رفاه جوامع بشری محسوب می‌گردد. واژه امنیت تعریف و معانی متعددی در ادیان و مکاتب علمی دارد که اکثر آنان دارای معنای واحد و قریب به هم است.

«امنیت در لغت‌نامه‌های فارسی به معنای در امان بودن، ایمنی و آرامش، آسودگی است و کلمه امن به معنای بی‌بیم‌شدن، بی‌ترس، اطمینان، آسایش قلب و ضد خوف است» (مرادیان، ۱۳۸۸: ۲).

در بررسی‌های صورت گرفته، تعاریف بسیار متعددی از مقوله امنیت به‌ویژه از منظر ملی توسط دانشمندان و نظریه‌پردازان معاصر صورت گرفته، لکن برای رسیدن به تعریفی واحد می‌توان نقاط مشترک در تعاریف گفته‌شده را در کانون توجه قرار دهیم:

۱- حفظ جان مردم

۲- حفظ تمامیت ارضی

۳- حفظ توانمندی‌های اقتصادی و سیاسی

۴- حفظ استقلال و حاکمیت کشور

تهدید

تهدید مفهومی انتزاعی است که درهم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد. از اینجا که موضوع امنیت و امنیت ملی مورد علاقه قرار می‌گیرد، حتماً از تهدید نیز سخنی به میان می‌آید. تهدید در لغت به معنای بیم‌دادن، ترساندن و عقوبت‌دادن است. فرهنگ معین تهدید را ترسانیدن و بیم‌دادن معنی کرده است. «لرنر تهدید را عبارت از هر چیزی که بتواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد دانسته و معتقد است تهدیدات، منافع ملی را هدف قرار می‌دهند» (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۱۶۷).

از تعاریف فوق آنچه مشخص است اینکه عموماً تهدیدات منشاء بیرونی داشته و ماهیت و کلیت یک ساختار و سازمان را مورد حمله قرار می‌دهند که در نتیجه آن، شاخص‌های امنیتی پیش‌گفته تضعیف می‌شوند.

تروریسم

تروریسم به معنای استفاده از خشونت سیاسی، تهدیدات اجتماعی یا حملات برنامه‌ریزی شده باز می‌گردد که با جنگ نامتعارف ارتباط نزدیکی دارد. در این چارچوب، تروریست‌ها کسانی هستند که به هیچ نیروی نظامی شناخته شده‌ای تعلق ندارند و اغلب به عنوان بازیگران یاغی شناخته می‌شوند. البته این در حالی است که اکثر تروریست‌ها این تعریف را نمی‌پذیرند. آن‌ها خود را جدایی طلب، مبارز آزادی، مجاهد و یا فدایی معرفی می‌نمایند (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۶۱).

این واژه از آن جهت برای مبحث ما دارای اهمیت است که نتیجه عمل سلفیون جهادی و تکفیری که مدعی مجاهد بودن می‌باشند به تروریسم انجامیده است.

۱-۳-۶-۲ اجزاء تروریسم:

۱- خشونت

۲- قربانی

۳- هدف

۴- انگیزه

۵- غیرقانونی بودن

۶- قبول مسئولیت

۷- عامل اقدام تروریستی

جهاد

جهاد در لغت از ریشه «جَهْد و جَهْد» به معنای مشقت و زحمت و همچنین به معنای توان و طاقت است (اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۰۱).

در معنای اصطلاحی جهاد در شرع مقدس اسلام آمده است: «جهاد عبارت است از بذل جان و مال به طریقی مخصوص برای جنگ با مشرکان و یا افراد یاغی در راه اعتلای کلمه اسلام» (ملا محمد علی، ۱۳۸۵: ۲۱).

جهاد دفاعی: جهاد دفاعی عبارت است از: دفاع مسلمانان از جان، مال و ناموس خود و سرزمین‌های اسلامی در برابر تهاجم دشمن (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۴۸۵).

اندیشه سیاسی

اندیشه در لغت به معنای فکر، تفکر و تأمل و نوعی از فعالیت ذهنی انسان عاقل است که در جهت کشف نادانسته‌ها صورت می‌گیرد. اندیشه سیاسی، مجموعه‌ای از آرا و عقاید است که به شیوه‌ای عقلانی، منطقی و مستدل دربارهٔ چگونگی سامان‌دادن به زندگی سیاسی مطرح می‌گردد. اصولاً دلیل پرداختن به اندیشه سیاسی، پاسخ‌دادن به پرسش‌های اساسی محیط خویش دربارهٔ امور و مسائل سیاسی است، چه کسی باید حکومت کند؟ چرا باید از حکومت پیروی کرد؟ چگونه می‌توان تصمیم صحیح برای اداره جامعه اتخاذ کرد؟ و... (فوزی، ۱۳۸۵: ۱۶).

اندیشه سیاسی اگر براساس مبانی فلسفی مطرح گردد، فلسفه سیاسی و اگر بر پایه مبانی فقهی و یا کلامی مطرح شود، فقه سیاسی و یا کلام سیاسی نام می‌گیرد. هدف اندیشه سیاسی، یافتن راه‌هایی برای بالابردن کارآمدی حوزه سیاسی و اداره بهتر جامعه است (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۷).

دین

واژه دین گرچه عربی است، ولی در فرهنگ لغات ملل مختلف به معنی: حکم و قضا، رسم و عادت، شریعت و مذهب، همبستگی و ... آمده است و در فرهنگ لغات عربی و استعمال‌های قرآنی نیز معانی زیادی از جمله: جزا، حساب، قانون شریف، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، روش و رویه، ملت اسلام، شرک و بت‌پرستی و توحید و خداپرستی آمده است. اما معنای اصطلاحی دین از دیدگاه علامه طباطبائی عبارت است از: عقاید و دستورالعمل‌های علمی و اخلاقی که پیامبران (ع) از طریق خدا برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند. دانستن این عقاید و انجام این دستورها سبب خوش‌بختی انسان در دو جهان است.

در تعریف دیگر، دین روش ویژه‌ای در زندگی دنیوی است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می‌کند. از این رو لازم است تعریف در برگیرنده‌ای باشد که به نیازهای دنیوی انسان نیز پاسخ گوید (ابراهیم‌زاده و علی‌نوری، ۱۳۸۳: ۲۳).

پیدایش مذاهب اسلام

سیره پیامبر خدا (ص) بیانگر این نکته است که آن حضرت به سرنوشت امت اسلامی پس از

فوتش توجه فروان داشته و تلاش ایشان با طبع دو موضوع، می‌توانست محوری برای یکپارچگی و اتحاد اسلام فراهم آورد و زمینه دودستگی و اختلاف را از میان بردارد. الف: معرفی رهبر سیاسی امت بعد از خود و تعیین مصداق آن به گونه‌ای که هیچ شبهه‌ای باقی نماند. ب: گزینش مرجع علمی به شکل صریح و گویا تا پناهگاه امت در میان حقایق و احکام دین باشد (ابراهیم‌زاده، علی نوری، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

دلایل پیدایش فرقه‌های مختلف در اسلام و سایر ادیان

- ضعف فکری و اختلاف افکار و سلاقی

تفاوت‌های فردی انسان‌ها در روحيات، سلیقه‌ها و روش و افکار و نقش برجسته آن‌ها در اختلاف نظریه‌ها و برداشت‌های متفاوت از مسائل دینی، بدیهی است. لذا افراد از حیث دلایل مختلفی چون وراثت، شرایط اقلیمی تربیتی؛ برداشت‌ها، بینش‌ها و گرایش‌های متفاوتی دارند. از سوی دیگر، محدودیت فکری برخی از انسان‌ها در حل مسائل اعتقادی یکی از مهم‌ترین دلایل اختلافات است. در اسلام نیز با توجه به اینکه حضرت رسول (ص) در مدت کوتاه رسالتش، فرصت بیان تفصیلی همه مطالب را نیافت، از این‌رو لازم بود جانشینی که معصوم باشد، کار را به‌عنوان امامت مسلمین و تبیین معارف قرآن و سنت نبوی ادامه دهد که این گونه نشد و اختلافات شدت یافت (شاکرین، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

- انگیزه‌ها و تحولات سیاسی اجتماعی

«پیوند سیاست و سیاست‌مداران با دیانت و مذهب همواره دوسویه بوده است. این پیوستگی را می‌توان هم در ظهور و رواج فرقه‌ها و اندیشه‌های کلامی، سیاسی و فقهی نشان داد و هم در خلق و احیاناً سقوط آن‌ها» (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۲۳). سیاستمداران بسیاری در طول تاریخ بوده‌اند که برای رسیدن به اهداف خود به ایجاد فرقه‌ها و نحله‌های گوناگون مذهبی روی آورده‌اند.

- اختلاف برداشت از کتاب و سنت

یکی از عوامل اصلی رشد مباحث و مجادلات کلامی و در پی آن، متمایز شدن فرقه‌ها از یکدیگر اختلاف برداشت صاحبان اندیشه‌های مختلف از قرآن و سنت بوده است. شهید مطهری

(ره) در این خصوص می‌فرمایند: «برداشت از قرآن هر اندازه بدون غرض باشد، باز نمی‌توان آن را یکسان فهمید و عرضه کرد، چرا که از خصایص و معجزات قرآن این است که گاهی تعبیرات خودش را به گونه‌ای می‌آورد که می‌توان از آن‌ها چندگونه معنا فهمید» (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۳۴).
بر همین اساس می‌توان گفت: پیدایش شیعه، خوارج، اشاعره و معتزله پس از پیامبر (ص) ناشی از این اختلاف برداشت بوده است (فرمانیان، ۱۳۸۹: ۲۵).

- تعصبات قومی قبیله‌ای

این عامل را می‌توان در اختلافات مسلمانان پس از رحلت و خاک‌سپاری پیامبر اکرم (ص) به وضوح مشاهده کرد. «بنا بر شواهد تاریخی، هیچ‌یک از انصار و مهاجرین، در تعیین جانشینی پیامبر (ص) از قرآن و سنت رسول خدا (ص) از مصلحت امت سخن نگفت، بلکه سخن هر گروه در این بود که جانشینی پیامبر (ص) حق خویش است نه دیگری؛ چون در میان انصار دو قبیله اوس و خزرج از درون به رقابت برخاستند، به دلیل همین اختلاف داخلی مهاجرین غالب شدند، این مسئله به سرعت اختلافی بنیادین در اندیشه سیاسی و کلامی مسلمین پدید آورد» (شاکرین، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

تأثیر جریان‌های سلفی در ناامنی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران

برای روشن‌تر شدن تأثیر جریان‌های سلفی در ناامنی‌های کشور ایران، ابتدا لازم است ابتدا جریان‌های سلفی موجود در ج.ا.ا را برشماریم که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

جریان‌های موجود در کشور:

۱- جریان‌های سلفی با مشی تبلیغی

- جماعت تبلیغی (حاجی دلشاد)

- وهابیت تبلیغی

- اخوان المسلمین ایران (ناصر سبحانی)

- مکتب القرآن (احمد مفتی‌زاده)

- شورای شمس (احمد ملازاده و عبدالعزیز ملازاده)

۲- جریان‌های سلفی جهادی و افراطی

الف - غرب ایران:

- گروهک احفاد صلاح الدین

- انصارالاسلام

- کتائب کردستان

- خوارج

ب - شرق ایران:

- توحید و جهاد

- انصارالسنه

- حرکت انصار

- فرقان

- سپاه صحابه ایران

- طالبان ایران

- جندالله

- جیش العدل (نوحی: ۱۳۹۹).

در ادامه برای نشان دادن اثر تفکر گروه‌های سلفی تندرو در ایران، ابتدا نگاهی به نحله‌های سلفی فعال در کشور می‌اندازیم و سپس به اقدامات خطرناک‌ترین آنان که بیشترین ناامنی و جنایت را در جنوب شرق کشور به بار آوردند اشاره می‌کنیم:

جریانات سلفی فعال در ایران

اگر جغرافیای جمهوری اسلامی ایران را به صورت یک شکل هندسی چهارگوش فرض کنیم، نیمی از آن که به نیمه شرقی معروف است شامل جریانات سنی مذهب حنفی مسلک و نیمه غربی آن شامل جریانات سنی مذهب شافعی مسلک است، حال با این توضیح به تشریح جریانات، براساس جغرافیای محل سکونت و مبتنی بر نوع مسلک می‌پردازیم.

الف) جریانات سنی سلفی شرق کشور

۱- سلفیت توحیدی که شامل:

- شورای مرکزی سنت (شمس) که مرکزیت آن در کشور نروژ است.

- شورای راهبردی اهل سنت که رهبری آن بر عهده مولوی عبدالحمید امام جمعه زاهدان است.

۲- اهل سنت سلفی تبلیغی شامل:

- وهابیت که مرکزیت آن در کشور عربستان سعودی است.
- جماعت تبلیغی که مرکزیت آن هندوستان و شهر دهلی نو بوده و در ایران عمدتاً محل فعالیت آن معطوف به مسجد مکی زاهدان است و به صورت گسترده‌ای از طریق پایگاه‌های اینترنتی و تأسیس چند شبکه ماهواره‌ای به تبلیغ مشغول می‌باشند.

۳- اهل سنت سلفی جهادی شامل:

- طالبان

- القاعدة

به دلیل اینکه این دو گروه با هدف مبارزه با اشغالگران جهان اسلام بخصوص شوروی سابق و آمریکا تأسیس گردیدند، توانستند به صورت عمده طیف‌هایی از اهل تسنن شرق کشور را به خودشان جذب کنند.

۴- اهل سنت سلفی تکفیری شامل:

- داعش

- نزال

- جندالله

این گروه‌ها اعتقاد به جنگ درون تمدنی (اسلام) داشته و اولویت خودشان را پاک‌سازی جهان اسلام از مرتدین و منحرفین اعلام کرده‌اند (نوحی: ۱۳۹۹).
جندالله:

این گروهک در سال ۱۳۸۲ و با شعار تأمین حقوق مذهبی و قومی راه‌اندازی شد. عبدالمالک (عبدالمجید) ریگی از طایفه ریگی، سرکرده این گروهک بود که پس از سال‌ها اقدامات تروریستی و تعقیب و گریز نیروهای امنیتی و انتظامی ایران در سال ۸۸ دستگیر و پس از محاکمه در ۸۹/۳/۳۰ به اتهام محاربه و افساد فی الارض اعدام شد.
در حال حاضر با اینکه با اعدام عبدالمالک ریگی این گروهک فعالیت تروریستی خاصی

نداشته است، لکن کماکان با جایگزینی محمد ظاهر بلوچ به جای ریگی، فعالیت خویش را با حضور در پاکستان علیه ایران ادامه می‌دهد.

با اینکه عبدالمالک ریگی و گروهک جندالشیطان براساس مستندات موجود و اعترافات خودش که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، مورد حمایت شدید غرب به‌ویژه سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا قرار داشته؛ لکن به دلیل عمق فجایع این گروهک در کشتار مردم بی‌گناه و حتی نمازگزاران خردسال مساجد استان سیستان و بلوچستان، آمریکایی مجبور به درج نام این گروهک در سال ۲۰۱۰ میلادی در لیست گروهک‌های تروریستی گردید.

جندالشیطان که عمده‌ترین و بزرگ‌ترین گروهک تروریستی سلفی ایران محسوب می‌شود، اقدامات تروریستی زیادی را مرتکب شد.

عبدالمالک ریگی و سایر همدستان جنایتکار خویش در طول قریب به یک دهه، به ناامن‌سازی منطقه جنوب شرق کشور پرداختند که با اقتدار نیروهای امنیتی، نظامی و انتظامی پس از دستگیری عبدالمالک ریگی و انجام طرح بومی‌سازی امنیت توسط سردار شهید شوشتری، به حمدالله امنیت مناسبی در منطقه حاکم شده بود؛ لکن اقدام اخیر گروهک در سراوان کمی نگران‌کننده است و ظاهراً ما را با مشکلاتی مواجه خواهد ساخت.

ب) جریانات سنی سلفی غرب کشور

۱- اهل سنت سلفی اصلاحی شامل:

- جمعیت دعوت و اصلاح

- مکتب قرآن سنندج به سرکردگی سعدی قریشی

- مکتب قرآن کردستان به سرکردگی حسن امینی

این تفکر سلفی با ادغام علوم جدید و قدیم به دنبال خوانش نوینی از سلفیت هستند که تحجر و عقب‌ماندگی سایر گروه‌های تکفیری را برطرف نموده است و شیوه مرفی از سلفی‌گری را ارائه می‌دهد (نوحی: ۱۳۹۹).

۲- اهل سنت سلفی جهادی شامل

- انصار الاسلام (جند الاسلام و انصار السنه) به سرکردگی نجم‌الدین فرج معروف ملا کریکار

- سلفیت جهادی سندج با محوریت ملا کاوه شریفی (معروف به ابوبکر) و فرهاد رحیمی (معروف به امیر فرهاد که اعدام شد)
- گروه نوظهور توحید و جهاد که در بهمن ماه ۱۳۸۸ توسط فردی به نام اسماعیل از اتباع عراق تشکیل شد.
- برخی از فعالیت‌های گروه‌های سلفی غرب کشور عبارت است از:
 - آتش زدن بقاع متبرکه
 - سرقت مسلحانه از طلافروشی‌ها به منظور خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی در سال ۸۷
- آنچه در این قسمت می‌آید از مجموعه مطالعات و بررسی‌های شخصی نگارنده است که به اختصار به بیان آن می‌پردازم.
- نظر به اینکه گروه‌های مرجع سلفی در ایران از هم‌دینان و هم‌زبانان خویش نظیر سایر جولانگاه‌های خویش برخوردار نمی‌باشند، لذا در تسری و توسعه افکار خویش ناموفق بوده‌اند و در آینده نیز قطعاً نخواهند توانست توفیقاتی داشته باشند. البته در استان‌های مرزی و به‌ویژه استان‌هایی که در آن‌ها قرابت‌های مذهبی و زبانی دارند، ممکن است بتوانند تحرکاتی داشته باشند؛ کما اینکه تاکنون هم بیشتر در همان استان‌ها اقدامات تروریستی داشته‌اند، لکن اقدامی فراگیر شبیه به آنچه که امروز در کشور سوریه را شاهدیم؛ برای ایران قابل‌تصور نیست.
- البته وجود ساختار مقتدر نظامی و امنیتی، وجود بسیج مردمی میلیونی، مردم متدین و عاشق انقلاب و میهن نیز مکمل دلایل قبلی خواهد بود.
- امروزه سلفیون در سوریه، عراق و افغانستان شکست‌های قابل‌توجهی را متحمل شده‌اند که در بسیاری از موارد ایران را عامل آن می‌دانند که در هر ۲ صورت پیروزی یا شکست در میدان جنگ؛ آن‌ها انتقام این شکست‌ها را ممکن است بخواهند از ایران و به‌وسیله اقدامات تروریستی منطقه‌ای و یا مقطعی بگیرند. اقداماتی توسط یکی از منظومه‌های القاعده که هم‌اینک از ایران برای عبور و ترانزیت نفرات هم بعضاً استفاده می‌نمایند را می‌توان متصور بود؛ اقدامات تروریستی همچون ترور مسئولین سیاسی و نظامی و مذهبی و همچنین کشتار عمومی در ایستگاه‌های پرتردد و

تأثیر اندیشه سیاسی سلفیون افراطی در ایران چیست؟

همچنین براساس تجزیه و تحلیل دادها و مطالب ارائه شده، اندیشه سیاسی سلفیون افراطی در ایران به شرح زیر و با توجه به مصاحبه‌های انجام شده با کارشناسان و متخصصین حوزه فکری و مبانی اندیشه سلفیون افراطی تکفیری نتایج زیر استخراج گردید:

ابعاد و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژی حاصل از عملکرد جریان سلفی - تکفیری منطقه‌ای و میزان اثرپذیری آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته و نکته مهم در این بررسی آن است که کشور ما از دو بعد از طرف سلفیون افراطی با خطر روبه‌رو است: بعد اول، ایدئولوژیکی (تبلیغات ضد شیعی آن‌ها) و بعد دوم سرزمینی (فعالیت‌های گسترده آن‌ها در سه کشور هم‌مرز با ایران یعنی افغانستان، پاکستان و عراق).

طی سال‌های اخیر، افزایش منازعات گروه‌های تروریستی که در داخل ایران و نواحی اطراف آن در کشورهای همسایه تشدید شده است، بر امنیت ملی ایران تأثیر گذاشته است. بستر داخلی این فرایند به وجود اقلیت‌های سنی مذهب در ایران باز می‌گردد، به‌طوری که برخی گروه‌های افراطی وهابی و سلفی با سازمان‌دهی تشکلهای سیاسی - نظامی مستقیماً در «ترتیبات امنیتی منطقه‌ای» وارد شده‌اند و بیشتر از ابزار و شیوه مبارزاتی غیر قانونی مانند عملیات انتحاری، بمب‌گذاری، گروگان‌گیری، قتل، سر بریدن و پخش آن در اینترنت استفاده می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های ظهور این رادیکالیسم جدید در چند سال گذشته، ظهور تروریسم فرقه‌ای در نواحی شرقی ایران، گروه عبدالملک ریگی (جندالله) است.

از طرف دیگر به‌طور کلی ژئوپلیتیک کشور عراق در غرب آسیا برای ایران و حوزه خلیج فارس از اهمیت بالایی برخوردار است؛ بنابراین تأسیس دولت جدید مبتنی بر اندیشه‌های سلفی - تکفیری در عراق، آغاز یک دومینو و صدور خطر و تهدید به کشورهای دیگر منطقه به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران بوده است و چون امنیت و ثبات ایران در گرو امنیت و ثبات عراق و منطقه است، تحولات عراق به‌خصوص ظهور داعش در آن، برای جمهوری اسلامی واجد ابعاد تهدیدات نوینی است، زیرا از طرفی اشغالگران آمریکایی به بهانه مبارزه با داعش تلاش می‌کنند دوباره حضور نظامی خود را در عراق تثبیت نمایند، از طرف دیگر اماکن مقدسه شیعه و

شیعیان عراق به طور فزاینده‌ای در معرض تهدید جریان‌ات سلفی تکفیری قرار دارد. برخی مناطق عراق می‌توانند به عنوان مناطق پشتیبانی برای عملیات‌های اطلاعاتی و تروریستی علیه جمهوری اسلامی بکار رود. از طرف دیگر ورود تروریست‌های تکفیری به بطن رخدادهای عراق با تحریک اقوام اهل تسنن در مناطق سنی‌نشین غرب ایران که دارای تفکرات واگرایانه نسبت به حکومت مرکزی جمهوری اسلامی ایران بوده و معتقد به شورایی‌بودن حاکمیت جامعه اسلامی هستند و ایجاد فضای مناسب جهت فعالیت گروه‌های مانند حزب دمکرات کردستان ایران و... تهدیدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. با توجه به مواردی که بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که وجود نیروهای سلفی - تکفیری تهدیدات برای منافع ملی و تمامیت ارضی ایران را در پی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

آنچه در واقع رخ داده این است که هم اینک اندیشه سیاسی و مذهبی سلفیت افراطی، دستوراتی را به طرفداران و معتقدان این مسلک مجهول داده است که آن‌ها را مجاز به کافر حربی قلمداد نمودن سایر مسلمانان به ویژه شیعیان در جهان اسلام و خاصه در منطقه خاورمیانه در ۱۰ سال اخیر نموده و شرایطی را پدید آورده که قتل آنان را جایز و واجب بشمارد. برای دانستن ماهیت و هویت این مسلک مجهول، به دلیل برآمدن آن از مذاهب اهل تسنن، ابتدا مذاهب کلامی و فقهی اهل تسنن را مورد بررسی مختصری قرار دادیم تا بدانیم که ریشه این جریان فکری از کجا برآمده است؟ در بررسی‌های صورت گرفته، مشخص گردید که نطفه سلفیون بر بستر آراء احمد بن حنبل یکی از اندیشمندان اصحاب حدیث که بانی مذهب حنبلی نیز است شکل گرفته و در ادامه مسیر تاریخی این اندیشه توسط ابن تیمیه قوام بیشتری یافته است.

همان‌طور که مطرح شد، زمینه‌های فکری سلفی‌گری را در واقع آموزه‌های مذهبی احمد بن حنبل که قرائتی نفی‌گراتر از اسلام رایج به دست می‌داد، فراهم کرده بود؛ اما با ظهور ابن تیمیه در قرن هفتم شاکله اصلی این تفکر شکل گرفت. در حقیقت این مرحله را می‌توان مرحله نخست نضج این تفکر دانست و نام آن را مرحله «شکل‌گیری تئوریک» گذاشت. پس از وی، مؤثرترین فرد در سیر تطور، تحول و استمرار تفکر سلفی‌گری محمد بن عبدالوهاب است. هرچند شیخ

محمد چیزی بر اندیشه‌های قبلی نیافزود، اما اصرار و لجاجت وی بر احیای این تفکر باعث گردید سلفی‌گری افراطی از لابه‌لای آثار ابن تیمیه و از قبرستان‌های کتاب بیرون کشیده شود. اندیشه‌ای که در طول حدود ۴ قرن به دلیل نگارش ردیه‌های متعدد از سوی علمای سنی و شیعه به دست فراموشی سپرده شده بود، بار دیگر توسط محمد عبدالوهاب و به شکلی افراطی‌تر احیا گردید و آن اندیشه‌ای که امروز در صدر اندیشه‌های سلفی افراطی مشاهده می‌شود، چیزی نیست جز وهابیت. اقدامات محمد بن عبدالوهاب و پیروانش در قرن دوازدهم را می‌توان مرحله دوم تکمیل این جریان، یعنی مرحله «تطبیق و اجرا» نامید.

به هر حال ماحصل این روندها باعث به وجود آمدن جریانات سلفی اعتدالی و افراطی گردید که هم‌اینک در جهان اسلام به‌ویژه غرب آسیا حضوری فعال و چشمگیر دارند. سلفیون افراطی وهابی عربستان، سلفیون افراطی دیوبندیه شبه قاره هند، سلفیون زیدیه یمن، سلفیون اخوان المسلمین مصر و سلفیون افراطی و جهادی سید قطبی مصر.

بیان شد که اندیشه سلفی‌گری، نشأت گرفته از آرا فقهی و مذهبی احمد بن حنبل بود و لذا اهم شاخص‌های این اندیشه را به ترتیب از احمد بن حنبل مطرح و به اندیشه‌های ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب، رشید رضا، سید قطب، ایمن الظواهری و نئوسلفی‌های افراطی چون یوسف قرضاوی رساندیم.

شاخصه اصلی تفکرات سلفیون افراطی که مورد نظر ما در این تحقیق است، تکفیر مسلمانان به اصطلاح خودشان بدعت‌گذار و پیروان سایر ادیان الهی نظیر یهودیان و مسیحیان و قیام قهرآمیز و اعمال خشونت علیه آنان است. بی‌شک آنچه تاکنون موجبات رنجش خاطر مسلمین در رفتارهای خشونت‌آمیز سلفیون افراطی است، همین شاخصه است که برآمده از اندیشه‌های مذهبی و سیاسی آنان است.

به تفصیل بیان شد که آن‌ها مدعی‌اند سایر مسلمانان به‌ویژه شیعیان کافرند و بایستی با کفار قهرآمیز رفتار کرد. لذا دست‌بردن به شمشیر و به اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر با بدعت‌گزاران توسط سلفیان، شاهیت بحث ما است که تا به امروز باعث ریختن خون انسان‌های مؤمن و بی‌گناه فراوانی در بلاد اسلامی و در نتیجه ناامنی در آن کشورها شده است.

اقدامات جنایت‌بار متعددی که امروز در کشورهای اسلامی به‌ویژه در خاورمیانه از سوی بانیان این تفکر، یعنی گروه‌های تروریست سلفی نظیر القاعده، طالبان، جند الشیطان، انصار سپاه صحابه، جبهه النصره، گروهک عبدالله عزام، انصارالسنه، داعش و ... به همین بهانه یعنی مبارزه با بدعت در دین اسلام و خروج مسلمانان از مسیر سلف صالح رسول خدا صورت می‌گیرد، شرایطی را پدید آورده که امنیت پایدار در این منطقه به‌ویژه کشورهایی چون سوریه، عراق، ایران، لبنان، افغانستان و ... را به ناامنی تبدیل نموده و وضعیت برخی از آن‌ها را به بحران کشانده است.

از ۱۰ سال قبل تاکنون جنایاتی در افغانستان، پاکستان، ایران، لبنان، سوریه، بحرین، عربستان، چین و عراق توسط پیروان این تفکر صورت گرفته که طی آن خون هزاران انسان بی‌گناه حتی زنان و کودکان بی‌دفاع بر زمین ریخته شده است و امنیت آن‌ها سلب گردیده است.

شاخص‌های ایجاد ناامنی آنان را می‌توان در کشورهای مسلمان به شرح زیر بیان کرد:

۱- ترور شخصیت‌های علمی، مذهبی و سیاسی مسلمان، به‌ویژه کسانی که رده‌هایی علیه آنان نوشته‌اند، نظیر علامه شهید رمضان البوطی

۲- کشتار بی‌رحمانه مسلمانان در مراکز تجمع مذهبی نظیر مساجد، حسینیه‌ها، دسته‌های عزاداری و... از طریق بمب‌گذاری و عملیات‌های انتحاری

۳- کشتار بی‌رحمانه مسلمانان تکفیرشده به وحشیانه‌ترین شکل ممکن نظیر بریدن سر، مثله کردن بدن، زنده سوزی و...

۴- بریدن سر کودکان و مجازات آن‌ها به وسیله طناب دار

۵- بریدن سر پدر و مادر جلوی فرزندان و بالعکس

۶- تجاوز به نوامیس مسلمانان

۷- بی‌حرمتی به ابدان کشته‌شدگان (بازی فوتبال با سرهای بریده‌شده)

۸- تخریب زیارتگاه‌ها و اماکن مقدسه شیعیان از طریق انفجار و عملیات انتحاری

نکته قابل تأمل اینکه سلفیون افراطی، جنایات و اعمال خشونت‌بار خویش را در قالب جهاد توجیه می‌نمایند؛ اما این در حالی است که براساس نظریات علمی مسلمانان و اندیشمندان غربی، اقدامات سلفیون از دسته اقدامات نامشروع و تروریستی است. باید گفت که بین «جهاد و ترور» -

«انتحار و استشهاد» علیرغم وجود تشابهاتی در خشونت بار بودنشان؛ یک تفاوت عمده وجود دارد؛ جهاد و استشهاد اقدام تدافعی است در مقابل اشغالگران و دشمنان برای حفظ دین، ناموس و وطن؛ اما انتحار و ترور تجاوز به حریم افراد بی دفاع و مظلوم است. با این تعریف آنچه مبرهن است اینکه اقدامات گروه‌های سلفی افراطی چون القاعده و شاخه‌های متعددش خاصه در کشورهای ایران، لبنان و عراق از دسته اقدامات تروریستی، نظیر سوریه ارزیابی می‌شود و به هیچ‌وجه جهاد اسلامی محسوب نمی‌گردد. مگر مسلمانان علیه یکدیگر جهاد می‌نمایند که این مسلک مجهول به بهانه جهاد به جان امنیت جهان اسلام افتاده‌اند؟! در ادامه از آنجایی که اندیشه سیاسی سلفیون افراطی که رفتارهای سیاسی و اقدامات به اصطلاح جهادی آن‌ها را رقم می‌زند از درون مذاهب اسلامی پدید آمده است، به سه نوع اندیشه سیاسی رسیدیم که عبارتند از:

۱- نظام استیلا: بنا بر عقیده تفکر وهابی، مشروعیت حاکم جامعه چه با شمشیر و چه با خواست عموم مردم بر سرکار آید، مشروع است و اطاعت از آن برای همه واجب و مخالفت با آن حرام است. در عصر حاضر این تفکر در جغرافیای شبه جزیره عربستان و به‌طور مشخص در کشور سعودی و به روش پادشاهی اجرایی شده است.

۲- نظام خلافت: در این رویکرد سیاسی که تفکر دیوبندیه معتقد به آن است، خلیفه براساس روش صدر اسلام انتخاب می‌شود و لازم‌الاتباع است که خلیفه از طریق امارت‌های اسلامی در بلاد مسلمان اعمال خلافت می‌نماید. بر این اساس، هریک از کشورهای اسلامی فعلی بخشی از مجموعه تحت امر خلیفه بوده و ملزم به اجرای دستورات خلافت است. این تفکر امروزه بیشتر در شبه‌قاره هند رواج دارد.

۳- نظام شورایی: در این نظام که مبتنی بر اندیشه‌های اخوان المسلمین در مصر می‌باشد، شورایی متشکل از علمای دین به‌عنوان شورای حل و عقد، به انتخاب خلیفه می‌پردازند و در عین حال سه زیرمجموعه با عناوین شورای افتاء (وظیفه قانون‌گذاری)، شورای قضایی (وظیفه قضاوت و برقراری عدالت) و شورای تنفیذ (وظیفه تطبیق قوانین و مقررات با شرع) دارد. در این مدل خلیفه به‌عنوان نهاد اجرایی خلافت عمل می‌کند.

اندیشه‌های سیاسی افراطی را با اندیشه سیاسی علمای مسلمان سنی و شیعه محک زدیم و مشاهده کردیم که اکثر علمای مسلمان به‌ویژه اهل تسنن، آن را اندیشه‌ای انحرافی، مسلکی مجهول و تفکری خطرناک قلمداد کرده‌اند.

منابع

الف- کتب

- ۱- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، دین و سیاست در اندیشه سیاسی معاصر. تهران: پژوهشکده فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
- ۲- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، القاعده از پندار تا پدیدار. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۳- افتخاری، علی‌اصغر و نصیری، قدیر (۱۳۸۹)، روش و نظریه در امنیت پژوهی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴- آل محدودل، حسن نژاد (۱۹۷۹)، الدمشق: تاریخچه فکری و سیاسی. دمشق
- ۵- امین، سید محسن (۱۳۷۶)، تاریخچه نقد و بررسی وهابی‌ها؛ ترجمه ابراهیم سید علوی. تهران: امیرکبیر.
- ۶- امین، ابراهیم (۲۰۱۲)، عصر تکفیری‌ها. سوری: نشریه الاخبار
- ۷- انصاری دلجو، بهاء‌الدین (۱۳۹۰)، نقش جریان‌های وهابی‌گرا بر امنیت منطقه جنوب شرق تهران. دانشگاه امام حسین (ع).
- ۸- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، تاریخ اندیشه سیاسی قرن بیستم. تهران
- ۹- بلیک، انتونی (۱۳۸۶)، تاریخ اندیشه سیاسی اسلام؛ ترجمه محمدحسین وقار. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۰- توطئه ۱۱ سپتامبر (۱۳۸۰) تهران: انتشارات نذیر.
- ۱۱- حائری، عبدالوهاب (۱۳۶۸)، ایران و جهان اسلام. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۲- دهقان، یدالله (۱۳۸۹)، سلفیت در جنوب غرب کشور- چالش‌ها و تهدیدات. تهران: نیروی انتظامی ج.ا.
- ۱۳- رجبی، حسین (۱۳۸۸)، بررسی فتوای تفکیر در نگاه مذاهب اسلامی. تهران: شعر.
- ۱۴- رشید، احمد (۱۳۸۲)، کابوس طالبان؛ ترجمه گیلد ایرانلو. تهران: هوای رضا.

- ۱۵- رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۰)، سلفی گری در بوته نقد. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر.
- ۱۶- رضوی، سید مرتضی (۱۳۶۸)؟، برگی از جنایات وهابی ها؛ ترجمه علی ضیایی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۷- رمضان البوطی، محمد سعید (۱۳۸۹)، سلفیه بدعت یا مذهب. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس.
- ۱۸- روحانی، حبیب (۱۳۸۸)، چهره واقعی وهابیت. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ۱۹- سبحانی، جعفر (۱۳۶۴)، آئین وهابیت. قم: موسسه امام صادق (ع).
- ۲۰- شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۹)، ادیان و مذاهب. قم: دفتر نشر معارف نهاد نمایندگی و دانشگاه ها.
- ۲۱- عاصف، رضا (۱۳۸۷)، احزاب و گروه های سیاسی ایران. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- ۲۲- عبدالسلام، عمر (۱۴۱۶ ق)، مخالفت وهابیت با قرآن و سنت. دارالهدایه.
- ۲۳- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، تروریسم شناسی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- ۲۴- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)، تهدید و امنیت. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- ۲۵- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۲)، نظریه های امنیت. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- ۲۶- عطوان، عبدالباری (۱۳۹۱)، سازمان های سری القاعده؛ ترجمه فرزانه شهیدی. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- ۲۷- علامه حلی، اکبر (۱۳۸۵)، مبانی فقهی عملیات استشهادی از دیدگاه شیعه و اهل سنت. قم: انتشارات زمزم هدایت.
- ۲۸- فقیهی، اصغر (۱۳۶۶)، وهابیان. تهران: صبا.
- ۲۹- فوزی، یحیی (۱۳۸۵)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). تهران.

- ۳۰- قادری، حاتم (۱۳۸۵)، اندیشه‌ای سیاسی در اسلام و ایران. تهران: انتشارات سمت.
- ۳۱- قزوینی، محمدحسین (۱۳۶۸)، فرقه وهابیت و پاسخ شبهات آن‌ها؛ ترجمه علی دوانی تهران: انتشارات وزارت ارشاد.
- ۳۲- الگار، حامد (۱۳۸۷)، وهابی‌گری. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۳۳- گروهی از نویسندگان (۱۳۹۱)، وهابیت سیاسی. تهران: مؤسسه اندیشه‌سازان نور.
- ۳۴- محمد صالح، عبدالله (۱۹۷۸)، علمای اسلامی در مقابل وهابیت. دمشق: دارالحفاظ.
- ۳۵- مرادیان، محسن (۱۳۸۸)، تهدید و امنیت. تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- ۳۶- مسجد جامعی، زهرا (۱۳۸۰)، نظری بر تاریخ وهابیت. تهران: صریر دانش.
- ۳۷- المنندلاوی، محمد محمود (۱۳۹۰)، پدیده تروریسم در امتداد تاریخ؛ ترجمه محمدرضا میرزاخانی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- ۳۸- نوحی، امیر (۱۳۹۲)، آشنایی با جریانات سلفی اهل تسنن. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- ۳۹- نوحی، امیر (۱۳۹۱)، جریان‌شناسی وهابیت. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- ۴۰- همتی، همایون (۱۳۶۷)، بررسی آیین وهابیت. تهران: نشر ضحی.
- ب- مقالات**
- ۴۱- اسداللهی، مسعود (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر پیشینه تاریخی و رفتار افراطی گروه داعش»، پنجره، شماره ۱۸۲.
- ۴۲- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۹۲)، «بررسی نقش مذهب در سیاست و حکومت»، باشگاه اندیشه.
- ۴۳- خلیل السعد، خالد (۱۳۸۰)، «بن لادن، او را نمی‌توان شناخت»؛ ترجمه حیدر تحصیلی. تهران: جام جم.
- ۴۴- روبین، باری، «سه گروه اخوان»، ترجمه کیانوش کیا کجوری، تهران: واحد فرهنگی و آموزشی بین‌المللی امت واحده.

۴۵- سید افقی، سید هادی (۱۳۹۲)، «پشت پرده جنایات تروریستی منطقه»، پنجره، شماره ۱۸۲.

۴۶- عزام، حذیفه (۱۳۸۴)، «آیا شبکه‌های اطلاعاتی در القاعده نفوذ کرده‌اند؟» ترجمه سعید آقاخانی، روزنامه شرق.

۴۷- مسعود نیا، حسین و شاه قلعه، صفی الله (۱۳۸۸)، «بررسی علل رفتار خشونت‌آمیز نیروهای اسلامی در پاکستان با تأکید بر طالبانسم»، سال پنجم شماره اول، بهار و زمستان.

ج- پایان‌نامه‌ها

۴۸- اربابی، محمد، ۱۳۹۳، «تفکرات سلفی‌گری در استان کردستان و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا»، دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۴۹- جهانی، محمد، ۱۳۹۰، «اقلیت‌گرایی مذهبی در بلوچستان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۵۰- سیدنژاد، سید باقر، ۱۳۹۳، «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر ایران»، دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۵۱- صباغی گراغانی، حسین، ۱۳۹۴، «فعالیت‌های جریان جماعت تبلیغی و تأثیر آن بر امنیت نرم ج.ا.ا: مطالعه موردی (استان خراسان جنوبی)»، دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۵۲- عابدینی، رسول، ۱۳۹۸، «راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جریان‌های سلفی تکفیری شمال غرب»، دانشگاه جامع امام حسین (ع).

د- سایت‌های خبری تحلیلی

۵۳- ابن تیمیه، سایت باشگاه اندیشه (۱۳۹۲)، <http://www.bashgah.net>

۵۴- گزارش ویژه «ابن تیمیه»، سایت مشرق سال ۹۲، www.mashreghnews.ir

تحلیل گفتمان وصیت نامه سرداران شهید شهرستان خلخال

پرویز صبوری کزج^۱، جواد صبوری کزج^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۰

چکیده

تحلیل پدیده‌های پیرامون دفاع مقدس به دلیل عظمت این رویداد و نقش آن در درک درست گفتمان انقلاب اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. شهدا، کنشگران و میدان‌داران عرصه نبرد هشت سال دفاع مقدس، مبانی فکری و آرمانی خود را در قالب وصیت‌نامه، به مثابه منشور انقلاب اسلامی ایران برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشته‌اند. این پژوهش با هدف تحلیل گفتمان وصیت‌نامه سرداران شهید شهرستان خلخال، با روش پدام (روش تحلیل گفتمان کاربردی)، انجام شده است. با تحلیل وصیت‌نامه‌ها، هشت دال گفتمانی استخراج شد که عبارتند از: ۱- جهاد به مثابه آزمونی برای تقرّب الهی، ۲- زنده نگه داشتن دین اسلام و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی موعود (عج)، ۳- وحدت حول اطاعت از ولایت فقیه، ۴- عقلانیت و معنویت، ۵- تأکید بر حق‌الله و حق‌الناس، ۶- شهادت‌طلبی و یاد امام حسین (ع)، ۷- استکبارستیزی، ۸- مسجد؛ به عنوان پایگاه فکری و نظامی.

کلید واژه‌ها: تحلیل گفتمان، وصیت‌نامه، شهید، روش پدام، دفاع مقدس.

۱- دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، Email: Saboori.p@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)، Email: JavadSabouri@yahoo.com

مقدمه

هشت سال دفاع مقدس در تاریخ ایران برگ زرینی است از نمایش روحیه، منش و فرهنگ زنان و مردان این مرز که برای حفظ باورها و اعتقاداتشان با لبیک به رهبر و امام خویش از خود گذشتند و با الگوگیری از یاران حسین (ع)، ایثار و شهادت را برای جهانیان تفسیری دوباره نمودند. به تعبیر دکتر شریعتی برای شهید، در «نتوانستن» نیز «بایستی» هست، برای او زندگی، عقیده و جهاد است (شریعتی، ۱۳۸۸). بدین دلیل است که شهیدان زندگان جاوید تاریخند^۱ و در مقابل جامعه و بشریت مسئولیت دارند به همین علت شهید مطهری، از شهدا به شمع محفل بشریت یاد می‌کند (مطهری، ۱۳۶۸: ۴۲). دفاع مقدس، تبلور عملی و تجلی عینی همه ارزش‌های متعالی انسانی بود، ارزش‌هایی از جنس شهادت‌طلبی، انفاق، بذل، احسان، عفو، بردباری، فروخوردن خشم، پایمردی، شجاعت، استقامت، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، آزادی‌خواهی، غیرت و جوانمردی.

با گذشت سه دهه از دوران دفاع مقدس، با وجود دفاعی و مقدس‌دانستن آن در زمینه جایگاه و تأثیرگذاری شهدا گرچه کارهایی انجام گرفته است که می‌توان آنها را در اغلب حوزه‌های فرهنگی ملاحظه کرد، اما با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، نتایج پژوهش‌های مربوط نشان‌دهنده کم‌رنگ‌بودن نسبی این مفاهیم و نارسایی‌هایی در این زمینه است (نظری و همکاران، ۱۳۹۸).

با وجود اینکه از نظر زمانی، هشت سال دفاع مقدس در اوایل انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و سه دهه از آن حادثه و رویداد می‌گذرد، لکن توجه به مفاهیم و گفتمان غالب آن، از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. از یکسو اهمیت مدت زمان هشت ساله که در پی پیروزی انقلاب اسلامی بر استبداد و استثمار و استکبار پدید آمد و بخش عظیمی از انرژی کشور را به خود اختصاص داد؛ از سوی دیگر گفتمان غالب دفاع مقدس یک گفتمان برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی است که با تحلیل و بررسی آن، زوایا و ابعاد مختلف آن بیشتر نمایان می‌شود. به بیان دیگر، کشف گفتمان غالب دفاع مقدس، به شناسایی و فهم عمیق از انقلاب اسلامی منجر می‌شود.

۱- وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (آل عمران: ۱۶۹)

وصیت نامه به عنوان آخرین توصیه و سفارش هر فردی به نسل های آتی محسوب می شود، به عبارتی عمق نگاه و فصل الخطاب هر شخصی را نشان می دهد که در زیست جهان خود آرمان و هدفش چه بوده و برای اكمال و اتمام برنامه زندگی اش به آیندگان چه سفارشی نموده است. به عبارتی وصیت کننده طی آن می خواهد که دیگران، بعد از مرگ او حقوق او را استیفا و خواسته های او را عملی نمایند (نوین، ۱۳۸۷: ۲۲)؛ بنابراین مطالعه و تدبّر در وصیت نامه شهدا از این جهت می تواند حاکی از نمایش مبانی فکری و عقیدتی وی لحاظ شود و از سویی چراغ راهی است در فضای سیاسی و اجتماعی پیش آمده از جانب فتنه های غبارآلود شدن^۱ که به آیندگان، مسیر درست انقلابی ماندن را نشان می دهد.

این پژوهش با هدف گسترش فرهنگ ایثار و شهادت و تبیین راه سرخ تشیع، به دنبال کشف گفتمان وصیت نامه سرداران شهید شهرستان خلخال است تا به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که منظومه فکری و به طور کلی هستی شناسی و انسان شناسی و ارزش شناسی سرداران شهید خلخال چگونه بوده است؟

پیشینه پژوهش

باتوجه به اهمیت موضوع، تحقیقات و پژوهش های زیادی در خصوص تحلیل دست نوشته ها و وصیت نامه های شهدا در کشور ما صورت گرفته است. نظری و همکارانش (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «کشف مبانی فلسفی آموزه های تربیتی وصیت نامه شهدای دانشجوی دوران دفاع مقدس» نتیجه گرفتند در وصیت نامه شهدا در مورد هستی شناسی به اندازه ای پرداخته شده است که خواننده با مراجعه به وصیت نامه های شهدای دانشجو، تصویر روشنی از خداوند و هستی، تعلق هستی به خداوند و تقابل حق و باطل و فناپذیری دنیا به دست می آورد. در عین حال در وصیت نامه شهدای دانشجو به چستی هستی به میزان کمتری توجه شده است. در بعد انسان شناسی شهدای دانشجو، به چستی هستی به میزان کمتری توجه شده است. در بعد انسان شناسی، شهدای دانشجو در هیأت فیلسوف تمام عیار ظاهر شده و به ویژگی های انسان از جمله آزادی، اراده، شناساگر بودن، مسئولیت پذیری، پاک سرشت بودن و ترکیب جسم و روح پرداخته اند. در خصوص

۱- وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ (انفال: ۳۹)

شناخت‌شناسی، بیشترین استناد شهدا برای شناخت، وحی و در مرتبه بعد کاریزما و در نهایت عقل است.

فریبا احمدی (۱۳۸۶) تحقیقی تحت عنوان «بررسی علل و انگیزه‌های شهدا از جهاد و شهادت‌طلبی و حضور در جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس به استناد وصایای شهدای استاد اردبیل» را انجام داده است. بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که انگیزه‌های شخصی و غیر الهی دخالتی در حضور شهدا در جبهه نداشته و آن‌ها بخاطر انگیزه الهی، اسلامی و عشق به امام و جهاد و شهادت و تبعیت از قرآن و ائمه اطهار (ع) در جبهه حضور یافته‌اند. همه آن‌ها به شهادت عشق می‌ورزیدند و دفاع از میهن را تکلیف شرعی می‌دانستند. الگوگیری از ائمه اطهار (ص)، عدالتخواهی، تنفر از ظلم، انتظار فرج، غیرت و دفاع، از وطن از دیگر علل مؤثر بر شهادت بوده‌اند.

نوین (۱۳۸۵) تحقیقی تحت عنوان «بررسی تطبیقی وصایای شهدای استان اردبیل و وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)» انجام داده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که شهدا وصیت‌نامه‌های خود را با آیه‌ای از قرآن کریم شروع می‌کنند. اهم مفاهیم مورد تأکید شهدا، زنده‌بودن شهدا و روزی خوردن آن‌ها پیش خدا بوده و در نهایت با توصیه‌ای اخلاقی آن را به پایان می‌رسانند. شهدا در وصیت‌نامه‌های خود مخاطبینی داشته‌اند و عموماً در درجه اول خانواده و بعد ملت ایران را مخاطب قرار می‌داده‌اند. شهدا همواره توصیه به انجام فرایض دینی داشته‌اند. آن‌ها همواره دنیا و پابندی به آن را مورد نکوهش قرار می‌دادند. شهدا در وصیت‌نامه‌ها، فرهنگ عاشورایی و توسل به ائمه اطهار را سرلوحه کارها قلمداد می‌کنند.

با تأمل در این پژوهش‌ها معلوم می‌شود با توجه به جامعه آماری و روش‌شناسی بکار گرفته‌شده، نگاه سطحی به وصایا لحاظ شده و روش‌شناسی این پژوهش نسبت به کارهای انجام‌شده بدیع است.

ادبیات و مبانی نظری

جنگ؛ ستیز گروهی^۱ یا کشمکش گروهی است برای پیروزشدن بر رقیب و انقیاد او. با

۱- Group Conflict

رویکرد جامعه‌شناسی، جنگ یک پدیده اجتماعی به حساب می‌آید و سازمان ارتش نیز به عنوان یک نهاد اجتماعی تلقی می‌شود که دارای کارکردهایی در زمینه دفاع از آزادی، دفاع از حاکمیت کشور و دفاع از سرزمین و کمک به توسعه است. اجتماعی شدن جنگ بدین معناست که اولاً فردی نیست و دوم اینکه خصلت عمومی دارد و در تمامی جوامع یافت می‌شود، سوم اینکه از ویژگی جبری برخوردار است که گریزی از آن نیست. به عقیده گیدنز، دست زدن به جنگ یکی از آشکارترین ویژگی‌های توسعه اولیه دولت‌هاست و جنگ‌ها و نبردها نقش اساسی در شکل دادن به نقشه جهان، آنگونه که امروز وجود دارد، بازی کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۰۷).

انگیزه، اراده و تصور از اهداف نبرد به مانند همه پدیده‌های اجتماعی به ادراک کنشگران وابسته است؛ ادراکی که ریشه در فرایند جامعه‌پذیری دارد. همچنین مفاهیم و گفتمان حاکم در این رویداد به شرایط و تاریخ‌مندی جامعه بر می‌گردد. واژگانی چون شهادت، ایثار، دفاع از باورها و مکتب سرخ تشیع و بطور کلی مقدس‌شمردن نبرد و رویارویی حق علیه باطل، همگی در فرهنگ اسلام و مذهب عاشورایی و علوی شیعه معنا پیدا می‌کند.

«جهاد» در اسلام یک عبادت است و به خاطر صبغه‌ی عبادی، شرط اخلاص دارد. اخلاصی از شرک‌ها به غیر امر حق، خواه توجه به دنیا و غنائیم باشد و یا توجه به هوی‌ها و هوس‌ها و چشم‌ها و زبان‌های مردم؛ و همچنین شرط اخلاص باعث می‌شود که شرک‌ها و تعلق‌ها، مانع ارزش جهاد و مزاحم مقبولیت آن باشند (شجاعی، ۱۳۸۵)؛ و شهید واژه‌ای است که در دین اسلام قداست و ارزش والایی دارد. در قرآن کریم، بسیار در خصوص شهید و جهاد سخن رفته و شهدا را کسانی دانسته که زنده‌اند و در پیشگاه خدا روزی داده می‌شوند. قرآن کریم شهیدان را کشته‌شدگان در راه خدا می‌داند که از جان خود می‌گذرند و برای رضای او خود را به صفوف دشمن می‌زنند. در قرآن کریم کلمه شهید ۳۵ بار، شهدا ۲۰ بار که ۱۷ مورد از ظهور در شهادت‌دادن در مسایل دنیوی دارد و در سه مورد دیگر گرچه در اولین نظر، خواننده ممکن است آن را بر شهدا اصطلاحی حمل کند، با تحقیق بیشتر و مراجعه به تفسیر، همگی ظهور در مسأله شهادت‌دادن دارند (حسینی، ۱۳۸۶). شهادت فناشدن انسان برای نیل به سرچشمه نور و نزدیک شدن به هستی مطلق است. شهادت عشق به وصال محبوب و معشوق در زیباترین شکل است. شهادت مرگی از راه کشته شدن است که شهید آگاهانه و بخاطر هدف مقدس و به تعبیر

قرآن (فی سبیل الله) انتخاب می کند. یعنی شهید در راهی کشته می شود که هر دو ارزش آگاهانه و فی سبیل الله را دارا است و چنین مرگی است که به تعبیر پیامبر (ص) شریف ترین و بالاترین نوع مردن است (أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ) و علی (ع) آن را گرامی ترین نوع مردن می داند: أَكْرَمُ الْمَوْتِ الْقَتْلُ (میددی، ۱۳۶۱). شهادت بالاترین و آخرین مرحله از خودگذشتگی (ایثار) است. جان را در کف خود قراردادن در راه هدفی متعالی، جهت فدا نمودن است؛ و جوهره آن عاشق، مختار، باراده و هدفمند بودن است. صفات متجلی در شهدا نترسیدن از مرگ، شفقت، آزادمنشی، ایمان و پرهیز از شهوت طلبی، ثبات در قدم و صداقت در عمل می باشد (اسفندیاری، ۱۳۸۱: ۱).

گفتمان از ریشه لاتین *discurrere* گرفته شده که به اصطلاح *currere* (دویدن) مرتبط است. معنی اصلی این اصطلاح نوعی حرکت یا دویدن است. این ایده در کاربرد کنونی از اصطلاح *discourse* (گفتمان) برای اشاره به ارتباطات به مثابه داد و ستد اجتماعی بکار می رود. پس از رنسانس، در فلسفه از اصطلاح گفتمان برای چارچوب بندی و رسانش مسائل نظری استفاده شد. فردینان دو سوسور^۱ به رغم تمرکز بر نشانه زبان شناختی، نیاز به گشودن زبان شناسی برای تحلیل های فراتر از نشانه ها و جمله های منفرد را مطرح کرده است و بعدها جامعه شناسان و زبان شناسانی به این موضوع به صورت جدی پرداختند (دونزباخ، ۱۳۹۸: ۲۰۳-۲۱۲).

یک تعبیر و تفسیر از گفتمان در چارچوب زبان، کلام، گفتار و سخن است و تعبیر دیگر آن فرازبانی است و زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن، مورد توجه واقع می شود (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۹). «از نظر فرکلاف، گفتمان گونه مهمی از پرکتیس اجتماعی است که دانش، هویت ها و روابط اجتماعی از جمله مناسبات قدرت را بازتولید کرده و تغییر می دهد و هم زمان سایر پرکتیس ها و ساختارهای اجتماعی بدان شکل می بخشند و گفتمان رابطه ای دیالکتیکی با سایر ابعاد اجتماعی دارد. رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل گفتمان متن محور است که تلاش می کند سه سنت را با یکدیگر تلفیق کند: الف) تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزه زبان شناسی؛ ب) تحلیل جامعه شناختی کلان پرکتیس اجتماعی؛ ج) سنت تفسیری و خرد در جامعه شناسی» (مهدوی به نقل از یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۵: ۶۱).

۱- Ferdinand de Saussure

به طور کلی می توان نظریه گفتمان را اینگونه معنی کرد که نظریه های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند و معانی هیچگاه نمی توانند تثبیت شوند و این موضوع موجب کشمکش ها و نزاع های اجتماعی می شود. وظیفه تحلیل گران گفتمان این است که این نزاع ها و کشمکش ها را تفسیر نمایند (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۵۴).

روش پژوهش

روش این مقاله کیفی و به صورت تحلیل گفتمان^۱ است. از منظر روش شناختی، همه پارادایم های غیر اثباتی را می توان در قالب روش شناسی کیفی^۲ قرار داد (محمدپور، ۱۳۹۷: ۶۹).

روش تحلیل گفتمان انواع مختلفی دارد؛ روش وندایک، روش فرکلاو و لاکلاو موفه از مهم ترین این روش ها هستند. در این پژوهش از روش پدام^۳ «روش عملیاتی تحلیل گفتمان» استفاده شده است. این روش تحلیل گفتمان، شباهت هایی با روش فرکلاو دارد. روش فرکلاو از سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین بوجود آمده است (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۴)، ولی روش پدام نسبت به این روش قدرت عملیاتی بالاتری داشته و از این جهت بکار گرفته شده است.

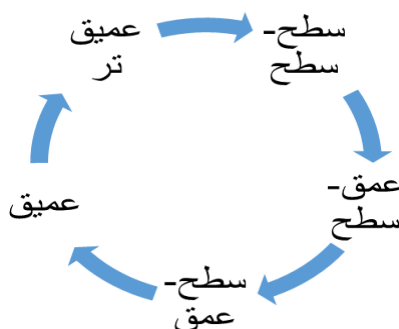
روش پدام از سه مرحله کلان: توصیف، تفسیر و تبیین؛ و پنج سطح تحلیلی: سطح - سطح (برداشت از اصل متن)، سطح - عمق (جهت گیری و گرایش متن)، عمق - سطح (تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن)، عمیق و عمیق تر بوجود آمده است (بشیر، ۱۳۹۱: ۱۱). در مرحله عمیق، متن در زمینه موقعیتی مورد تحلیل قرار می گیرد و میان متن و زمینه ارتباط معنایی حاصل می شود. در این مرحله، روابط کشف شده میان متن و زمینه با توجه به فرامتن مورد توجه قرار می - گیرد. فرامتن در این مرحله می تواند هر مسئله ای باشد که در خلق متن و زمینه تاثیرگذار باشد، یا با آن ها رابطه ایجاد کند. در سطح عمیق تر «متن، بینا متن و فرامتن همزمان مورد توجه قرار می گیرد و تحلیل نهایی ارائه می شود. در این جا تحلیل گر یا مفسر حضور تام داشته و قرائت نهایی مفسر و تحلیل گر صورت می گیرد که با استفاده از متن، زمینه، بینامتنی های پدیدآورنده و تحلیل گر،

۱- Discourse Analysis

۲- Qualitative Methodology

۳- Practical Discourse Analysis Method (PDAM)

فرامتن‌های متن اصلی با گرایش پدیدآورنده و فرامتن‌های احتمالی متن با گرایش تحلیل‌گر مورد استفاده قرار گرفته و تحلیل اساسی صورت می‌گیرد. اینجاست که نوعی از جمع‌بندی در شکل خط مشی یا رویکردهای بسیار کلان بوجود می‌آید. به این ترتیب در این مرحله است که کار نظری جدیدی صورت می‌گیرد» (بشیر، ۱۳۹۱: ۶۵).



نمودار شماره (۱) - سطوح تحلیلی گفتمانی طبق روش پدام

جامعه مورد تحلیل

جامعه مورد تحلیل در این پژوهش، تحلیل گفتمان وصیت‌نامه ۷ سردار شهید شهرستان خلخال است. لذا واحد تحلیل این پژوهش نیز متن وصیت‌نامه این شهدای والامقام است. نام و مشخصات این شهدا در جدول شماره (۱) بدین شرح است:

جدول شماره (۱) - مشخصات هفت سردار شهید شهرستان خلخال

نام و نام خانوادگی	تاریخ ولادت	تاریخ شهادت	محل تولد	محل شهادت
شهید عمران پستی	۱۳۳۸	۱۳۶۲/۱۲/۹	شهر هشجین	پل طلائی
شهید عزیزالله قطبی زاویه	۱۳۳۹	۱۳۶۲/۸/۱۳	روستای زاویه سادات	پنجوین
شهید خدمت‌علی رجبی	۱۳۴۱	۱۳۶۲/۱۲/۷	شهر هشجین	جزیره معجون
شهید منصور لطیفی	۱۳۴۱	۱۳۶۱/۱/۲۴	روستای مجره	منطقه فکه
شهید قنبر ابراهیمی	۱۳۴۲	۱۳۶۲/۸/۱۳	روستای کرکزلو	کله‌قندی
شهید شهرام جعفری	۱۳۴۱	۱۳۶۲/۱۲/۸	روستای نوده	جزیره معجون
شهید رکاب‌علی نظرزاده	۱۳۴۴	۱۳۶۵/۱۲/۲۴	روستای منامن	شلمچه

یافته پژوهش

قبل از پرداختن به یافته‌های پژوهش براساس تحلیل گفتمان پدام، یادآوری این نکته ضروری است که سه مرحله ابتدایی توصیفی، به معنای تفاوت اساسی میان متون سه ستون اول نیست، بلکه اغلب جهت‌گیری در اینجا مورد اهمیت است؛ بنابراین اگر چه بعضاً تصور می‌شود که متون بیان‌شده به همدیگر شباهت بالایی دارند، ولی آنچه که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند، نوع جهت‌گیری مستخرج از متن اصلی در ستون اول است.

در جدول شماره (۲) به بررسی سه مرحله ابتدایی (توصیفی) گفتمان سرداران شهید شهرستان خلخال پرداخته شده است.

جدول شماره (۲) - سه مرحله اول تحلیل گفتمان وصیت‌نامه سرداران شهید شهرستان خلخال

تحلیل توجهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از اصل متن
زنده نگه‌داشتن اسلام	هدف شهید بالا بردن پرچم اسلام بوده و نه ریاست و کینه‌توزی	خداوند! تو خود میدانی عملکرد ما نه برای آن است که به ریاست و سلطنت دست یابیم و یا از روی دشمنی و کینه‌توزی سخن بگوییم؛ لیکن پیکار ما برای این است که پرچم آئین تو را بر افراشته گردانیم (وصیت‌نامه شهید عزیزالله قطبی).
زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (عج)	شکست کفر و آزادی قدس زمینه ظهور هستند.	غلبه الله بر کفر و آزادی قدس عزیز و نجات مسلمین و مستضعفین و به اهتزاز درآوردن پرچم لا اله الا الله در سراسر گیتی، زمینه ظهور حضرت ولی عصر را با نصرت الهی مساعد ساخته تا با ظهور آن حضرت، چشم چشم انتظاران و منتظران را روشن نموده و شیطان و نفس عماره را شکست داده و خود نیز شهید شده و به لقاءالله برسیم (وصیت‌نامه شهید عزیزالله قطبی).
آرزوی آرزوی شهادت	آرزوی عاقبت‌بخیری و دیدار انبیا، علما،	پروردگارا ما را در آخرت به خیر به گردان - پروردگارا اموات و گذشتگان ما را ببخش و پیامرز، پروردگارا تا ما را نبخشیده‌ای مرگ را نصیب ما نگردان - پروردگارا مرگ ما را شهادت در راه خود بفرما و ما را با انبیا و

	اعثه اطهار و شهدا در آخرت	علما و اعثه اطهار و شهدا در بهشت برین جایگزین بفرما و ما را در بهشت با آن‌ها محشور بگردان و دشمنان اسلام و منافقان را خوار و ذلیل و نابود گردان و به خدمت‌گزاران صدیق و خالص توفیق خدمت هرچه بیشتر عنایت بفرما (وصیت‌نامه شهید عزیزالله قطبی).
خدمت‌رسانی و شهادت‌طلبی	شرکت در جنگ یک وظیفه الهی بوده و شهادت نیز هدف نهایی است.	عزیزان و سروران، نگران نباشید؛ بنده حقیر همچون سایر برادران رزمنده و لشکریان اسلام مشغول خدمت می‌باشم و دعا کنید که به هدف نهایی خودم شهادت سرخ برسم، اگر دین رسول خدا زنده نمی‌ماند مگر جز مرگ و شهادت اینجانب، پس ای شمشیرها مرا در خود بگیرید، سلامان را به خانواده شهدا و رزمندگان و عصمت مسلمانان و پدر و مادران و پدر و مادر خودم و همه دوستان و همبستگان و آشنایان برسانید (وصیت‌نامه شهید عزیزالله قطبی)
توجه به ذکر الهی و احکام شرعی	توصیه به ذکر الهی و عمل به واحبات و ترک محرمات	ذکر خدا از زبانتان نیفتد و در عمل به واجبات و ترک محرمات کوشا باشید که خداوند دعای بندگان خالص خود را قبول می‌کند (وصیت‌نامه شهید عزیزالله قطبی)
ولایت‌مداری	پشتیبانی از ولایت فقیه و دعا برای پیروزی حق بر باطل	پشتیبان امام و ولایت فقیه باشید تا مبدا امام این قلب تپنده است و روح خدا را تنها نگذارید، دعای ما و همه رزمندگان عزیز بدرقه راه شما بازماندگان و امیدمان است و شما نیز دعاگوی امام و پیروزی حق بر باطل باشید (وصیت‌نامه شهید عزیزالله قطبی)
حفظ استقلال	مبارزه برای عدم وابستگی به شرق و غرب	و خداوند ما را امتی وسط قرار داده، یعنی نه وابستگی به شرق پیدا کنیم و نه وابستگی به غرب و همیشه حضور در زمان داشته باشیم و چنانکه خدا در قرآن می‌فرماید: بجنگید در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند و تجاوز و تعدی نکنید، بدرستی که خداوند تعدی‌کنندگان را دوست ندارد و هر جا آنها را گیر آوردید، جنگ کنید و از همان که شما را بیرون کردند بیرون کنید، زیرا که فتنه از کشتن سخت‌تر است، مثلاً صدامیان را که بعضی از شهرهای ما را اشغال کرده‌اند (وصیت‌نامه شهید عزیزالله قطبی).
امتحان الهی	جنگ؛ نعمتی برای امتحان الهی است.	این جنگ نعمت بزرگی است که خداوند بندگان را امتحان می‌کند و صحنه امتحان است امروز؛ فردا آن است که در کشاکش دهر سنگ زیرین آسیاب باشد و این اینست که آنهایی که در مصائب امام حسین و عزاداری او گریه می‌کنند و می‌گویند که ای کاش ما در دوران امام حسین بودیم و

تحلیل گفتمان وصیت نامه سرداران شهید شهرستان خلخال

		با زینب می‌بودیم و از آنها حمایت می‌کردیم و با آنها شهید می‌شدیم، آیا امروز به «هل من ناصرا ینصرون» حسین زمان امام عزیزمان، خمینی بت شکن لبیک گفته و به میدان جهاد می‌روند. شهادت افتخار ماست، ملتی و مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد و شهادت افتخار عظیمی است (وصیت‌نامه شهید عزیزالله قطبی).
شهادت و صبر دورکن جهاد	جهاد، نعمت شهادت و صبر را به همراه دارد.	جهاد دری از درهای بهشت است که به روی بندگان خالص و خاصش باز می‌شود و سعی کنید در تمامی کارهایتان خدا را در نظر بگیرید و دعا کنید که بنده عاشق شهادت، شهید شوم که ان‌شالله شما عزیزان را شفاعت خواهیم کرد. خواهرانم و مادرم شما که پیروان زینب هستید و شیعه هستید و در مکتب زینب هستید، باید روحیه زینبی داشته باشید و صبر داشته باشید و حق را شناخته باشید و پشتیبان حق باشید، حتی به ضرر شما باشد، حتی از دست دادن عزیزترین عزیزانتان برای شما تمام شود، چون شما هر لحظه تو مصیبت حضرت زینب هستید (وصیت‌نامه شهید عزیزالله قطبی).
شهادت؛ به عنوان ارزش والا	تواضع در برابر الهی و آرزوی شهادت داشتن	اگر خداوند متعال غفار و ستار و علّام از سر گناهانم گذشت و به عنوان بنده‌ای ذلیل و گنه‌کار قبول کرد و پذیرفت که بنده گنه‌کارش را جزو آمرزیده شدگان قرار دهد و بپذیرد و در رده شهدا قرار دهد (وصیت‌نامه شهید خدمت‌علی رجبی).
حلالیت‌طلبی	حس تواضع و طلب حلالیت از پدر و مادر	پدر و مادری که سالیان دراز زحمت را کشیدند، ولی من نتوانستم خدمتی به آن‌ها بکنم، ولی مادرم شیرت را حلالم کن که به هدر ندام و جانی که پوست و گوشت و استخوانش از شیر تو رشد کرده بود، فدای قرآن کردم و در مقابل گناهانم هیچ قیمتی متاعی جهت تعویض نیافتم جز خونم. امانتی بودم دست شما از خدایم. اگر مین‌ها بدنم را تکه تکه کردند و برایتان هدیه فرستادند، ناراحت نشوید و مرا قبول کنید و این چند کلمه را به عنوان وصیت می‌نویسم و می‌دانم که لیاقت نوشتن وصیت‌نامه را به امت مسلمان ندارم (وصیت‌نامه شهید خدمت‌علی رجبی).
عدم اختلاف‌ورزی در امت اسلامی	خطاب به امت اسلامی، دنیا ارزش اختلافات را ندارد.	امت مسلمان نفس‌هایتان را مطیع عقل‌تان کنید، از اختلافات پرهیزید که امام فرمود همه اختلاف‌ها سر (من) است. دنیا فانی است آنچه می‌ماند خوبی و بدی است (وصیت‌نامه شهید خدمت‌علی رجبی).
حرکت در مسیر	همراهی با	برادران، پاسدار و روحانیت را ول نکنید و امام را رها نسازید که رهبر همه

واحد ولایت	پاسداران، روحانیت و امام و عدم ایجاد اختلاف	به سوی نجات و فلاح است، از اختلافات بپرهیزید (وصیت‌نامه شهید خدمت‌علی رجبی).
آمریکاستیزی	آمریکا، استعمارگر و شیطان بزرگ است.	به نغمه‌های شوم مزدوران بیرونی و درونی استعمار گوش فرا ندهید که اما فرمود شیطان بزرگ آمریکاست (وصیت‌نامه شهید خدمت‌علی رجبی).
وحدت‌گرایی و عدم اختلاف در مسیر الهی	وحدت؛ رمز پیروزی بر دشمن	رمز پیروزی یادتان نرود، وحدت را! وحدت را! حفظ کنید که با حفظ وحدت می‌توان کاخ‌های سبز و سرخ سفید را لرزاند و در هم ریخت که وعده پیروزی نهایی نزدیک است (وصیت‌نامه شهید خدمت‌علی رجبی).
جایگاه والای شهید	احترام به خانواده شهدا و ارزشمندی آن‌ها	به خانواده شهدا احترام بگذارید که ما هر چه داریم از اینها داریم. خانواده شهدا گرانقدرترین و پربهاترین از لحاظ کیفیت انسان‌های کامل و بهترین نعمت خداوند که همانا جان‌های شیرین فرزندان‌شان بوده است، در راه خدا داده‌اند (وصیت‌نامه شهید خدمت‌علی رجبی).
عدم رویگردانی از دین اسلام	مساجد سنگر اسلام هستند و نه از مساجد و نه از دست اسلام بردارید.	مساجد را پر کنید که مساجد سنگر است، اسلام را رها نکنید که کمک به اسلام باید به خاطر خدا باشد، نه اینکه با اشتباه یک فرد هرچند ظاهری در رده بالایی باشد، همه چیز را از یاد برده و آنچه که تکلیف‌مان می‌باشد توجیه کنیم، خدا نکند آن روز بیاید که خداوند منان بر اثر کفران نعمت‌ها نعمت‌هایش را از ما بگیرد (وصیت‌نامه شهید خدمت‌علی رجبی).
روحیه ایثار و توجه به حق‌الله	توجه به روزه قضا و کمک به جنگ‌زدگان	دو روز روزه دارم برایم بگیرید و مقداری پول نزد برادرم دارم که البته در دفترچه‌ام می‌باشد، نصفش را به جنگ‌زدگان بدهید و بقیه هر طوری پدرم صلاح دانست خرج کنید (وصیت‌نامه شهید خدمت‌علی رجبی).
اطاعت‌پذیری از ولی فقیه	یاری دین الهی، اطاعت از امام خمینی (ره)	خدا یا تو خود گواهی که من برای یاری دین تو جانم را بر کف نهاده‌ام. تو شاهد باش هنگامی که از خانه بیرون آمدم و لباس زیبای جهاد بر تن کردم، تنها و تنها هدفم یاری دین تو و لبیک‌گویی به حسین زمان، امام خمینی بوده است. خداوند توفیق شهادت در راه خودت را نصیبم کن که تشنه شهادتم (وصیت‌نامه شهید رکاب‌علی نظرزاده).
رضای الهی	روحیه عبادت برای جلب	معبودا چه زیباست جلوه‌گاه جمالت و چه سعادت عظمائی است در جمع مجاهدان راحت و در مصاف دشمنان دینت با تو به راز و نیاز ایستادن.

تحلیل گفتمان وصیت نامه سرداران شهید شهرستان خلخال

	رضایت الهی	خداوندا چیزی جز رضای تو نمی‌خواهم (وصیت‌نامه شهید رکاب‌علی نظرزاده).
روحیه شهادت‌طلبی	عشق به شهادت و حرکت در این مسیر	خداوندا عشق به شهادت را در قلوب با ایمان رزمندگان اسلام جاری کن و ملت اسلامی را در استمرار حرکت‌ها و قیام الهی‌شان یاری فرما (وصیت‌نامه شهید رکاب‌علی نظرزاده).
اطاعت از ولایت الهی	اطاعت‌پذیری از خدا، پیامبر اکرم (ص) و امام خمینی (ره)	مسلمان بایستی تسلیم باشد، تسلیم قوانین اسلام که اگر چنین باشیم، باید مطیع محض قرآن باشیم که می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، ای رسول خدا بگو اگر می‌گویید خدا را دوست می‌دارید، پس اطاعت کنید از من تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامرزد؛ که مصداق عینی حضرت رسول اکرم (ص) و قرآن مجسم در این زمان، امام امت، خمینی کبیر می‌باشد (وصیت‌نامه شهید شهرام جعفری).
امام حسین به عنوان اسوه شهادت	یاد امام حسین (ع) جهت شفاعت و طلب مغفرت	والدین گرامی و همسر مهربانم اگر از جدایی ظاهری فی مابین ناراحت شدید، بیاد امام مظلوم حسین (ع) زیارت عاشورا خوانده و از خداوند تبارک و تعالی به‌حق حسین (ع) برایم طلب مغفرت نمائید، باشد که حضرت ابی عبد الله (ع) شفاعتمان نماید (وصیت‌نامه شهید شهرام جعفری).
جهاد جهت قرب الهی	فلسفه آفرینش، تقرب به پرودگار است که از راه جنگ میسر است.	این مشخص است که خداوند از اسلام خود نگهداری خواهد نمود، اما انسان‌ها هدف از خلقت فقط و فقط رسیدن به اوج انسانی و خداگونه‌شدن است و این مقام در زیر سایه همین جنگ است (وصیت‌نامه شهید شهرام جعفری).
توجه به حق‌الله و حق‌الناس	پرداخت بدهی و زکات	هر آنچه دارم بعد از پرداخت طلب‌هایم، زکاتش را پرداخت نمایند (وصیت‌نامه شهید شهرام جعفری).
توجه به حق‌الله و واجبات دینی	توجه به ادای نماز و روزه قضا	مراجعه به فرائض واجبه باید بگویم امسال که ما رمضان جبهه بودیم و یک ماه هم به‌عنوان احتیاط و قضا که روی هم رفته دو ماه می‌شود، برایم روزه گرفته شود و به‌خاطر فتوای امام در مورد بلاد کبیره که تعدادی نماز قضا بصورت شکسته به گردنم آمده، لذا به مدت یکسال آن باقی است، برایم قضا شود که فقط نماز ظهر و عصر و عشاء هر کدام ۲ رکعت می‌باشد که بهتر است، نماز صبح هم همراهش به‌صورت قضا خوانده شود، چون در

		ایام بلوغ بعضی وقت‌ها نمازهای صبح قضا می‌شد که امیدوارم خداوند متعال از تقصیراتم بگذرد (وصیت‌نامه شهید عمران پستی).
اهتمام به حق‌الناس	توجه به مالکیت مال و اموالی که متعلق به خود نیست.	در مورد نوارهایی که در تهران دارم، کلیه نوارهایی که در داخل کیف مشکی رنگ هست، همراه ۳۰ ساعت نوار آقای جواد عاملی (شواهد) متعلق به برادر نادر صدیقی می‌باشد (وصیت‌نامه شهید عمران پستی).
اطاعت از ولایت فقیه به عنوان نایب امام زمان (عج)	امام خمینی (ره) با راهبری خود زمینه‌ساز ظهور است.	عزیزان من، امام را که جلوتر می‌تازد و نور افشانی می‌کند و زوایای تاریک زندگی ما انسان‌ها را در ایام اخیر روشن می‌سازد، برای خود الگوی فکری و عملی قرار دهید. او مأمور است که زمینه‌های ظهور مظهر اسماء ظاهر و باطن حق تعالی حجه بن الحسن العسکری عجل‌الله تعالی فرجه الشریف را آماده سازد (وصیت‌نامه شهید عمران پستی).
زننده نگه داشتن اسلام	ادامه دادن راه شهدا برای مبارزه با کفر، زیرا اسلام در خطر است.	امروز وقت غفلت نیست، به هوش باشید، سلاح افتاده شهید را بگیرید و پیوندگان راه مقدس‌شان باشد، راه شهدا راه حسین (ع) و راه علی اکبر و علی اصغر هاست. امروز روز جهاد با کفر است، اسلام و قرآن در خطر است (وصیت‌نامه شهید قنبر ابراهیمی).
تأکید بر احکام شرعی دین اسلام	توجه به حجاب	ای خواهر گرامی اگر می‌خواهی اسلام پیروز شود و کفار نابود، به حفظ حجاب زیاد توجه کن (وصیت‌نامه شهید قنبر ابراهیمی).
انجام وظیفه شرعی	دعوت به حضور در جبهه به مثابه دانشگاه برای انجام وظیفه	برخیز، آتشی که از قیام امام حسین برپا شده و هرگز خاموش‌شدنی نیست و نخواهد شد و نور خدا را با فوت ذهن هرگز خاموشی نشود. دو دلمان در شک و تردید برهانید تا به ساحل برسند، و گرنه غرقند. بفرموده امام عزیز امروز جبهه‌ها واقعاً دانشگاه است و هر انسان را به یاد قیامت می‌اندازد. پیام شهدا دعوت به جبهه‌ها و هدف آنها است. تنها، هدف کربلا نیست، تنها هدف قدس عزیز نیست، هدف عمل به وظیفه است، آن هم وظیفه شرعی (وصیت‌نامه شهید قنبر ابراهیمی).
توجه به واجبات شرعی	توصیه و توجه به نماز	توصیه می‌کنم شما اگر می‌خواهید با خدا صحبت کنید، نماز واجب را بپا دارید، نمازهایتان را اول وقت بخوانید، نماز را سبک مپندارید (وصیت‌نامه شهید منصور لطفی).
مسجد مکانی، عبادی، نظامی،	مسجد، مکانی محدود به	در اینجا لازم است یک تذکر بدهم، ای روحانیون و همچنین شما ای امت حزب‌الله مسئول هستید که مساجد را به مکان توضیح فکری و معنوی و

تحلیل گفتمان وصیت نامه سرداران شهید شهرستان خلخال

عبادی و سیاسی و نظامی یعنی همه ابعاد تبدیل کنید. مسجد فقط محل نمازخواندن یا دریافت کوپن نفت و غیره نیست، به قول امام مسجد سنگر است، باید سنگرها را خالی نگذاریم. بیاید ای پیش نمازها و ای امت حزب الله و ای جوانان، مساجد را مکانی برای تعلیم و تعلم قرار دهید، مسجد باید مرکز فعالیت های سیاسی - نظامی - عبادی - فرهنگی - تبلیغاتی - آموزشی و غیره باشد (وصیت نامه شهید منصور لطیفی).	برگزاری نماز و انجام مناسک عبادی نیست.	سیاسی و فرهنگی است.
اگر می خواهید خدا با شما صحبت کند، قرآن را زیاد بخوانید، اگر امام زمان را ببینید، تقوا بیشتر داشته باشید (وصیت نامه شهید منصور لطیفی).	توصیه به قرائت قرآن	توجه به مناسک دینی
دعاها را در همه طول روز بخوانید، اگر توانستید کتب بزرگان چون مطهری و دستغیب، کتاب گناهان کبیره را بیشتر بخوانید (وصیت نامه شهید منصور لطیفی).	توجه به ادعیه و کتب دینی	توجه به معنویت و تفکر
سعی کنید در همه حال با کسانی که با شما همکاری می کنند، قدرت فکر کردن و برنامه ریزی و قدرت تفکر بدهید و به دیکتاتوری و یک دندگی و از حرف زدن بیهوده خوداری کنید؛ و در مواقع بیکاری حتماً فکر کنید، ساعتی از روز را اختصاص به رسیدگی به اعمال روزانه و فکر کردن بدهید و دو روزتان با هم مساوی نباشد و سعی کنید برنامه داشته باشید (وصیت نامه شهید منصور لطیفی).	توجه به همکاری، تفکر و برنامه و دوری از دیکتاتوری و بیهوده گویی	اهتمام به تفکر و تعقل
از پشتیبانی مسئولین مملکتی که در خط امام هستند، دست برندارید تا آنجا که در توان دارید. به هیچ گروهی وابسته نباشید و هرگونه گروه، دسته که برخلاف اسلام و امام امت خمینی کبیر گام برمی دارد به شدت و با قاطعیت سرکوب نمایید و اگر دیدید کسی ناآگاهانه دشمن شماست، سعی کنید او را به راه صراط مستقیم دعوت کنید (وصیت نامه شهید منصور لطیفی).	حرکت در خط امام خمینی (ره) و عدم وابستگی به گروه خاص دیگری	ولایت مداری و عدم اختلاف

تحلیل مرحله عمیق

همانگونه که ذکر شد در مرحله عمیق، متن در زمینه موقعیتی مورد تحلیل قرار گرفته و میان متن و زمینه، ارتباط معنایی ایجاد می شود. در این مرحله، روابط کشف شده میان متن و زمینه با توجه به فرامتن مورد توجه قرار می گیرد. در واقع در مرحله عمیق، دال های اساسی گفتمانی که با

بینامتنی‌های مختلف مرتبط هستند، کشف می‌شوند. البته قابل ذکر است که به دلیل اینکه مفاهیم به هم نزدیک هستند، دسته‌بندی‌های مختلفی را می‌توان در این مرحله ارائه داد، لکن با توجه به ماهیت تحقیق کیفی که خلاقیت و ایده نویسنده نقش محوری دارد، این مرحله بدین شکل صورت پذیرفته است. به بیان دیگر، چه بسا از منظر نویسنده دیگری بتوان تقسیم‌بندی و دسته‌بندی متفاوتی در این مرحله صورت داد. جدول شماره (۳) بیانگر تحلیل مرحله عمیق وصیت‌نامه سرداران شهید شهرستان خلخال است:

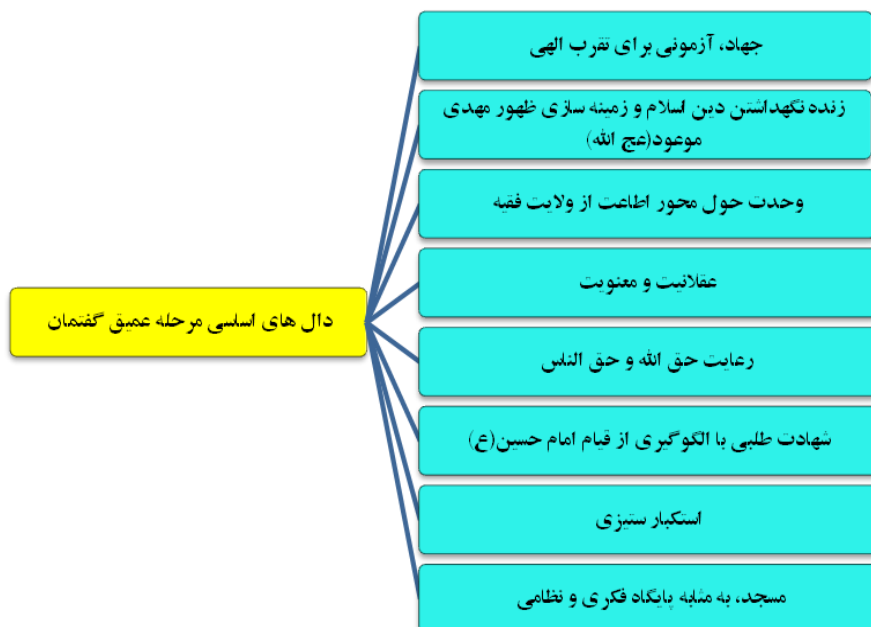
جدول شماره (۳) - تحلیل مرحله عمیق گفتمان سرداران شهید شهرستان خلخال

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	دال‌های اساسی مرحله عمیق
جهاد جهت قرب الهی	جهاد؛ آزمون برای قرب الهی
امتحان الهی	
رضای الهی	
زنده نگه داشتن اسلام	زنده نگه داشتن دین اسلام و زمینه‌سازی برای ظهور
عدم رویگردانی از دین اسلام	
زنده نگه داشتن اسلام	
زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (عج)	
ولایت‌مداری و عدم اختلاف	وحدت حول اطاعت از ولایت فقیه
حرکت در مسیر واحد ولایت	
عدم اختلاف‌ورزی در امت اسلامی	
اطاعت از ولایت فقیه به عنوان نایب امام زمان (عج)	
اطاعت از ولایت الهی	
اطاعت‌پذیری از ولی فقیه	
ولایت‌مداری	
وحدت‌گرایی و عدم اختلاف در مسیر الهی	
اهتمام به تفکر و تعقل	عقلانیت و معنویت
توجه به معنویت و تفکر	
توجه به مناسک دینی	تأکید بر حق الناس و حق الله
تأکید بر احکام شرعی دین اسلام	
توجه به ذکر الهی و احکام شرعی	

تحلیل گفتمان وصیت نامه سرداران شهید شهرستان خلخال

	اهتمام به حق الناس
	روحیه ایثار و توجه به حق الله
	انجام وظیفه شرعی
	توجه به واجبات شرعی
	حلالیت طلبی
	توجه به حق الله و حق الناس
	توجه به حق الله و واجبات دینی
	امام حسین (ع) به عنوان اسوه شهادت
شهادت طلبی و یاد امام حسین (ع)	روحیه شهادت طلبی
	آرزوی شهادت
	شهادت به عنوان ارزش والا
	خدمت رسانی و شهادت طلبی
	جایگاه والای شهید
	شهادت و صبر دو رکن جهاد
	خدمت رسانی و شهادت طلبی
	آمریکا ستیزی
استکبار ستیزی	حفظ استقلال
	مسجد مکانی عبادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی است.
مسجد؛ به عنوان پایگاه فکری و نظامی	

همانطور که ملاحظه می شود، دال اساسی در این مرحله مورد تأکید گفتمان سرداران شهید شهرستان خلخال است. دال های مذکور در نمودار شماره (۲) نشان داده شده اند.



نمودار شماره (۲) - دال های اساسی مرحله عمیق گفتمان سرداران شهید شهرستان خلخال

تحلیل مرحله عمیق تر

با توجه به آنچه بیان شد، در سطح عمیق تر متن، بینامتن و فرامتن همزمان مورد توجه قرار می گیرد و تحلیل نهایی ارائه می شود. در واقع در اینجا است که نوعی از جمع بندی رویکردهای بسیار کلان بوجود می آید. به دلیل اینکه دفاع مقدس پیوند ناگسستنی با مبانی و ارزش های اسلامی و شیعی دارد، از این جهت ادبیات شهادت و دفاع مقدس، یک ادبیات دینی است و در مرحله عمیق تر این ادبیات اسلامی و شیعی نمایان می گردد.

الف) جهاد؛ آزمونی برای تقرب الهی: خداوند متعال در آیه ۵۶ سوره ذاریات فلسفه آفرینش انسان را عبادت و تقرب به پروردگار معرفی فرمودند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». در واقع فلسفه جهاد نیز منطبق با این نگاه و قرب الهی بوده است. از نظر نگاه اسلامی، این دنیا به طور کلی محل آزمون های الهی بوده است، در واقع جنگ و جهاد نیز علی الخصوص در دوران دفاع

۱- و من جنّ و انس را نیافریدم، مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند.

مقدس نیز یک نوع آزمون الهی برای مردمان آن دوران بود و در صورت عمل به وظیفه به پرودگار تقرب می‌یافتند. این نوع نگاه در دوران دفاع مقدس در بین رزمندگان و جهادگران وجود داشته و اعمالشان بر اصل تقرب به پرودگار استوار بود. این نوع نگاه در مقابل نگاه منفعت‌محور و مادی سکولار قرار داشته و آن را به چالش می‌کشد.

ب) زنده نگه‌داشتن دین اسلام و زمینه‌سازی برای ظهور: از جمله اهداف و انگیزه شهدا و رزمندگان از شرکت در جنگ، تلاش برای زنده نگه‌داشتن اسلام است. با وجود اینکه دشمن و در رأس آن صدام نیز مسلمان بودند، لکن هدف از زنده نگه‌داشتن اسلام، آن روایت اسلام ناب محمدی از منظر انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) بوده که به دنبال زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (ع) است.

ج) وحدت حول اطاعت از ولایت فقیه: ریشه این نوع نگاه به مبانی فقهی مکتب شیعه باز می‌گردد و امام خمینی (ره) به صورت صریح و جدی در کتاب ولایت فقیه به این نظریه پرداخت. ولایت‌مداری و تبعیت از امام خمینی (ره) یکی از مهم‌ترین دال‌های گفتمان شهدای دفاع مقدس است. اطاعت از ولایت فقیه تأکید بر وحدت مسیر و عدم اختلاف‌ورزی دارد.

د) عقلانیت و معنویت: معنویت‌گرایی و عقلانیت‌گرایی دو مؤلفه بارز در گفتمان شهدای دفاع مقدس است. معنویت‌گرایی و عقلانیت‌گرایی در دفاع مقدس دو مفهوم هماهنگ و همسو با یکدیگر هستند، به شکلی که شهدا و رزمندگان با نگرش توحیدی، خدامحور و غیر مادی و غیر سکولار در چارچوب عقلانیتی متفاوت از عقلانیت مدرن غربی فکر می‌کردند. در واقع معنویت و ارتباط با خدا در این نوع نگرش، نه تنها منفک از این نوع عقلانیت نبود، بلکه آن را تقویت می‌نمود. به بیان ساده، هم عقلانیت و هم معنویت دفاع مقدس همسو با یکدیگر در جهت تقرب به پرودگار بود.

ه) تأکید بر حق‌الناس و حق‌الله: در اسلام، حق‌الله به معنای حقوق خداوند بر بندگان و حق‌الناس حقوق مردم بر یکدیگر است. توجه شهدای دفاع مقدس به نماز و روزه حاکی از اهتمام آن‌ها به حق‌الله دارد، از سوی دیگر اینکه بدهی خاصی به یک فرد دیگر به این میزان برای شهدا اهمیت دارد، نشان از توجه آن‌ها به حق‌الناس است. در واقع شهدا به طور کلی نسبت به این دو حق پایبند بوده و جدیت بالایی نسبت به این مسائل داشتند.

و) شهادت‌طلبی و یاد امام حسین (ع): در گفتمان دفاع مقدس، شهادت توفیق می‌خواهد و یک سعادتمندی محسوب می‌شود، به بیان دیگر شهیدشدن یک آرزو برای جهادگران و رزمندگان است. این مفهوم اسلامی، جلوه بارزی در بین شهدا و رزمندگان داشته و شهادت به عنوان یک انگیزه و هدف والا بوده است. یکی از نکات قابل توجه در دفاع مقدس، پیوند مفهوم شهادت با قضایای عاشورا و امام حسین (ع) است. در واقع امام حسین (ع) به عنوان اسوه شهدا معرفی شده و جایگاه والایی در مکتب شیعه دارد. مراسم عزاداری امام حسین (ع) خود تأثیر بالایی در انگیزه جهاد و شهادت داشته است.

ز) استکبارستیزی: استکبار و استکبارستیزی یک مفهوم قرآنی است که به معنای خود بزرگ‌بینی و برتری‌خواهی است. این مفهوم براساس نگاه توحیدی دین اسلام قابل تفسیر است، در واقع از منظر اسلامی، خداوند یکتا قدرت مطلق بوده و هیچ قدرت دیگری نمی‌تواند در موازات و عرض این قدرت قرار بگیرد. امام خمینی (ره)، رهبر و بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی در ادبیات و منظومه فکری و اندیشه‌ای خود توجه ویژه‌ای به این مفهوم داشت و این مفهوم را می‌توان جزو مفاهیم محوری گفتمان انقلاب اسلامی دانست. در منظر امام خمینی (ره)، استکبار بزرگ در جهان امروز آمریکا است و از این جهت باید با این قدرت مبارزه نمود. در دوران دفاع مقدس نیز به این مفهوم توجه می‌شد، به شکلی که رزمندگان و جهادگران مبارزه اصلی خود را با استکبار جهانی می‌دانستند و دشمن واقعی از منظر آن‌ها آمریکا و استکبار جهانی بود.

ک) مسجد؛ به عنوان پایگاه فکری و نظامی: مکان مسجد؛ به عنوان محل عبادات مسلمین است که در دوران جنگ و دفاع مقدس نقش‌آفرینی بالایی در زمینه پرورش نیروی انسانی براساس مبانی اسلامی داشته است. در واقع مسجد محل تجمع مردم برای انجام مناسک دینی از قبیل برقراری نماز جماعت، قرائت قرآن دسته‌جمعی و مراسم سوگواری و شادی مذهبی بود و در طول دفاع مقدس از نظر مادی و معنوی، پشتوانه رزمندگان و جهادگران در میدان جنگ بود.

نتیجه‌گیری

در یک تعریف ساده؛ می‌توان گفتمان را زبان و رای جمله و عبارت دانست، به شکلی که زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هم در تفسیر و کنکاش متن ملحوظ شود. در این پژوهش

نیز براساس روش تحلیل گفتمان کاربردی سعی شده است با لحاظ کردن زمینه‌های متن، دال‌های اساسی متن وصیت‌نامه سرداران شهید شهرستان خلخال کشف شود.

دال‌های گفتمان وصیت‌نامه سرداران شهید شهرستان خلخال را می‌توان اینگونه جمع‌بندی نمود که محوریت این دال‌ها براساس مبانی اسلامی و شعارها و اهداف انقلاب اسلامی بوده است. هدف غایی از شرکت در دفاع مقدس، کسب رضایت الهی و تقرّب به خدا و نه کسب منفعت و چشم‌داشت‌های مادی و دنیوی، همچنین زنده نگه‌داشتن دین اسلام و زمینه‌سازی برای ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج الله تعالی) بوده است. از نظر شهدا، ولایت‌مداری و وحدت امت اسلام زیر پرچم ولایت فقیه موجب پیروزی بر دشمن خواهد شد. عقلانیت و معنویت به عنوان دو محور همسو، هماهنگ با هم در جهت ارتباط و تقرّب به پروردگار در وصیت‌نامه‌ها تعریف شده است. حق الناس و حق الله دو ارزش والا در عبارات وصایا قید شده و شهادت در نظر آن‌ها یک توفیق و جایگاه ویژه دارد که در سطر به سطر وصایا پیوندی عمیق با قضایای عاشورا و قیام امام حسین (ع) دارد. استکبارستیزی به معنای مبارزه با قدرت‌های به غیر «الله» آمده است که خود را قدرت برتر در عرض قدرت الهی می‌دانند. مسجد؛ همواره در طول جنگ به عنوان یک پشتوانه مادی و معنوی برای رزمندگان بود و در حفظ و پویایی مساجد و حضور آحاد مردم جامعه در این مکان مقدس مورد سفارش قرار گرفته است.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- بشیر، حسن (۱۳۹۱). رسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمانی، تهران: سیمای شرق.
- ۳- حسینی، سیدحمید (۱۳۸۶). مفهوم‌پردازی آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، دانشگاه مازندران.
- ۴- دونزباخ، ولفگانگ (۱۳۹۸). فلسفه ارتباطات (دانشنامه موضوعی بین‌المللی ارتباطات). مترجم: احسان شاه قاسمی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- ربیعی، علی و تمنایی، امیرحسین (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان وصیت‌نامه شهدای جنگ تحمیلی. مطالعات جامعه‌شناختی. دوره ۲۰. شماره ۲. ۱۶۱-۱۸۶.
- ۶- شجاعی باصیری، علیرضا (۱۳۸۵). تحلیل محتوای وصایای شهدای پاسدار و بسیجی استان چهارمحال و بختیاری، بنیاد شهید.
- ۷- شریعتی، علی (۱۳۸۸). حسین وارث آدم، تهران: قلم.
- ۸- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه: گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۹- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
- ۱۰- محمدپور، احمد (۱۳۹۷). ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش - شناسی کیفی، تهران: نشر لوگوس.
- ۱۱- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مجموعه آثار؛ جلد ۱، تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۲- مهدوی، سمیه سادات و اسدیان، مونا (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی. روزنامه‌نگاری الکترونیک. سال اول. شماره سوم. ۵۱-۸۲.
- ۱۳- میدی، رشیدالدین، کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، به اهتمام علی اصغر (۱۳۶۱) چاپ چهارم، تهران: امیر کبیر.
- ۱۴- نظری، محمود؛ محمدرضا سرمدی؛ مهران فرج‌الهی و زهره اسمعیلی (۱۳۹۸). کشف مبانی فلسفی آموزه‌های تربیتی وصیت‌نامه شهدای دانشجوی دوران دفاع

مقدس. نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال بیست و هفتم.
دوره جدید. شماره ۴۴. ۱۱۱-۱۳۷.

۱۵- نوین، حسین (۱۳۸۷). سیری در وصایای شهدا، تهران: انتشارات شاهد.

۱۶- یورگسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه
هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

نشانه‌های شکل‌گیری مدیریت جهادی در دفاع مقدس: مطالعه

موردی عملیات ثامن‌الائمه

رسول حمزه پور اسدی^۱، عبدالله مبینی دهکردی^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۷

چکیده

عدم آمادگی نیروهای کشوری و لشکری و خیانت‌های عمدی و غیر عمدی برخی از مسئولان و دست‌اندرکاران کشور در ابتدای جنگ تحمیلی، باعث از دست رفتن برخی از شهرهای مرزی و مناطق مهم و راهبردی در سه محور شمال غرب، غرب و جنوب کشور گردید. این امر خسارات مادی و معنوی بسیاری را بر بدنه ارتش و مردم وارد کرد و با ایجاد جو «ما نمی‌توانیم جنگ را اداره کنیم»، کشور را به سمت مذاکره و مصالحه کشاند؛ اما برکناری بنی‌صدر و اتکا به نیروهای ارتش، سپاه و بسیج باعث تغییر در مدیریت جنگ شد و با انجام عملیات ثامن‌الائمه (ع) عمده شهرها و مناطق اشغالی در کمتر از ۹ ماه به آغوش ج.ا.ا بازگشت. تحقیق حاضر در نظر دارد مهم‌ترین ویژگی و مشخصات این عملیات را که باعث استمرار موفقیت‌های بعدی گردید، شناسایی نماید. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی است و روش آن توصیفی - تحلیلی هست. تلاش شده است تا اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و مدارک موجود و مصاحبه با افراد خبره، گردآوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پس از شکل‌گیری مدیریت جهادی در دوران دفاع مقدس و انجام عملیات ثامن‌الائمه (ع) در مهرماه سال ۱۳۶۰، رویکردها، راهبردها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها تغییر یافت و باعث شد ادامه جنگ با این الگوها پیش رود و موفقیت و واژه‌ی «ما می‌توانیم» را برای ملت و کشور به ارمغان آورد.

کلیدواژه‌ها: دفاع مقدس، مدیریت جهادی، عملیات ثامن‌الائمه (ع).

۱- کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک.

۲- استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۱- مقدمه:

پس از حمله سراسری رژیم بعث عراق به ایران و سقوط برخی از شهرهای مرزی همچون خرمشهر، بستان، سوسنگرد و ...، پس از ۴۵ روز از آغاز جنگ و تثبیت این رژیم در پنج استان کشور که استان خوزستان در رأس اهداف عراق قرار داشت، ایران با انجام عملیات‌های زمینی، هوایی و دریایی درصدد بیرون راندن این متجاوز از کشور بود.

حضور گسترده و همه‌جانبه مردم در صحنه‌های جنگ و پشتیبانی بی‌دریغ آن‌ها از نیروهای مسلح، باعث جلوگیری از پیشروی نیروهای دشمن به‌طور گسترده شد. در این راستا در مناطق جنوب و غرب، عملیات‌های متعدد و متنوع زمینی، هوایی و دریایی انجام شد (مرادپیری و شربتی، ۱۳۹۱: ۹۹).

نواقص و کاستی‌های دفاعی ایران، هنگامی که بنی‌صدر عهده‌دار فرماندهی کل قوا بود، نقش زیادی در سهولت پیش روی نیروهای ارتش عراق در عمق سرزمین ایران و محاصره و اشغال شهرها داشت. آرایش دفاعی نیروهای ایران به شیوه سنتی (یعنی طبق آیین‌نامه‌ها و بدون در نظر گرفتن وضعیت جدید) و بدون بررسی دقیق و در نظر گرفتن احتمالات گوناگون انجام گرفت؛ بنابراین گسترش عملیاتی و تاکتیک نظامی ایران دچار نقص بود و درک روشنی از تلاش اصلی عراق وجود نداشت (رضایی، ۱۳۷۴/۴/۱۵).

عملیات‌هایی که به فرماندهی بنی‌صدر انجام گرفت و موفقیتی در پی نداشت؛ بلکه نتایج نامطلوبی در برداشت عبارت‌اند از (درویان، ۱۳۹۲: ۳۵):

- ۱) عملیات پل نادری: ۲۳ مهر ۱۳۵۹، در غرب رودخانه کرخه
- ۲) عملیات جاده ماهشهر: ۳ آبان ۱۳۵۹، در شرق رودخانه کارون
- ۳) عملیات نصر: ۱۵ دی ۱۳۵۹، در جنوب غربی اهواز و سوسنگرد
- ۴) عملیات توکل: ۲۰ دی ۱۳۵۹، در شرق رودخانه کارون

شکست نیروهای ارتش در ماه‌های اول جنگ، عراقی‌ها را مطمئن کرده بود که بی‌دردسر در خاک ایران می‌مانند. کردزن، محقق آمریکایی می‌نویسد «اولین تأثیر این عملیات‌ها این بود که عراقی‌ها باور کردند با کمی استقامت دفاعی می‌توانند دستاوردهای خود را حفظ کنند» (درویان، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

چهار عملیات انجام شده در ماه‌های اول جنگ توفیق چندانی در مناطق اشغالی نداشت. این ناکامی‌ها موجب کاهش روحیه نیروهای خودی و اتخاذ راهبرد تهاجمی از سوی دشمن شد. در طرح‌ریزی مانور چهار عملیات انجام شده، حتی اصول کلاسیک جنگ و روش‌های علمی عملیاتی رعایت نشد و بررسی‌های دقیقی از وضعیت ارتش عراق و توانمندی‌های خودی به‌طور کامل و در حد لازم صورت نگرفت و عملیات‌های مذکور با عدم موفقیت همراه شدند. البته در همین مقطع رزمندگان پرتوان اسلام به‌منظور تثبیت و جلوگیری از پیشروی نیروهای دشمن از شمال غرب تا جنوب و در مقاطع زمانی مختلف، عملیات‌های متعددی انجام دادند که منجر به تلفات قابل توجهی بر نیروهای دشمن و آزادسازی بخش‌هایی از میهن اسلامی گردید. از جمله مهم‌ترین این عملیات‌ها می‌توان به سید صادق در ۵۹/۹/۲۸، تنگه حاجیان ۵۹/۱۰/۱۴، میمک ۵۹/۱۰/۱۹ و بازی دراز در ۶۰/۲/۲ اشاره نمود (مرادپیری و شربتی، ۱۳۹۱: ۱۰۱-۱۰۲).

بلافاصله پس از برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل نیروهای مسلح در ۱۳۶۰/۳/۲۱، امیر سرلشکر شهید ولی‌الله فلاحتی‌جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش از سوی امام خمینی (ره) اجازه یافت تا تعیین تکلیف جانشین فرماندهی نیروهای مسلح، با استفاده از اختیارات مقام رهبری، مأموریت‌ها و وظایف محوله در ستاد مشترک ارتش را انجام دهد (صحیفه امام، ۱۳۷۴: ۴۲۱).

با فرار بنی‌صدر از کشور و همکاری برخی از افراد نیروی هوایی، تغییراتی در سطوح عالی ارتش در دستور کار قرار گرفت. بر این اساس کلیه فرماندهان پایگاه‌ها و تعدادی از مسئولان ستاد نیروی هوایی در ۱۳۶۰/۵/۱۶ تعویض گردیدند (نمکی، ۱۳۸۷: ۱۷۲). همچنین سرهنگ (امیر سپهبد شهید) علی صیاد شیرازی که توسط بنی‌صدر کنار گذاشته شده بود، در ۱۳۶۰/۵/۱۲ به سمت فرماندهی قرارگاه غرب نیروی زمینی ارتش برگزیده شد. در حقیقت نیروی زمینی ارتش با انجام چهار عملیات ناکام در چهار ماهه اول جنگ به این نتیجه رسید که با کمک سپاه و حضور نیروهای داوطلب مردمی و بسیجی می‌تواند عملیات‌های موفقی را اجرا کند. پس از برطرف شدن مهم‌ترین مانع همکاری بین ارتش و سپاه، همدلی بیشتری برای استفاده از ظرفیت‌های یکدیگر برای مقابله با ارتش عراق پیدا شد و زمینه برای همکاری و هماهنگی بیشتر ارتش و سپاه فراهم گردید. جلسات مشترکی بین سپاه و ارتش برای شکست حصر آبادان برگزار شد که در نهایت منجر به طرح‌ریزی و اجرای عملیات مشترک و موفق از جمله عملیات ثامن‌الائمه (ع) گردید (مرادپیری و شربتی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

۲- بیان مسئله و پرسش اصلی تحقیق:

در یک سال اول جنگ، مردم و نیروهای رزمنده و امکانات و تجهیزات، همان مردم و رزمندگان و همان تجهیزات و امکانات بود. کشور در آن سال به سرمایه و نیروهای شگفتی دست نیافته بود؛ از خارج از کشور هم واردات انسانی و غیر انسانی مهمی نداشتیم و حتی برعکس، برخی نخبگان و سرمایه‌داران از کشور خارج شدند؛ حال مسئله این است که چه عاملی باعث شد بعد از سال اول جنگ، دفاع مقدس طوری دیگر رقم بخورد. برای پاسخ به این سؤال، نیاز به پژوهش رخدادهایی است که پیش از آغاز عملیات ثامن‌الائمه (ع) به وقوع پیوست. از این رو بایسته است تا این موضوع، با گستردگی مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد تا ضمن توجه به موفقیت‌های حاصل از این عملیات، ریشه‌ها و علل آن نمایان شود. از سوی دیگر، لزوم بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و معنوی دفاع مقدس، می‌تواند در ایجاد قدرت و کسب عزت و استقلال کشور در برابر زیاده‌خواهی‌های نظام استکبار نقش بسزایی ایفا نماید.

۲-۱- سؤال اصلی:

مهم‌ترین عامل اصلی موفقیت عملیات ثامن‌الائمه (ع) که باعث تقویت نیروهای داخلی و شکست عراق در میدان جنگ شد، چه بود و دارای چه مختصات و مشخصاتی است؟

۳- تغییر نسل مدیریتی:

به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران و کارشناسان، تغییر رویکرد مدیریت جنگ باعث پیشروی نیروها و بازپس‌گیری مناطق اشغالی شد. از اواخر بهار ۱۳۶۰ با انجام عملیات «فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا» تغییر رویکرد مدیریت در جبهه‌ها ملموس شد و فرماندهی جنگ در سال دوم نسبت به سال اول با یک تغییر ۱۸۰ درجه انجام گرفت که یکی از تغییرات مهم در فرماندهی جنگ، اعتماد به جوانان از جمله شهیدان باقری، بقایی، خرازی و ... بود. تغییر نسل مدیریتی در جنگ، باعث تغییر در نحوه جنگیدن شد که با استفاده از راه‌های پیش‌بینی‌نشده و در برخی از مواقع با استفاده از اصل غافلگیری دشمن در زمان و مکان؛ حتی نحوه‌ی جنگیدن را تغییر داد. عملیات ثامن‌الائمه (ع) که منجر به شکست حصر آبادان پس از حدود یک سال از آغاز جنگ شد (۳۴۹ روز)، اولین عملیات در طول هشت سال دفاع مقدس بود که با استفاده از ابزار پیش‌بینی‌نشده، باعث شکست دشمن گردید؛ که این ابزار در مدیریت داخلی، باعث تقویت اراده‌ها و در مدیریت خارجی، باعث شکست ارتش عراق گردید.

۴- تغییر رویکردی و راهبردی مدیریت جنگ:

ستاد عملیات جنوب را جوانانی چون شهید حسن باقری و داوود کریمی در پایگاه گلف اهواز پایه‌گذاری کردند و بعدها رحیم صفوی فرمانده آن ستاد شد. حسن باقری هم از روز اول جنگ اطلاعات عملیات را در آن ستاد پایه‌گذاری کرد. سردار رحیم صفوی درباره آن ستاد می‌گوید: «با انتخاب افراد لایق، توانمند، مؤمن، شجاع و تحصیل کرده، کارها سامان یافت. غلامعلی رشید جانشین ستاد، حسن باقری مسئول اطلاعات عملیات و محمد حجازی مسئول اعزام نیرو شد» (نجف پور، ۱۳۸۸: ۲۶۰).

ستاد عملیات جنوب سپاه بسیار فعال‌تر از گذشته، امور جنگ را پیگیری کرد. فرماندهان سپاه در خوزستان و در جلسات هفتگی ستاد عملیاتی جنوب شرکت می‌کردند، گزارش می‌دادند و تصمیم‌گیری می‌کردند. سردار غلامعلی رشید از فرماندهان ستاد عملیاتی جنوب می‌گوید: «این‌ها می‌آمدند گزارش جبهه‌هایشان را می‌دادند. در این جلسات از آخرین حوادث مطلع می‌شدیم و مشکلات و وضعیت خودی و دشمن را متوجه می‌شدیم. در محورها هم هر کس که در هر محور مسئول بود، پیشنهادهایی می‌داد و ما بررسی می‌کردیم و اگر قانع می‌شدیم به کمک آن‌ها می‌رفتیم» (درویان، ۱۳۸۲: ۱۳۸).

سردار فتح‌الله جعفری، درباره تغییر راهبرد جنگ می‌نویسد: «در آن مقطع، شرایط انقلابی حاکم بر کشور و تمایلات لیبرال‌ها در عرصه سیاسی و نظامی به نحوی بود که قصد داشتند با تسلط بر ساختار سیاسی و نظامی کشور حاکمیت خود را تثبیت کنند، اما دیدگاه‌های آن‌ها با شرایط حاکم بر ایران مطابقت نداشت و این موضوع سبب ایجاد بن‌بست نظامی در جبهه‌ها و بی‌ثباتی سیاسی در داخل کشور شده بود. شکست استراتژی نظامی عامل بن‌بست نظامی بود و بن‌بست نظامی می‌توانست برای منافع ملی کشور عواقب خطرناکی داشته باشد. بنی‌صدر به امام نامه نوشت که با توجه به هیئت‌های صلحی که به تهران آمده‌اند، اگر ما این صلح را بپذیریم بهترین موقعیت خواهد بود. امام در پاسخ به بنی‌صدر در دیداری با مردم فرمودند یأس و ناامیدی از جنود ابلیس است. این حرکت ارزشمند امام توانست روحیه از دست رفته مردم را بازیابی کند». استقرار طولانی نیروها در خطوط مقابل دشمن، شناسایی‌های مکرر و فعالیت‌های ستاد عملیاتی جنوب، نیروهای سپاه را منسجم کرد و دیدگاه‌های جدیدی را پدید آورد. سپاه ایده‌ها و

پیشنهادهایش را ارائه داد و عملکرد مشاورین بنی صدر را نقد کرد. همچنین با توجه به امکانات و مقدراتش، عملیات‌هایی محدود را طراحی کرد و انجام داد. به اعتقاد حسن باقری برای ورود به مرحله‌ی جدید از جنگ، باید به خود جرئت داد و قبول کرد که این نوع جنگیدن به درد نمی‌خورد و لازم است استراتژی جنگ عوض شود.

فرمانده عملیات جنوب، غلامعلی رشید هم درباره آن دوران گفته است: «امام می‌فرمودند اصل جنگیدن است و این سیاست اصلی و محوری ما بود. برای ما شرایط ماه پنجم جنگ بن‌بست بود. دلیل این ناکامی و شکست در عملیات‌های چهار ماه گذشته بود که در هیچ کدام توفیقی به دست نیاورده بودیم؛ بنابراین سؤال «چه باید کرد؟» پیش روی ما بود و درک می‌کردیم و می‌فهمیدیم که شیوه جنگ باید تغییر کند. این حرف از سوی انسان‌هایی زده می‌شد که روح بزرگی داشتند، مثل برادر حسن باقری. ما نیازمند دکترین و راهبرد جدیدی بودیم و اصول الهام گرفته از امام برای جنگیدن و تجدید نظر در روش‌های جنگ (تاکتیک و استراتژی) روح کلی دکترین و راهبرد ما را تشکیل می‌داد و این آغاز تحول و شکل‌گیری روند جدیدی بود که موج‌های تحول آن تا فتح خرمشهر پیشرفت» (شیرعلی نیا و زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۵).

به‌عنوان مثال سپاه برای اجرای عملیات‌های بزرگ و گوناگون، راهبردها و تاکتیک‌های زیر را در دستور کار قرار می‌داد: (شیرعلی نیا و زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۷)

۱) ایجاد شبکه اطلاعات عملیات در تمامی جبهه‌ها و هدایت و کنترل این اطلاعات از گلف برای شناسایی دقیق دشمن، زمین، جو، راهکارها و در محورهای نفوذی، محل تجمع، قرارگاه‌ها و سیستم هدایت و کنترل هوشمند.

۲) عملیات خط‌شکنی، اتخاذ تاکتیک‌های جدید متکی بر نیروهای پیاده سپاه، به‌خصوص نیروهای بسیج و نیروی انقلابی ارتش با رخنه در مواضع و خطوط مقدم دشمن در شب برخلاف روش قبلی که تکیه بر زرهی بود.

۳) همکاری و هماهنگی با کلیه واحدهای فعال در جنگ اعم از ارتش، نیروهای شهید چمران و جهاد سازندگی.

۴) استفاده از سلاح‌های سبک و نیمه سنگین که مهمات آن‌ها در اختیار باشد یا امکان ساخت آن وجود داشته باشد.

- ۵) تکیه بر ایمان، عشق به شهادت و گسترش فرهنگی انقلاب و امام در صحنه‌های جنگ.
- ۶) هجوم غافلگیرانه بدون آتش تهیه اولیه و تأکید بر اصل غافلگیری به‌عنوان یک اصل محوری در نظریه جنگ انقلابی سپاه.
- ۷) بهره‌گیری از تاریکی شب (تک شبانه) که نقطه ضعف دشمن و تمام ارتش‌های کلاسیک بود.
- ۸) فرماندهی و کنترل دقیق و لحظه‌به‌لحظه و همراه با رزمندگان
- ۹) شناسایی دقیق از دشمن، زمین و جو
- ۱۰) گسترش سازمان رزم با نیروهای انقلابی و داوطلب و تربیت کادر فرماندهی
- ۱۱) جذب نیرو، آموزش و سامان‌دهی در محورهای عملیاتی

سپاه و ارتش منسجم‌تر شدند. نیروهای مردمی هم فشارشان را برای آغاز عملیات بیشتر کردند. فرماندهان بارها خواستار عملیات در محور دارخوین بودند و بسیجی‌ها مرتب درباره آن می‌پرسیدند. حسن باقری را فرستادند تا حرف‌های بسیجی‌ها را بشنوند و درباره عملیات برایشان توضیح دهد؛ شهید حسن باقری با شنیدن صحبت آنان، آن‌قدر دقیق درباره عملیات بعدی صحبت کرد که هیچ‌کس حرفی برای گفتن نداشت. او برای بسیجی‌ها توضیح داد که ما تاکنون چند عملیات ناموفق داشته‌ایم و دشمنان یاغی شده است. عملیات بعدی باید آن‌قدر پرقدرت باشد که دشمن نتواند کاری بکند و ما برای عملیات بعدی روحیه بگیریم. ایشان طوری دقیق صحبت کرد که حرفی برای گفتن نماند (بنی‌لوحی و مرادپیری، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

۵- اولین تجربه موفق ناشی از تغییر رویکرد و راهبرد مدیریت جنگ:

کانون مرکزی و نقطه ثقل تحول در جنگ را بدون شک باید حضوری جدی و همه‌جانبه سپاه و بسیج در جنگ دانست، مسلماً این حضور صرفاً به معنای حضور فیزیکی نیروهای سپاه و بسیج در جنگ نیست، زیرا که پیش از این و در مرحله مقاومت و دفاع در برابر متجاوز، نیروهای انقلابی و مردمی در صحنه حضور داشتند و نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده بودند. در مرحله جدید بر پایه درکی روشن از ناکامی‌های بنی‌صدر و ارتش در آزادسازی مناطق اشغالی، ضرورت شکستن بن‌بست نظامی حاکم بر جنگ و حمله به دشمن که با تغییر راهبرد جنگ قابل تحقق بود، با حضور سپاه تأمین و آغاز شد (رشید، ۱۳۷۵).

تأکید به ضرورت تغییر راهبرد جنگ به موازات ایجاد تردید درباره فرماندهی بنی صدر در سطوح بالای کشور و شورای عالی دفاع، بخشی از موانع موجود برای ایفای نقش سپاه در جنگ را برطرف ساخت. سرلشکر محسن رضایی در این زمینه می گوید: «راهبرد نظامی به طور کلی در ایران از هم پاشید. در اینجا راهبرد جدید نیروهای حزب الله آغاز شد. نیروهای حزب اللهی آمده اند و جنگ انقلابی را تدوین کردند و براساس آن یک سری عملیات های محدود انجام شد» (درودیان، ۱۳۹۲: ۴۵).

روند جنگ تغییر کرد. فرماندهان سپاه در پی اجرای عملیات در جبهه دارخوین بودند؛ اما به قول شهید حسن باقری عملیات بعدی باید آنقدر پر قدرت باشد که دشمن حرفی برای گفتن نداشته باشد و نیروهای خودی نیز برای عملیات بعدی روحیه بگیرند (بنی لوحی و مرادپیری، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

مدافعان دارخوین سختی های بسیاری برای آماده کردن مقدمات عملیات کشیدند. آموزش های سنگین و فشرده ای اجرا کردند و آمادگی جسمانی نیروها را آنقدر بالا بردند که هر نیرو می توانست ده کیلومتر بدود؛ تیراندازی با سلاح های مختلف و فراگیری تکنیک های نبرد و عملیات پیاده را هم به آن ها آموزش دادند؛ مخابرات، ادوات، دیدبانی و تخریب را هم آموزش دادند. مهم ترین دغدغه مسئولان سپاه، نداشتن مهمات کافی برای اجرای عملیات بود که آیت الله خامنه ای با نفوذی که در ارتش داشتند آرمی جی، خمپاره و دیگر سلاح ها و تجهیزات را تهیه کردند (بنی لوحی و مرادپیری، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

عملیات فرماندهی کل قوا، عملیات موفق کوچکی با نتایجی بزرگ بود که مهم ترین آن دمیدن روحیه امید و پیروزی در مدافعان شد و عراقی ها که از عملیات فرماندهی کل قوا در دارخوین ترسیده بودند، باقی مانده پل خرمشهر را منهدم کردند و کاملاً به لاک دفاعی فرو رفتند (جاودانی و سروری، ۱۳۹۱: ۱۱۸). عملیات سه محور داشت، منصور موحدی از محور جاده اهواز آبادان عمل می کرد، محمود پهلوان نژاد از داخل کانال و رضا رضایی از حاشیه کارون به نیروهای دشمن حمله کردند. در محور دارخوین رحیم صفوی و حسن باقری عملیات را فرماندهی می کردند، غلامعلی رشید هم به آنان پیوست (شیرعلی نیا و زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۱).

بعدها در سنگر عراقی ها اسناد تحلیل عملیات پیدا شد که نوشته بودند: (کاظمی، ۱۳۹۱: ۵۸)

اهداف مورد نظر ما تاکنون به دلیل خسارت‌های وارد شده بر واحدهای گردان سوم تیپ ۸ و گروهان دوم گردان تانک و آتش‌بار خالد و همچنین اشغال مواضع جلویی ما در دارخوین از سوی دشمن تحقق نیافته است. اهداف مورد نظر دشمن (ایران) محقق شد. به سبب دستیابی آنان به خطوط اول واحدهای ما در دارخوین و وارد آمدن خسارت‌های سنگین بر آن‌ها و اینکه علی‌رغم خسارت‌های وارده، نیروهای دشمن (ایران) به مواضع قدیمی خود عقب‌نشینی نکرد. عملیات «فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا» عملیات موفق کوچکی بود که سرآغاز نبردهای بزرگ و پیروز رزمندگان گردید (دروودیان، ۱۳۹۲: ۱۲۰). این عملیات، آغازی بر عملیات پیروزمند ثامن‌الائمه بود که معادلات منطقه را در شمال آبادان به نفع نیروهای ایرانی تغییر داد. اگرچه این عملیات کوچک را نمی‌توان در کنار عملیات ثامن‌الائمه قرارداد، ولی دستاوردها و تجربیات عملیات فرماندهی کل قوا در اولین عملیات مشترک و گسترده سپاه و ارتش تحت عنوان عملیات ثامن‌الائمه مورد استفاده قرار گرفت.

۶- نشانه‌های مدیریت جهادی در عملیات ثامن‌الائمه:

مدیریت جهادی؛ عمل، فراگرد، پیامد یا حالتی است که برای تعالی انسان‌ها پدید می‌آید و این به معنی رشد، متحول کردن، استفاده از فرصت‌ها، برتری‌بخشیدن یا بالابردن امور انسانی است. مدیریت جهادی در حکم الگوی مطلوب مدیریتی برای نظام اسلامی است؛ الگویی که توان لازم تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی را دارد و واجد آن توانایی‌ها و ارزش‌هایی است که از هر نظام مدیریتی کارآمد اسلامی انتظار می‌رود (سلطانی، ۱۳۹۳: ۱۲). با توجه به تعریف‌هایی که به صورت خاص از دو واژه «مدیریت» و «جهاد» ارائه می‌شود، می‌توان گفت مدیریت جهادی یعنی: علم و هنر رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی، مبتنی بر مبارزه، نه صرفاً در عرصه نظامی بلکه در تمامی عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... جهت نیل به اهداف راهبردی و کلان یک نظام و رفع موانعی که در رسیدن به آن وجود دارد (کوشکی، ۱۳۹۳). هرچند مدیریت جهادی اصطلاحی جدید در ادبیات انقلابی ما نیست، اما انصافاً مدیریتی است که تنها در مقطع دفاع مقدس بارها با آن مواجه بوده‌ایم. مدیریت جهادی، سبک رهبری ایرانی است که با رهبری امام خمینی (ره) توانست به خوبی در مقطع دفاع

مقدس، کشور را از پرتگاه جنگ که استکبار جهانی ایران را به سمت آن کشانده بود، نجات دهد و کارایی خود را به خوبی نشان داده و در واقع آزمون و خطای خود را در هشت سال دفاع مقدس پس داده است (پورصادق و ذاکری، ۱۳۹۴: ۹۷). این نوع مدیریت در عملیات ثامن الائمه نشانه‌هایی دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۶-۱- ولایت‌مداری، وحدت و اطاعت از فرماندهی واحد:

پس از موفقیت عملیات «فرمانده کل قوا»، طرح عملیات «ثامن‌الائمه (ع)» اجرا شد تا محاصره آبادان شکسته شود.

حضرت امام (ره) در ۱۴ آبان ماه سال ۱۳۵۹ فرموده بودند: «من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود. باید این حضور شکسته بشود، مسامحه نشود و آن حتماً باید شکسته شود». بر همین اساس مدیریت جنگ با ولایت‌محوری و پذیرش دستور و اوامر فرماندهی وارد عمل شد و عملیات ثامن‌الائمه با هدف شکست محاصره آبادان در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ در شرق رودخانه کارون با رمز «نصر من الله و فتح قریب» آغاز شد و پس از ۴۸ ساعت نبرد، کلیه مواضع دشمن درهم کوبیده شد و کلیه اهداف عملیات تأمین شد. در کنار سازمان جدید، توپخانه به تدریج به کار گرفته شد. همچنین سپاه در جذب و به کارگیری نیروهای مردمی، توانست ۱۵ گردان نیرو سازمان‌دهی کرده و وارد عمل نماید. این اقدام به منزله افزایش توان سازمان‌دهی سپاه به میزان ده برابر بود (حسینی و جوادی پور، ۱۳۷۳: ۲۶۱).

سرلشکر پاسدار محسن رضایی درباره شکست حصر آبادان می‌گوید: «حضرت امام مدت‌ها بود که دستور داده بودند حصر آبادان باید شکسته شود، اما مدیریت اولیه جنگ بهای لازم را برای این کار نمی‌داد و حتی بقایای این مدیریت هم با اینکه آقای بنی‌صدر کنار رفته بود، باز به سختی زیر بار حمله به این منطقه می‌رفتند، به طوری که طرح اولیه سپاه در اوایل فروردین سال ۶۰ آماده شد، ولی شش ماه طول کشید تا عملیات اجرا شود». تلخی در اجرای عملیات شکستن محاصره آبادان با توجه به وضعیت سیاسی کشور به گونه‌ای بود که امام مدتی بعد از حادثه هفتم تیر، خطاب به شورای عالی دفاع که در محضر ایشان تشکیل شد فرمودند: «چرا حمله نمی‌کنید، بنی‌صدر هم همیشه امروز و فردا می‌کرد و می‌گفت یک ماه دیگر طراحی داریم... اگر نمی‌خواهید بجنگید

بگویند تا ما تکلیف خودمان را بدانیم» (درودیان، ۱۳۹۳: ۴۸). تغییر مدیریت در جنگ و تبدیل این مدیریت به مدیریت جهادی باعث انجام عملیات ثامن‌الائمه، شکست حصر آبادان و موفقیت‌های بعدی بود.

۲-۶- اشراف بر دشمن و برنامه‌ریزی براساس اطلاعات:

دلایل موفقیت عملیات ثامن‌الائمه را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ۱) نقص و سرپل نظامی گرفته‌شده توسط دشمن که عقبه آن متکی به دو پل حفار و قصبه روی رودخانه کارون بود.
- ۲) عدم تصور دشمن از اجرای یک تهاجم مشترک و همه‌جانبه اجرایی تک از همه محورهای توسط ارتش و سپاه
- ۳) طرح‌ریزی درست عملیات و توجیه همه رزمندگان و نیز فرماندهی خوب و هدایت صحیح نیروهای شرکت‌کننده در عملیات
- ۴) انجام‌شدن عملیات شب، به گونه‌ای که برای اولین بار یک عملیات بزرگ برای مدت شش ساعت در تاریکی شب انجام گرفت.
- ۵) روحیه بسیار خوب رزمندگان اسلام و اعتقاد آن‌ها به پیروزی

در مجموع می‌توان گفت شناخت درست از نحوه گسترش آرایش و نقاط قوت و ضعف دشمن و برنامه‌ریزی صحیح برای به کارگیری نقاط قوت خودی علیه دشمن، از عوامل اصلی موفقیت رزمندگان اسلام در عملیات ثامن‌الائمه محسوب می‌شود (عابدی، ۱۳۹۸: ۷۶).

حسن باقری در این خصوص می‌گوید: «با توجه به تجربیاتی که در چند ماه جنگ و عملیات محدود داشتیم، برخلاف ارتش عراق که نیروهایش نسبت به طرح حمله در بی‌خبری به سر می‌بردند، ما جزئیات طرح عملیات را با ذکر نکات ریز و ظریف برای همه فرماندهان لشکر (حتی دسته) بازگو کردیم تا هم آگاه باشند، هم اگر نظر اصلاحی دارند بگویند» (شیرعلی نیا و زاهدی، ۱۳۸۸: ۸۴).

۳-۶- انگیزه قوی خدمت به کشور، مردم و هم‌نوعان:

در آستانه عملیات، کمبود نیرو و امکانات دغدغه مهم فرماندهان بود، اما جبهه ایران چیزهای دیگری داشت که بسیاری از کمبودها را جبران می‌کرد. امیر معین وزیری می‌نویسد: «کمبود مهمات محسوس بود، اما یک عامل سرنوشت‌ساز در جنگ برای نیروهای ایرانی روز به روز در حال تقویت بود و آن عامل روحیه و ایمان و میل به جنگ‌جویی تا پیروزی نهایی. در تمام طول عملیات، این عامل روانی بر عامل مادی برتری داشت» (معین وزیری، ۱۳۸۶: ۲۱۴).

دارخوین از محورهای اصلی عملیات ثامن‌الائمه بود و عراقی‌ها که پس از عملیات فرماندهی کل قوا به منطقه حساس شده بودند، چند روز قبل از آغاز عملیات پیش‌دستی کردند و به جبهه دارخوین حمله کردند. ابتدا منطقه را گلوله باران کردند، بعد سریع پیش آمدند و توانستند بخشی از منطقه را بگیرند. جاهایی جنگ تن به تن شد، ولی فرماندهان و رزمندگان محکم ایستادند و عراقی‌ها را وادار به عقب‌نشینی کردند (بنی لوحی و مرادپیری، ۱۳۸۷: ۱۹۷).

۶-۴- تفکر و طراحی هم‌زمان:

براساس طراحی، نیروها از دو محور شمال (دارخوین) و جنوب (فیاضه) به عراقی‌ها حمله کردند و عده‌ای هم از محور فرعی ذوالفقاریه و جاده‌ی ماهشهر - آبادان عمل کردند. پس از پایان عملیات، دیگر نه آبادان در محاصره بود و نه هیچ عراقی در شرق کارون، مگر آنکه اسیر شده باشد (جاودانی و سروری، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

با همین ویژگی طراحی و تفکر هم‌زمان بود که در این عملیات حدود ۲۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و نزدیک به ۱۸۰۰ نفر به اسارت درآمدند. همچنین حدود ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو، سه فروند هواپیما، یک فروند بالگرد و تجهیزات بسیاری از دشمن منهدم و ۷۴ تانک و نفربر و ۴۰ خودرو به علاوه تسلیحات و تجهیزات بسیاری از عراق به غنیمت گرفته شد و البته ۲۴۳ نفر از نیروهای خودی نیز شهید و ۷۳۶ نفر زخمی و ۱۱ نفر مفقود شدند (عابدی، ۱۳۹۸: ۷۴).

۶-۵- کار جمعی و گروهی:

لشکر ۷۷ خراسان از ارتش در عملیات ثامن‌الائمه شرکت داشت، این لشکر از جمله لشکرهای ارتش بود که در جریان انقلاب، سازمان این لشکر گسسته نشد و برخی از درجه‌دارها و

افسرهایش قبل از انقلاب با مقام معظم رهبری مرتبط بودند. آن‌ها حتی آموزش‌هایشان را در دوران انقلاب تعطیل نکردند و از آماده‌ترین لشکرهای ارتش بودند. این لشکر را در اواخر سال ۱۳۵۹ به آبادان منتقل کردند و وضع آبادان را از نظر نیرو بهبود بخشیدند (جاودانی و سروری، ۱۳۹۱: ۹۹). در آستانه عملیات ثامن‌الائمه، لشکرهای نیروی زمینی ارتش تا جای ممکن امکاناتشان را در اختیار لشکر ۷۷ خراسان قرار داده بودند (معین وزیری، ۱۳۸۶: ۲۱۷).

با خبر پیروزی رزمندگان اسلام در شکست حصر آبادان، امام خمینی (ره) طی پیامی در پاسخ به نامه فرماندهان ارتش و سپاه، ضمن تبریک به رزمندگان و فرماندهان این عملیات و تقدیر از آنان، آن را «پیروزی بزرگ» نامیدند. این عملیات اولین عملیات مشترک ارتش و سپاه بود که در آغاز سال دوم جنگ انجام شد و اولین پیروزی بزرگ ایران در جبهه‌های جنگ بود که جزء عملیات‌های کاملاً موفق و نسبتاً گسترده به حساب می‌آید (مرادپیری و شربتی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

۶-۶- هدایت بنیادی انگیزه‌ها و روحیه‌ها:

پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه، نیروهای انقلابی را برای ادامه جنگ مطمئن کرد و وضعیت روانی مناسبی در جامعه به وجود آمد و امید و اعتماد برای کسب پیروزی حاصل شد. در نتیجه، این تحول، موقعیت و زمینه لازم را برای طرح‌ریزی راهبردی آزادسازی مناطق اشغالی براساس ساختار و ترکیب جدید نیروها و راهبردها و تاکتیک‌های جدید فراهم کرد. موفقیت در این عملیات باعث کسب اعتماد به نفس برای برداشتن گام‌های بلندتر بود (رضایی، ۱۳۷۴/۴/۲۷). یکی از کارشناسان نظامی خارجی بر این مسئله تأکید کرد که: «این پیروزی این حقیقت را آشکار ساخت که برتری در قدرت زرهی و هوایی می‌تواند بی‌معنا باشد»؛ این کارشناس با اعتراف درباره ماهیت ناشناخته تاکتیک‌های جدید و نحوه کسب پیروزی نظامی ایران می‌نویسد: «هنوز مشخص نشده است که ایرانیان چگونه به این پیروزی دست یافتند» (درویان، ۱۳۹۲: ۴۹).

۶-۷- اتصال به نهادهای قدرت پایان‌ناپذیر مردمی کشور:

بهترین سازمان‌ها و نهادها، نهادهایی هستند که محدود به تعداد کارکنان رسمی خویش نشوند؛ به عبارتی دیگر بهترین نهادها، نهادهایی هستند که مردم حامی و پشتیبان آنان باشند.

مقام معظم رهبری هنگامی که به عنوان نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع از نزدیک تحولات جنگ را پیگیری می کرد، عنوان نمودند (مصاحبه آیت الله خامنه ای، ۱۳۶۲):

«کلاً تا قبل از عملیات ثامن الائمه عملیات ما غالباً موفق نبودند و شاید یک یا دو عملیات را بتوان نشان داد که تا حدودی موفق بوده و علتش هم این است که تا قبل از عملیات ثامن الائمه نیروهای مردمی به کار گرفته نمی شد، یعنی از بسیج و سپاه در عملیات ها به صورت کامل خبری نبود و سپاه امکانات نداشت و گذشته از این مسئولان نظامی حاضر نبودند حتی سپاه را در حیطه کار نظامی راه بدهند».

۶-۸- تحول و سازمان دهی مجدد:

پیروزی های حاصله در صحنه سیاسی کشور با انتخاب آیت الله خامنه ای به ریاست جمهوری و گذر از مرحله بحران و بی ثباتی، همراه با پیروزی در عملیات ثامن الائمه، به دو اقدام اساسی انجامید. نخست اینکه سپاه سازمان رزم خود را توسعه داد و دیگر اینکه به موازات گسترش سازمان رزم، اقدامات جدی و اساسی را برای طرح ریزی یک سلسله عملیات با هدف آزادسازی کلیه مناطق اشغالی آغاز کرد (رضایی، ۱۳۷۵/۷/۱۲).

۶-۹- شکست راهبردی دشمن:

اولین نتیجه برجسته عملیات ثامن الائمه عبارت بود از درهم شکستن راهبرد دشمن در نقاط اصلی آن، بدین معنا که دشمن پس از ناکامی اولیه در آغاز جنگ با هدف برخورداری از برگ برنده برای مذاکرات صلح، تلاش اصلی خود را روی اشغال خرمشهر و آبادان متمرکز کرد. تداوم مقاومت در خرمشهر به حفظ آبادان منجر شد. در عین حال، دشمن در فرصت های متعدد درصدد اشغال آبادان برآمد، ولی موفق به این کار نشد؛ بنابراین در منطقه ای که دشمن براساس راهبرد خود برای اشغال آبادان تلاش می کرد، شکستن محاصره آبادان به معنای عقیم گذاشتن برنامه های دشمن بود (رضایی، ۱۳۷۴/۴/۲۷).

۶-۱۰- زمینه سازی برای رسیدن به موفقیت های بزرگ:

ایرانی ها مهرماه با عملیات ثامن الائمه (علیه السلام) محاصره آبادان را شکستند، آذرماه با

عملیات طریق‌القدس بستان و جزایه را آزاد کردند و خودشان را به هورالهوریزه رساندند، بهمن ماه جلوی حمله عراقی‌ها را در جزایه گرفتند، فروردین ماه سال ۶۱ با فتح‌المبین شوش و دزفول را آزاد کردند و اردیبهشت همان سال بیت‌المقدس را آغاز کردند و آن‌قدر ادامه دادند تا بالاخره سوم خرداد با آزادکردن خرمشهر تمامش کردند. عراقی‌ها از خرمشهر خارج شدند و دیگر توپخانه‌شان نتوانست اهواز را گلوله‌باران کند (مرکز مطالعات جنگ، ۱۳۸۲: ۲۵).

نتیجه‌گیری:

نتایج حاصل از اجرای عملیات‌های محدود کشور در نمایاندن ضعف‌های دشمن و توانایی و قابلیت‌های نیروهای انقلابی، صحت استراتژی جدید را تأیید کرد. ضمن اینکه روحیه یأس و ناامیدی نیروهای رزمنده را که پس از شکست تلاش‌های نظامی کلاسیک به فرماندهی بنی‌صدر، در نیروهای نظامی و مسئولان سیاسی بروز کرده بود، برطرف کرد و زمینه را برای پشت سر نهادن بحران بی‌ثباتی سیاسی در کشور آماده ساخت. همچنین اندیشه‌های دفاعی سپاه تدریجاً شکل گرفت و زمینه‌های طرح‌ریزی عملیات گسترده و آزادسازی کلیه مناطق اشغالی را فراهم ساخت. به موازات این تحولات، دشمن نیز تدریجاً بخشی از تغییرات تاکتیکی را درک کرد و برای ممانعت از غافلگیری، دستورالعمل‌های جدیدی صادر کرد که در آن بر آمادگی دفاعی تأکید شده بود.

تأثیر مدیریت در سال دوم دفاع مقدس و استفاده از مدیریت جهادی باعث شد جمهوری اسلامی ایران بتواند در کمتر از نه ماه به اهداف خود دست یابد و عمده مناطق اشغالی را به تصرف خود درآورد. استفاده از نیروهای جوان و خوش‌فکر در دوران دفاع مقدس و استفاده از دستاوردهای این جوانان بعد از عملیات محدود فرمانده کل قوا و عملیات گسترده ثامن‌الائمه، روحیه ازدست‌رفته کشور را به ملت بازگرداند. البته لازم به ذکر است تغییر در نحوه جنگیدن که با تغییر مدیریت همراه بود، گام بلندی در این دستاوردها برداشت. عملیات ثامن‌الائمه و تغییر معادلات باعث تعجب جهانیان گردید و با اتکا به این دستاوردها عراق را به بیرون از مرزها هدایت کرده است. به فرموده مقام معظم رهبری علت تأخیر در آزادسازی خرمشهر، جدی‌نگرفتن وجود سپاه در صحنه رزم در سال اول جنگ بود که این عدم حضور به معنای عدم حضور نیروهای

متفکر و خوش فکر در صحنه رزم محسوب می شد. آنچه به نظر می رسد از طرح چنین موضوعاتی می توان به دست آورد این است که هر جا سخن از مدیریت جهادی جوانان این دیار به میان می آید نتایج درخشانی برای ملت سرافرازمان رقم می خورد.

منابع:

- ۱- مرادپیری، هادی، شربتی، مجتبی (۱۳۹۱). آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۲- محسن رضایی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ
- ۳- مصاحبه آیت‌الله خامنه‌ای با مجله پیام انقلاب، ۱۳۶۶، مجموعه مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، انتشارات سروش، ۱۳۶۲/۶/۱۶
- ۴- درودیان، محمد (۱۳۸۲). جنگ؛ بازیابی ثبات، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۵- درودیان، محمد (۱۳۹۲). آغاز تا پایان؛ سالنامه تحلیلی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۶- صحیفه امام (۱۳۷۴). مجموعه آثار امام خمینی (ره) جلد ۱۴، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۷- نمکی، علیرضا (۱۳۸۷). نیروی هوایی در دفاع مقدس، نشر ایران سبز
- ۸- شیرعلی نیا، جعفر، زاهدی، سعید (۱۳۸۸). سربازان امام؛ روایت اهواز، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج
- ۹- نجف‌پور، مجید (۱۳۸۸). از جنوب لبنان تا جنوب ایران، خاطرات سردار سرلشکر دکتر سید یحیی (رحیم) صفوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۱۰- بنی‌لوحی، سید علی، مرادپیری، هادی (۱۳۸۷). نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۱۱- غلامعلی رشید، شرایط و ضرورت‌های تولد و رشد و تثبیت نقش سپاه در جنگ، ۱۳۷۵/۶/۲۵
- ۱۲- جاودانی، ابوالقاسم، سروری، روح‌الله (۱۳۹۱). عملیات ثامن‌الائمه، ارتش جمهوری

- اسلامی ایران، سازمان عقیدتی سیاسی، دفتر سیاسی
- ۱۳- شیرعلی نیا، جعفر، زاهدی، سعید (۱۳۸۸). پایان محاصره؛ روایت آبادان، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج
- ۱۴- کاظمی، اصغر (۱۳۹۱). خرمشهر در اسناد ارتش عراق، حوزه هنری
- ۱۵- حسینی، سید یعقوب، جوادی پور، محمود (۱۳۷۳). ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس؛ جلد سوم: اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان، سازمان عقیدتی و سیاسی ارتش
- ۱۶- عابدی، اکبر (۱۳۹۸). دفاع مقدس در یک نگاه، مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).
- ۱۷- معین وزیری، نصرالله (۱۳۸۶). تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ، سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، معاونت فرهنگی و هنری ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۱۸- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ (۱۳۸۲). عملیات الی بیت‌المقدس، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۹- سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۳). مدیریت جهادی، چالش‌ها و الزامات، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳
- ۲۰- کوشکی، امین (۱۳۹۳). مدیریت جهادی چیست؟ (با تأکید بر منظومه فکری مقام معظم رهبری)، سایت خبری سلام سربدار، پایگاه خبری تحلیل شهرستان سبزوار، بخش سیاست، کد مطلب: ۷۰۹۷
- ۲۱- پورصادق، ناصر، ذاکری قزآنی، زهرا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مدیریت جهادی بر اثربخشی سازمان در سه بعد رهبر، پیرو و زمینه، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، سال هفتم، شماره ۲۲، زمستان ۹۴

بررسی تحلیلی مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با

جنگ دوم ایران و روسیه

مهدی رمضانی^۱، محمد حافظی صفت^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۱۸

چکیده

سرزمین جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت استراتژیکی خود همیشه مورد طمع کشورهای قدرتمند قرار گرفته است. این امر در طول تاریخ به شکل‌های مختلف صورت پذیرفته است. متأسفانه هر کدام از آن‌ها با تجزیه قسمتی از خاک ایران همراه بوده و ننگی را بر پیشانی تاریخ این ملت نشانده است. اگرچه در اکثر جنگ‌های گذشته، مردم با همراهی علما و صدور حکم جهاد با جان و دل از کشور دفاع کردند؛ اما در نهایت قسمتی از خاک وطن به دست بیگانه افتاد. در آخرین طمع کاری به خاک ایران اسلامی برای جدا کردن خوزستان، دفاع بی‌نظیر مردم به فرماندهی حضرت امام (ره) در طول هشت سال جنگ تحمیلی، به‌رغم همه مشکلات و ناملایمات، انقلاب نوپای اسلامی را بیمه و بسیاری از حقوق مسلم ایران را تأمین نمود. هم‌چنین این مقاومت، ضمن تضمین استقلال و تمامیت ارضی کشور به مظلومان و مستضعفان جهان، درس مقاومت در مقابل استکبار جهانی را داد.

این پژوهش با بررسی مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه، در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه کدام‌اند؟ برای این منظور پژوهش حاضر به شیوه‌ای علمی و با بهره‌گیری از نقطه‌نظر کارشناسان و خبرگان این حوزه و با تحلیل منابع گردآوری‌شده صورت گرفته است.

برای پاسخ به سؤال تحقیق، ابتدا جنگ دوم ایران و روسیه و دفاع مقدس مورد بررسی قرار گرفت، سپس مهم‌ترین عوامل شکست در جنگ ایران و روسیه و پیروزی در دفاع مقدس ارزیابی شد. در پایان کلیه عوامل پیروزی در دفاع مقدس به روش دلفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توکل به خدا به‌جای اتکا به ابرقدرت‌ها، رهبری و فرماندهی حضرت امام (ره)، خودباوری مردم ایران به‌عنوان مهم‌ترین عوامل پیروزی در دفاع مقدس به شمار می‌آیند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که استکبار جهانی در مقطع کنونی برای عدم تهاجم، سخت از توکل به خدا، رهبری و فرماندهی امام خامنه‌ای و خودباوری مردم به‌شدت وحشت و هراس دارد.

کلید واژه‌ها: پیروزی، دفاع مقدس، جنگ دوم ایران و روسیه.

۱- عضو هیات علمی و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

۲- مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

مقدمه

جنگ‌های ایران و روسیه، نامی است که به دو جنگ بزرگ بین ایران و روسیه تزاری در زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار داده شده است. این جنگ‌ها با شکست ایران از روسیه پایان یافت و بخش‌های بزرگی از منطقه قفقاز ایران به قلمرو روسیه پیوست.

با سقوط صفویان و روی کار آمدن افشاریان و زندیان، از تسلط حکومت مرکزی بر منطقه قفقاز کاسته شد و حکمرانان آن منطقه، با مشاهده ضعف حکومت ایران و به دلیل حفظ منافع خود به سمت قدرت نوظهور شمالی جذب شدند. با به قدرت رسیدن قاجارها که طرح و نقشه درستی برای تعامل با خوانین این منطقه، به‌ویژه خوانین گرجستان و آن سوی ارس نداشتند؛ جنگ‌های ایران و روس با حمله روسیه به منطقه قفقاز در سال‌های ۱۸۰۳ تا ۱۸۲۸ میلادی شکل گرفته است. بر اثر این جنگ‌ها معاهده‌های ننگین گلستان در سال ۱۸۱۳ میلادی و ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ میلادی تحمیل و قفقاز به کلی از ایران جدا شد.

بعد از انعقاد معاهده ننگین گلستان، چون اختلافات مرزی بین دو کشور حل نشده بود؛ تا سال ۱۲۴۱ قمری گهگاه نیروهای روسیه مناطقی از خاک ایران را مورد تجاوز قرار می‌دادند. تا اینکه در این سال گوگچه توسط روس‌ها تصرف شد و جهت پاسخ به این عمل سران کشور تصمیم به جنگ گرفتند و بدین ترتیب جنگ‌های دوم ایران و روسیه آغاز و تا سال ۱۲۴۳ قمری به طول انجامید و در شعبان همان سال به علت شکست‌های پی‌درپی که به ایران وارد آمد، فتحعلی‌شاه بالاجبار تن به انعقاد معاهده ننگین دیگری به نام ترکمانچای داد و تسلیم شرایط ذیلانته آن شد.

اما در هشت سال جنگ که از سوی استعمارگران به وسیله کشور عراق از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ شمسی به ایران اسلامی تحمیل شد؛ هیچ معاهده ننگینی پذیرفته نشد، تمامیت ارضی ایران اسلامی حفظ شد، انقلاب اسلامی بیمه و راه ترقی و خودکفایی هموار گشت.

اما باید برجستگی و درخشندگی دفاع مقدس را در خصوصیت ممتاز رهبری و فرماندهی فقیه عادل‌ی همچون امام (ره) و توکل و ایمان قلبی مردم به خداوند و اعتماد به نفس و خودباوری مردم دانست.

در جنگ بود که یاد گرفتیم باید روی پای خود بایستیم و حقیقتاً روی پای خود ایستادیم و

بر خدا توکل کردیم و از این رهگذر به خودباوری رسیدیم و اگر امروز می‌گوییم برای انجام هر کاری قادر و توانا هستیم و از کشورهای پیشرفته چیزی کم نداریم؛ این وضعیت به‌دست‌آمده را که نعمتی بس بزرگ است، به‌عنوان ره‌آورد دوران دفاع مقدس باید به نسل‌های بعد منتقل کرد. روایی و پایایی تحقیق حاضر ریشه در چهار محور (ارزش واقعی، کاربردی بودن، تداوم و مبتنی بر واقعیت بودن) دارد که توسط گوبا و لینکلن پیشنهاد شده است.

روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات

سؤال اصلی:

مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه، کدام است؟

ابزار گردآوری اطلاعات:

اطلاعات مورد نیاز تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با کارشناسان تأمین شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه بدون ساختار و یادداشت‌برداری استفاده شده است تا مصاحبه‌شوندگان آزادی عمل بیشتری داشته باشند و بتوانند آزادانه در اطراف موضوع صحبت کنند. این روش رایج‌ترین روش مصاحبه در تحقیقات کیفی است. نمونه‌گیری با روش مبتنی بر هدف بوده و کسانی که دارای تجربه کافی در این زمینه و نیز حاضر به شرکت داوطلبانه در تحقیق بودند به‌عنوان نمونه انتخاب شده و نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه پیدا کرد.

نوع تحقیق:

به دلیل اینکه نتایج حاصله مورد نیاز نسل‌های کنونی و آینده کشور است، لذا نوع تحقیق کاربردی بوده و با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده از مطالعات و نظرات کارشناسان، مناسب‌ترین روش تحقیق در این تحقیق، کیفی است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش دلفی استفاده می‌شود. بعد از تجزیه و تحلیل، نتایج منطقی از مباحث در چارچوب بحث و نتیجه‌گیری به سؤال اصلی پاسخ داده می‌شود.

چارچوب نظری و ادبیات تحقیق

الف) تعاریف عملیاتی

امام (ره):

منظور حضرت امام خمینی رحمه الله علیه، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران است.

ایران:

در این تحقیق منظور از ایران، کشور ایران قبل از انقلاب اسلامی است.

ایران اسلامی:

در این تحقیق منظور از ایران اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران است.

دفاع مقدس:

منظور هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی است که توسط استکبار پشتیبانی می‌شد.

جنگ ایران و روس:

در این تحقیق منظور جنگ دوم ایران و روسیه است که منجر به معاهده ننگین ترکمانچای شد.

ب) مبانی و مفاهیم نظری

بررسی تاریخی:

جنگ روسیه با ایران؛ برای تجزیه قفقاز از سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ قمری بعد از معاهده ننگین گلستان، گهگاه تجاوزهایی از سوی روس‌ها به ایران صورت می‌گرفت. در همین زمان معاهده سرّی بین دولت انگلیس و دولت روس بر سر منطقه شرق به امضاء رسید که دولت روس را مختار نمود هر اقدامی می‌خواهد در ممالک شرق انجام دهد (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

در سال ۱۲۴۰ قمری (دوازده سال پس از پایان جنگ‌های دوره اول) دوباره روس‌ها تجاوزات خود را آغاز کردند و به بهانه اینکه اراضی گوجچه ایروان بر طبق قرارداد گلستان به روسیه تعلق دارد و دولت ایران هنوز نماینده‌ای برای تعیین مرزهای تالش نفرستاده، تحرکات نظامی خود را شروع نمودند و تهدید کردند که اگر ایران مناطق یادشده را به زبان خوش واگذار نکند، به ضرب شمشیر خواهند گرفت. مذاکرات به جایی نرسید و خوش‌خیالی‌های فتحعلی‌شاه و

اعتماد او به انگلستان نیز کارساز نشد (کمالی، ۱۳۸۶: ۸).

در سال ۱۲۴۱ قمری قوای روس، گوگچه را تصرف کرد. دولت ایران نسبت به این تصرف و بدرفتاری با مسلمانان آنجا شدیداً اعتراض کرد؛ اما خشونت روس‌ها در رفتار و گفتگوی خود با ایرانیان و اخبار وحشتناکی که از زجر و شکنجه اهالی مسلمان قفقاز به پایتخت می‌رسید، باعث بروز هیجان عمومی در تهران گردید. در این زمان فتحعلی‌شاه به‌ناچار مجلسی از رجال، اعیان، روحانیون، سرداران، سران ایلات و عشایر را تشکیل داد تا درباره صلح یا ادامه جنگ به مشورت بپردازند (سپهر، ۱۳۳۷: ۲۱۵). اکثر حضار برای دل‌خوشی شاه و بدون در نظر گرفتن شرایط نامطلوب ایران، رأی به جنگ دادند.

فرماندهی قشون ایران به عباس میرزا فرزند چهاردهم فتحعلی‌شاه واگذار شد. جنگ در تاریخ ۱۲۴۱ قمری با هجوم ایران به ایروان آغاز شد. سپاهیان ایران از مرزهایی که در معاهده گلستان تعیین شده بود، گذشتند و سپاهیان روس را درهم کوبیدند. هجوم سپاهیان ایران، روس‌ها را عقب راند و شکست‌های مهمی بر آن‌ها وارد کرد (اجللی، ۱۳۷۳: ۲۷).

ایرانیان بیش‌تر نواحی از دست‌رفته معاهده گلستان را پس گرفتند و روس‌ها با دادن چهار هزار کشته، ایلات شکی و شیروان را تخلیه کردند؛ شهرهای لنکران و سالیان نیز آزاد شد. به دلیل این ناکامی‌ها، امپراتور روسیه یرملوف فرمانده سپاه قفقاز را برکنار و به‌جای وی پاسکویچ را منصوب کرد (عبدالله یف، ۱۳۵۶: ۱۵۳).

با فرماندهی پاسکویچ، حملات تعرضی ارتش روسیه به قلعه‌های نظامی ایران آغاز گردید و از اواخر سال ۱۲۴۲ قمری عملیات جنگی به نفع روسیه اوج گرفت و پیشروی روس‌ها آغاز شد. نیروهای ایران در دو جبهه قراباغ و ایروان تحت فشار سخت سپاه تزاری قرار گرفته بودند. خان‌ها و حکام نواحی مذکور به‌رغم تمایلی که به ایران نشان داده بودند، خیانت ورزیدند و خود را زیر پرچم روس کشیدند (پناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۷۲). روس‌ها به‌تدریج بر سرزمین‌های متعلق به ایران غلبه کردند و به ترتیب شهرهای گنجه، ایروان، نخجوان و قلعه عباس‌آباد را اشغال کردند. با تسخیر ایروان، پاسکویچ لقب ایروانسکی یافت (افشار یزدی، ۱۳۵۸: ۱۶۴).

پیشروی قوای نظامی روس در مرحله دوم جنگ‌ها به حدی بود که متجاوزان ضمن عبور از شهرهای قفقاز و رودخانه ارس، شهرهای مهم سر راه، چون خوی و دهخوارقان و به‌تبع آن، مرند

و قراچه داغ و مشکین شهر و سراب و گرمرو را هم به تصرف در آوردند (وثوق، ۱۳۵۸، ۵۵). قشون روس در عرض راه از غارت و چپاول مناطق اشغالی دریغ نمی کرد، به طوری که در اردبیل اشیاء نفیسی را که از زمان شاه عباس در آرامگاه شیخ صفی وجود داشت، تصاحب و به مسکو و پترزبورگ حمل کردند. مرکز فرماندهی شاهی که تا آن زمان در سلطانیه بود، به محض ورود نیروهای روس به شهرهای شمالی، از سلطانیه به تهران منتقل گردید و منتظر وصول گزارش از عباس میرزا شد.

ارتش ضعیف ایران نتوانست با سپاه روسیه برابری کند و ارتش تزار همچنان به پیشرفت خود ادامه می داد. وقتی سپاهیان روس عازم تبریز شدند، این شهر در دست والی بی لیاقت آن، آصف الدوله خائن بود. وی از شدت ترس، متواری شد و بدین سان تبریز هم به آسانی به دست روس ها افتاد و غارت شد. سقوط تبریز، جنگ روس با ایران را وارد مرحله جدیدی کرد. فرمانده قشون روس (ژنرال پاسکویچ) درصدد تصرف تهران برآمد؛ اما امپراتور روسیه، تزار نیکلای اول به او دستور داد که همان جا متوقف شود و عهدنامه ای با ایران به امضا برساند (امین ریاحی، ۱۳۷۸: ۳۱۷). پیشنهاد صلحی که از طرف روس ها در سقوط تبریز ارسال شد، مورد استقبال عباس میرزا قرار گرفت (ورجاوند، ۱۳۷۸: ۱۴۴).

در همین زمان، انگلیس نیز به اقتضای مصالح خود به تلاش افتاد و مصمم شد که امر صلح را تسریع کند؛ به همین جهت با عباس میرزا وارد گفتگو شد. شهر دهخوارقان را پاسکویچ برای مذاکره تعیین کرد و سران دو کشور در آنجا حضور یافتند و مذاکرات آغاز شد (انصاری، ۱۳۴۹: ۶۸).

در مجلس مذاکرات دهخوارقان، پاسکویچ قرار صلح را به واگذاری ایالات ایروان، نخجوان، ماکو، تالش و مغان و پرداخت بیست کروور اشرافی از طرف ایران مشروط کرد و سرانجام به پانزده کروور تومان راضی شد تا فقط شهرهای این طرف رود ارس را تخلیه کند. عباس میرزا موضوع را به شاه گزارش داد. شاه از این پیشنهاد سخت برآشفته و دستور تجهیز قوا را صادر کرد. سفیر انگلیس در تهران با آگاهی از شکست مذاکرات دهخوارقان جهت حفظ منافع انگلستان و جهت حفظ هندوستان، به دربار فتحعلی شاه شتافت و شاه غضبناک را راضی به پرداخت غرامت کرد؛ با این تفاوت که قول داد که میزان غرامت را به ده کروور تقلیل دهد؛

بنابراین با وساطت سفیر انگلیس مقرر گردید که مذاکرات صلح مجدداً آغاز شود و این بار در قریه ترکمانچای انجام شود. در پایان مذاکرات طولانی، مبلغ غرامت همان طور که سفیر انگلیس قول داده بود، ۱۰ کرور معادل ۵ میلیون تومان تعیین گردید که قبل از امضای معاهده باید به روس‌ها داده می‌شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۳۶).

جهت پرداخت این خسارت، ایران می‌بایست که تا ۲۶ رمضان ۱۲۴۳ قمری، یعنی ظرف مدت ۵۲ روز هشت کرور از ده کرور غرامت را نقداًپردازد؛ ولی چون پرداخت این مبلغ از طرف ایران در این مدت کوتاه غیرممکن بود، یک ضرب‌الاجل نیز برای ایران تعیین گردید. به طوری که در فصل سوم همین قرارداد آمده است که اگر مبلغ فوق که هشت کرور است تا روز پانزدهم صفر ۱۲۴۴ قمری تسلیم نشود، تمام ولایت آذربایجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت. در همین فصل نیز قید شده است که اگر هفت کرور از طرف ایران پرداخت شود، همه آذربایجان در مدت یک ماه تخلیه و به ایرانیان واگذار می‌شود، به جز قلعه و ولایت خوی که تا پایان وصول کرور هشتم در اختیار لشکر روس باقی خواهد ماند (قاضی‌ها، ۱۳۷۹: ۲۸).

در این زمان عباس میرزا به سبب بیماری از پاسکویچ خواست تا تبریز را استثنائاً تخلیه نماید تا او قادر باشد در خانه خود به معالجه پردازد. پاسکویچ نیز خواسته وی را پذیرفت و شهر تبریز در ششم رمضان ۱۲۴۳ قمری از قوای روس تخلیه شد. با پرداخت کرور هفتم توسط فتحعلی‌شاه، ارومیه نیز از رهن خارج شد و فقط خوی در رهن روسیه باقی ماند. تهیه یک کرور باقی‌مانده جهت آزادسازی خوی، عباس میرزا را سخت گرفتار ساخت. در این برهه به ناچار پای انگلستان به میان آمد و از مبلغ مزبور بنا به تعهدی که داشت، دویست هزار تومان پرداخت نمود و عباس میرزا همچنان در صدد تهیه ۳۰۰ هزار تومان باقیمانده بود تا اینکه حدوداً در محرم ۱۲۴۵ قمری یک صد هزار تومان از کرور هشتم باقی بوده است. در این زمان به ناچار مقداری جواهر به ارزش یک صد و بیست و پنج هزار تومان به عنوان وثیقه یک صد هزار تومان کسری کرور هشتم به روس‌ها سپرده شد و خوی تخلیه گردید.

جهت آزاد نمودن جواهرات از رهن روسیه، قرار بر این گردید که معادل بخشی از یک صد هزار تومان باقیمانده کرور هشتم، غله به روسیه تحویل گردد. کرور نهم نیز قرار شد به اقساط پنج ساله پرداخت شود و کرور دهم هم از طرف امپراطور بخشیده شد (قائم مقامی، ۱۳۵۳: ۲۸۱).

مفاد معاهده ترکمانچای

سرانجام در دهم فوریه ۱۸۲۸ میلادی برابر با پنجم شعبان ۱۲۴۳ قمری (اول اسفندماه ۱۲۰۶ شمسی) عهدنامه‌ای که سرنوشت ایران را طی مدت یک قرن بعد، یعنی سقوط حکومت تزاری روسیه تعیین می‌کرد، در ترکمانچای به امضا رسید (حیدری، ۱۳۸۱: ۸۸).

مفاد معاهده ترکمانچای عبارت بود از: استرداد اسرای ایران، پرداخت غرامت جنگ به دولت روسیه، اجازه عبور و مرور کشتی‌های تجاری روس در دریای مازندران، حق قضاوت کنسولی به روسیه، تخلیه تالش توسط سپاه ایران و واگذاری ایروان و نخجوان به ملکیت مطلقه روس، تأیید ولیعهدی عباس میرزا و به رسمیت شناختن سلطنت ایران در صورتی که ولیعهد به این مقام برسد. مطابق ذیل این معاهده، در صورت ارتکاب جرم توسط اتباع روس در ایران، دادگاه‌های ایران حق کوچک‌ترین دخالتی را نداشتند (کاپیتولاسیون). از دیگر مفاد این معاهده، تحمیل معاهده تجاری بر ایران بود که طبق فصل اول آن، اتباع روس در همه جای ایران می‌توانند تجارت کنند و در صورت وفات، اموال منتقله و غیرمنتقله آن‌ها، بدون هیچ مانعی از احکام ولایات متعلق به دولت روس است (امینی و ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

سرزمین‌های از دست‌رفته ایران

در جنگ دوم ایران و روسیه، قریب به یک‌صد و شصت هزار کیلومتر مربع از اراضی حاصلخیز و پرجمعیت ایران که در قفقاز واقع بود از دست رفت. طی قرارداد ترکمانچای، خانات ایروان، مناطق اردوباد و بخشی از مغان و شروان، نخجوان و دو سوم تالش از ایران جدا شد (میرسنجری، ۱۳۸۹).

نقش علما در رویارویی با دشمن

یکی از پدیده‌هایی که دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه را نسبت به نبردهای پیشین ایرانیان تا حدود زیادی متمایز می‌ساخت، نقش پررنگ علما در این جنگ بود. دولت ایران که سخت در تنگنا بود بر آن شد که با پشتیبانی عالمان دین از این گرداب سهمگین به درآید و با انگیزشی که عالمان در مردم پدید می‌آوردند در جنگ از آن استفاده کند. از دست‌رفتن بخش گسترده‌ای از ایران در جنگ اول ایران و روس، زیر سلطه و سیطره کفر در آمدن شهرها و سرزمین‌های

مسلمان‌نشین و خبرهای ناگواری که به علما می‌رسید، سبب گردید که روحانیون در نگرانی شدید به سر برند و در پی چاره کار باشند و برای گشودن این گره کور به تلاش برخیزند. از همین رو در فاصله کوتاهی، اراده و انگیزه بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی در عزمی مشترک میان عوام و نخبگان، جامه عمل پوشید و دور دوم جنگ‌های ایران و روس را ایرانیان آغاز کردند. هرچند باید توجه داشت که قدرت پیش‌رونده روس، ولو ایرانیان جنگ را آغاز نمی‌کردند، دیر یا زود راه خود را به‌سوی ارس می‌گشود (شمسایی، ۱۳۹۰: ۸).

فتحعلی‌شاه برای جنگ به علما متوسل گردید تا فتوایی از آن‌ها در مورد جهاد بگیرد و به جنگ به‌عنوان جهاد نگریسته شود (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۲۲). گرفتن فتوا از علمای بزرگ و مجتهدان به عهده قائم مقام بزرگ گذارده شد. وی حاجی ملا باقر سلماسی و صدرالدین محمد تبریزی را برای گرفتن حکم جهاد نزد علما فرستاد.

آقا سید محمد اصفهانی، مجتهد وقت که بعدها به سید محمد مجاهد معروف شد (بامداد، ۱۳۷۱: ۲۰) با فضلالی عظام، حاجی ملا محمد جعفر و آقا سید نصرالله استرآبادی و حاج سید محمد قزوینی و سید عزیرالله طالش و بسیاری از علما و فضلالی هر بلد وارد اردوی فتحعلی‌شاه شدند. این علما با ورود به دربار شاه، او را به دلیل تعرض روس‌ها به جان و مال و ناموس مسلمانان با فتوای جهاد به قطع رابطه با روسیه و اعلام جنگ واداشتند (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵۳۵).

ماه محرم و شهادت سالار شهیدان بهترین زمان بود که علما از آن بهره برند و مردم علاقه‌مند و عاشق و شیدای امام حسین (ع) را به دفاع از ستم‌دیدگان و اسیران در دست روس‌ها برانگیزانند و برای دفاع از عقیده و مرام و سرزمین خود، به نبردی شجاعانه وادارند.

علمایی مانند آخوند ملا احمد نراقی و جناب آخوند ملا محمد مامقانی بعد از ذکر مصیبت حضرت سیدالشهداء، مردم را به جهاد ترغیب کردند و مردم دسته دسته و فوج فوج از مجلس وعاظ برخاسته به خدمت نایب‌السلطنه آمده، اظهار شوق و بی‌باکی از کشته‌شدن و کشتن می‌کردند (ذاکری، ۱۳۸۰: ۳۸۴).

نقش مردم در رویارویی با دشمن

در جنگ ایران با روس، بسیج نیروها به دو صورت نظام وظیفه عمومی توسط دولت و بسیج مردمی توسط علما صورت می‌گرفت.

عباس میرزا برای اینکه بتواند در مقابل روس‌ها مقاومت نماید در ابتدا از نیروهای رسمی و نظامی استفاده می‌کرد، ولی با توجه به قدرت برتر نظامی روس‌ها، ناچار به استفاده از نیروهای غیرنظامی شد. وی فرمان نظام وظیفه عمومی را به تمام نقاط کشور صادر نمود. در نتیجه، نیروهای مردمی بالاخص مردم آذربایجان با هم متحد شدند و داوطلبانه در جنگ‌ها، رشادت‌هایی از خود نشان دادند. عباس میرزا همچنین برای دفاع از کشور، ایلات و عشایر را به خدمت گرفت. نیروهای ایلات در کنار نیروهای مردمی به مبارزه با روس‌ها پرداختند (وقایع‌نگار، ۱۳۶۹: ۸۶).

یکی از مؤثرترین عواملی که عباس میرزا در تهییج قشون و برانگیختن و تشویق طبقات مردم برای شرکت در جنگ‌ها و جمع‌آوری لشکریان از نقاط مختلف کشور انجام داد، استفاده از نفوذ علما در مردم بود. نیروهای مذهبی به میان ایلات و عشایر می‌رفتند و مردم را برای جنگ با روس بسیج می‌کردند.

در طی جنگ دوم ایران و روس، نیروهای مردمی تأثیر بسزایی داشتند و برای دفاع از جان و مال و ناموس در قشون عباس میرزا حاضر می‌شدند. به عنوان نمونه، مردم ایروان با توجه به اینکه وسیله دفاع نداشتند، با چوب و بیل به دفاع پرداختند (وقایع‌نگار، ۱۳۶۹: ۲۲۷).

کناره‌گیری علما از جنگ

در جنگ دوم ایران و روس، دو گروه و با دو هدف با روس‌ها می‌جنگیدند: علما و مردم با عشق به خدا و دفاع از سرزمین خود و عباس میرزا و درباریان به عشق جاه و مقام و ثروت و گستراندن هرچه بیش‌تر حکومت خود.

دنیامداران و رهبران آنان که فرماندهی قشون ایران به عهده آنان بود، به این فکر فرو رفتند که علما با این شکوه‌آفرینی، زمام امور را در دست خواهند گرفت و آنان را از جاه و مقام و قدرت به زیر خواهند آورد. از این روی در آن هنگامه بزرگ که سپاه ایران به سکوی پیروزی بالا می‌رفت، جلسه‌های سری بین دنیاطلبان و فرماندهان سپاه روس برقرار شد و طرف روس که از گزارش‌ها دریافته بود عباس میرزا نگران جایگاه خود پس از پدر است و با توجه به نقش‌آفرینی علما این نگرانی برای او بیش‌تر شده و افزون بر برادران، علما رقیب جدی و قدرتمند او خواهند بود؛ پیشنهاد دادند سپاه ایران را دچار شکست کند تا سلطنت او پس از پدر از سوی روس تضمین

شود. عباس میرزا پذیرفت و آن صحنه ننگین را به بار آورد.

علما از این می‌سوختند که مردم با آن همه شور و هیجان و براساس وظیفه شرعی و دینی و برای دفاع از ستمدیدگان در بند روس و مرزهای ایران، پا به عرصه جنگ گذاشتند و خود آن‌ها نیز با آن سن بالا و پیری در میدان حاضر شده و در جنگ شرکت کرده‌اند، اما بی‌برنامگی‌ها، بی‌تدبیری‌ها، سهل‌انگاری‌ها و از همه دردناک‌تر خیانت‌ها و جاه‌طلبی‌ها و رقابت‌ها، کار را به اینجا رساند و قشون ایران چنین ساده شکست خورد و شرمنده و سرافکننده عقب‌نشینی کرد.

پس از شکست سپاه ایران در گنجه و شوشی، علما به‌ویژه سید مجاهد به این نتیجه رسیدند که عباس میرزا و درباریان در پشتیبانی از مردم و سرزمین‌های اشغالی صادق نیستند و عباس میرزا از روی عمد در گشودن و به جنگ گرفتن قلعه شوشی کوتاهی ورزیده و این فلاکت را برای سپاه ایران به بار آورده است تا پیروزی‌های درخشان سپاه به نام اسلام و علما تمام نشود و آنان در حاشیه قرار بگیرند و به‌عنوان قهرمان جنگ شناخته نشوند.

عباس میرزا و درباریان وقتی که فهمیدند علما و سید مجاهد به نیرنگ‌ها و دسیسه‌های آنان پی برده‌اند، چاره کار در این دیدند آن برگ دیگر از دسیسه خود را نیز رو کنند و به علما به‌ویژه سید مجاهد آزار و اذیت برسانند و شکست در جنگ را به گردن سید مجاهد بیندازند و با اجیر کردن اوباش و به بهانه‌های واهی کاری کنند که علما تاب نیاورند و جبهه را ترک گویند.

این دسیسه‌ها باعث شد تا مردم تبریز به خاطر کشته‌شدن چند تن از سادات و فرماندهان تبریز در جنگ گنجه به روی علما به‌ویژه سید مجاهد حساس شدند و به آنان توهین کردند و آنان را عامل این جنگ و کشته‌شدن سادات و فرماندهان می‌دانستند. از این روی با اینکه شاه از علما به خاطر این برخورد دور از ادب مردم دلجویی کرد و دلجویی شاه سبب گردید مردم آرام بگیرند؛ ولی آنان جبهه را ترک کردند.

غافل از اینکه مردم شهادت‌طلب و کسانی که از جان و مال گذشته و در دفاع از اسلام و سرزمین خود به‌پا خاسته‌اند، هیچ‌گاه چنین رفتاری را انجام نمی‌دهند. نمی‌توان گفت اینان مردم بودند؛ مردم بارها وفاداری و هم‌پیمانی و همراهی و هم‌گامی خود را با علما اعلام کرده بودند و علما را بسان ننگین در حلقه خود داشتند (ذاکری، ۱۳۸۰: ۳۲۲).

دلایل شکست ایران از روس

۱. به گفته تاریخ‌نویسان، چنانچه مشی سیاسی فتحعلی‌شاه در جریان جنگ تغییر نمی‌یافت و او به سادگی تمام به دام تنیده‌شده انگلیسی‌ها نمی‌افتاد، بی‌گمان جنگ‌ها سرنوشت دیگری می‌یافت.
۲. عدم برآورد توان و نیروی سپاه دشمن.
۳. احساس بی‌نیازی عباس‌میرزا و درباریان از علما و مجتهدان شرکت‌کننده در جنگ (ذاکری، ۱۳۸۰: ۳۲۲).
۴. فقدان ارتش مدرن (آهنگران، ۱۳۸۸: ۲۹).
۵. خیانت و سهل‌انگاری فرماندهان جنگ و خان‌های منطقه.
۶. خارج‌شدن مردم غیور تبریز و شهرهای پیرامون آن از صف مدافعان به خاطر ستم‌ها و بیدادگری‌ها.
۷. ضعف و بی‌تدبیری‌های عباس‌میرزا و خیانت و یا کوتاهی وی در گرفتن قلعه شوشی.
۸. خودرأیی و استبداد عباس‌میرزا در هدایت جنگ و رایزنی‌نکردن با آشنایان به فنون نظامی و آگاهان سیاسی و سیاستمداران غیر وابسته.
۹. دسیسه دولت انگلیس و دخالت جاسوسان آن کشور در امور سیاسی نظامی کشور.
۱۰. جاسوسی شماری از غیرمسلمانان منطقه برای دولت روس.
۱۱. عباس‌میرزا در اواخر جنگ، تنها به پایان‌یافتن جنگ و به رسمیت شناخته‌شدن ولیعهدی خود از جانب روس‌ها فکر می‌کرد. چنان‌که در انعقاد قرارداد ترکمانچای و واگذاری همه مناطق قفقاز به روس‌ها، هیچ تردیدی به خود راه نداد (آهنگران، ۱۳۸۸: ۲۹).
۱۲. برخی از کارشناسان، علت شکست ایران در جنگ‌های دوره دوم را «خست فتحعلی‌شاه در رسیدگی به امور نظامیان» و عدم ارسال کمک از تهران و غرض‌ورزی درباریان و کارگزاران در برخورد با عباس‌میرزا (رقابت شاهزادگان برای تصاحب مسند ولیعهدی) و تعیین ژنرال پاسکویچ به‌عنوان افسری خشن به فرماندهی قوای نظامی روس می‌دانند. حامد الگار معتقد است: سبب شکست عباس‌میرزا در جنگ ایران و روس، پیش از آنکه تفوق روس‌ها باشد، خصومت برادران عباس‌میرزا با وی و نیز تشکیلات نادرست اوست و همین دو سبب، موجب شکست او شد (الگار، ۱۳۶۵: ۱۲۷).

گویا ادامه یافتن جنگ و ناتوانی‌های نظامی ایران در مقابل تجهیزات مدرن نظامی روس با خست شاه و عدم کمک مالی او به سپاه عباس میرزا همراه شد و زمینه پذیرش مجدد صلح و در نتیجه واگذاری امتیازات بیشتر به دولت روس فراهم آمد. البته در این مقطع از جنگ، برخلاف روزهای اوج گیری نبرد، مک دونالد و چند تن افسر انگلیسی که به عنوان مستشار نظامی ایران، همه جا در میدان‌های جنگ همراه شاه و ولیعهد بودند، آنان را به ادامه جنگ و نپذیرفتن صلح تحریک می‌کردند (نفیسی، ۱۳۷۶: ۱۴۱). پیداست که این بار نیز میان سفیر انگلستان و فرماندهی سپاه روسیه، روابط محرمانه‌ای وجود داشت و هر دو برای هدف واحدی همکاری می‌کردند. دولت انگلستان در این آتش‌افروزی مقاصد گوناگونی داشت که از آن جمله مشغول کردن روس‌ها در جنگ دیگری با ایران در قفقاز بود؛ زیرا تصمیم روس‌ها به اشغال قسطنطنیه به دنبال شکست عثمانی از ایران و علنی شدن ضعف نظامی آن بود (شمیم، ۱۳۸۴: ۷۰).

جنگ عراق با ایران برای تجزیه خوزستان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۹ شمسی

سیاست توسعه‌طلبانه دولت عراق در این تحقیق از سال ۱۳۴۲ شمسی مورد بررسی قرار گرفته است. براساس این سیاست، مسئله بازگشت خوزستان به دامن مادر عربی در شورای جامعه عرب توسط عراق مطرح شد و به منظور آزادسازی خوزستان که نام آن را به صورت جعلی عربستان گذاشته بود، با کمک‌های مالی و تسلیحاتی عراق، جبهه التحریر (جبهه آزادی‌بخش اهواز) را در خوزستان ایران به وجود آورد. در ادامه این اقدامات، دولت عراق برای مشروعیت‌بخشیدن به مداخلات خود در امور داخلی ایران، خصوصاً خوزستان، در سال ۱۹۶۴ میلادی کنفرانس حقوق‌دانان عرب را در بغداد برگزار کرد. این کنفرانس در پایان اجلاس خود با صدور قطعنامه‌ای، ضمن صحنه‌گذاشتن بر ادعاهای عراق، اعلام داشت:

«عربستان (خوزستان) در شمال خلیج، نزدیک شط‌العرب جزو لاینفک میهن عربی است» (پارسا دوست، ۱۳۶۵).

در کنار مداخله سیاسی دولت عراق در استان خوزستان، از سال ۱۹۶۵ میلادی چندین بار هواپیماهای شکاری و بمب‌افکن‌های عراقی به مرزهای ایران تجاوز کرده و دهکده‌های مرزی را بمباران کردند که در اثر آن عده‌ای از ایرانی‌ها کشته و مجروح شدند. در پی این حوادث،

احساسات ضد عراقی در افکار عمومی ایران برانگیخته شد و دولت تحت فشار قرار گرفت که اقدامات لازم را برای مقابله با عراق انجام دهد. ضعف دولت تهران کاملاً مشهود بود؛ چرا که دولت ایران بلافاصله آمادگی خود را برای مذاکره به منظور حل و فصل اختلافات و مناقشات دو کشور اعلام کرد و از دولت عراق خواست که با پذیرش مذاکره یکبار و برای همیشه به اختلافات دو کشور خاتمه دهد (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷).

عدم قاطعیت دولت ایران باعث شد که دولت عراق در پاسخ به پیشنهاد دولت ایران، موضع سرسختانه‌ای اتخاذ کند و در اقدامی تلافی‌جویانه و با اتهام اینکه ایرانیان مقیم آن کشور ستون پنجم را علیه عراق تشکیل داده‌اند، اقدام به مصادره اموال و اخراج دسته‌جمعی آن‌ها از عراق کند. اختلافات بین دو کشور پس از اینکه حزب بعث از طریق کودتایی نظامی در ژوئیه ۱۹۶۸ میلادی (تیرماه ۱۳۴۷ شمسی) در عراق به قدرت رسید، شدت بیشتری به خود گرفت. بعثی‌ها برای اینکه پایه‌های حکومت کودتایی خود را محکم کنند، در ابتدای امر برای آرام کردن اوضاع داخلی و تثبیت اقتدار خود از طرح اختلافات خود با ایران پرهیز کردند. به همین دلیل، نسبت به حل و فصل اختلافات مرزی با ایران روی خوش نشان دادند و احمد حسن البکر، رهبر رژیم جدید عراق، از ایران به عنوان دوست و همسایه بزرگ یاد کرد و تأکید نمود. معاون نخست‌وزیر آن کشور نیز در آذرماه ۱۳۴۷ شمسی در سفری به تهران آمادگی کامل دولت عراق را برای حل مسائل معوقه و تعیین مرزهای دو کشور طبق مقررات جهانی و به صورت معمول بین‌المللی ابراز نمود.

بعد از مدت کوتاهی، مواضع دولت جدید عراق هم مانند حکام قبلی تغییر یافت و ادعاهای گذشته را در مورد اروندرود تکرار کرد. در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ شمسی (۵ آوریل ۱۹۶۹ میلادی) تنها نه ماه پس از به قدرت رسیدن بعثی‌ها و تثبیت پایه‌های حکومت خود و یافتن حامیان خارجی از جمله شوروی به دولت ایران اعلام کرد:

«دولت عراق شطالعرب را جزئی از قلمرو خود می‌داند و از دولت ایران تقاضا دارد به کشتی‌هایی که پرچم ایران را در شطالعرب برافراشته‌اند دستور داده شود پرچم ایران را پایین بیاورند و اگر از نفرات نیروی دریایی کسی در کشتی باشد خارج شود، والا دولت عراق مأمورین نیروی دریایی ایران را با توسل به زور از کشتی خارج خواهد ساخت و در آتیه اجازه نخواهد داد

کشتی‌هایی که مقصد آن‌ها بنادر ایران است، وارد شط العرب شوند» (وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۶۱).

در پی این اقدام، نیروهای نظامی دو کشور در مرزها به حالت آماده‌باش در آمدند و ایران تحت حمایت ناوچه‌های جنگی، کشتی‌های خود را از شط العرب عبور داد. در مقابل، دولت عراق حدود پنجاه هزار نفر از ایرانیان را که سال‌ها در آن کشور اقامت داشتند، از خاک عراق اخراج کرد و اموال آنان را مصادره نمود (پارسا دوست، ۱۳۶۵).

در نتیجه این اقدامات، روابط ایران و عراق به سرعت رو به وخامت گذاشت و عراق بار دیگر ادعاهای پیشین را نسبت به خوزستان ایران تکرار کرد. در این باره، معاون نخست‌وزیر و وزیر کشور عراق در سال ۱۹۶۹ میلادی اظهار داشت: «عراق هرگز به‌طور جدی در مورد شط العرب با ایران اختلاف نداشته است، شط العرب جزئی از خاک عراق است. اختلاف در مورد عربستان (خوزستان) بوده که قسمتی از خاک عراق است و در دوره قیمومیت خارجی ضمیمه ایران شده و برخلاف خواست مردم عراق، اهواز نامیده می‌شود» (وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۶۱). در سال ۱۹۶۹ میلادی، تلویزیون بصره نقشه جدیدی از عراق را در پشت سر گویندگان خود نصب کرد که در آن استان خوزستان تحت عنوان «عربستان» جزو خاک عراق محسوب شده بود و تلویزیون بغداد نیز در برنامه‌های خود، خرمشهر را المحمره، اهواز را الاحواز و آبادان را عبادان می‌خواند. در ادامه این سیاست‌ها، دولت عراق نقشه‌ای را به نام خارطة الاحواز را تحت عنوان منطقه مستقل احواز به تصویب کنگره معلمان عرب رسانید و مقرر کرد تا در مدارس عربی آموزش داده شود. در همین حال، ضمن به راه‌اندازی جنگ گسترده تبلیغاتی، اقدام به حمایت از سازمان‌های وابسته به خود در داخل ایران کرد. در این خصوص «جبهه آزادی‌بخش عربستان» (خوزستان) با کمک‌های مالی و تسلیحاتی و حتی با واگذاری ایستگاه رادیویی از سوی عراق، تجدید سازمان شد. صدام حسین، معاون رئیس‌جمهوری عراق در ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۰ میلادی در این باره گفته بود: «ما به آن‌ها پول و اسلحه و هر چه که برای مبارزه لازم داشتند، دادیم» (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷).

در پی اعلام تصمیم دولت انگلستان مبنی بر خروج نیروهای آن کشور از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ میلادی و اعاده حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک که آن هم در واقع به ازای واگذاری بحرین انجام شد، دولت عراق شدیداً به این مسئله اعتراض کرد و ضمن

قطع روابط سیاسی خود با ایران در عملی انتقام‌جویانه، بیش از هفتاد هزار نفر از ایرانیان مقیم آن کشور را اخراج کرد و نیروهای نظامی آن کشور تحرکاتی را در مرزهای ایران انجام دادند. در پی این تحرکات، در آذرماه ۱۳۵۰ شمسی (۱۹۷۱ میلادی) درگیری‌های مرزی شدیدی با استفاده از سلاح‌های سنگین بین طرفین در گرفت که در اثر آن، تعداد زیادی از نیروهای نظامی طرفین کشته و مجروح شدند.

متعاقب آن، دولت عراق به شورای امنیت سازمان ملل شکایت برد و نشست فوری شورا را خواستار شد. در پی تقاضای عراق، شورای امنیت تشکیل جلسه داد و پس از استماع نظرات نمایندگان طرفین و نماینده اعزامی دبیر کل به منطقه، قطعنامه شماره ۳۴۸ را در هفتم خرداد سال ۱۳۵۳ شمسی صادر کرد. در این قطعنامه، رعایت آتش‌بس، فراخوانی نیروها از مرزهای یکدیگر، خودداری از هرگونه اقدامی که موجب تشدید بحران گردد و انجام مذاکره برای رسیدن به توافق کامل خواسته شده بود.

برای اجرای این قطعنامه، وزرای خارجه ایران و عراق در شهریور ۱۳۵۳ ش مذاکراتی را در استانبول ترکیه آغاز کردند. در همین مورد، سعدون حمادی، وزیر امور خارجه عراق گفت: «مذاکرات چهار روزه با وزیر خارجه ایران به هیچ نتیجه‌ای نرسید و کوچک‌ترین موفقیتی به دست نیامد» (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷). اما این بن‌بست در مذاکرات دولتی ایران و عراق زیاد طول نکشید و دو کشور در ششم مارس ۱۹۷۵ میلادی با میانجیگری هواری بومدین، رهبر فقید الجزایر و طی ملاقات شاه با صدام حسین، معاون وقت و رئیس‌جمهوری عراق در جریان کنفرانس سران اوپک، بیانیه‌ای را امضاء کردند که به بیانیه الجزایر معروف شد.

جنگ عراق با ایران برای تجزیه خوزستان از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ شمسی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ شمسی (۱۹۷۹ میلادی) منجر به سقوط شاه در ایران و به هم خوردن نظم و ساختار امنیتی در منطقه شد. با وقوع انقلاب اسلامی و ایجاد خلاء قدرتی که در منطقه به وجود آمد، فرصت کافی و لازم برای تحرک و عرض‌انداز کردن بازیگرانی نظیر عراق فراهم آمد. رهبران عراق در این وضعیت، فرصت به دست آمده را مغتنم شمرده و با اتخاذ سیاست‌های همسو و هم‌جهت با غرب در تلاش بودند تا از خلاء امنیتی منطقه سود ببرند و خود را

به‌عنوان بازیگر اصلی در میان کشورهای منطقه مطرح سازند. در این میان، انقلاب اسلامی نیز با توجه به ویژگی‌هایی که در سیاست‌های اعلامی خود داشت، ضمن اینکه به‌عنوان تهدید اصلی برای آمریکا محسوب می‌شد، زمینه را برای حمایت آمریکا از کشوری که بتواند تهدیدی برای ایران باشد، فراهم می‌کرد که این مسئله با توجه به تمایل مسئولین عراقی برای عادی‌سازی روابط خود با غرب، نقطه امیدوارکننده‌ای برای آن‌ها به حساب می‌آمد.

مایکل لدین در کتاب خود این‌گونه آورده است که: «سقوط شاه، نشانه فروریختگی بنای استراتژی ما در خلیج فارس گردید، استراتژی که ما آن را بر قدرت اقتصادی و سیاسی عربستان سعودی و نیروهای سیاسی و نظامی ایران پایه‌ریزی کرده بودیم. با محو رکن ایران، دیگر این استراتژی نمی‌تواند ایفای نقش کند» (لدین، ۱۳۶۲: ۳۰۱).

حمله سراسری عراق به ایران اسلامی

در ادامه سیاست توسعه‌طلبانه دولت عراق برای تجزیه خوزستان از ایران، صدام به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید عراق و فرمانده کل نیروهای مسلح، بار دیگر در تاریخ ۲۶ شهریور سال ۱۳۵۹ شمسی برابر با ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۸۰ میلادی رسماً قرارداد ۱۹۷۵ که بین او به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور عراق و محمدرضا، شاه ایران در کشور الجزایر امضاء شده بود را لغو و آن را پاره کرد و ۵ روز بعد یعنی در ساعت ۱۴:۱۵ روز ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ شمسی برابر با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی، کشورمان را از هوا، زمین و دریا مورد هجومی گسترده و ناجوانمردانه قرار داد (درودیان، ۱۳۷۷: ۲۴).

در مجموع، ۴۸ یگان نیروی زمینی ارتش عراق با پشتیبانی ۶۰۰ تا ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضدهوایی و حدود ۳۶۶ فروند هواپیمای جنگنده و ۴۰۰ هلی‌کوپتر، استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان را درنوردیدند و هزاران کیلومتر مربع از خاک ایران را اشغال کردند؛ ده‌ها شهر کوچک و بزرگ و صدها روستا زیر چکمه ارتش بعث قرار گرفت. میلیون‌ها نفر از خانه و کاشانه خود آواره شدند و تلفات سنگین انسانی و خسارات بی‌شمار مالی به بار آمد (بشارتی، ۱۳۸۱: ۶۷).

حمله عراق از سه محور شمال، غرب و جنوب کشور بود؛ در جبهه شمالی با توان یک لشکر

برای تصرف نوسود و ارتفاعات مریوان تلاش کرد؛ در جبهه غرب با توان ۵ لشکر برای اشغال شهرهای مهران، سومان، نفت‌شهر، قصر شیرین، سرپل‌ذهاب و گیلانغرب در تلاش بود و در جبهه جنوبی هم با توان ۶ لشکر و دو تیپ برای تصرف و اشغال شهرهای خرمشهر، آبادان، اهواز، بستان، سوسنگرد، شوش، دزفول و دهلران تلاش می‌کرد (درودیان، ۱۳۷۲: ۲۴).
روزنامه نیویورک تایمز به نقل از یکی از کارشناسان رسمی آمریکا فاش کرد که طرح حمله نظامی عراق به ایران از سوی انگلیس طرح‌ریزی شده بود (بی‌نا، ۱۳۸۸: ۶۶).

علل پیشروی نیروهای دشمن

عدم آمادگی نظامی، جنگ‌های داخلی و عدم ثبات سیاسی ایران اسلامی، حمایت‌های سیاسی و کمک‌های نظامی و تسلیحاتی دشمنان انقلاب اسلامی از نظام بعثی عراق و سکوت معنادار سازمان ملل به‌ویژه شورای امنیت و نادیده گرفتن تجاوزهای مکرر عراق، سبب شد تا پیشروی نیروهای متجاوز به قلمرو ایران اسلامی، شتاب بیشتری بگیرد و قسمت‌های مهمی از خاک ایران به تصرف نیروهای تجاوزگر عراق درآید.

فضای سیاسی بین‌المللی در اوایل جنگ به شدت به زیان ایران اسلامی بود؛ تبلیغات و حمایت‌ها و ضعف قوای نظامی در پیشروی سریع ارتش عراق به خاک کشور بسیار مؤثر بود و عراق توانست از این فضا به نفع خود استفاده کند (زکی، ۱۳۸۰: ۵۹).

وضعیت سیاسی ایران اسلامی

در زمان حمله ارتش عراق، ساختار سیاسی و حکومتی ایران اسلامی بعد از انقلاب اسلامی در اثر جابجایی جریان‌های مختلف هیچ‌گونه شکل ثابتی به خود نگرفته و از ثبات لازم برخوردار نبود. بحران‌های سیاسی و فرهنگی در داخل کشور عملاً نهادهای سیاسی را درگیر خود ساخته و کارایی لازم در ساختار حکومتی برای پاسخ به یک تجاوز همه‌جانبه کاملاً از بین رفته بود (دولشاهی، ۱۳۸۷: ۳۰).

وضعیت نظامی ایران اسلامی

در نتیجه انقلاب و بحران‌های زیادی که در کشور به وجود آمده بود و عوامل دیگر، هنوز توان نظامی ارتش بازسازی نشده بود؛ خصوصاً که خیلی از سران ارتش فرار کرده و در نتیجه

ماجرای طیس و کودتای نوژه هم به ارتش صدماتی خورده بود. لذا کشور در آغاز حمله سراسری عراق دارای توان نظامی مناسب برای دفاع نبود و از سوی دیگر به علت بحران‌هایی که در خوزستان و کردستان و مناطق دیگر روی داده بود و همچنین با حرکات ضدانقلاب در نقاط مختلف کشور، اوضاع عمومی چندان مناسب و آرام نبود. در میان کشورهای منطقه و دنیا نیز از ایران چهره خطرناکی تصویر شده بود و لذا خیلی از کشورهای منطقه از آغاز جنگ عراق علیه ایران حمایت کردند. کشورهایی چون مصر، عربستان سعودی، کویت، اردن و غیره از عراق حمایت کرده و به کمک آن کشور شتافتند. این کشورها برای این که قیمت نفت در اثر جنگ بالا نرود، تولید نفت خود را افزایش دادند و در کنار آن سیل کمک نظامی آمریکا و کشورهای غربی و شوروی به عراق و آن کشورها روانه شد.

وضعیت عمومی ایران اسلامی

در این دوران، فعالیت‌های گروه‌های ضدانقلاب به‌طور مسلحانه افزایش یافته است و در گوشه و کنار کشور اقدام به ترور و بمب‌گذاری‌های گوناگون می‌کنند. در مجموع در ۶ ماهه دوم سال ۱۳۵۹ شمسی با حمله عراق، اوضاع عمومی کشور که تحت تأثیر بحران‌های خوزستان، کردستان، کاهش توان ارتش و محاصره اقتصادی و غیره تضعیف شده بود، امکان بحران‌های دیگری چون کمبود مواد غذایی، کمبود مواد سوختی و از سوی دیگر وجود دو گروه مقابل هم یعنی بنی‌صدر و طرفداران آن و حاکمیت ارتش در دست آن‌ها و نیروهای انقلاب و خط امام و اختلافات این دو گروه، اداره امور کشور خصوصاً اداره جنگ، متوقف کردن دشمن و آزادسازی مناطق اشغالی را با مشکل اساسی روبرو ساخته بود (درودیان، ۱۳۷۶: ۳۷).

آزادسازی سرزمین‌های اشغالی با فرماندهی بنی‌صدر

ارتش عراق که بخش وسیعی از خاک کشور را اشغال کرده است، با مقاومت مردمی و فعالیت نیروهای نظامی در خاک میهن متوقف می‌شود و پیشروی آن به‌کندی صورت می‌گیرد. لذا پس از آن، فعالیت نیروهای خودی برای آزادسازی مناطق اشغال‌شده تحت فرماندهی کل قوا بنی‌صدر آغاز می‌شود. این عملیات‌ها در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ شمسی و نیمه اول سال ۱۳۶۰ شمسی صورت می‌گیرد. در کل به علت نداشتن فرماندهی صحیح و عملکرد ضعیف نیروهای عمل‌کننده،

چندان مؤثر واقع نمی‌شوند. در میان این عملیات‌ها چند عملیات دارای اهمیت خاص است:

۱. عملیات پل نادری: در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ شمسی اولین عملیات بزرگ ارتش در محور دزفول برای آزادسازی سرزمین‌های کشور انجام می‌شود. هدف این عملیات پیشروی تا مرزهای بین‌المللی و تعقیب ارتش عراق تا آن سوی مرز بود، اما به علت ضعف برنامه‌ریزی و تاکتیک به کار گرفته شده، موفقیتی نداشت (درودیان، ۱۳۷۶: ۳۷).

۲. عملیات هویزه: در منطقه هویزه این عملیات با هدف آزادسازی جفیر و پادگان حمید و ادامه آن تا آزادسازی خرمشهر در تاریخ ۱۵ دی‌ماه ۱۳۵۹ شمسی توسط ارتش انجام شد که دومین عملیات بزرگ ارتش بود. در این عملیات سه تیپ از ارتش و دو گردان پاسدار و عده‌ای از نیروهای چریک دکتر چمران و عده‌ای از دانشجویان پیرو خط امام حضور داشتند. عملیات در مرحله اول با موفقیت چشمگیری روبرو شد و حدود ۲۰۰۰ تن از نیروهای عراقی به محاصره درآمدند و تعداد قابل‌توجهی تانک، نفربر، خمپاره و سلاح سبک به غنیمت گرفته شد که این پیروزی ضمن اینکه موجی از شادی و امید را در دل مردم ایران جای داد، وحشت و ترس عجیبی را در دل نیروهای عراقی افکند. اما نیروهای ایران به دنبال پیروزی، حساب‌شده عمل نکردند. در نتیجه عراق با واردکردن نیروهای جدید و شناسایی موقعیت نیروهای ایرانی و پی‌بردن به اینکه نیروهای ایرانی پشتیبانی لازم را ندارند، نیروهای ایرانی را به محاصره خود در آورده و علیرغم تلاش نیروهای جهادگر و دانشجویان پیرو خط امام به علت عدم فرماندهی مناسب، نیروهای خودی عقب‌نشینی کرده و ۱۴۰ تن از برادران سپاهی و دانشجویان خط امام و فرمانده سپاه هویزه سیدحسین علم‌الهدی که در محاصره عراق قرار گرفته بودند شهید شده و هویزه که تا این زمان اشغال نشده بود، به اشغال ارتش عراق در آمد (درودیان، ۱۳۷۶: ۳۸).

۳. عملیات توکل: این عملیات برای آزادسازی خرمشهر و عقب‌راندن ارتش عراق از شرق کارون در ۲۰ دی‌ماه ۱۳۵۹ شمسی در دو محور آبادان و ماهشهر اجرا شد. در این عملیات نیروهای ارتشی، ژاندارمری، سپاهی، بسیجی و ستاد جنگ‌های نامنظم دکتر چمران حضور داشتند. نیروهای عمل‌کننده در محور ماهشهر در مقابل نیروهای عراقی متوقف شدند، اما در محور آبادان توانستند خط آن‌ها را بشکنند و تعدادی از نیروهای عراقی را اسیر کنند، اما در کل این عملیات موفقیتی نداشت (درودیان، ۱۳۷۶: ۳۷).

به دنبال عملیات‌های ذکر شده عملیات‌های دیگری هم از سوی ارتش و با فرماندهی کل قوا بنی‌صدر صورت گرفت؛ اما به علت تفکر حاکم بر جنگ از سوی بنی‌صدر، روند مقابله با عراق و آزادسازی مناطق اشغالی به تدریج با بن‌بست مواجه شد.

برای شکسته شدن این بن‌بست، حضرت امام (ره) ملت ایران را به عکس‌العمل وا داشت. در اولین عکس‌العمل، دادستان کل انقلاب با منافقین و گروه‌های مسلح ضدانقلاب اتمام حجت نموده، سپس روزنامه انقلاب اسلامی که متعلق به بنی‌صدر بود در ۱۸ خرداد سال ۱۳۶۰ شمسی بسته شد و به دنبال آن در ۲۰ خرداد حضرت امام (ره) بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا عزل کرد و تیمسار فلاحی را به جای وی نشانید. چندی بعد از آن مردم ایران دست به راهپیمایی عظیمی علیه بنی‌صدر زدند که در نتیجه عده کثیری از نمایندگان مجلس رأی به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر دادند که به دنبال آن حضرت امام (ره) هم بنی‌صدر را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل کردند (درویان، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

آزادسازی سرزمین‌های اشغالی با فرماندهی امام (ره)

بعد از عزل بنی‌صدر، تغییرات اساسی در فرماندهی و نحوه اداره جنگ با عنایت و لطف خداوند و همت و پایمردی مردم، خصوصاً جوانان و فرماندهی حضرت امام (ه) به وجود آمد و زمینه مساعدتری برای حضور و فعالیت نیروهای جدید مثل سپاه پاسداران و همکاری بیشتر آن‌ها با ارتش فراهم گردید. لذا در ادامه اقدامات و طرح‌ریزی‌های نظامی برای آزادسازی مناطق اشغالی صورت گرفت. در تیرماه سال ۱۳۶۰ شمسی جاده مهم آبادان به ماهشهر آزاد شد و نیروهای ایران توانستند عراقی‌ها را تا انتهای رودخانه کرخه نور عقب برانند. در ادامه آن مقاومت دشمن در دارخوین شکسته شد و به دنبال آن ارتفاعات مهم اورامانات، کرخه نور، محور نقده و اشنویه طی ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۶۰ شمسی آزاد شدند و به دنبال آن با چهار عملیات بزرگ بخش وسیعی از مناطق اشغالی کشور آزاد شدند:

۱. عملیات ثامن‌الائمه: شکستن حصر آبادان

در ادامه عملیات‌های آزادسازی، به لحاظ اهمیت فوق‌العاده آبادان و شرق رودخانه کارون این عملیات در این منطقه و با در نظر گرفتن این سخن امام (ره) که محاصره آبادان باید شکسته

شود، توسط سپاه و ارتش در تاریخ ۵ مهرماه سال ۱۳۶۰ شمسی انجام شد. این عملیات که با شرکت ۱۶ گردان از سپاه، ۱۳ گردان از ارتش و یک گردان از ژاندارمری در مقابل ۳۰ گردان نیروهای عراقی بود؛ در سه محور دارخوین، فیاضیه و جاده آبادان به ماهشهر صورت گرفت. ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک کشور از جمله دو جاده مهم اهواز - آبادان و ماهشهر - آبادان آزاد شدند و شهر آبادان پس از ماه‌ها از محاصره عراق خارج شد (درودیان، ۱۳۷۲: ۷۳).

۲. عملیات طریق‌القدس:

عملیات طریق‌القدس در ۸ آبان‌ماه سال ۱۳۶۰ شمسی در منطقه بستان با همکاری سپاه و ارتش با توان ۲۳ گردان از سپاه و ۹ گردان از ارتش در مقابل ۶۰ گردان عراقی انجام شد. این عملیات برای قطع ارتباط ارتش عراق از شمال به جنوب جبهه با تصرف تنگه چزابه، آزادسازی شهر بستان و رسیدن به مرز بین‌المللی طراحی شده بود که در نتیجه آن ۶۵۰ کیلومتر از خاک ایران شامل شهر بستان، ۷۰ روستا، ۵ پاسگاه مرزی و نیز تنگه مهم چزابه آزاد شدند (درودیان، ۱۳۷۲: ۷۵).

۳. عملیات فتح‌المبین:

عملیات فتح‌المبین در دومین روز آغاز سال ۱۳۶۱ شمسی با هدف آزادسازی بخش وسیعی از مناطق اشغالی غرب رودخانه کرخه و خارج کردن شهرهای شوش، اندیمشک و دزفول از تیررس آتش توپخانه عراق به اجرا درآمد؛ که در آن ۱۰۰ گردان از سپاه و ۳۵ گردان از ارتش در مقابل ۱۷۰ گردان عراقی در چهار محور و طی چهار مرحله عملیات حضور داشتند. در نتیجه آن ۲۵۰۰ کیلومتر از مناطق اشغالی، به علاوه جاده مهم دزفول - دهلران آزاد شد و شهرهای دزفول، شوش، اندیمشک و پایگاه هوایی دزفول از تیررس آتش توپخانه عراق خارج شدند (درودیان، ۱۳۷۲: ۸۱).

۴. عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر:

این عملیات با طرح مدون نیروهای سپاه در منطقه جنوب اهواز و شمال خرمشهر با هدف آزادسازی خرمشهر، هویزه و مناطق دیگر در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ شمسی آغاز شد و تا سوم خرداد طول کشید که در آن ۱۱۲ گردان از سپاه و ۴۵ گردان از ارتش در مقابل ۲۰۰ گردان عراق قرار داشتند. نیروهای ایرانی در چهار مرحله پیوسته توانستند با عبور از رودخانه کارون، جاده اهواز -

خرمشهر را تصرف کرده و با ورود به دروازه‌های خرمشهر از محورهای مختلف و محاصره کامل نیروهای عراقی مستقر در خرمشهر، نهایتاً آن‌ها را از شهر بیرون رانده و خرمشهر و همچنین مناطقی چون جفیر، پادگان حمید و شهر هویزه را که حدود ۵۰۰۰ کیلومتر مربع می‌شد، آزاد کنند و حدود ۱۸۰ کیلومتر از مرز بین‌المللی را در اختیار بگیرند (درودیان، ۱۳۷۲: ۹۹).

تنبیه متجاوز

پس از فتح خرمشهر، چنان‌که تاریخ جنگ تحمیلی به دست می‌دهد، عراق با مشاهده ناکامی در تجاوز نظامی خود، ناگزیر به مظلوم‌نمایی و صلح‌طلبی شد که حاصل آن طرح مقوله جنگ‌افروزی ایران اسلامی بود (هدایتی، ۱۳۸۳: ۱۶۹). ولی با توجه به سابقه شرارت عراق از سال ۱۳۴۲ شمسی، ایران اسلامی برای تنبیه متجاوز و مصون کردن کشور از تهاجمات آینده آن کشور، به رغم پشتیبانی آشکار و تجهیز تسلیحاتی و اطلاعاتی گسترده ارتش عراق از سوی آمریکا، شوروی، کشورهای اروپایی و اعراب حوزه خلیج فارس، به عملیات‌های خود در داخل خاک عراق ادامه داد. حضرت امام (ره) ضمن تبیین علت ورود به خاک عراق از نظر سیاسی و نظامی، از این اقدام به‌عنوان اهرمی برای فشار به مجامع بین‌المللی استفاده می‌کند و شرط اتمام عملیات دفاعی رزمندگان را در خاک عراق، پذیرش خواسته‌های به حق جمهوری اسلامی می‌داند.

ایشان خطاب به فرماندهان نظامی، سیاست پیشروی در داخل خاک عراق را این‌گونه ترسیم نمودند: «تکلیف ما این است که جلوی این کار را بگیریم. تکلیف ما این است که تا هر کجا که جلوگیری از این امر لازم است، پیش برویم و تا هر کجایی که باید دفاع کرد، پیشروی باید کرد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۸).

در ادامه پیشروی‌ها توسط رزمندگان اسلام، در مهم‌ترین عملیات، شهر بندری فاو عراق در سال ۱۳۶۴ شمسی (۱۹۸۵ میلادی) به تصرف رزمندگان اسلام درآمد (بنی سلیمی، ۱۳۸۲: ۲۸). در ادامه نبردهای ایران، عملیات کربلای ۵ در نوزدهم دی ماه ۱۳۶۵ شمسی (نیمه اول ژانویه ۱۹۸۶ میلادی)، موازنه قدرت به سود ایران اسلامی تثبیت شد. این عملیات موجب شد که دولت ریگان، «استراتژی صلح» را به‌طور جدی دنبال نماید. واین برگز، وزیر دفاع وقت آمریکا در آن هنگام با لحنی تهدیدآمیز چنین گفت: «آمریکا نمی‌خواهد که ایران در جنگ با عراق پیروز شود.

ما کاملاً آماده‌ایم برای رفت و آمد دریایی و تضمین آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، آنچه را که لازم است انجام دهیم» (درودیان، ۱۳۷۶: ۱۷۹).

حضور مستقیم آمریکا در جنگ

پس از آنکه تعادل قوای طرفین درگیر در جنگ و انجام عملیات کربلای ۵ به شدت به نفع ایران تثبیت شد، کشورهای غربی و شوروی سابق در برنامه‌های استراتژیک خود تجدیدنظر کرده و بر دامنه حمایت‌های خود از عراق افزودند (درودیان، ۱۳۷۶: ۴۰).

دستگاه سیاست خارجی آمریکا پس از رایزنی‌های گسترده در سازمان ملل، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۶ شمسی (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ میلادی) به اتفاق آرا به تصویب رساند. واشنگتن برای اعمال فشار بر تهران، طرح تحریم تسلیحاتی را به‌عنوان ابزار ضمانت اجرایی قطعنامه ۵۹۸، تسلیم شورای امنیت کرد. در این مرحله آمریکا که ناکارآمدی عراق را در جنگ با ایران می‌دید، خود مستقیماً وارد عرصه نبرد با ایران شد.

در استمرار برخورد خصمانه واشنگتن، در تاریخ ۳۰ شهریور سال ۱۳۶۶ شمسی (۲۱ سپتامبر ۱۹۸۷ میلادی) دو فروند از هلی‌کوپترهای نیروی دریایی این کشور، کشتی متعلق به نیروی دریایی ارتش ایران اسلامی را به اتهام مین‌گذاری، بدون هیچ‌گونه هشدار قبلی مورد حمله قرار دادند. ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا، ضمن اعتراف به اینکه شخصاً دستور حمله به کشتی ایرانی را صادر کرده است، از آن به‌عنوان یک اقدام تدافعی نام برد و اضافه کرد که نگران تهدیدهای انتقام‌جویانه ایران نیست (درودیان، ۱۳۷۶: ۱۲۹). متعاقب این اقدامات، قوای ایالات متحده با حمله به پنج قایق گشتی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در تاریخ ۱۶ مهرماه سال ۱۳۶۶ شمسی (۸ اکتبر ۱۹۸۷ میلادی) سه فروند از آن‌ها را غرق کردند که در پاسخ به آن، ایران یک فروند هلی‌کوپتر آمریکایی را سرنگون کرد.

به دلیل برخورد یکی از رزم‌ناوهای آمریکایی با مین در خلیج فارس، در تاریخ ۲۵ فروردین سال ۱۳۶۷ شمسی (۱۴ آوریل ۱۹۸۸ میلادی)، در ۲۹ فروردین سال ۱۳۶۷ شمسی (۱۸ آوریل ۱۹۸۸ میلادی)، پرسنل نیروی دریایی ایالات متحده به دو سکوی نفتی رشادت و سلمان حمله‌ور شدند. علاوه بر این، سه چاه نفتی ایران در نزدیکی جزیره سیری مورد هدف مهاجمین آمریکایی

قرار گرفت. چند ساعت پس از این حمله، به دنبال درگیری تعدادی از قایق‌های توپ‌دار ایران با کشتی آمریکایی ویلی تاید در سواحل امارات متحده، رزم‌ناوها و هواپیماهای آمریکایی ضمن وارد ساختن خسارات به یک حلقه چاه مشترک ایران و امارات، ناوچه‌های جوشن، سهند و سبلان ایران را منهدم نمودند (پژوهشکده علوم دفاعی، ۱۳۷۶: ۱۶۹).

پایان مدبرانه جنگ

در ماه‌های آخر جنگ، حمایت جهانی از عراق به اوج رسید و آمریکایی‌ها عملاً و به‌طور مستقیم وارد صحنه شدند؛ سکوهای نفتی را بمباران کردند و با هدایت هواپیماهای عراقی، بمباران نفت‌کش‌ها را تسهیل کردند و هواپیمای مسافربری ایران را مستقیماً منهدم کردند. فرانسوی‌ها نیز هواپیماهای پیشرفته سوپر استاندارد و میراژ ۲۰۰۰ در اختیار عراق گذاشتند و روس‌ها نیز مدرن‌ترین هواپیماهای جنگنده و دورپرواز و بلندپرواز و ... را به عراق ارسال کردند. کویت و عربستان، سیل دلارهای خود را به عراق روانه ساختند. آلمانی‌ها مواد لازم برای سلاح شیمیایی در اختیار عراق گذاشتند. با این امکانات، عراق به‌طور وسیع، مناطق مسکونی و جبهه‌ها را بمباران شیمیایی می‌کرد و مجامع بین‌المللی با سکوت خود، این جنایات را تأیید کردند. در نتیجه، جنگ از حالت طبیعی خود خارج و به یک نسل‌کشی گسترده و بدون هیچ‌گونه ملاحظات اخلاقی، انسانی، حقوقی تبدیل شده بود. از سوی دیگر، تحریم‌های همه‌جانبه و شدید بین‌المللی، فشارهای بسیار زیادی در زمینه اقتصادی، نظامی و ... بر مردم و مسئولین ایران وارد کرد. در چنین شرایطی، ایران با پی‌بردن به عمق توطئه‌ها و گستره عملکرد خصمانه دشمنان و براساس مصلحت نظام جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ شمسی، به‌طور رسمی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفت که با این عمل، امیدهای آمریکا برای نابودی انقلاب اسلامی و اضمحلال نظام ایران اسلامی به یأس گشت (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۸).

حمله مجدد عراق به ایران در سال ۱۳۶۷ شمسی

به‌رغم پذیرش قطعنامه از سوی تهران، بغداد برای بهره‌برداری از فضای پیش‌آمده، ضمن به‌کارگیری ۱۳ لشکر، طی دو مرحله مجزا با حمله به مناطق شمال خرمشهر و جنوب اهواز، تلاش گسترده‌ای را جهت تصرف مجدد خرمشهر انجام داد که با حضور چشم‌گیر مردم ایران در جبهه‌ها

و نبرد شدید یگان‌های سپاه پاسداران، از دسترسی به هدف ناکام ماند.

همکاری مشترک منافقین و عراق

به‌رغم تأکیدات حضرت امام (ره) بر تمرکز همه امکانات و نیروهای داخلی بر دفاع همه‌جانبه، تداوم بحران آفرینی سیاسی منافقین در داخل کشور در نخستین ماه‌های آغاز حمله عراق به میهن اسلامی، سرانجام به درگیری مسلحانه آنان با نیروهای انقلاب در خرداد ۱۳۶۰ شمسی منجر شد. امام (ره)، بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا خلع کردند و سرانجام وی به اتفاق رجوی با خلبان پیشین شاه به فرانسه متواری شد و در پی آن سازمان منافقین موجی از ترور و انفجار به امید براندازی نظام جمهوری اسلامی را در سراسر کشور به راه انداخت (درودیان، ۱۳۸۱: ۳۹).

بنی‌صدر و رجوی در پاریس به همراهی تعدادی از گروه‌های ضدانقلاب، گروهی به نام شورای مقاومت ملی را تشکیل دادند و قصد داشتند سازمان خود را با رژیم بعث عراق پیوند دهند (بسطامی، ۱۳۸۱).

پس از ملاقات سرکرده منافقین با طارق عزیز، عراق به عمده‌ترین مرکز فعالیت سازمان منافقین تبدیل شد. منافقین هفده پایگاه در دل خاک عراق و در نزدیکی مناطق مرزی این کشور با ایران برای مقابله با رزمندگان ایران احداث کردند. اصلی‌ترین پایگاه آن‌ها به نام اشرف در ۱۰۰ کیلومتری شمال غربی بغداد واقع شده بود.

عمده فعالیت این گروهک در خلال جنگ تحمیلی هشت ساله را می‌توان اعزام گروه‌هایی برای انجام عملیات‌های ترور و خرابکاری به‌ویژه ترور رزمندگان و فرماندهان نظامی در داخل ایران، جاسوسی از تحرکات نظامی ایران، انجام تبلیغات مسموم از طریق رادیوی اختصاصی این گروه در عراق و نیز شایعه‌سازی برای تحت‌الشعاع قراردادن حمایت‌های مردمی از جبهه‌ها دانست. نیروهای وابسته به منافقین حضور گسترده‌ای در کنار نیروهای عراقی داشتند و شنود مکالمات بی‌سیم و تلفنی نیروهای ایرانی بیشتر از سوی نیروهای این سازمان صورت می‌گرفت (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۴).

در اوایل سال ۱۳۶۷ نیروهای سازمان با پشتیبانی ارتش عراق، عملیاتی را با نام آفتاب در منطقه عمومی شوش انجام دادند. پس از آن منافقین با بازسازی قوای خود در قالب ۲۰ تیپ (هر

تیپ به استعداد یک گردان منظم حدود ۱۵۰ نفری) در روز سوم مرداد ۱۳۶۷ شمسی از سمت اسلام‌آباد غرب و کردند به ایران حمله کردند و به داخل خاک ایران پیشروی کردند. در واکنش به این تحرکات منافقین، روز پنج‌شنبه ۶ مرداد ۱۳۶۷ شمسی عملیات مرصاد با رمز یا علی بن ابی‌طالب (ع) از سوی نیروهای ایرانی آغاز شد. در روز جمعه ۷ مرداد ۱۳۶۷ شمسی اعضای این گروهک تروریستی هر آن چه داشتند بر زمین نهاده و به داخل خاک عراق متواری شدند (درویدیان، ۱۳۷۹: ۱۹۱).

بنابراین در پی عکس‌العمل پر قدرت مردم سلحشور ایران در برابر حمله مستقیم عراق، آمریکا و منافقین، دولت عراق نیز در ۱۸ تیر سال ۱۳۶۷ شمسی آتش‌بس را پذیرفت. به این ترتیب، دفتر هشت سال دفاع مقدس بسته شد و نظام جمهوری اسلامی با پشت سر گذاشتن بحران‌های پی‌درپی و مهار طولانی‌ترین و نابرابرترین جنگ قرن بیستم، روز ۱۸ آذر ۱۳۷۰ شمسی طی گزارش دبیر کل سازمان ملل به شورای امنیت بیگانه شناخته شده و دولت عراق رسماً به‌عنوان متجاوز و آغازگر جنگ ۸ ساله علیه ایران اسلامی شناخته شد. این پیروزی شیرین پس از سال‌ها تلاش برای اثبات مظلومیت ملت ایران در برابر تجاوزی آشکار بود که سال‌ها دنیا در برابر آن سکوت اختیار کرده بود (دولت‌شاهی، ۱۳۸۷: ۳۰).

تدابیر حضرت امام (ره) در فرماندهی جنگ

در تمام دوران جنگ تحمیلی، امام خمینی (ره) نقش اول را در دفاع ملت ایران ایفا کرده‌اند. مدیریت و رفتار امام (ره) در این دوران سخت و بحرانی، بسیار راهگشا و اثربخش بوده است. ایشان با هوشیاری تمام، دوران جنگ را تبدیل به فرصتی برای انسجام مردم ایران، تبیین مکتب دفاعی اسلام، دمیدن روحیه مقاومت در بین مردم و نیروهای مسلح تبدیل کردند و توانستند در مجموع حدود دو میلیون نفر از مردم سراسر ایران را برای دفاع از کشور و کمک به نیروهای مسلح بسیج و در طول جنگ به جبهه‌ها اعزام نمایند. تصمیم‌گیری‌های امام در مقاطع مختلف جنگ در پیروزی‌های رزمندگان و موفقیت ایران بسیار مؤثر بود. در نهایت هم ایشان پس از هشت سال مقاومت با تصمیمی شجاعانه توانستند جنگ را در زمان بسیج همه قدرت‌های جهانی علیه ایران به پایان برسانند.

رهبر کبیر انقلاب به عنوان فرمانده کل قوا، آنچنان سگان کشتی جنگ را به دست گرفت که هیچ طوفانی نتوانست در مسیر حرکت مشتاقان جهاد و شاگردان و مقلدان خمینی کبیر خللی ایجاد کند.

حضرت امام (ره) با اقتدار و صلابت بی نظیر و موقعیت مرجعیت مذهبی و سیاسی خود توانست محاسبات حسابگران غربی را بر هم زده، در برابر تمام جوسازی‌های تبلیغاتی، پیروزمندانه بایستد و در شرایطی که صدام معدوم به حامیان خود قول داده بود هفته دوم پس از جنگ در تهران نطق پیروزی را ایراد کند، یک جنگ هشت ساله را بدون اینکه دشمن متجاوز بتواند به اهداف خود برسد، فرماندهی کند.

امام (ره) چه در جنگ و چه در صلح، همواره به انبیا و اولیای حق نظر دوخته و پیروی از آنان را سیاست خود در رهبری ملت می‌دانست و بر روش‌های پیشنهادی دیگران ترجیح می‌داده است. الگوپذیری از پیامبران و امامان شیعه، به‌ویژه حضرت حسین بن علی (ع) در دوران دفاع مقدس، به‌روشنی نمودار فرماندهی رهبر انقلاب بوده است.

امام (ره) از همان آغاز جنگ تحمیلی، واکنش‌های ملت ایران در برابر تجاوزگران بعثی را دفاعی و اسلامی تلقی می‌نمود. دعوت رهبری به حضور در جبهه‌ها بر پایه ایمان به خدا و آخرت صورت می‌گرفت و پیکارگری‌شان به‌عنوان یک تکلیف دینی - سیاسی شناخته می‌شد.

حضرت امام (ره) توانستند با فرماندهی مطلوب جنگ، اندیشه دفاعی خود را به بدنه جامعه اسلامی ایران، تزریق نمایند تا از این طریق بتوانند جنگ میان کفر و اسلام را نهادینه کنند و جنگ هشت ساله را به‌عنوان ابزار ارتقای وجدان عمومی ملل جهان، خصوصاً دنیای اسلام مطرح نمایند (حائری، ۱۳۸۱: ۲۲).

اندیشه‌های دفاعی حضرت امام (ره) در جریان دفاع مقدس به کرات بیان شده بود که به نمونه‌هایی از آن برای تکمیل این تحقیق پرداخته شده است:

«اگر بنده استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلو دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه‌ی کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم» (امام (ره)، ۶۷/۴/۲۹).

«ملت ایران اگر می‌خواست که صلح آمریکایی بکند، همان اول از آمریکا جدا نمی‌شد و

قطع روابط نمی‌کرد و دستش را از ایران کوتاه نمی‌کرد و جاسوسان او را بیرون نمی‌کرد و امروز هم اگر دستش را به صلح آمریکایی دراز کند، صدام و امثال صدام کنار می‌روند، لکن مستشارهای آمریکایی وارد معرکه می‌شوند. ما نمی‌توانیم صلحی را بپذیریم که طرح آمریکایی دارد و صدام نمی‌تواند بپذیرد آن چیزهایی را که ما می‌خواهیم» (امام (ره)، ۱۳۶۲/۶/۱).

«ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یکایک سلحشوران ایران زمین مبارزه می‌کنیم و پیروزی ما حتمی است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۴۳).

«من به همه دولت‌هایی که در جنگ تحمیلی و یورش غیرانسانی به ایران، با دولت کافر بعث همکاری می‌کنند، چه همکاری تبلیغاتی و چه نظامی... اخطار می‌کنم که علاوه بر خذلان الهی و ننگ ابدی از جزای عاجل به دست ملت‌های خود و ارتش نیرومند کشور اسلامی ما غافل نباشید و خود را به هلاکت نکشید» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۶۹).

اعتماد به نفس و خودباوری

از برکات مهم دفاع مقدس، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری بوده است. ما در کوران دفاع مقدس به این نتیجه رسیدیم که باید خود را باور کنیم و با تکیه بر توانمندی‌های خود - به‌ویژه جوانان خداجو - کشور را اداره نماییم. تأثیر این خودباوری، بعد از جنگ در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فناوری‌های نوین دفاعی، نمود فزاینده‌ای داشت.

در جنگ و دفاع مقدس هشت ساله به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خود بایستیم و به این خودباوری دست یافتیم که می‌توان سالیان سال علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها مبارزه کرد.

ماهیت جنگ تحمیلی از دیدگاه حضرت امام (ره)

ماهیت جنگ عراق علیه ایران از دیدگاه امام (ره) دارای سه مشخصه بود:

۱. جنگ اسلام و کفر

«ما حزب بعث عراق را می‌شناسیم و می‌دانیم که این‌ها به اسلام عقیده ندارند و دشمن اسلام‌اند و اسلام را خار راه خویش می‌دانند و صدام حسین این جنگ را بر ملت مسلمان ایران تحمیل کرد. ما کسانی را که از اصول اسلام و قرآن کریم انحراف حاصل می‌کنند و به قتل عام مسلمانان می‌پردازند را مسلمان نمی‌دانیم... و شما - رزمندگان - برای حفظ اسلام دارید جنگ

می‌کنید و صدام برای نابودی اسلام؛ الان اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است.» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۵۳).

۲. جنگ حق و باطل

«این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی - انقلابی؛ و ما در مقابل ظلم ایستاده‌ایم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۲۹).

۳. جهاد دفاعی

«ایران برای خدا قیام کرده است، برای خدا ادامه می‌دهد و جز دفاع، جنگ ابتدایی با هیچ‌کس نخواهد کرد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۶۸).

بحث و تجزیه و تحلیل

جنگ‌های ایران و روسیه یکی از حماسه‌سازی‌های مردم با تکیه بر حمایت‌های علمای مذهبی علیه روس‌ها بود. آنچه از جنگ‌های ایران و روس مشخص می‌گردد، آن است که فتح‌علی‌شاه برای دفاع از کشور و مقابله با روس‌ها به مراجع و علمای مذهبی و همچنین نیروهای مردمی ایلات و عشایر متوسل گردید. علما و مراجع تقلید با توجه به نیازهای جنگ به نیروهای مردمی و پشتیبانی بیشتر از جبهه‌های جنگ، به صدور حکم جهاد پرداختند. بدین جهت مراجع در مساجد و منابر، عموم مردم را موعظه نموده و مردم را برای صیانت از کشور اسلامی به مبارزه با روس‌ها ترغیب می‌نمودند. در دفاع مقدس نیز مردم متدین ایران اسلامی با هدایت و راهنمایی علما به‌خصوص امام (ره) ثابت کردند با اراده متکی به ایمان و انگیزه الهی و با حفظ وحدت و انسجام درونی و همبستگی ملی، می‌توان سرنوشت خویش را تغییر داد و به پیروزی رسیدند. حتی با تدابیر امام (ره) حضور در جبهه‌ها واجب کفایی اعلام شده بود و حکم جهادی در کار نبود.

علت ناکامی ایران در جنگ دوم ایران و روس، ریشه در دو عامل داخلی و خارجی داشت: از نظر خارجی تکیه شاه و دولتمردان ایرانی بر بیگانگان، به ویژه انگلستان به‌جای اعتماد به مردم و بهره‌برداری مناسب از روحیه مذهبی آن‌ها بود. انگلیس و فرانسه تا هنگامی که خود درگیر جنگ با روسیه بودند، با وعده‌های دروغین قراردادهایی با ایران منعقد کردند که به ضرر ایران تمام شد. هرگاه نیاز به پشتیبانی ابرقدرت‌های آن زمان بود، شانه خالی کرده و حتی به دشمن ایران نیز

کمک کردند. ایران از نظر قدرت‌های خارجی تا وقتی اهمیت داشت که می‌توانست جبهه‌ای در برابر حریف روسی بگشاید و بخش قابل توجهی از نیروهای آن را مشغول دارد. هرگاه یک قدرت اروپایی از ناحیه روسیه احساس خطر می‌کرد، از ایران به‌عنوان نیرویی جهت خنثی‌ساختن یا کم‌اثر کردن آن خطر استفاده می‌کرد و هرگاه خطر رفع می‌شد، ایران را به حال خود رها می‌کردند. این سیاست بارها و بارها اتفاق افتاد، اما کمتر کسی از رجال دوره قاجار بود که از آن درس عبرت گیرد. ولی حضرت امام (ره) در اوایل انقلاب، موضوع مهم نه شرقی و نه غربی را اعلام فرمودند و ملت در همه زمینه‌ها روی پای خود ایستاد و نتیجه عدم وابستگی را دید و به پیروزی بدون اتکا به قدرت‌های خارجی دست پیدا کرد.

در زمینه داخلی، با وجود آن همه شجاعت نیروهای بومی و حضور و همکاری علما اگر دولت ایران تلاش خود را صرف سرمایه‌گذاری در بسیج عمومی و تقویت ارتش می‌کرد، موفقیت‌های بسیاری به دست می‌آورد. چرا که مهم‌ترین نقطه ضعف داخلی ایران وضع ارتش بود؛ در آن زمان ارتش منظمی وجود نداشت. خوانین که هرکدام بر ایل خود حکومت می‌کردند، وظیفه داشتند به هنگام جنگ نیروهایی را در اختیار حکومت مرکزی قرار دهند که اغلب این نیروها آموزش ندیده و پراکنده بودند. روس‌ها نیز به‌خوبی خلاء نیروها در منطقه را احساس نموده و دست به حملات می‌زدند. همچنین نیروی نظامی ایران فاقد سلاح‌های پیشرفته و مدرن بود و نتوانست در مقابل قدرت نظامی روس‌ها ایستادگی نماید. البته در آغاز انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس نیز وضع کشور از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی خیلی بدتر از زمان جنگ دوم روسیه با ایران بود. حتی ایران آمادگی ذهنی و عملی برای ورود به جنگ را هم نداشت و در نتیجه انقلاب و بحران‌های زیادی که در کشور به وجود آمده بود، هنوز توان نظامی ارتش بازسازی نشده بود؛ خصوصاً که خیلی از سران ارتش فرار کرده و در نتیجه ماجرای کودتای نوژه هم به ارتش صدماتی زیادی خورده بود. لذا کشور در آغاز حمله سراسری عراق دارای توان نظامی مناسب برای دفاع نبود و از سوی دیگر به علت بحران‌هایی که در خوزستان و کردستان و مناطق دیگر روی داده بود و همچنین با حرکات ضدانقلاب در نقاط مختلف کشور، اوضاع عمومی کشور چندان مناسب و آرام نبود و رژیم عراق برای پیشروی در خاک ایران از آن شرایط بهره‌برداری کافی را کرد.

در جنگ دوم ایران با روس، جنگ به ایران تحمیل نشد و برای آزادسازی سرزمین‌های جنگ اول روسیه علیه ایران و بدرفتاری روس‌ها با مردم، فتحعلی‌شاه مجلسی از رجال، اعیان، روحانیان، سرداران، سران ایلات و عشایر را تشکیل داد تا درباره صلح یا ادامه جنگ با روسیه به مشورت بپردازند. اما در دفاع مقدس جنگ به ایران اسلامی تحمیل شد؛ ولی تحمیل جنگ هرگز نتوانست نظام را مجبور به تسلیم کند.

در جنگ دوم ایران و روس، فقط علما و مردم با عشق به خدا و دفاع از سرزمین خود می‌جنگیدند، ولی درباریان به عشق جاه و مقام و ثروت و گستراندن هرچه بیش‌تر حکومت خود می‌جنگیدند و این دوگانگی در سپاه ایران باعث شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های متعدد شد. اما انگیزه همه رزمندگان ایران اسلامی در دفاع مقدس، انگیزه‌های مادی نبود؛ بلکه آنان تنها برای رضای الهی پا به عرصه خطر می‌نهادند. همین عنصر، علت پیروزی آن‌ها در هشت سال دفاع مقدس به شمار می‌آید.

در جنگ دوم ایران و روس، دشمن از سلاح‌های متعارف آن زمان استفاده می‌کرد، ولی در جنگ عراق علیه ایران، عراق علاوه بر پیشرفته‌ترین سلاح‌های اهدایی ابرقدرت‌ها، از سلاح‌های غیرمتعارف مانند گازهای شیمیایی استفاده کرد که هر مرحله استفاده از آن می‌توانست قوی‌ترین کشورها را به زانو درآورد.

در جنگ دوم ایران و روس، فقط یک کشور به نام روسیه در برابر ایران قرار داشت، ولی در دفاع مقدس در یک سوی این جنگ رزمندگانی قرار داشتند که با کمترین امکانات در مقابل همه جهان به مقاومت ایستادند.

در جنگ دوم ایران و روس، نفوذ معنوی علما در مردم، آن‌ها را برای جنگ با روس بسیج می‌کرد و حمایت مردم از این جنگ، شگفت‌انگیز بود. در دفاع مقدس این روح معنوی امام (ره) بود که جمعیت کثیری را به عرصه جنگ می‌آورد، ولی با این تفاوت که رزمندگان امام (ره) فقط و فقط برای انجام تکلیف می‌جنگیدند و همین امر باعث شد با توجه به شکست‌های مکرر هیچ رزمنده‌ای جبهه‌های جنگ را ترک نکند تا زمانی که امام و مقتدا پایان جنگ را اعلام کردند. اما در جنگ ایران و روس، مردم برای کسب نتیجه آمده بودند و باعث شد بعد از شکست، صحنه جنگ را ترک کنند و ننگ دیگری به ننگ‌های گذشته اضافه نمایند.

محققین می‌گویند که در جنگ دوم روسیه علیه ایران، علی‌رغم جان‌فشانی ایرانیان در قفقاز و آذربایجان، ناکارآمدی دربار قاجار و خیانت دولتمردان وابسته، شکست‌های سختی را به ملت مقاوم ایران تحمیل کرد. در صورتی که اگر تاریخ انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس را مرور کنید خیانت‌های روزانه را توسط منافقین، سلطنت‌طلبان، احزاب سیاسی معارض و معاند و ... را می‌توان به آسانی احساس کرد و حتی خیانت دولتمردان اول انقلاب و جنگ می‌توانست به راحتی موجب جدایی خوزستان از ایران و حتی سقوط نظام اسلامی شود، ولی رزمندگان با تمام آن شرایط حتی یک قدم عقب هم نگذاشتند.

در دفاع مقدس مهم‌ترین عاملی که وجود داشت و عامل پیوند و انسجام روزافزون مردم می‌شد، رهبری و فرماندهی حضرت امام (ره) بود که حلقه اتحاد مردم حول رهبری ایشان را روز به روز تنگ‌تر می‌کرد؛ ولی در جنگ دوم ایران و روس با اینکه علمایی مانند سید محمد مجاهد (اصفه‌ای) در جنگ حضور داشتند، آن پیوند و انسجام و وحدت به چشم نمی‌خورد.

امام در دفاع مقدس با رهبری قاطع خویش، بسیج امکانات برای ادامه جنگ تا رسیدن به نتیجه‌ای قابل قبول را تقویت و تثبیت کردند، ولی یکی از علت‌های شکست ایران در برابر روسیه علاوه بر اینکه فتحعلی شاه، عباس میرزا را رقیب احتمالی خود برای سلطنت می‌دانست؛ نگران بود که مبادا عباس میرزا بیش از حد قدرت یابد و به مدعی تاج و تخت سلطنتی تبدیل شود. به همین سبب او هرگز مسئولیت اصلی تأمین بودجه جنگ‌های ایران و روسیه را نپذیرفت و زمینه را برای رقابت میان شاهزادگان فراهم کرد تا جاه‌طلبی‌های عباس میرزا را مهار کند و همین دیدگاه باعث عدم بسیج امکانات در جنگ بوده است.

ویژگی ارزشمندی که خداوند به ملت ایران اسلامی داده بود و این ویژگی در زمان جنگ دوم ایران و روس وجود نداشت، فرماندهی، استقامت و هوشیاری امام (ره) در هدایت مجموعه تشکیلات درگیر در دفاع مقدس است. وقتی آن بزرگوار مطلبی را می‌فرمود و یا دستوری صادر می‌نمودند، از بالاترین رده‌های فرماندهی تا آن فرد بسیجی فاقد هرگونه ادعا، از دل و جان و از روی اعتقاد به دنبال انجام این دستور می‌رفتند و در این راه سر و جان می‌باختند. بسیار اتفاق می‌افتاد که پیام امام (ره) مانند «حصر آبادان باید شکسته شود»، «جزایر باید حفظ شود»، یاد امام و وعده دیدار آن بزرگوار، باعث نجات از تنگناها شده و با ایجاد تحول در روحیه‌ها، سرنوشت

عملیات را به نفع نیروهای ایران اسلامی تغییر می داد.

رابطه قلبی امام (ره) با نیروهای تحت امرش، حتی با اسارت برخی از نیروهایش هرگز گسسته نشد. آنان هرگز به فرماندهان خیانت نکردند و با نام و یاد او چندین سال در زندانهای مخوف رژیم بعث عراق سخت ترین روزهای زندگی خود را سپری کردند و ذره ای از ارادت خود به ایشان کاسته نشد؛ اما در جنگ دوم ایران و روس این رابطه قلبی فقط بین معدودی از مردم و علما وجود داشت و مردم با درباریان این ارتباط را نداشتند.

یکی از خصوصیات فرماندهی حضرت امام (ره) نسبت به مردم، خودباوری در توانستن و مقاومت در برابر دنیای مستکبران بود. جنگ نابرابری که در یک طرف، ملت محاصره شده ایران قرار داشت و در طرف دیگر، کشور بعث عراق با بهره مندی از حمایت های سیاسی، مالی، تجهیزاتی و اطلاعاتی قدرت های منطقه ای، فرمانطقه ای و سازمان های مؤثر بین المللی؛ در نهایت به پیروزی ایرانیان ختم شد. این پیروزی که در پرتو قدرت ایمان حاصل آمد، ملت ایران را به این باور رساند که ما «می توانیم». «خودباوری» ملت ایران که ره آورد پایدار دوران دفاع مقدس است، با تجلی در اندیشه و عمل «ما می توانیم»، در طول نزدیک به دو دهه پس از جنگ، آثار و برکاتش هر روز ظاهر و آشکار می گردد. اگر امروز به فرمایش دلنشین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، آهنگ خوش پیشرفت و عزت ملی در کشور شنیده می شود، این وضعیت ریشه در همان خودباوری دوران دفاع مقدس دارد.

امام بزرگوارمان فرمودند که در جنگ بود که یاد گرفتیم باید روی پای خود بایستیم؛ و حقیقتاً روی پای خود ایستادیم و بر خدا توکل کردیم و از این رهگذر به خودباوری رسیدیم و اگر امروز می گوئیم برای انجام هر کاری قادر و توانا هستیم و از کشورهای پیشرفته چیزی کم نداریم، این وضعیت به دست آمده را که نعمتی بس بزرگ است، به عنوان ره آورد دوران دفاع مقدس باید پاس داشته و به نسل های بعد منتقل کرد.

فرماندهی جنگ به دست امام، دنیا را به واکنش واداشته و تمام امکانات لجستیکی، نظامی، ماهواره ای، اقتصادی، تبلیغاتی و ... در مقابل یک مرد ایستادگی کرد؛ چرا که دنیا بر این باور بود که این جنگ با فرماندهی عارفی دل سوخته تمام معادلات جهانی بر هم می زند.

اگر تاریخ انقلاب اسلامی را با تاریخ ایران در طول دویست سال اخیر مقایسه کنیم، می بینیم

هرگاه دشمنانی به مراتب ضعیف‌تر از صدام، در دوران‌هایی که دولت‌های ایران به مراتب قوی‌تر از دولت جمهوری اسلامی بودند به ما حمله کردند، بخش‌هایی از میهن جدا شده است.

مورخین می‌گویند: عامل اصلی شکست در جنگ دوم روسیه و ایران، احساس بی‌نیازی عباس میرزا و درباریان از علما و مجتهدان شرکت‌کننده در جنگ بود. عباس میرزا و درباریان در مرحله نخست جنگ دوم، پس از آنکه سپاه ایران به پیروزی‌های چشم‌گیری دست یافت، خود را از حضور و نقش‌آفرینی علما بی‌نیاز احساس کردند و برای اینکه پیروزی به نام علما تمام نشود، در فتح قلعه شوشی خیانت و یا سهل‌انگاری کردند و سپاه روس به پیروزی دست یافت. وقتی علما به ویژه سید مجاهد از این دسیسه آگاه شدند و اعتراض کردند، حمله سازمان‌یافته خود را علیه آن‌ها شروع کردند و آن‌ها را عامل شکست شناساندند؛ و این حرکت شوم بیشترین گسست بین مردم به رهبری علما و حکومت را پدید آورد و سپاه ایران را از نیروی زاینده و بالنده مردمی بی‌بهره ساخت. در زمان دفاع مقدس هم این اتفاق‌ها توسط بنی‌صدر رخ داد و منافقین هم حمله سازمان‌یافته خود را علیه نیروهای انقلاب و علما شروع کردند، ولی مردم به تبعیت از علما به‌خصوص حضرت امام (ره) حتی یک قدم عقب ننشستند و شهدای زیادی نیز تقدیم کردند و خداوند به پاس این استقامت در دفاع مقدس به آن‌ها پیروزی‌های خیره‌کننده پس از گذشت یک سال از این وقایع داد و در فاصله‌ای کمتر از ۹ ماه اکثر اراضی، شهرها و روستاهای اشغال‌شده از عراق بازپس گرفته شد.

عباس میرزا در اواخر جنگ، تنها به پایان‌یافتن جنگ و به رسمیت شناخته شدن ولیعهدی خود از جانب روس‌ها فکر می‌کرد؛ چنان‌که در انعقاد قرارداد ترکمانچای و واگذاری همه مناطق قفقاز به روس‌ها هیچ تردیدی به خود راه نداد.

حکومت قاجار همیشه به پشتیبانی انگلیس و فرانسه نظر داشت، ولی حضرت امام (ره) چه در جنگ و چه در صلح، همواره به انبیا و اولیای حق نظر دوخته و پیروی از آنان را سیاست خود در رهبری ملت می‌دانست و بر روش‌های پیشنهادی دیگران ترجیح می‌داده است. الگوپذیری از پیامبران و امامان شیعه، به‌ویژه حضرت حسین بن علی (ع) در دوران دفاع مقدس، به روشنی نمودار فرماندهی رهبر انقلاب بوده است.

در جنگ دوم ایران و روسیه، قریب به یک‌صد و شصت هزار کیلومتر مربع از اراضی

حاصلخیز و پرجمعیت ایران که در قفقاز واقع بود از دست رفت و طی قرارداد ترکمانچای، خانات ایروان، مناطق اردوباد و بخشی از مغان و شروان، نخجوان و دو سوم تالش از ایران جدا شد. ولی در دفاع مقدس یک سانتیمتر از خاک کشور از دست نرفت.

امام راحل (ره) فرماندهی بود که با آغاز عملیات در کنار دست دعا برداشتن برای پیروزی و فتح نیروهایش، لحظه‌ای از فکر آن غفلت نمی‌کرد و با ارسال پیام به آنان، با تکبیر نیروهایش همنوایی می‌کرد و آنان را تا رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده همراهی می‌کرد.

جدول مقایسه‌ای مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه

ردیف	مؤلفه	جنگ دوم ایران و روس	دفاع مقدس
۱	توکل	اتکا حکومت قاجار به پشتیبانی ابرقدرت‌ها از جمله انگلیس و فرانسه	توکل حضرت امام (ره) همواره به خدا و انبیا و اولیای حق بود
۲	هدایت و رهبری	بی‌لیاقتی حاکمان وقت	رهبری و فرماندهی مدبرانه و هوشمندانه حضرت امام (ره)
۳	خودباوری و اعتماد به نفس	عدم اعتماد به نفس و خودباوری مردم ایران	اعتماد به نفس و خودباوری مردم ایران و تقویت باور «ما می‌توانیم» در بین مردم
۴	امضای معاهده	معاهده ننگین ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ میلادی	معاهده‌ای تحمیل نشد
۵	سقوط و جدا شدن شهرها	منطقه قفقاز، خانات ایروان، مناطق اردوباد و بخشی از مغان و شروان، نخجوان و دو سوم تالش از ایران جدا شد	شهری از ایران جدا نشد
۶	اعتماد نظام حاکم	اعتماد شاه و دولتمردان ایرانی بر بیگانگان، به ویژه انگلستان	اعتماد به نیروهای مردمی و بهره‌برداری مناسب از روحیه مذهبی آن‌ها

بررسی تحلیلی مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه

۷	وحدت و همدلی	خیانت و سهل‌انگاری فرماندهان جنگ، خان‌های منطقه و حکام نواحی	همدلی مردم و مسئولین و فرماندهان جنگ
۸	از دست رفتن بخشی از سرزمین	قریب به یک‌صد و شصت هزار کیلومتر مربع از اراضی حاصلخیز و پرجمعیت ایران از ایران جدا شد	یک سانتیمتر از خاک کشور از دست نرفت
۹	نقش علما در رویارویی با دشمن	صدور فتوای جهاد و ترغیب مردم به مبارزه با روس‌ها	هدایت و راهنمایی مردم توسط علما به‌خصوص امام (ره) برای دفاع از کشور و انقلاب به‌صورت واجب کفایی بدون صدور حکم جهاد
۱۰	نقش مردم در رویارویی با دشمن	بسیج مردمی توسط علما و به خدمت گرفتن ایلات و عشایر	حضور مردم با اراده متکی به ایمان و انگیزه الهی و با حفظ وحدت و انسجام درونی و همبستگی ملی در جبهه‌های حق علیه باطل (حضور حدود دو میلیون نفر از مردم در جنگ)
۱۱	ارتباط علما و نظام حاکم	احساس بی‌نیازی درباریان از علما و مجتهدان و حذف آن‌ها از صحنه جنگ	مسئولین و فرماندهان همواره علما و روحانیون را باور داشتند و نقش روحیه‌بخشی و انگیزه‌بخشی آن‌ها را در صحنه جنگ ضروری می‌دانستند
۱۲	فریب خوردن و در دام افتادن	فتح‌علی‌شاه در دام انگلیسی‌ها افتاد	حضرت امام فریب بنی‌صدر و منافقین را نخورد
۱۳	شناخت دشمن	عدم برآورد توان و نیروی سپاه دشمن	برآورد دقیقی به لحاظ عده و عده از دشمن داشتند
۱۴	وضعیت ارتش	فقدان ارتش منظم و بدون تجهیزات و سلاح‌های پیشرفته و	در ابتدای جنگ وضع نظامی کشور بد بود و توان نظامی

			ارتش بازسازی نشده بود، خیلی از سران ارتش فرار کرده و ارتش صدماتی زیادی دیده بود؛ ولی به مرور این وضعیت درست شد و ارتش و سپاه تا پایان جنگ به امام و انقلاب وفادار، مؤمن و متعهد بودند.
۱۵	تدبیر و درایت فرماندهان	ضعف و بی تدبیری های عباس میرزا	تدبیر و درایت درست فرماندهان در صحنه جنگ
۱۶	مشورت و همفکری فرماندهان	خودرأیی و استبداد عباس میرزا	همفکری و مشورت فرماندهان با مسئولین و نیروهای متخصص
۱۷	دخاله بیگانگان	دسیسه دولت انگلیس و دخالت جاسوسان آن کشور	عدم اجازه به بیگانگان به دخالت در امور سیاسی و نظامی
۱۸	خیانت و جاسوسی به نفع بیگانگان	جاسوسی شماری از غیرمسلمانان منطقه برای دولت روس	خیانت های منافقین، سلطنت طلبان، احزاب سیاسی معارض و معاند و دولتمردان اول انقلاب و جنگ
۱۹	ترجیح منافع شخصی به منافع ملی	عباس میرزا در قبال به رسمیت شناخته شدن ولیعهدی خود، معاهده ننگین ترکمانچای را پذیرفت	منافع ملی در اولویت بود و هیچ کس به منافع شخصی فکر نمی کرد
۲۰	بسیج امکانات و پشتیبانی از جنگ و نظامیان توسط نظام حاکم	عدم رسیدگی به امور نظامیان و عدم پشتیبانی از جنگ به خاطر غرض ورزی درباریان و کارگزاران با عباس میرزا	حضرت امام (ره) با رهبری قاطع خویش، جنگ را اولویت اول کشور می دانستند و همه امکانات را برای پشتیبانی همه جانبه از جنگ بسیج کرده بودند
۲۱	اتحاد و همدلی در بین درباریان	خصومت درباریان و برادران عباس میرزا با وی	با هدایت حضرت امام (ره)، وحدت و همدلی در بین مسئولین موج می زد

بررسی تحلیلی مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه

۲۲	تغییر و جابجایی در فرماندهی نیروهای نظامی	عدم تغییر در فرماندهی قوای نظامی به رغم خیانت‌های عباس میرزا	تغییر در فرماندهی کل قوا به واسطه اثبات خیانت بنی‌صدر
۲۳	تنبیه متجاوز	فرصتی برای تنبیه روسیه به‌عنوان متجاوز پیش نیامد	ایران با انجام سلسله عملیات‌هایی در داخل خاک عراق و تصرف شهر فاو درصدد تنبیه متجاوز برآمد
۲۴	انسجام مردم	عدم پیوند و انسجام و وحدت در بین مردم	انسجام و اتحاد مردم حول رهبری و فرماندهی حضرت امام (ره)
۲۵	تمسک به مکتب دفاعی اسلام	عدم پیروی از مکتب دفاعی اسلام	پیروی از مکتب دفاعی اسلام
۲۶	روحیه مقاومت	عدم وجود روحیه مقاومت در بین مردم و قوای نظامی	وجود روحیه مقاومت در بین مردم و نیروهای مسلح
۲۷	الگوپذیری و تبعیت‌پذیری نظام حاکم در جنگ	عدم وجود الگوی مناسب برای نظام حاکم در پیشبرد جنگ	الگوپذیری از پیامبران و امامان شیعه، به‌ویژه حضرت حسین بن علی (ع) در دوران دفاع مقدس
۲۸	مبنای دعوت از مردم برای حضور در جنگ و جبهه‌ها	دعوت درباریان از مردم به حضور در جبهه‌ها، برای کسب فتوحات و به دست آوردن غنائم صورت می‌گرفت	دعوت رهبری از مردم به حضور در جبهه‌ها، بر پایه ایمان به خدا و آخرت صورت می‌گرفت
۲۹	نگرش حاکمان، علما و مردم نسبت به حضور در جنگ	علما و مردم با عشق به خدا و دفاع از سرزمین خود می‌جنگیدند و مردم بیشتر برای کسب نتیجه آمده بودند، ولی درباریان به عشق جاه و مقام و ثروت و گستراندن هرچه بیشتر حکومت خود می‌جنگیدند	انگیزه علما و مردم مادی نبود و برای رضای الهی پا به عرصه خطر می‌نهادند و حضور در جنگ به‌عنوان یک تکلیف دینی - سیاسی شناخته می‌شد.

عراق علاوه بر استفاده از پیشرفته‌ترین سلاح‌های اهدایی ابرقدرت‌ها، از سلاح‌های غیرمتعارف مانند گازهای شیمیایی استفاده کرد.	استفاده دشمن از سلاح‌های متعارف	نوع سلاح‌های بکار رفته	۳۰
همه جهان در مقابل ایران قرار داشتند	فقط یک کشور به نام روسیه در برابر ایران قرار داشت	کشورهای طرف جنگ	۳۱
رابطه قلبی حضرت امام (ره) با نیروهای تحت امرش	ارتباطی بین مردم با درباریان وجود نداشت	ارتباط مردم با درباریان	۳۲

نتیجه‌گیری:

از برکات مهم دفاع مقدس، تقویت اعتمادبه‌نفس و خودباوری بوده است. ما در کوران دفاع مقدس به این نتیجه رسیدیم که باید خود را باور کنیم و با تکیه بر توانمندی‌های خود - به‌ویژه جوانان خداجو - کشور را اداره نماییم. تأثیر این خودباوری، بعد از جنگ در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فناوری‌های نوین دفاعی، نمود فزاینده‌ای داشت. دفاع مقدس به رغم همه مشکلات و نامایمات، انقلاب نوپای اسلامی را بیمه و بسیاری از حقوق مسلم ایران را تأمین نمود. همچنین این مقاومت ضمن تضمین استقلال و تمامیت ارضی کشور، به مظلومان و مستضعفان جهان درس مقاومت در مقابل استکبار جهانی را داد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که توکل به خدا به جای اتکا به ابرقدرت‌ها، رهبری و فرماندهی حضرت امام (ره) و خودباوری مردم ایران به‌عنوان مهم‌ترین عوامل پیروزی در دفاع مقدس به شمار می‌آیند و این مهم باعث شده است که استکبار جهانی در مقطع کنونی برای عدم تهاجم، سخت از توکل به خدا، رهبری و فرماندهی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و خودباوری مردم به‌شدت وحشت و هراس دارد.

حضرت امام (ره) با اقتدار و صلابت بی‌نظیر و موقعیت مرجعیت مذهبی و سیاسی خود توانست محاسبات حسابگران غربی را بر هم زده، در برابر تمام جوسازی‌های تبلیغاتی، پیروزمندانه بایستد.

امام (ره) چه در جنگ و چه در صلح، همواره به انبیا و اولیای حق نظر دوخته و پیروی از آنان را سیاست خود در رهبری ملت می‌دانست و بر روش‌های پیشنهادی دیگران ترجیح می‌داده است. الگوپذیری از پیامبران و امامان شیعه، به ویژه حضرت حسین بن علی (ع) در دوران دفاع مقدس، به روشنی نمودار فرماندهی رهبر انقلاب بوده است.

امام (ره) از همان آغاز جنگ تحمیلی، واکنش‌های ملت ایران در برابر تجاوزگران بعثی را دفاعی و اسلامی تلقی می‌نمود. دعوت رهبری به حضور در جبهه‌ها، بر پایه ایمان به خدا و آخرت صورت می‌گرفت و پیکارگری‌شان به عنوان یک تکلیف دینی - سیاسی شناخته می‌شد. در دفاع مقدس به جای اتکا به ابرقدرت‌ها، توکل حضرت امام (ره) و رزمندگان به خدا بود؛ ولی در جنگ دوم ایران و روسیه حکومت قاجار همیشه دل به حمایت و پشتیبانی‌های استکبار و طواغیت دوخته بود که این موضوع این پیام را دارد که تکیه به قدرت لایزال الهی همیشه پیروزی به دنبال دارد و بالعکس تکیه به غیر خدا نتیجه شومی جز شکست و ذلت چیزی در پی نخواهد داشت.

از بررسی دو جنگ این نتیجه حاصل شد که با اراده متکی به ایمان و انگیزه الهی و با حفظ وحدت و انسجام درونی و همبستگی ملی، می‌توان بر سرسخت‌ترین دشمنان فائق آمد و سرنوشت خویش را تغییر داده و به پیروزی رسید.

دفاع مقدس، ملت ایران را به این باور رساند که ما «می‌توانیم». «خودباوری» ملت ایران که ره‌آورد پایدار دوران دفاع مقدس است، با تجلی در اندیشه و عمل «ما می‌توانیم»، در طول نزدیک به دو دهه پس از جنگ، آثار و برکاتش هر روز ظاهر و آشکار می‌گردد، اگر امروز به فرمایش دلنشین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، آهنگ خوش پیشرفت و عزت ملی در کشور شنیده می‌شود، این وضعیت ریشه در همان خودباوری دوران دفاع مقدس دارد.

امام بزرگوارمان فرمودند که در جنگ بود که یاد گرفتیم باید روی پای خود بایستیم؛ و حقیقتاً روی پای خود ایستادیم و بر خدا توکل کردیم و از این رهگذر به خودباوری رسیدیم و اگر امروز می‌گوییم برای انجام هر کاری قادر و توانا هستیم و از کشورهای پیشرفته چیزی کم نداریم، این وضعیت به‌دست‌آمده را که نعمتی بس بزرگ است، به‌عنوان ره‌آورد دوران دفاع

مقدس باید پاس داشته و به نسل‌های بعد منتقل کرد.

بررسی تحلیلی این دو جنگ نشان داد که برای پیروزی و غلبه بر دشمنان باید قوی شویم و به جای چشم‌داشتن به بیرون باید به داخل نظر داشته باشیم و ظرفیت‌ها و استعدادهای داخلی را ببینیم و بشناسیم و از ظرفیت‌های مردمی و جوانان به بهترین شکل ممکن بهره‌برداری کنیم.

منابع:

- ۱- اجلالی، فرزاد (۱۳۷۳). بنیان حکومت قاجار: نظام سیاسی ایلی و دیوانسالاری مدرن، تهران: نشرنی.
- ۲- افشار یزدی، محمود (۱۳۵۸). سیاست اروپا در ایران؛ ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- ۳- امین ریاحی، محمد (۱۳۷۸). تاریخ خوی، تهران: طرح نو.
- ۴- امینی، علیرضا؛ حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی (۱۳۸۲). تحولات سیاسی اجتماعی ایران از قاجار تا رضاشاه (۱۲۹۰ هـ - ق - ۱۳۲۰ هـ - ش)، تهران: نشر قوس.
- ۵- انصاری، میرزا مسعود (۱۳۴۹). سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ، به تصحیح فرهاد میرزا معتمدالدوله، تهران: کتابخانه مستوفی.
- ۶- آهنگران، امیر (۱۳۸۸). علل ناکامی فتحعلی‌شاه قاجار در جنگ‌های ایران و روس: (نبردهای قفقازیه)، مجله علوم سیاسی، تاریخ روابط خارجی، شماره ۴۱.
- ۷- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران، جلد ۶، تهران: زوار.
- ۸- بسطامی، رضا (۱۳۸۱). نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ ایران و عراق، فصلنامه نگین، سال اول، شماره ۳.
- ۹- بشارتی، علی محمد (۱۳۸۱). علل وقوع جنگ تحمیلی و عدم پذیرش آتش‌بس، حضور، شماره ۴۲.
- ۱۰- بنی سلیمی، صادق (۱۳۸۲). براندازی با پروژه جنگ تحمیلی، پگاه حوزه، شماره ۱۰۴.
- ۱۱- بی‌نا. (۱۳۸۸). آیا می‌شد از وقوع جنگ جلوگیری کرد؟ امتداد، شماره ۴۴.
- ۱۲- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۶۵). زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۳- پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع) (۱۳۷۶). مجله سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره ۳.

- ۱۴- پناهی سمنانی. (۱۳۷۶). قائم مقام فراهانی، چهره درخشان ادب و سیاست، تهران: نشر ندا.
- ۱۵- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۶۷). اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۶- حائری، سارا (۱۳۸۱). بسترهای پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، شمیم یاس، پیش‌شماره ۱۳.
- ۱۷- حسینی، جمال (۱۳۷۹). حملات تهران علیه مخالفان در عراق، نگاه، سال اول شماره ۳.
- ۱۸- حیدری، اصغر (۱۳۸۱). طوفان در آذربایجان، تبریز: احرار.
- ۱۹- درودیان، محمد (۱۳۷۷). خونین‌شهر تا خرم‌شهر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران.
- ۲۰- درودیان، محمد (۱۳۷۶). سیری در جنگ ایران و عراق از آغاز تا پایان، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۲۱- درودیان، محمد (۱۳۷۲). از خونین‌شهر تا خرم‌شهر، تهران: چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۲- درودیان، محمد (۱۳۷۶). آغاز تا پایان، تهران: چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۳- درودیان، محمد (۱۳۷۸). جنگ؛ بازیابی ثبات، تهران: چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۴- درودیان، محمد (۱۳۷۹). پایان جنگ، بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۵- درودیان، محمد (۱۳۸۱). آغاز تا پایان، بررسی وقایع سیاسی نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۶- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). مآثر سلطانی، تصحیح: غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: روزنامه ایران.

- ۲۷- دولتشاهی، بابک (۱۳۸۷). پایانی بر سایه تلخ سکوت، امید انقلاب، شماره ۳۹۶.
- ۲۸- ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۸۰). نراقی در جنگ ایران و روس، حوزه، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸.
- ۲۹- زکی، حفیظ الله (۱۳۸۰). سالروز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، گلبرگ، شماره ۳۱.
- ۳۰- سپهر، میرزا محمدتقی (۱۳۳۷). ناسخ التواریخ، دوره کامل قاجاریه، تصحیح جهانگیر قائم‌مقامی. تهران: امیرکبیر.
- ۳۱- سخنرانی امام (ره) در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱.
- ۳۲- سخنرانی امام (ره) در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۹.
- ۳۳- شمسایی، فرزانه (۱۳۹۰). یک تراژدی مداوم، ویژه‌نامه روزنامه جام جم، شماره ۷۳.
- ۳۴- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۴). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: مدبر.
- ۳۵- صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۶- صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۱۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۷- صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۱۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۸- صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۹- طباطبایی، غلامرضا (۱۳۷۳). معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، تهران.
- ۴۰- عبدالله یف، فتح‌الله (۱۳۵۶). گوشه‌ای از مناسبات روسیه و ایران و سیاست انگلستان در ایران؛ ترجمه غلامحسین متین، تهران: چاپ آفتاب.

- ۴۱- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۳). مسئله غرامات ایران و روسیه، بررسی های تاریخی، شماره ۳۵۴.
- ۴۲- قاضی ها، فاطمه (۱۳۷۹). نگاهی بر پیامد جنگ های ایران و روس، گنجینه اسناد، شماره ۳۹ و ۴۰.
- ۴۳- کمالی، فرزاد (۱۳۸۶). جنگ های ایران و روس از نگاهی دیگر، مجله ایران شمالی، ش ۸ و ۹.
- ۴۴- الگار، حامد (۱۳۵۶). دین و دولت در ایران؛ ترجمه ابوالقاسم سرّی، تهران: توس.
- ۴۵- لدین، مایکل و ویلیام لوئیس (۱۳۶۲). هزیمت یا شکست رسوایی آمریکا؛ ترجمه احمد سمیعی، نشر ناشر.
- ۴۶- محمدی، علیرضا (۱۳۸۵). چه عواملی باعث شد که امام (ره) قطعنامه ۵۹۸ را قبول کند؟ پرسمان، شماره ۴۶.
- ۴۷- میرسنجری، میرمهرداد (۱۳۸۹). تجزیه ی گام به گام سرزمین های ایران در دوران قاجاریه و پهلوی، تهران: تابناک.
- ۴۸- نفیسی، سعید (۱۳۷۶). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد ۲، تهران: بنیاد.
- ۴۹- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۰). روضه الصفای ناصری، زندیه و قاجاریه جلد نهم، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- ۵۰- هدایتی، ابوالفضل (۱۳۸۳). رهبری امام (ره) در دوران دفاع مقدس، حضور، شماره ۵۰.
- ۵۱- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۴). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۵۲- وثوق، عباس (۱۳۵۸). عبرت نامه روشندان، تهران: بی جا.
- ۵۳- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۸). ایران و قفقاز، تهران: نشر قطره.
- ۵۴- وزارت امور خارجه ایران (۱۳۶۱). تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق بر ایران، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۵۵- وقایع نگار، میرزا محمدصادق (۱۳۶۹). آهنگ سروش، تهران: مصحح.

بررسی نقش عوامل جغرافیایی در طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر

مقدماتی

مرتضی کریمی^۱، محسن رادمه‌ر^۲، محسن غفاری^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۷

چکیده

عوامل جغرافیایی همواره در سرنوشت یک عملیات نظامی نقش تعیین‌کننده و حیاتی بر عهده داشته و دارند. این موضوع در طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌های دفاع مقدس نیز حائز اهمیت بوده است. عملیات والفجر مقدماتی که در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۸ و در منطقه رملی غرب ارتفاعات میشداغ - حدفاصل فکه تا جزابه - اجرا شد، یکی از همین عملیات‌ها است. این پژوهش کوشیده است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، عوامل مؤثر جغرافیایی بر طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی را مورد کنکاش قرار دهد. اساساً این پژوهش در پی یافتن پاسخ این سؤال اصلی است که عوامل جغرافیایی چه نقشی در طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی داشته است؟ یافته‌ها نشان دادند عوامل جغرافیایی در سرنوشت این عملیات هم نقشی حیاتی بر عهده داشتند. از میان عوامل جغرافیای طبیعی، «رمل‌ها یا تپه‌های شنی» بیشترین تأثیر در سرنوشت عملیات والفجر مقدماتی را داشته‌اند. «جنگل عمقر» نیز به‌عنوان یک پوشش گیاهی در این عملیات به رزمندگان اسلام در ایجاد درمانگاه صحرائی، قرارگاه و بنه‌های تدارکاتی، تجهیز، سازمان‌دهی، هدایت و پشتیبانی گردان‌های عمل‌کننده در محور جنوبی کمک شایانی کرده است. همچنین دست‌کاری در جغرافیای طبیعی منطقه و ایجاد موانع مصنوعی دست‌ساز توسط دشمن بعضی در عدم موفقیت رزمندگان اسلام نقش اساسی ایفا نموده است.

کلید واژه‌ها: والفجر مقدماتی، عوامل جغرافیایی، رمل، موانع، جنگل عمقر.

۱- دکترای جغرافیای نظامی و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲- مدرس و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

۳- پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

۱ - مقدمه:

تجاوز رژیم بعث عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران، یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن حاضر به شمار می‌آید. این جنگ تقریباً ۲ برابر جنگ جهانی اول، ۱/۵ برابر جنگ جهانی دوم و ۳ برابر جنگ کره به طول انجامید. این در حالی بود که در این جنگ به شدت نابرابر، رژیم بعث عراق از یک طرف مورد حمایت وسیع و همه‌جانبه ارتجاع عرب و استکبار جهانی قرار داشت که مصمم بودند به هر نحو ممکن با استفاده از جاه‌طلبی و بلندپروازی صدام حسین، رئیس‌جمهور خودکامه و دیکتاتور عراق، انقلاب اسلامی را سرکوب و یا حداقل منزوی و ساکت نمایند. شکست انقلاب اسلامی یکی از اهداف اصلی تهاجم سراسری عراق به ایران بود. سران استکبار جهانی درصدد بودند تا انقلاب اسلامی را قبل از تحکیم، در منطقه سرنگون کرده و با گسترش چنین انقلابی در منطقه غرب آسیا و جهان اسلام مقابله کنند.

تجاوز سراسری ارتش رژیم عراق از زمین، هوا و دریا به خاک جمهوری اسلامی در ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۵۹، حادثه بسیار مهمی است که بررسی ابعاد آن برای نسل‌های بعدی انقلاب بسیار حائز اهمیت است. جنگی که رژیم بعث عراق حدود ۱۹ ماه پس از سقوط نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد، برای ملت ایران نماد یک مقاومت ملی و یک دوره مملو از فداکاری‌ها و شجاعت‌های بی‌نظیر جوانان این مرزوبوم محسوب می‌شود.

این جنگ از مهم‌ترین جنگ‌های معاصر در غرب آسیا (خاورمیانه) به شمار می‌آید و به مراتب بیش از سایر جنگ‌های کشورهای جهان سوم، ماهیت بین‌المللی داشته است؛ چرا که از روزهای آغازین تا پایان آن، رژیم بعثی عراق همواره از پشتیبانی قدرت‌های بزرگ و حمایت همه‌جانبه اکثر رژیم‌های عربی منطقه برخوردار بوده است.

در طول جنگ ۸ ساله که از کم‌سابقه‌ترین و استثنایی‌ترین جنگ‌ها در عصر جهان دوقطبی و در دوران جنگ سرد بود، دو ابرقدرت وقت دنیا (آمریکا و شوروی) عملاً در یک جبهه واحد قرار گرفتند و کاملاً همسو با هم از رژیم بعثی عراق حمایت کردند. اکثر کشورهای عربی منطقه نیز این رژیم را با کمک‌های مالی گسترده خود یاری کردند و حتی کشورهایی مانند مصر و اردن در کنار عراق و صدام حسین قرار گرفتند.

دو ماه نخست جنگ یکی از آزمون‌های سخت برای ملت ایران بود. جوانان، مردم و نیروهای

مسلح ایران با مقاومتی بی‌نظیر و پس از یک سلسله عملیات پی‌درپی توانستند دشمن را در دسترسی به اهداف خود ناکام بگذارند.

در ادامه این جنگ، رژیم بعثی عراق علاوه بر حملات زمینی و بمباران‌های هوایی، از موشک‌های زمین به زمین و سلاح‌های شیمیایی برای حمله به مردم غیرنظامی استفاده کرد. این کشور همچنین در سال‌های پایانی، جنگ را با حمله به نفت‌کش‌ها و پایانه‌های نفتی در خلیج فارس گسترش داد. حملات بی‌رحمانه عراق به مناطق مسکونی و مردم غیرنظامی، خسارت‌ها و تلفات زیادی به غیرنظامیان ایران وارد آورد.

ایران در این تجاوز موفق شد تا با تکیه بر نیروی ایمان، رهبری بی‌نظیر حضرت امام خمینی (ره)، ابداع شیوه‌های نوین جنگ، حمایت بی‌دریغ مردم و حضور گسترده آن‌ها در میدان‌های جنگ، پس از اجرای حدود ۱۰۰ عملیات با مقیاس‌های مختلف، نیروهای ارتش متجاوز بعثی را از خاک خویش بیرون براند و مانع از دستیابی رژیم بعث عراق به مقاصد و اهداف خود گردد. با اینکه رژیم بعث عراق در ماه‌های آغازین جنگ، ابتکار عمل را در دست داشت، اما نتوانست جنگ را آن‌چنان که می‌خواست ادامه داده و به پایان برساند. صدام به دلیل مقاومت جانانه مردم ایران، در دام جنگی گرفتار شد که خود آغازگر آن بود و سال‌های طولانی برای رهایی از آن تلاش کرد.

رزمندگان اسلام توانستند در سال دوم جنگ با رهبری‌های دایمانه و الهی امام راحل، با انجام چهار عملیات ظفرمند طریق‌القدس، ثامن‌الائمه، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، از مجموع ۱۵۰۰۰ کیلومترمربع که تحت اشغال دشمن بود، حدود ۱۰۰۰۰ کیلومترمربع آزاد کنند. این عملیات‌ها، نگرش و باور جهانی را نسبت به رزمندگان اسلام تغییر داد و شگفتی و حیرت‌زدگی محافل و افکار جهانی را موجب شد. همچنین موازنه قدرت را به نفع ایران تغییر داد، به گونه‌ای که شورای امنیت بلافاصله واکنش نشان داده و پس از چندین ماه سکوت معنادار، قطعنامه صادر نمود. پس از فتح خرمشهر، ورود به خاک متجاوز به منظور تأمین مرزها و برقراری امنیت شهرهای مرزی جمهوری اسلامی ایران و تنبیه متجاوز در اولویت قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران به منظور تثبیت مواضع دفاعی رزمندگان اسلام و سلب فرصت سازمان‌دهی مجدد از دشمن و نیز فعال کردن محافل سیاسی در راستای تصمیم‌گیری جدی و عادلانه برای حل مناقشه، در بعضی از

خطوط دفاعی، عبور از مرزها و تصرف مناطق راهبردی دشمن را در دستور کار قرار داد. این تدبیر نه تنها خردمندانه، بلکه منطبق بر فنون دفاعی و حتی موازین بین‌المللی بود. ایران می‌کوشید تا با در پیش گرفتن راهبرد تعقیب و تنبیه متجاوز و اجرای عملیات در خاک او با هدف خاتمه جنگ و رسیدن به صلح شرافتمندانه و منهدم ساختن بخشی از ارتش عراق، از تهدیدهای آینده آن بکاهد و اصطلاحاً به نقطه بازدارندگی برسد؛ به‌طوری‌که دشمن دیگر فکر حمله به ایران را هم نکند. در چنین شرایطی، ایران می‌توانست به مراجع بین‌المللی فشار آورد تا دولت عراق را به عنوان رژیم متجاوز بشناسند و امکان حقوقی تنبیه و مجازات متجاوز را فراهم آورند و راهی را برای دریافت خسارت‌های جنگ تعیین کنند. چنانچه مخالفان داخلی رژیم بعثی اقداماتی صورت می‌دادند، ایران می‌توانست به مردم عراق برای سرنگونی صدام حسین و رژیم بعثی کمک کند. همچنین رسیدن قوای ایران به ساحل شط‌العرب، امکان آمادگی برای تهدید کامل شهر بصره را به عنوان یک هدف راهبردی سیاسی نظامی برای قبولاندن شرایط ایران (تحمیل اراده سیاسی ایران به عراق) فراهم می‌آورد. بر همین اساس، ایران دست به اجرای یک سری عملیات برون مرزی زد. عملیات والفجر مقدماتی یکی از این عملیات‌ها بود که پس از عملیات رمضان و محرم در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۱ انجام شد.

۲- بیان مسئله:

سال سوم جنگ در حالی شروع می‌شد که کام ملت ایران از ناکامی در عملیات رمضان تلخ بود. ارتش عراق پس از ناکام گذاشتن نیروهای ایرانی در عملیات رمضان با برطرف کردن نقاط ضعف خود و به‌منظور گرفتن زمان و فرسایشی کردن جنگ، جلوگیری از پیشروی قوای ایرانی را در دستور کار خود قرار داد. خطوط دفاعی خود را تکمیل و آن‌ها را با انجام عملیات گسترده مهندسی به‌شدت مستحکم کرد. صدام با ایجاد جیش‌الشعبی یا همان ارتش خلقی، واحدهای ارتش بعث را توسعه داد.

از طرفی ورود رزمندگان اسلام به عراق در عملیات رمضان، باعث گرایش بیشتر آمریکا به عراق شد. چرا که حضور ایران در عراق تهدید مستقیمی برای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که حافظ منافع آمریکا بودند، محسوب می‌شد. از سویی دیگر، به دست نیاوردن نتایج مطلوب از عملیات رمضان باعث شد تا ایران به مناطق

دیگر جبهه‌های جنگ نیز بیندیشد. از این‌رو حدود دو ماه پس از عملیات رمضان، برنامه‌ریزی و اجرای عملیاتی به نام «مسلم بن عقیل» در منطقه سومار در دستور کار فرماندهان جنگ قرار گرفت. پس از عملیات مسلم بن عقیل، عملیات دیگری موسوم به محرم در تاریخ ۱۰ آبان ماه ۱۳۶۱ در منطقه موسیان و جنوب دهلران تا فکه انجام شد. هدف این عملیات، آزادسازی سرزمین‌های اشغالی ایران در اطراف ارتفاعات و کوه‌های مرزی حمرین در جنوب دهلران و در منطقه بین فکه تا شهر دهلران بود.

در عملیات محرم، جاده عین‌خوش - دهلران به طول ۱۰۰ کیلومتر از زیر دید و تیر دشمن خارج شد. شهرهای موسیان و دهلران و پادگان عین‌خوش از زیر آتش توپخانه دشمن خارج و سلسله جبال حمرین نیز آزاد شد. در این عملیات، حدود ۵۵۰ کیلومترمربع از خاک کشور آزاد و حدود ۳۰۰ کیلومترمربع از خاک عراق در نوار مرزی به تصرف قوای ایرانی درآمد (علایی، ۱۳۹۵: ۵۸۲).

عدم موفقیت رزمندگان اسلام در عملیات رمضان، پیشروی در شرق بصره را دور از دسترس نشان می‌داد؛ اما پیروزی در عملیات محرم و تسلط بر زمین‌های تخت استان میسان، دستیابی به شهر العماره عراق - که به‌عنوان تهدید هم‌زمان علیه دو شهر بصره و بغداد محسوب می‌شد - را امکان‌پذیر کرده بود. پس از عملیات محرم، فرماندهان جنگ با هدف تصرف پل غزیه و پیشروی به‌سوی شهر العماره عراق، منطقه رملی غرب ارتفاعات میشداغ - حدفاصل فکه تا چزابه - را برای انجام عملیات سرنوشت‌ساز «الفجر» انتخاب کردند. هم‌زمانی این عملیات با ایام دهه فجر سبب شد نام «الفجر» بر آن گذاشته شود. پیش‌بینی می‌شد که این عملیات وضعیت تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت جنگ داشته باشد، لیکن چنین نشد و به همین دلیل پسوند «مقدماتی» به کلمه والفجر افزوده شد و به نام «الفجر مقدماتی» شهرت پیدا کرد. عملیات والفجر مقدماتی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۸ در منطقه عمومی فکه به اجرا درآمد.

این پژوهش در پی آن است که با واکاوی عوامل مؤثر جغرافیایی بر طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی، نقش این عوامل را در نتیجه این عملیات مورد بررسی قرار دهد. از این رو کوشیده است تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که عوامل جغرافیایی چه نقشی در طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی داشته است؟

۳- ادبیات نظری و تعریف مفاهیم:

۱- ۳- منطقه عملیات والفجر مقدماتی:

منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی از شمال به ارتفاعات میشداغ و برقازه، از جنوب به هورالهویزه، از شرق به چزابه و شهرستان و از غرب به شهر العماره عراق و رودخانه دجله منتهی می‌شود. در این منطقه رودخانه‌های متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها دو رودخانه مهم «دویرج» و «میمه» می‌باشد. ارتفاعات میشداغ، جنگل عمقر، تپه دوقلو، رودخانه دویرج، رمل، هورالعظیم، پاسگاه‌های مرزی ایران و عراق و موانع مصنوعی ارتش بعث از مهم‌ترین عوامل جغرافیایی طبیعی و مصنوعی منطقه عملیات می‌باشند.

۲- ۳- ارتفاعات میشداغ:

ارتفاعات میشداغ در ۸۵ کیلومتری شمال شرق اهواز قرار دارد و از شمال بستان آغاز می‌شود و تا نزدیکی‌های رودخانه کرخه در محدوده عبدالخان ادامه دارد. جهت آن‌ها شمال غرب - جنوب شرق بوده و به تپه‌های رقابیه در جنوب غربی فکه منتهی می‌شود. در تقسیمات کشوری به عنوان مرز شهرستان دشت آزادگان و شوش شناخته می‌شود. میشداغ مرتفع‌ترین منطقه دشت آزادگان محسوب می‌شود و ارتفاع بلندترین قله آن ۲۷۰ متر است. این ارتفاعات به علت دید مناسب آن در منطقه و تسلطش بر شهرهای بستان و سوسنگرد، در طول جنگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و با آغاز جنگ به اشغال دشمن در آمد. جنوب این ارتفاعات یکی از محورهای اصلی در آزادسازی سوسنگرد و بستان بود و در مرحله دوم عملیات فتح‌المبین، به‌طور کامل به دست نیروهای خودی افتاد و بعدها به یکی از محورهای هجوم به دشمن تبدیل شد. تنگ ذلیجان یکی از معابری است که در محل تلاقی دامنه ارتفاعات میشداغ و تپه‌های رملی قرار دارد و دشت چهیلا در دامنه شرقی این ارتفاعات را با منطقه فکه مرتبط می‌سازد. در گذشته، مردم بومی و تجار محلی برای تردد و جابه‌جایی کالا به عراق از این گذرگاه استفاده می‌کردند. در عملیات فتح‌المبین، مسیر این گذرگاه به جاده تبدیل و در عملیات والفجر مقدماتی از آن برای رسیدن به مرز بهره‌برداری شد. تنگ میشداغ (تنگ صعه) نیز در شمال غربی بستان و جنوب این ارتفاعات قرار دارد و دشت چهیلا را به تپه‌های رملی شمال کرخه متصل می‌کند (پورجباری، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

۳-۳ - پاسگاه‌های مرزی منطقه فکه - چزابه:

پاسگاه فکه ایران در انتهای جاده چنانه - فکه در یک دشت کاملاً باز و مقابل پاسگاه الفکه عراق واقع شده است. این پاسگاه در گذشته‌های دور، مرزبانی درجه دو و دارای گمرک و محل تردد اتباع دو کشور بوده است. ساختمان پاسگاه قبل از جنگ به سبک کاروانسرای شاه عباسی و مصالح آن آجر و گل بود. در روز ۲۵ شهریور ۱۳۵۹ نیروهای لشکر ۱ مکانیزه عراق که هدفشان تصرف شهر شوش بود، به این پاسگاه حمله کردند و با مدافعین پاسگاه که اکثراً نیروهای تیپ ۳۷ شیراز بودند، مواجه شدند. فردای آن روز نیروهای عراقی دو بار به پاسگاه حمله کردند که با دفاع مدافعین پاسگاه، حمله دشمن ناموفق ماند و چند دستگاه تانک دشمن منهدم شد.

پاسگاه دویرج در کنار جاده مرزی فکه - چزابه و در ۱۰ کیلومتری جنوب پاسگاه فکه قرار دارد و فاصله این پاسگاه تا مرز حدود ۲۰۰ متر است. قبل از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، رودخانه دویرج از این نقطه عبور می‌کرد؛ اما بعد مسیر رودخانه را عوض کردند. این پاسگاه مانند پاسگاه‌های طاووسیه و رشیدیه جزو اولین نقاط تهاجم دشمن بود.

پاسگاه طاووسیه در ۶ کیلومتری پاسگاه دویرج و کنار جاده فکه - چزابه قرار دارد که در اولین روزهای جنگ مورد هجوم دشمن قرار گرفت و اشغال شد. در عملیات والفجر مقدماتی، از محورهای حمله به دشمن بود. در جریان تفحص شهدا، این پاسگاه با محدوده اطراف آن شاهد کشف شهدای بسیاری بوده است. مقتل ۱۲۰ شهید فکه در نزدیکی آن قرار دارد.

پاسگاه رشیدیه بین پاسگاه طاووسیه و پاسگاه صفریه در غرب جاده فکه - چزابه قرار دارد و فاصله آن تا مرز کمتر از ۱ کیلومتر است. روبروی این پاسگاه در عراق، پاسگاه رشیدیه عراق قرار دارد. ارتش عراق در ۲۵ شهریور ۱۳۵۹ قبل از آغاز رسمی جنگ به این پاسگاه حمله کرد. این پاسگاه و محدوده اطراف آن یکی از محورهای مهم عملیات والفجر مقدماتی بود.

پاسگاه صفریه در جنوب پاسگاه رشیدیه و شمال پاسگاه سوبله و در کنار جاده فکه - چزابه قرار دارد. این منطقه نیز در اوایل جنگ شاهد مقاومت نیروهای مستقر در پاسگاه در برابر دشمن یعنی بوده است. از نزدیکی پاسگاه صفریه، جاده‌ای به سمت چپ منشعب می‌شود که به طرف جنگل عمق و تپه‌های نبعه می‌رود و در عملیات والفجر مقدماتی یکی از محورهای اصلی عملیات بوده است.

پاسگاه سوبله در شمال تنگ چزابه و در غرب جاده فکه - چزابه واقع است و فاصله آن تا بستان ۱۷ و نیم کیلومتر، تا پاسگاه صفریه ۱۲ کیلومتر و تا مرز عراق حدود ۱۵ متر است (همان، ۱۶۲).

۴-۳- هورالهویزه:

هورالهویزه که به هورالعظیم هم معروف است، در غرب منطقه دشت آزادگان به طول حدود ۷۵ کیلومتر و عرض ۴۰ کیلومتر با وسعتی در حدود ۳ هزار کیلومتر مربع گسترده شده است و از شمال به تنگ چزابه و یال جنوبی هورالسنان، از جنوب به دشت نشوه، از شرق به دشت آزادگان و هویزه و از غرب به رودخانه دجله و جاده العمارة - بصره محدود می شود. آب رودخانه های دجله، کرخه نور، دویرج و میمه و باران های فصلی، آن را تغذیه می کند. هورالهویزه یک مانع طبیعی برای تحرکات نظامی محسوب می شود. مهم ترین مجرای خروجی هورالهویزه کانال سوئیب است که به صورت یک آبراه طبیعی، آب هور را به اروندرود هدایت می کند (پورجباری، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

۵-۳- جنگل عمقر

جنگل عمقر در جنوب تنگه ذلیجان واقع و از انبوه درختان گز تشکیل شده است. به دلیل ارتفاع زیاد درختان این ناحیه، در عملیات والفجر مقدماتی، عمده نیروهای سپاه هفتم حدید، قرارگاه ها و بنه های تدارکاتی خود را در زیر این درختان احداث کرده بودند. در شب عملیات از این محل برای تجهیز، سازمان دهی، هدایت و پشتیبانی گردان های عمل کننده در محور جنوبی استفاده شد.

۶-۳- تپه دو قلو

در نزدیکی پاسگاه رشیدیه، تپه های رملی وجود دارد که به تپه دو قلو مشهورند. ارزش نظامی این تپه ها برای دشمن به حدی بود که گرداگرد آن ها خطوط پدافندی مستحکمی ایجاد کرده بود. در عملیات والفجر مقدماتی این تپه ها به دست رزمندگان اسلام افتاد، ولی به سبب استحکامات و موانع فراوان ایجاد شده توسط دشمن، پاک سازی آن ها تاکنون میسر نشده است.

۷-۳- رودخانه دویرج

رودخانه دویرج از جمله رودخانه‌های فصلی منطقه است که بیشتر سال، آب در آن جاری است و به سبب فصلی بودن، عرض بستر آن از ۱۰۰ تا ۲۰۰۰ متر در نوسان می‌باشد. این رودخانه در منطقه فکه به داخل خاک عراق هدایت شده و به هورالهفل و هورالسناف می‌ریزد. در مواقع بارندگی، طغیان آب رودخانه به حدی است که هرچه جلوی آن باشد را با خود می‌برد؛ این امر در عملیات محرم مشکلات اساسی را در پی داشت. پل چم سری در منطقه شرهانی و پل بیس در منطقه فکه روی این رودخانه احداث شده است. در آغاز جنگ، ارتش عراق جهت عبور یگان‌های لشکر ۱۰ زرهی به سمت تنگه ابوغریب، در منطقه چم هندی اقدام به احداث پل روی دویرج نمود که در عقب‌نشینی خود، آن را منهدم کرد.

۸-۳- جبل فوقی

در دامنه غربی ارتفاعات حمزین، در حاشیه دشت مرزی عراق، حد فاصل پاسگاه عراقی الحلیله و دشت بزرگان، تپه‌هایی نسبتاً مجزا دیده می‌شود که به جبل فوقی معروف است. این بلندی‌ها در اثر فرسایش و آبرفت زیاد به صورت صخره و طبقات موازی در آمده است. در عملیات والفجر ۱، دست‌یابی به این تپه‌ها از اهداف اصلی عملیات بود.

۹-۳- علت انتخاب منطقه عملیات:

به منظور بررسی منطقه مناسب برای عملیات والفجر، در ستاد قرارگاه مرکزی کربلا دو طرح سپاه در جنوب و ارتش در شمال منطقه فکه مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفت. سپاه پاسداران، منطقه جنوب فکه را برای عملیات بزرگ والفجر به این دلیل پیشنهاد داد که زمین‌های جنوب فکه شنزار و رملی بود و می‌توانست کمبود نیروی خودی را به دلیل عدم تصور ارتش عراق از امکان هجوم از این ناحیه تا حدی جبران کند. به این ترتیب، برتری توان تسلیحاتی و تجهیزاتی دشمن تا حدی خنثی می‌شد. در طرح مانور قوای خودی، پیش‌بینی شده بود که یگان‌ها هنگام اجرای عملیات با قدرت اصلی و نقاط قوت دشمن مواجه نشوند. فرماندهان ارتش با طرح سپاه در عملیات والفجر مقدماتی موافق نبودند و بنا به دستور، در پشتیبانی این عملیات وارد شدند. نیروی زمینی ارتش نیز منطقه زمین‌های شمال فکه را به دلیل عارضه‌داربودن زمین و

راحت بودن مانور نیروهای پیاده در آن، امکان انهدام قوای دشمن روی ارتفاعات حمزین، محدودیت مانور نیروهای زرهی دشمن و همچنین تحمیل خط پدافندی جدید به قوای دشمن در صحرا و دشت پیشنهاد کرد (علایی، ۱۳۹۱: ۵۸۱).

سرهنگ قویدل در جلسه بعد از ظهر ۶ بهمن ۱۳۶۱، مشکلات منطقه عملیات را نداشتن عقبه و عمق دار بودن هدف عنوان کرد (لطف‌الله زادگان، ۱۳۹۲: ۴۵۳).

به هر حال پس از بررسی‌ها قرار شد ابتدا طرح سپاه با کمک واحدهایی از ارتش به اجرا در آید. البته پس از اجرای عملیات والفجر مقدماتی، عملیات والفجر ۱ نیز در منطقه پیشنهادی ارتش انجام شد.

عبدالمحمد رئوفی‌نژاد فرمانده لشکر ۷ ولی عصر در زمان عملیات در خصوص علت انتخاب این منطقه برای عملیات می‌گوید: «منطقه‌ی عملیات والفجر مقدماتی بعد از اجرای عملیات محرم انتخاب شد. دلیل انتخاب این بود که بعد از چند عملیات سنگین در جنوب، مثل طریق‌القدس، ثامن‌الائمه، بیت‌المقدس و مخصوصاً رمضان مشخص گردید با توجه به حساسیت منطقه‌ی جنوب و آمادگی دشمن، منطقه به شکلی قفل شده و امکان اجرای عملیات در اینجا نیست؛ به همین دلیل منطقه‌ی دیگری انتخاب شد و روی آمادگی و تجهیزات دشمن که حالت نابرابری با تجهیزات ما داشت، بحث شد و به این نتیجه رسیدیم که منطقه‌ای برای اجرای عملیات انتخاب کنیم که سختی زمین را بپذیریم و با این کار کمبود تجهیزات را در جنگ با ارتش عراق جبران کنیم. در واقع جاهای سخت را انتخاب کنیم تا با غافلگیر کردن دشمن بتوانیم به موفقیت دست یابیم. به همین دلیل منطقه عملیاتی محرم انتخاب شد که عملیات موفقی هم بود. بعد از عملیات محرم احساس شد که در پایین دست همین محل، منطقه‌ای است که دشمن در آنجا حساسیت چندانی نشان نداده است و می‌توان از اصل غافلگیری استفاده کرد؛ به خصوص اینکه نیروی استقراری دشمن در این منطقه ضعیف و ناچیز است. از طرفی امکان دسترسی به اهداف مهم یا تهدید شهرهایی مثل بصره و العماره برای ما وجود دارد. به همین خاطر، پایین دست منطقه عملیاتی محرم انتخاب گردید، یعنی منطقه عمومی جنگل عمقر که از فکه شروع و تا چزابه ادامه پیدا می‌کرد» (سالمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۲۸).

او در ادامه می‌گوید: با توجه به اینکه جاده آسفالتی از سمت بستان به چزابه بود و جاده مرزی هم در همان قسمت وجود داشت و عراقی‌ها در آنجا حضور داشتند، دشمن خیالش از بابت این مناطق راحت بود. به طور کلی در قسمت‌هایی که موانعی مانند باتلاق، تپه رملی و یا آب وجود داشت، عراقی‌ها نسبت به آن منطقه حساس نبودند. در این منطقه نیز از چزابه تا نزدیکی‌های فکه، تپه‌های ماسه‌ای وجود داشت و ما و عراقی‌ها مطمئن بودیم که هیچ‌کس در این مسیرها تردد نمی‌کند.

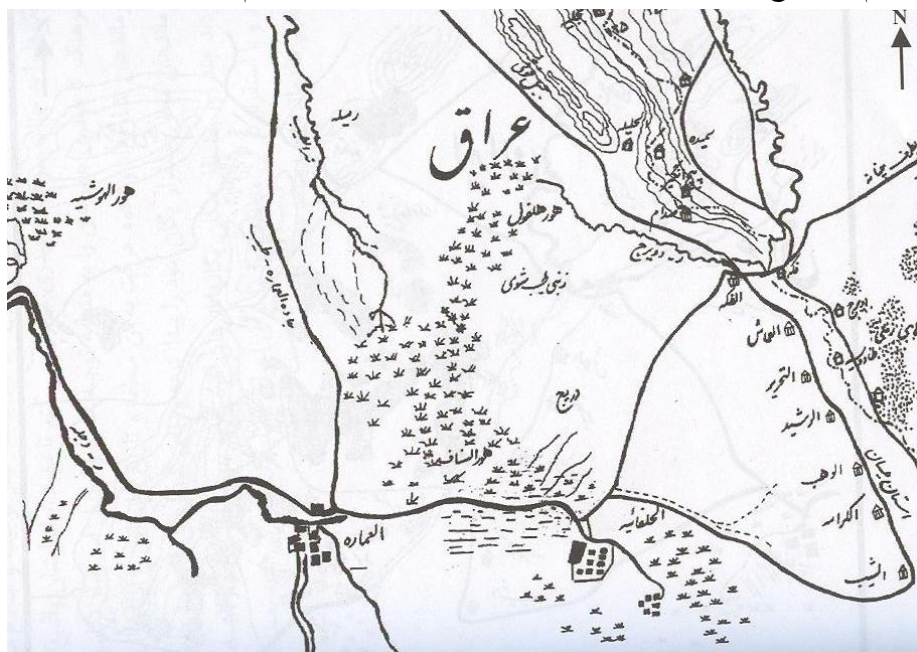
در این منطقه همچنین درخت‌های پراکنده‌ای وجود داشت که روی نقشه معروف به جنگل عمقر بود. جنگل عمقر دارای پوشش گیاهی خوبی بود که بخش‌هایی از آن برای انجام عملیات مناسب بود. بچه‌های اطلاعات با چنان ظرافتی کار شناسایی را انجام می‌دادند که عراقی‌ها از حضور ما در این منطقه تا مدت‌ها مطلع نشدند. ما در این منطقه بکر و دست‌نخورده می‌توانستیم به راحتی از پوشش بیشه‌زار آن برای استتار استفاده کنیم (همان، ۲۹).

۱۰-۳- طرح مانور عملیات والفجر مقدماتی:

در طراحی عملیات مقرر شد قوای دو قرارگاه کربلا و نجف به طرف العماره تک نمایند. در مرحله اول، قوای قرارگاه نجف در محور طاووسیه تا رشیده، حدفاصل خط تا کانال‌های آخر را تصرف کرده و در مرحله دوم و در ادامه تک، جناح راست تا حاشیه جنوبی دوبرج (پشت جاده آسفالت فکه و در غرب بزرگراه و سرپل حلفائیه) را تصرف نمایند. نیروهای قرارگاه کربلا نیز می‌بایست با استفاده از معابر وصولی، جای پای تصرف شده توسط قرارگاه نجف را تا چزابه ادامه داده و در پشت کانال پدافند نمایند. در مرحله دوم، منطقه شرق غزیه و شمال هورالهویزه پاک‌سازی شده و سرپل غزیه تأمین گردد. هم‌چنین با احداث خاکریز، جناح قوای کربلا می‌بایست تأمین شود تا چنانچه مأموریت قوای نجف در رسیدن به جاده با مشکل مواجه شد، جناح قوای کربلا از تعرض و آسیب دشمن مصون بماند.

در صورتی که اهداف مراحل اول و دوم عملیات تحقق می‌یافت، چنین پیش‌بینی شده بود که با بازسازی یگان‌ها و ایجاد شرایط مناسب و نیز با توجه به وضعیت دشمن، عملیات در مرحله سوم به سمت العماره ادامه یابد. هم‌چنین مقرر شد در منطقه چیلان و طیب، تک فریب انجام شود. لشکر

۱۴ امام حسین (ع) نیز مأموریت داشت تا در منطقه فاو عملیات فریب انجام دهد.



نقشه ۱ - شمای اهداف نیروهای خودی در عملیات والفجر مقدماتی

۱۱-۳- شرح عملیات والفجر مقدماتی:

در ساعت ۲۱:۳۰ روز ۱۳۶۱/۱۱/۱۷ پس از اعلام رمز مبارک یا الله، یا الله، یا الله، عملیات از پنج محور شمال و جنوب رشیده، صفریه و ارتفاعات چمر و خاک آغاز شد و نیروها در تاریکی مطلق شب به منظور پاک سازی میادین مین و شکستن خطوط دفاعی دشمن و رخنه در این خطوط، پیشروی خود را آغاز کردند. وسعت و عمق موانع و استحکامات دشمن و وجود کانال های متعدد، سرعت لازم را از نیروها گرفت. در نتیجه، اگرچه خط اول دشمن شکسته شد، اما به دلیل عدم پاک سازی منطقه - درحالی که تاریکی شب رو به پایان بود - طبیعی به نظر می رسید که امکان استقرار کامل وجود نداشته باشد. در واقع، تاریکی مطلق شب، عدم الحاق نیروها و پاک سازی منطقه، عمق و وسعت زیاد میادین مین، هوشیاری و اطلاع قبلی دشمن نسبت به وقوع عملیات، عوامل بازدارنده ای بودند که به عدم تأمین کامل اهداف مرحله اول عملیات منجر شد.

به‌رغم وضعیت موجود، به خاطر موقعیت خاصی که به‌تبع آغاز عملیات در میان مردم ایجاد شده بود و از طرفی به دلیل امیدواری مسئولین و نیز تبلیغات سوء دشمن و ... مرحله دوم عملیات در ساعت ۲۱ روز ۱۳۶۱/۱۱/۲۰، به‌منظور انهدام نیرو و تجهیزات دشمن آغاز گردید؛ اما این بار نیز عدم هماهنگی در نیروهای عمل‌کننده و همچنین هوشیاری دشمن و احاطه او بر راه‌کارهای خودی، مانع از پیشرفت رزمندگان گردید.

در این عملیات از ابتدای پیشروی نیروهای خودی از نقطه‌رهایی تا رسیدن به خط دوم دشمن، بیش از ۱۶ نوع مانع از سوی دشمن تعبیه و ایجاد شده بود و یا به‌صورت عارضه طبیعی منطقه وجود داشت. دشمن با این اقدامات در واقع آنچه را به‌صورت تجربه از عملیات‌های گذشته به دست آورده بود، تقریباً به‌صورت کامل در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی اجرا کرد. ارتش عراق سعی داشت با موانع یادشده تا حد امکان در پیشروی نیروهای ایرانی تأخیر بیاندازد. از این‌رو، موانع مزبور به‌منزله زنگ خطر و عامل هشداردهنده محسوب می‌شد؛ و از طرفی به‌طور طبیعی توان نیروها را جهت تأمین اهداف در شب می‌گرفت. علاوه بر این، گرفتن جناح و به‌کارگیری نیروی احتیاط، دو موضوع قابل‌توجه بود که در تاکتیک‌های دشمن در عملیات والفجر مقدماتی مشاهده گردید.

موضوع دیگر اینکه در گذشته نیروهای هجومی و اصلی دشمن در خط مقدم نبرد حضور داشتند و به‌طور طبیعی در معرض آسیب‌پذیری نیروهای مهاجم بودند؛ لیکن در این عملیات نظر به اینکه دشمن شکستن خط را برای خود مفروض می‌دانست، نیروهای هجومی‌اش را در احتیاط قرار داد و با گذاردن نیروهای پدافندی در خط و عمق‌بخشیدن به میادین مین و ایجاد موانع دیگر، عملاً سعی بر این داشت که پس از گرفتن توان نیروهای مهاجم با وارد کردن نیروهای اصلی خود، مناطق تصرف‌شده را باز پس گیرد.

اگرچه در این عملیات پاسگاه‌های ایرانی سوبله، صفریه، رشیده و طاوسیه آزاد شد و پاسگاه‌های عراقی وهب، کارمه و صفریه به تصرف رزمندگان درآمد و ۱۲۰ نفر از نظامیان عراقی نیز اسیر شدند، اما این عملیات به اهداف خود نرسید. پشتیبانی هوایی رزمندگان اسلام در عملیات بسیار ضعیف بود و در عوض نیروی هوایی عراق به‌طور مرتب مواضع و مراکز نیروهای ایرانی را بمباران می‌کرد. آموزش نیروهای رزمنده ضعیف بود و برخی از یگان‌ها تجربه کافی جنگی

نداشتند. منافقین هم در منطقه فعال و در جمع‌آوری اسرای ایرانی به ارتش عراق کمک می‌کردند. در این عملیات حدود ۶۰۰ نفر از رزمندگان اسلام شهید و ۲۵۰۰ نفر مجروح و ۲۵۰۰ نفر نیز مفقود شده و یا به اسارت دشمن درآمدند. ۴۵ تانک یا خودرو نیز از دست رفت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲۸۱).

تصور طراحان عملیات بر این بود که حمله از طریق زمین‌های رملی در جنوب فکه موجب غافلگیری یگان‌های ارتش عراق خواهد شد؛ اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد، زیرا استفاده از زمین‌های رملی در عملیات طریق‌القدس، ارتش عراق را نسبت به این نوع مناطق حساس و با تاکتیک ایران آشنا کرده بود. معمولاً استفاده از هر نوع غافلگیری در جنگ، فقط یکبار کاربرد دارد. از سوی دیگر در طرح مانور عملیات والفجر مقدماتی، یگان‌ها بایستی فاصله نسبتاً زیاد خود با قوای دشمن را به‌صورت ستونی و نفوذی تا منطقه هجوم راهپیمایی می‌کردند. این منطقه رملی و عبور از آن برای نیروی پیاده بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود.

۴- پیشنهاد پژوهش

جستجوی دقیق و بسیار در منابع و پایگاه‌های معتبر مقالات نشان داد که متأسفانه تاکنون هیچ مقاله علمی در خصوص عملیات والفجر مقدماتی به نگارش درنیامده است؛ چه بسا اینکه محققان درباره نقش عوامل جغرافیایی در این عملیات، تحقیق کرده باشد. تنها چند کتاب که تعداد آن‌ها کمتر از انگشتان یک دست است، به این عملیات پرداخته‌اند. اگرچه به‌طور خلاصه در لابه‌لای اکثر کتاب‌های مربوط به عملیات‌ها، به این عملیات تنها به‌قدر تاریخ، مکان و شرح آن پرداخته شده است. با این حال، به چند مورد پژوهش در این خصوص اشاره می‌شود.

علیرضا لطف‌الله زادگان (۱۳۹۲) در کتاب بیست و سوم روز شمار جنگ ایران و عراق به‌طور مبسوط به بیان حوادث و وقایع اول دی تا ۳۰ بهمن ۱۳۶۱ پرداخته است. در این بین، حوادث و وقایع مربوط به روزهای شناسایی، طرح‌ریزی و اجرای این عملیات از اوایل بهمن ماه ۱۳۶۱ تا اواخر این ماه آورده شده است. مقدمه ۲۶ صفحه‌ای این کتاب به شرح عملیات و بازتاب آن پرداخته است. نویسنده در تهیه این کتاب در بخش مربوط به عملیات والفجر مقدماتی از نتایج تحقیقات میدانی و گزارش‌های تدوین‌شده راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که در سطوح

مختلف تصمیم‌گیری و اجرا در قرارگاه مرکزی و قرارگاه‌های تابعه و یگان‌های عمل‌کننده در کنار فرماندهان حضور داشته‌اند، بهره گرفته است.

عبدالرضا سالمی‌نژاد (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان «نبرد در رمل‌های جنگل عمقر» به طور مبسوط حضور لشکر ۷ ولی‌عصر (عج) در عملیات والفجر مقدماتی را برجسته کرده است. این کتاب در شش فصل، پس از نگاه کلی به عملیات والفجر مقدماتی، به بیان گزارش آماده‌سازی و استقرار لشکر ۷ ولی‌عصر برای اجرای عملیات، گزارش عملیات، گزارش تیپ یک پیاده این لشکر، گزارش تیپ دوم پیاده و گزارش یگان زرهی لشکر در این عملیات پرداخته است. شیوه نویسنده در این کتاب، مصاحبه با فرماندهان و مسئولین لشکر ۷ ولی‌عصر (عج) می‌باشد.

همان‌گونه که اشاره شد تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در باب موضوع این مقاله به عملیات والفجر مقدماتی نپرداخته است. از این حیث می‌توان ادعا کرد که پژوهش حاضر در انتخاب موضوع و تحلیل آن منحصر به فرد است.

۵- روش تحقیق:

روش اجرای این تحقیق، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. با این روش، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از کنکاش در کتاب‌ها و مقالات موجود در کتابخانه‌ها و سایت‌های اینترنتی معتبر و نیز منابع و گزارش‌های منتشرشده توسط مراکز تحقیقاتی مرتبط مانند مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس گردآوری شد. همچنین نقشه‌های توپوگرافی منطقه تهیه و با استفاده از آن نقشه‌ها و داده‌های گردآوری شده موضوع تحقیق مورد تحلیل قرار گرفت.

۶- یافته‌های تحقیق

۱-۶- بررسی جغرافیایی منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی:

۱-۱-۶- موقعیت جغرافیایی منطقه عملیات:

همان‌گونه که گفته شد این عملیات در منطقه فکه انجام شد. فکه، منطقه‌ای است بیابانی در شمال غربی خوزستان و جنوب شرقی استان ایلام. منطقه فکه، از جنوب به چزابه و شهر بستان، از شرق به میشداغ و رقابیه، از شمال غرب به عین خوش و شهر موسیان، از شمال شرق به چنانه، برغازه و سپس به شهر شوش و از غرب به استان العماره عراق منتهی می‌گردد. طول و عرض

جغرافیایی منطقه عمومی فکه از ۳۱ درجه و ۵۴ دقیقه شمالی تا ۳۲ درجه و ۱۵ دقیقه شمالی و ۴۷ درجه و ۲۵ دقیقه شرقی تا ۴۷ درجه و ۵۵ دقیقه شرقی امتداد دارد. ارتفاع آن از ۰ تا ۱۴۰ متر از جنوب به شمال، گسترده است (پوراحمد، ۱۳۹۰: ۱۸).

فکه به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. بخش جنوبی آن جزء استان خوزستان و شهرستان دشت آزادگان محسوب می‌شود، بخش شمالی آن جزء استان ایلام و از توابع شهرستان دهلران می‌باشد.

منطقه فکه، رملی و سرزمین شن‌های روان است، در بخش جنوبی آن رمل و شن‌های روان بیشتر است؛ به گونه‌ای که حرکت کردن روی آن بسیار سخت و طاقت فرسا است. خاک فکه شمالی سخت‌تر است و در بخش‌هایی از آن، خاک‌های رس و خاک‌های قابل کشت وجود دارد. بارندگی در فکه بسیار کم است، به گونه‌ای که اکثر مناطق آن خشک و بی آب و علف است؛ در منطقه فکه جنوبی، تعداد روستاها به تعداد انگشتان دستان هم نمی‌رسد و تنها عده‌ای از عشایر در آن زندگی می‌کنند. در منطقه فکه شمالی به علت وجود رودخانه دویرج و باران‌های فصلی، روستاهای معدودی وجود دارد و منطقه قابل تحمل‌تری می‌باشد.

۲- ۱- ۶- ارتفاعات و عوارض شمال منطقه عملیاتی:

به‌طور کلی ارتفاعات موجود در استان خوزستان دارای قله و ارتفاعات زیادی نیست. این ارتفاعات به دو قسمت مرکزی و مرزی تقسیم می‌شود. منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی در ارتفاعات مرزی واقع شده است. برخی از زمین‌شناسان و جغرافی‌دانان معتقدند که این منطقه از نظر توپوگرافی فاقد چین‌خوردگی مهمی می‌باشد. مهم‌ترین عارضه توپوگرافی این منطقه که از نظر نظامی نیز دارای اهمیت می‌باشد، وجود کوه‌های حمزین و فوقی در شمال غربی آن و نیز تپه‌های رملی و شنی در قسمت شرقی این منطقه است. ارتفاعات حمزین دارای قله‌های مجزا از هم بوده و دره‌های نسبتاً عمیقی در آن وجود دارد که حاصل فرسایش آبی و سیلاب‌های زمستانه می‌باشند (رمضانی، ۱۳۸۱: ۷۹). ارتفاعات «حمزین» در این ناحیه به نحوی گسترش یافته است که خط مرز از «فکه» در جنوب این ارتفاعات تا محل عبور رودخانه «میمه» از ایران به عراق در میان آن عبور می‌کند. این ارتفاعات در جنوب غربی «موسیان»، حداکثر ۴۰۰ متر و در منطقه‌ی «ربوط»

به سمت «فکه» حدود ۱۵۰ متر ارتفاع دارد.

ارتفاعات جبل فوقی ارتفاعات محدودی است که در شمال منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی واقع شده است و اکثر قسمت‌های آن در خاک عراق ادامه دارد و ادامه آن به ارتفاعات حمزین محدود می‌گردد.

۳-۱-۶- رمل‌ها یا تپه‌های شنی:

یکی از ویژگی‌های مهم منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی، وجود تپه‌های شنی یا همان رمل‌ها است. این عارضه طبیعی از جمله رسوبات عهد حاضر است که در سطح تقریباً وسیعی، قسمت‌هایی از سطح منطقه خوزستان به‌خصوص منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی را پوشش داده است. این رسوبات چون توسط بادهای جابه‌جا می‌شوند، عموماً دارای قدرت تحرک فراوان بوده و به همین دلیل مشکلات و دشواری‌های زیادی برای مراکز تجمع انسانی به وجود می‌آورند. به طور کلی، منشاء این رمل‌ها از تخریب مکانیکی و فرسایش بادی ماسه‌های حمل‌شده به این منطقه می‌باشد. این ذرات اکثراً به صورت چندضلعی‌هایی با زوایه‌های تند است (کریمی، ۱۳۹۸: ۱۵۰). از نظر مرفولوژیکی، زمین‌های منطقه فکه از جنس رسوبات رس، سیلت و شن می‌باشند که غالباً تحت فرسایش آبی و بادی قرار می‌گیرند. از مشخصات خاک این اراضی، وجود خاک‌های رسوبی شور با بافت درشت و خاک‌های کالوویال و ریگوسل می‌باشد که در تقسیم‌بندی خاک به روش فائو، از خاک‌های عمیق با بافت متوسط تا سنگین می‌باشند و از آبرفت‌های جوان شکل گرفته‌اند. خاک‌های این منطقه، شور و دارای املاح محلول زیاد و بدون ساختمان فیزیکی است (رمضانی، ۱۳۸۱: ۷۹).

تپه‌های رملی در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی از محدوده تنگه چزابه تا پاسگاه فکه گسترده شده‌اند. وجود باد سالیانه غربی شرقی در این منطقه، سبب جابه‌جایی این تپه‌های ماسه‌ای از غرب به شرق می‌شود. برابر محاسبات انجام‌شده، اگر طرح تثبیت ماسه‌های روان در این مناطق اجرا نشود، این تپه‌ها با همه عظمت، سالیانه ۲ سانتیمتر جابه‌جا خواهند شد.

۴-۱-۶- پوشش گیاهی منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی:

از لحاظ پوشش گیاهی، این منطقه فقیر و فاقد تنوع گیاهی بوده و قسمت اعظم این منطقه

دارای پوشش گیاهی علفخواری و گیاهانی از نوع «داز» می‌باشد. گاهی تک درختان گز به صورت پراکنده در این منطقه دیده می‌شود. در جنوب تنگه ذلیجان، منطقه‌ای از انبوه درختان گز دیده می‌شود که به جنگل عمق شهرت دارد.

۵- ۱- ۶- شبکه آب‌های منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی:

مهم‌ترین شبکه آبی که در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی جریان دارد، رودخانه دویرج می‌باشد. رودخانه دویرج در ۳ کیلومتری شمال غربی فکه واقع شده است. این رودخانه از کوه‌های کبیرکوه در شمال شرق دهلران سرچشمه گرفته و پس از جمع‌آوری آب‌های منطقه وسیعی از غرب کشور، از ایران خارج شده و وارد خاک عراق می‌گردد. این رودخانه پس از عبور از بخش‌های موسیان و آبدانان وارد منطقه فکه شده و قسمتی از مرز دو کشور ایران و عراق را تشکیل داده و سپس وارد خاک عراق می‌گردد. طول این رودخانه حدود ۲۰۰ کیلومتر بوده و وسعت حوضه آبریز آن ۲۴۴۰ کیلومتر مربع می‌باشد. این رودخانه جریان دائمی داشته و دارای آبی شور با سیلاب‌های شدید می‌باشد. آب‌دهی متوسط رودخانه دویرج ۵/۰۸ متر مکعب در ثانیه است (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۹۸).

۶- ۱- ۶- اقلیم منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی:

آب‌وهوای منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی، بیابانی، گرم و خشک است. در چنین منطقه‌ای، تبخیر سالیانه بیشتر از بارش بوده و به همین دلیل، تنوع بیولوژی در آن محدود می‌شود. متوسط بارش سالیانه در مناطق خشک بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ میلی‌متر است (کریمی، ۱۳۹۸: ۷۱).



نقشه ۲ - شمای جغرافیای طبیعی منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی

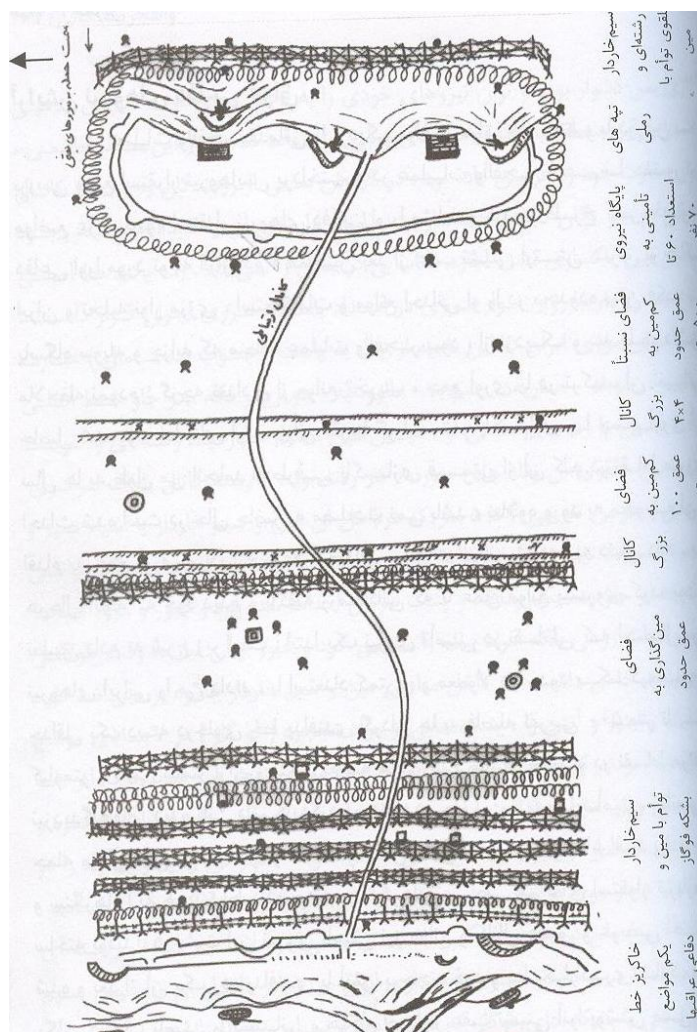
۷ - ۱ - ۶ - جغرافیای انسانی (عوامل دست‌ساز) منطقه عملیاتی والفجر

مقدماتی:

در این پژوهش از جغرافیای انسانی و یا همان عوامل دست‌ساز منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی به عنوان موانع یاد شده است. به‌طور کلی، هر نوع عارضه زمینی، حالت خاص از خاک، آب‌وهوا یا اشیاء ساختگی غیر از قدرت آتش که به منظور اختلال در حرکت، نفوذ و پیشروی دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانع نامیده می‌شود (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

در پی شکست‌های عراق در عملیات‌های قبل از عملیات والفجر مقدماتی، ارتش بعث با دست‌کاری در جغرافیای طبیعی منطقه، موانع مصنوعی بسیاری را در این منطقه ایجاد کرد. میدین مین گسترده، انواع سیم‌های خاردار و کانال، بخشی از این موانع مصنوعی می‌باشد.

مهم‌ترین عارضه دست‌ساز منطقه، حفر سه کانال توسط عراق در منطقه بود. کانال اول که در فاصله ۷۰۰ متری از تپه دو قلو حفر شده بود، حدود یک‌صد کیلومتر (از شرفانی تا چزابه) طول داشت. ۶ متر عرض و ۴ متر عمق داشت. در زمان بارندگی به دلیل رُسی‌بودن خاک کف کانال‌ها، گل جمع شده و بعد از مدت کوتاهی تبدیل به لجن می‌شد. در بعضی از قسمت‌های کانال، حدود نیم متر آب و لجن وجود داشت.



نقشه ۳- شمای عوارض مصنوعی ایجادشده در عملیات والفجر مقدماتی

۲-۶- تحلیل عوامل جغرافیایی مؤثر در عملیات والفجر مقدماتی

تحلیل مکانی در همه ابعادش، مهم‌ترین موضوع در علم جغرافیا است. چنین تحلیلی می‌تواند در اکثر رشته‌ها و دانش‌ها، نقش کاربردی ایفا کند. از جمله این رشته‌ها که نیاز ضروری به تحلیل مکانی دارد، جغرافیای نظامی می‌باشد؛ زیرا تمام اعمال و طرح‌های نظامی در بستر مکان صورت می‌گیرد و شناخت پدیده‌های جغرافیایی در انجام هر گونه طرح و عملیات نظامی مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند.

عوامل جغرافیایی و نحوه پراکندگی عوارض جغرافیایی از جمله وجود کوه‌ها، دره‌ها، اقلیم، نوع خاک و پوشش گیاهی و موقعیت جغرافیایی منطقه، هر کدام به صورت فردی و در ارتباط با هم در نحوه حرکت نیروها و چگونگی عملیات، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کنند. به همین جهت طراحان نظامی و فرماندهان هر عملیات باید آشنایی کاملی با منطقه و عوارض و جغرافیای مکان عملیات داشته باشند؛ زیرا تنها با آگاهی از این امر می‌تواند با تحمل کمترین خسارات و تلفات به هدف مورد نظر رسید.

در عملیات والفجر مقدماتی نیز همانند سایر عملیات‌های نظامی، مهم‌ترین مسئله در میان فرماندهان نظامی عملیات، شناسایی دقیق عوارض و پدیده‌های جغرافیایی منطقه عملیات بود.

۱-۲-۶- اثر عوامل مورفولوژیک و جغرافیای طبیعی روی عملیات:

همانطور که اشاره شد یکی از مهم‌ترین پوشش‌های گیاهی منطقه عملیات، وجود گیاهان گز در منطقه‌ای موسوم به جنگل عمقر بود. در عملیات والفجر مقدماتی، رزمندگان درمانگاه صحرایی، قرارگاه و بنه‌های تدارکاتی خود را در پناه این درختان احداث کرده بودند و در شب عملیات از این محل برای تجهیز، سازمان‌دهی، هدایت و پشتیبانی گردان‌های عمل‌کننده در محور جنوبی استفاده می‌کردند. نیروهای جهاد سازندگی برای تسهیل تردد به دشت‌های شرق فکه، به ساخت جاده‌ای با تراورس و صفحه‌های فلزی مشبک از میان این جنگل تا پاسگاه‌های مرزی صفریه و رشیدیه اقدام کردند که به علت کمبود امکانات ناتمام ماند. خاک منطقه به دلیل رملی بودن و جابه‌جایی رمل‌ها، بیشترین چالش و مشکل را برای رزمندگان اسلام در شناسایی و زمان اجرای عملیات ایجاد کرده بود.

زمین ناپایدار منطقه عملیاتی که سرشار از شن‌های روان بود، معضلات مختلفی را برای نیروهای اطلاعات که وظیفه شناسایی منطقه را برعهده داشتند، پیش رو گذاشت. بهم‌ریختن نظام میداین مین چند ساله و جابه‌جایی‌های مین‌های کارگذاری‌شده توسط دشمن، از بین رفتن جاده‌های روستایی، تغییرات سریع جوی، حرکت تند ریزگردها و مه‌آلودشدن ناگهانی هوا، باران‌های تند جنوب و مشکل نمودن تردد در مسیرها از جمله آن‌ها بودند. عدم امکان حفر سنگر و برپاکردن چادر به جای آن، از چالشی‌ترین موضوعاتی بود که خطر لو رفتن مأموریت شناسایی و حساسیت دشمن را نیز به دنبال داشت.

یکی از نیروهای شناسایی در کتاب نبرد در رمل‌های جنگل عمقر در خصوص مشکلات عدیده فراروی شناسایی منطقه فوق می‌گوید: «زمین ناپایدار منطقه عملیاتی که سرشار از شن‌های روان بود، معضلات مختلفی را برای نیروهای اطلاعات که وظیفه شناسایی منطقه را برعهده داشتند، پیش رو گذاشت. بهم‌ریختن نظام میداین مین چند ساله و جابه‌جایی‌های مین‌های کارگذاری‌شده توسط دشمن، از بین رفتن جاده‌های روستایی، تغییرات سریع جوی، حرکت تند ریزگردها و مه‌آلودشدن ناگهانی هوا، باران‌های تند جنوب و مشکل نمودن تردد در مسیرها از جمله آن‌ها بودند. عدم امکان حفر سنگر و برپاکردن چادر به جای آن، از چالشی‌ترین موضوعاتی بود که خطر لو رفتن مأموریت شناسایی و حساسیت دشمن را نیز به دنبال داشت» (سالمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۴۷).

وی ادامه می‌دهد که: «یکی از مشکلات ما رملی بودن زمین بود، چه وقتی سواره بودیم و چه پیاده. ابتدا با موتور، هر ۱۰، ۲۰ متر که می‌رفتیم زمین می‌خوردیم؛ چرخ جلوی موتور خیلی سریع در رمل فرو می‌رفت و موتور را واژگون می‌کرد؛ اما بعدها یاد گرفتیم که باید فرمان را محکم بگیریم و گاز بدهیم. اگر کمی توقف می‌کردیم، چرخ جلو توی رمل‌ها فرو می‌رفت. این تجربه را به دیگران هم انتقال دادیم و کم‌کم برایمان عادی شد. دو میدان مین با مین‌های خیلی زیاد توی منطقه بود که مشخص نبودند، چون رمل‌ها روی‌شان را پوشانده بودند» (همان).

در هنگام باد و طوفان و باران، مشکلات شناسایی منطقه صدچندان می‌شد. غلامرضا کاج به عنوان مسئول طرح و عملیات لشکر ۷ ولی‌عصر در زمان عملیات می‌گوید: در این عملیات، این اولین بار بود که در زمین‌های رملی باید عملیات انجام می‌دادیم، عملیات‌های پیشین همگی در

زمین‌های خاکی و محکم بودند. از طرفی چون زمین ناپایدار بود و نمی‌شد در آن سنگر زد، همه نیروها در چادر مستقر می‌شدند؛ هرچند از نظر نظامی کار صحیحی نبود و امکان عکس‌برداری هوایی توسط دشمن زیاد بود. مشکل دیگر، رملی‌بودن زمین و خطرپذیری هنگام عبور از میادین مین بود؛ چرا که مین‌ها همراه شن‌های روان، جابه‌جا شده بودند. ما علاوه بر مهارت در حرکت در شنزار، باید فکری هم برای خنثی‌سازی و یافتن مین‌ها در مسیر حرکتمان می‌کردیم.

ما در گزارش‌های خود اوضاع جوی را هم می‌نوشتیم که امروز هوا ابری بود، باران‌زا بود، باد همراه با ریزگرد و حتی شن بود، هوا مه‌آلود یا خاک‌آلود بود و اجازه دید را به ما نمی‌داد و... به هر حال جو و هواشناسی موضوعی بود که باید توسط واحد اطلاعات مورد توجه قرار می‌گرفت و واحدهای مربوطه را در جریان آن می‌گذاشت (همان، ۴۹).

یکی دیگر از نیروهای شناسایی منطقه، برخی از خصوصیات منطقه را چنین برشمرده است: منطقه عمومی جنگل عمقر در ماه‌هایی از سال، شرایط خاصی داشت که به‌اختصار به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

۱- فاصله مقر استقرار تا خطوط دشمن خیلی زیاد بود و امکان استفاده از وسایل نقلیه خیلی محدود بود، چون تردد وسایل نقلیه باعث هوشیاری دشمن می‌شد. از طرفی جاده مناسب نیز در آن فاصله نبود.

۲- در ماه‌های دی و بهمن سال ۱۳۶۱، هوا بسیار سرد بود و دما به زیر صفر می‌رسید، به‌طوری که اغلب موجب یخ‌زدگی آب‌های سطحی می‌شد.

۳- خاک منطقه رملی بود و حرکت روی آن در مسافت‌های طولانی چه به‌صورت پیاده و چه با موتورسیکلت مشکل بود.

۴- شب‌های غیر مهتابی و ابری، هوا به قدری تاریک می‌شد که نفرات مجبور بودند با فاصله بسیار کم از همدیگر حرکت کنند، به‌طوری که بعضی مواقع با توقف نفر جلویی، نفر پشت سر با او برخورد می‌کرد (همان، ۵۰).

دشت‌بودن منطقه عملیاتی نیز اگرچه فرصت بسیار خوبی برای تشخیص به‌هنگام هواپیماهای دشمن و انجام عکس‌العمل مناسب از طرف نیروهای ایرانی فراهم کرده بود، اما آسیب‌پذیری رزمندگان اسلام را در این عملیات زیاد کرده بود.

جغرافیای طبیعی منطقه باعث شده بود تا از زرهی برای عملیات، استفاده درست و مناسبی نشود. عمق میدان نبرد، سختی پیاده‌روی ۱۲ کیلومتری نیروهای پیاده در رمل و تلاش برای استفاده حداکثری از زمان به منظور فتح مواضع تعیین شده قبل از روشنایی صبح از جمله دلایلی بودند که فرماندهان و حتی فرمانده و نیروهای تیپ زرهی را به چالش کشید. از جمله موضوعات چالشی، آشنایی اندک راننده‌های خودروهای زرهی با محور عملیاتی لشکر، کمبود تجهیزات زرهی و فرسوده‌بودن آن‌ها که عموماً غنیمتی بودند، مخاطره‌بودن حمل بیش از ظرفیت نفرات بر بالای نفربرها، حجیم و مشخص‌بودن هدف برای توپخانه و آر پی جی زن‌های دشمن، سختی کنترل و هدایت تعداد زیادی تجهیزات زرهی به دلیل پراکندگی آن‌ها در دشت، نداشتن تجربه کافی و جدیدبودن این نوع عملیات سوار زرهی - که برای اولین بار صورت می‌گرفت - و مسائلی از این دست بودند. علاوه بر آن در صحنه عمل، حرکت تند نفربرها روی رمل‌ها، باعث گرد و خاک شدید و در نتیجه کم کردن دید نفربرهای عقب‌تر و سبب سقوط برخی از آن‌ها در کانال‌های دشمن گردید.

سردار کوسه‌چی با یادآوری خاطرات خود در این مورد می‌گوید: «از مهم‌ترین دلایل استفاده از زرهی که برای اولین بار به صورت هم‌زمان با گردان‌های پیاده و برای انتقال نیروها در رمل و در شب استفاده می‌شد؛ در واقع دسترسی به منطقه بصره بود که بعد از عملیات بیت‌المقدس به هیچ وجه امکان دسترسی به آن وجود نداشت؛ چرا که دشمن با ایجاد خاکریز مثلی شکل و موانع متعدد و استحکامات قابل توجه توانست از نفوذ و حرکت نیروهای خودی جلوگیری کند. لذا برای دورزدن دشمن و موانع او، این منطقه انتخاب شده بود. لیکن لازمه این حرکت، تصرف پل غزیه و پایگاه‌های مرزی سابل، رشیدی، وهب، صفریه و چند پاسگاه دیگر و رسیدن به منطقه العماره بود. لذا حرکت نیرو از منطقه رهایی تا اولین موانع و خطوط پدافندی دشمن، حدود ۸ تا ۱۰ کیلومتر پیاده‌روی در زمین‌های رملی بود که حرکت در این گونه زمین‌ها نیروها را چند برابر خسته می‌کند» (سالمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۳۶).

عبدالمحمد کوچک، جانشین ستاد یکی از لشکرهای عمل‌کننده در عملیات والفجر مقدماتی با اشاره به این موضوع می‌گوید: «در یکی از جلسات فرماندهی، طرح عملیاتی لشکر و چگونگی واردشدن گردان‌ها مورد بحث قرار گرفت. منطقه عمومی عملیات، ماسه‌ای بود و از طرفی فاصله

خط خودی تا خط دشمن نزدیک ۹ کیلومتر بود. علاوه بر این، ما اهدافی را در عمق باید تصرف می‌کردیم؛ یعنی چیزی حدود ۱۵ کیلومتر در مرحله اول باید پیشروی می‌کردیم. جنس زمین به دلیل ماسه‌ای بودن، برای حرکت نیروهای پیاده خسته‌کننده بود، در عین حال آن‌ها باید از میادین مین وسیع و چندین کانال هم عبور می‌کردند. به همین دلایل تصمیم گرفته شد در شب عملیات، نیروها مسیر را به وسیله تانک و نفربر طی کنند. لذا برای اولین بار به نیروها آموزش سوار و پیاده شدن از تانک و نفربر داده شد. ولی با این حال اولین تجربه ما در سوار زرهی محسوب می‌شد. برادر علی نوری، از فرماندهان زرهی در جلسه کنار من نشسته بود و دائم می‌گفت: این کار اشتباهی است و نمی‌توان از ادوات زرهی برای حمل نیرو استفاده کرد، ولی جرأت علنی کردن اظهارات خود را نداشت و یقیناً اگر هم مطرح می‌کرد، مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت، چون غالب فرماندهان و مسئولان با استفاده از ادوات زرهی در شب موافق بودند» (همان).

۲-۲-۶- اثر جغرافیای انسانی (عوامل دست‌ساز) روی عملیات:

همان‌گونه که گذشت، ارتش بعث عراق با کمک مستشاران خارجی خود، زمین منطقه را دست‌کاری کرده و به انواع موانع مسلح کرده بود. گفته می‌شود دشمن برای اولین بار از آغاز جنگ تا عملیات والفجر مقدماتی، در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی بیش از ۱۶ رده مانع، برای متوقف کردن یا اتلاف وقت رزمندگان اسلام کار گذاشته تا مانع از سقوط خطوط دفاعی خود گردد. از این میان، شاید مهم‌ترین آن‌ها کانال زوجی بودند که با عمیق و عریض کردن آن‌ها و گستردن سیم خاردار، موانع خورشیدی و انواع مین در کف آن‌ها، امیدوار بود که عبور از آن‌ها برای رزمندگان اسلام غیرممکن شود؛ اما رزمندگان گردان‌های خط‌شکن با همراه بردن نردبان‌های چوبی با ارتفاع دلخواه تلاش داشتند بر این مانع مصنوعی سدکننده فائق آیند. گفتنی است که ارتش عراق در این منطقه، ۳ کانال سراسری و موازی موسوم به کانال اول، کانال دوم و کانال کشاورزی احداث کرده بود. کانال‌های اول و دوم به فاصله یک کیلومتر از یکدیگر و دارای عرض ۵ متر و عمق بیش از ۲ متر بودند و از چزابه آغاز و تا شهرک طیب ادامه داشتند. ارتش عراق، درون این کانال‌ها را با سیم خاردار و مین‌های نامنظم مسلح کرده بود. کانال کشاورزی که کانالی قدیمی و در دو طرف آن خاکریز احداث شده بود، از شمال منطقه در عراق

آغاز شده و پس از ۲۰ کیلومتر به هورالهویزه وصل می‌شد. عرض کانال ۱۰ متر و عمق آن ۵ متر بود (لطف‌الله زادگان، ۱۳۹۲: ۲۲).

فرمانده لشکر ۷ ولی‌عصر در این خصوص می‌گوید: «عراقی‌ها کانال بسیار بزرگی را با عمق و عرض زیاد در منطقه عملیات ایجاد کرده بودند که پلی روی آن نبود، یعنی هیچ راهی برای عبور از آن وجود نداشت. بچه‌های اطلاعات برای ورود به کانال نردبان می‌بردند و با قراردادن نردبان پایین می‌رفتند و سپس نردبان را در آن طرف کانال می‌گذاشتند و بالا می‌رفتند و منطقه دشمن را شناسایی می‌کردند. نیروهای اطلاعاتی به ما گزارش دادند که عراق اقدام به ایجاد مواضع و موانعی در مکان‌هایی کرده که بچه‌ها از قبل برای نفوذ به عراقی‌ها شناسایی کرده بودند. درون این کانال بزرگ را هم سیم خاردار زده و میدان مین ایجاد کرده است، همچنین دشمن خطوط پدافندی زده و مواضع محکمی ایجاد کرده است» (سالمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۳۹).



شکل ۱ - تصویری از یکی از موانع مصنوعی در عملیات والفجر مقدماتی

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

شناخت پدیده‌های جغرافیایی در انجام هرگونه طرح و عملیات نظامی، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. عوامل جغرافیایی و نحوه پراکندگی عوارض جغرافیایی از جمله وجود کوه‌ها، دره‌ها، اقلیم، نوع خاک و پوشش گیاهی و موقعیت جغرافیایی منطقه هرکدام به صورت فردی و در ارتباط با هم در نحوه حرکت نیروها و چگونگی عملیات، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کنند. به همین جهت، طراحان نظامی و فرماندهان هر عملیات باید آشنایی کاملی با منطقه و عوارض و جغرافیای مکان عملیات داشته باشند؛ زیرا تنها با آگاهی از این امر می‌توانند با تحمل کمترین خسارات و تلفات به هدف مورد نظر رسید.

در عملیات والفجر مقدماتی نیز همانند سایر عملیات‌های نظامی، مهم‌ترین مسئله در میان فرماندهان نظامی عملیات، شناسایی دقیق عوارض و پدیده‌های جغرافیایی منطقه عملیات بود. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که عوامل جغرافیایی چه نقشی در طرح‌ریزی، اجرا و نتایج عملیات والفجر مقدماتی داشته است؟ می‌توان گفت که در این عملیات، به‌رغم شناسایی‌های گسترده و دقیق زمین و عوارض جغرافیایی منطقه، عوامل مصنوعی و ایجاد موانع گسترده ارتش بعث عراق، در نرسیدن این عملیات به هدف مورد نظر موثر بوده است.

از نظر ارتفاعات، منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی در ارتفاعات مرزی استان خوزستان واقع شده است. مهم‌ترین عارضه توپوگرافی این منطقه که از نظر نظامی نیز دارای اهمیت می‌باشد، وجود کوه‌های حمیرین و فوقی در شمال غربی آن و نیز تپه‌های رملی و شنی در قسمت شرقی این منطقه است. ارتفاعات جبل فوقی، ارتفاعات محدودی است که در شمال منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی واقع شده است و اکثر قسمت‌های آن در خاک عراق ادامه دارد و ادامه آن به ارتفاعات حمیرین محدود می‌گردد.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی، وجود تپه‌های شنی یا همان رمل‌ها است. تپه‌های رملی در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی از محدوده تنگه چزابه تا پاسگاه فکه گسترده شده‌اند.

از لحاظ پوشش گیاهی، این منطقه فقیر و فاقد تنوع گیاهی بوده و قسمت اعظم این منطقه دارای پوشش گیاهی علفخواری و گیاهانی از نوع «داز» می‌باشد. گاهی تک درختان گز به صورت پراکنده در این منطقه دیده می‌شود. در جنوب تنگه ذلیجان، منطقه‌ای از انبوه درختان گز دیده می‌شود که به جنگل عمق شهرت دارد.

مهم‌ترین شبکه آبی که در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی جریان دارد، رودخانه دویرج می‌باشد. رودخانه دویرج در ۳ کیلومتری شمال غربی فکه واقع شده است. این رودخانه از کوه‌های کبیر کوه در شمال شرق دهلران سرچشمه گرفته و پس از جمع‌آوری آب‌های منطقه وسیعی از غرب کشور از ایران خارج شده و وارد خاک عراق می‌گردد.

مهم‌ترین عارضه مصنوعی منطقه، حفر سه کانال توسط عراق در منطقه بود. کانال اول که در فاصله ۷۰۰ متری از تپه دو قلو حفر شده بود، حدود یک‌صد کیلومتر (از شرهانی تا چزابه) طول داشت. ۶ متر عرض و ۴ متر عمق داشت. در زمان بارندگی به دلیل رسی‌بودن خاک کف کانال‌ها، گل جمع شده و بعد از مدت کوتاهی تبدیل به لجن می‌شد. در بعضی از قسمت‌های کانال، حدود نیم متر آب و لجن وجود داشت.

یکی از مهم‌ترین پوشش‌های گیاهی منطقه عملیات، وجود گیاهان گز در منطقه‌ای موسوم به جنگل عمقر بود. در عملیات والفجر مقدماتی، رزمندگان، درمانگاه صحرایی، قرارگاه و بنه‌های تدارکاتی خود را در پناه این درختان احداث کرده بودند و در شب عملیات از این محل برای تجهیز، سازمان‌دهی، هدایت و پشتیبانی گردان‌های عمل‌کننده در محور جنوبی استفاده می‌کردند. نیروهای جهاد سازندگی برای تسهیل تردد به دشت‌های شرق فکه، به ساخت جاده‌ای با تراورس و صفحه‌های فلزی مشبک از میان این جنگل تا پاسگاه‌های مرزی صفریه و رشیدیه اقدام کردند که به علت کمبود امکانات ناتمام ماند.

خاک منطقه به دلیل رملی‌بودن و جابه‌جایی رمل‌ها، بیشترین چالش و مشکل را برای رزمندگان اسلام در شناسایی و زمان اجرای عملیات ایجاد کرد.

زمین ناپایدار منطقه عملیاتی که سرشار از شن‌های روان بود، معضلات مختلفی را برای نیروهای اطلاعات که وظیفه شناسایی منطقه را برعهده داشتند، پیش رو گذاشت. بهم‌ریختن نظام میدانی مین چند ساله و جابه‌جایی‌های مین‌های کارگذاری‌شده توسط دشمن، از بین رفتن جاده‌های روستایی، تغییرات سریع جوی، حرکت تند ریزگردها و مه‌آلودشدن ناگهانی هوا، باران‌های تند جنوب و مشکل نمودن تردد در مسیرها از جمله آن‌ها بودند. عدم امکان حفر سنگر و برپاکردن چادر به‌جای آن، از چالشی‌ترین موضوعاتی بود که خطر لو رفتن مأموریت شناسایی و حساسیت دشمن را نیز به دنبال داشت.



شکل ۲- تصویری از یکی از موانع طبیعی منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی

دشت‌بودن منطقه عملیاتی نیز اگرچه فرصت بسیار خوبی برای تشخیص به‌هنگام هواپیماهای دشمن و انجام عکس‌العمل مناسب از طرف نیروهای ایرانی فراهم کرده بود، اما آسیب‌پذیری رزمندگان اسلام را در این عملیات زیاد کرده بود.

جغرافیای طبیعی منطقه باعث شده بود تا از زرهی برای عملیات استفاده درست و مناسبی نشود. عمق میدان نبرد، سختی پیاده‌روی ۱۲ کیلومتری نیروهای پیاده در رمل و تلاش برای استفاده حداکثری از زمان برای فتح مواضع تعیین‌شده قبل از روشنایی صبح از جمله دلایلی بودند که فرماندهان و حتی فرمانده و نیروهای تیپ زرهی را به چالش کشید.

در خصوص اثر جغرافیای انسانی و یا همان عوامل دست‌ساز (موانع مصنوعی ارتش بعث عراق) روی عملیات می‌توان گفت که ارتش عراق در این منطقه، ۳ کانال سراسری و موازی موسوم به کانال اول، کانال دوم و کانال کشاورزی احداث کرده بود؛ بنابراین در پاسخ به سؤال پژوهش می‌توان گفت که رمل‌ها و عوامل جغرافیایی انسانی، بیشترین نقش را در نتیجه عملیات بر عهده داشتند.

پیشنهاد:

با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود که در طرح‌ریزی عملیات‌های نظامی، حتماً یک کارشناس خبره مورفولوژی در کنار طراح و فرمانده عملیات‌های نظامی حضور داشته و با بررسی دقیق مورفولوژی منطقه، فرمانده را در طرح‌ریزی بدون نقص و موفق یاری نماید.

منابع:

- ۱- افشین، یدالله (۱۳۷۳). رودخانه‌های ایران، تهران: وزارت نیرو.
- ۲- بوذرجمهری، علیرضا (۱۳۶۴). نگرشی به شهرستان دشت آزادگان، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۳- پوراحمد، احمد (۱۳۹۰). جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۴- پورجباری، پژمان (۱۳۹۰). اطلس جغرافیای حماسی، جلد اول، تهران: انتشارات صریر.
- ۵- رزم آرا، علی (۱۳۲۰). جغرافیای نظامی ایران (خوزستان)، تهران: انتشارات ارتش.
- ۶- رمضان، نبی‌الله (۱۳۸۱). نقش عوامل جغرافیایی در عملیات عاشورای ۳، فصلنامه ره‌آورد مدیریت نظامی، شماره ۷، پاییز.
- ۷- سالمی‌نژاد، عبدالرضا (۱۳۹۷). نبرد در رمل‌های جنگل عمقر، تهران: نشر نیلوفران.
- ۸- لطف‌الله زادگان، علیرضا (۱۳۹۲). روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب بیست و سوم، والفجر مقدماتی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۹- طاهری، عباس (۱۳۸۸). مهندسی رزمی، تهران: مرکز تألیف کتب درسی معاونت تربیت و آموزش سپاه.
- ۱۰- کریمی، مرتضی. شاه‌زیدی، سمیه‌سادات (۱۳۹۸). ژئومورفولوژی و آمایش سرزمینی ایران، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین(ع).
- ۱۱- علایی، حسین (۱۳۹۵). تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، تهران: انتشارات مرز و بوم.

A Review of the Geographical Factors' Role in the Planning, Implementation and Results of Preliminary Valfajr Operation

Morteza Karimi¹, Mohsen Radmehr², Mohsen Ghaffari³

Abstract

Geographical factors have always played a decisive and vital role in the fate of a military operation. This issue has also been important in the planning and implementation of sacred defense operations. The preliminary Valfajr operation, that carried out on 1361/11/18 in the western sandy region of the Mishdag heights, between Fakkeh and Chazzabeh, is one of these operations.

This study tries to investigate the geographical factors affecting the planning, implementation and results of preliminary Valfajr operation by using descriptive-analytical method. Basically, it has tried to answer the main question: what role did geographical factors play in the planning, implementation and results of the preliminary Valfajr operation?

The findings show that geographical factors also played a vital role in this operation. Among the natural geographical factors, "sand dunes" played the most important role in this operation. As a vegetation in operation, Amghar Forest has helped Islamic warriors in establishing field clinics, training camps and bases, equipping, organizing, directing and supporting the operating battalions in the southern axis. The natural geography of the area prevented the armor from being used properly for the operation. In addition to this natural barrier, artificial Iraqi man-made barriers have caused a key role in the failure of Islamic fighters in this operation.

Keywords: Preliminary Valfajr, Geographical factors, Sand, Barriers, Amghar Forest.

1- Ph.D. in Military Geography and Faculty Member, Imam Hussein (as) Complex University

2- Correspondent Author, Teacher and Lecturer, Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards

3- Lecturer of Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards

Analytical study of the most important factors in the victory of the Sacred Defense in comparison with the Second Iran-Russia War

Mehdi Ramezani¹, Mohammad Hafazisefat²

Abstract

The land of the Islamic Republic of Iran has always been coveted by powerful countries due to its strategic location which has happened in different ways throughout history. Unfortunately, each of this has been associated with the disintegration of a part of Iran and has put shame on the forehead of this nation's history. Although in most of the past wars, the people defended the country wholeheartedly by accompanying of the Ulema (the clergy group) and the issuance of the ruling of jihad, but in the end, a part of the homeland fell into the hands of foreigners. In the latest one to separate Khuzestan province from Islamic Iran, the unique defense of the people of Islamic Iran under the command of Imam Khomeini (as), during the eight years of the imposed war, despite all the problems and hardships, it insured the new-born Islamic Revolution and secured many of Iran's indisputable rights. Also, this resistance, while guaranteeing the independence and territorial integrity of the country, taught the oppressed and oppressed people of the world the lesson of resistance against global arrogance.

This study examines the most important factors in the victory of the Sacred Defense in comparison with the Second Iran-Russia War, and seeks to answer the question: What are the most important factors in the victory of the Sacred Defense in comparison with the Second Iran-Russia War? For this purpose, the present study has been done in a scientific way by using the view point of experts in this field and analyzing the collected resources.

To answer the research question, first the second Iran-Russia war and the sacred defense were examined, then the most important factors of defeat in the Iran-Russia war and victory in the sacred defense were evaluated. In the end, all the factors of victory in the sacred defense were analyzed by Delphi method. Findings show that trust in God instead of relying on superpowers, leadership and command of Imam Khomeini (as) and self-confidence of the Iranian people are the most important factors for victory in the sacred defense. The findings also show that the global arrogance at the present time is terrified to attack against Islamic Republic of Iran because of trusting God, the leadership and command of Imam Khamenei and the self-confidence of Iranian people.

Keywords: Victory, Sacred Defense, Second Iran-Russia War.

1- Faculty Member and Researcher at the Imam Hussein (a.s.) University for Training Military Officers and Guards

2- Teacher and Lecturer of Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards

Signs of the Formation of Jihadi Management in the Sacred Defense; Case Study of Samen-ol-Aimmeh Operation

Rasoul Hamzhepour Asadi¹, Abdullah Mobini Dehkordi²

Abstract

The unpreparedness of the state and military forces and the intentional and unintentional treacherous of some officials and operatives at the beginning of the imposed war caused the loss of some border cities and important and strategic areas in the three axes of northwest, west and south of the country. This caused a lot of material and moral damage to the body of the army and the people, and by creating an atmosphere of "we can't manage the war", it led the country to negotiation and compromise. However, the removal of Bani Sadr and the reliance on the forces of the army, the IRGC and the Basij changed the management of the war, and with Operation Samen-ol-Aimmeh (AS), the major cities and occupied areas returned to the Islamic Republic in less than 9 months. The present study intends to identify the most important features and characteristics of this operation that led to the continuation of subsequent successes.

This research is applied in terms of purpose and its method is descriptive-analytical. Efforts have been made to collect and analyze the required information, using the library method and referring to existing documents and interviews with experts. Findings show that after the formation of jihadi management during the sacred defense and the operation of Samen-ol-Aimmeh (AS) in September 1981, approaches, strategies, tactics and techniques changed and continued the war with these patterns. And bring success and the word "we can" to the nation and country.

Keywords: Sacred Defense, Jihadi Management, Operation of Samen-ol-Aimmeh (AS).

1- Teacher and M.A in Mechanic Engineering

2- Assistant Professor, Imam Hussein (as) Complex University

Discourse Analysis of the Will of the Martyred commanders of Khalkhal city

Parviz Sabouri Kazaj¹, Javad Sabouri Kazaj²

Abstract

Analysis of the phenomena about the sacred defense has a great importance due to the greatness of this event and its role in understanding the discourse of the Islamic Revolution. Martyrs, the activists of the battlefield of the eight years of sacred defense have left their intellectual and ideal foundations in the form of their will, as the charter of the Islamic Revolution of Iran for future generations. The aim of this study is to analyze the discourse of the will of the martyred commanders of Khalkhal city, using the Padam method (applied discourse analysis method). By analyzing the wills, eight signs of discourse were extracted, which are: 1- Jihad as a test for nearness to God, 2- Keeping the religion of Islam alive and paving the way for the emergence of the Promised Mehdi (as), 3- Unity around obedience of Velayat-e-Faqih, 4- Rationality and spirituality, 5- Emphasis on the right of God and the right of the people, 6- Seeking martyrdom and remembrance of Imam Hussein (AS), 7- Using violence against arrogance, 8- Mosque; As an intellectual and military base.

Keywords: Discourse Analysis, Will, Martyr, Padam Method, Sacred Defense.

1- Ph.D. in Sociology of Iran's Social Affairs

2- M.A Student of Culture and Communications, Imam Sadegh (as) University

The Influence of Salafi-Takfiri Political Thought on the Insecurity of the Islamic Republic of Iran

Mehdi Nataqpour¹, Yaser Rezapour², Ruhollah Pourasiab³

Abstract

Undoubtedly, the Islamic Republic of Iran always faces several dangers in terms of ensuring its national security. One of these dangers is creating insecurity in society. These insecurities are the result of the terrorist activities of extremist groups affiliated with the Salafist ideology, which are becoming more widespread and increasingly violent. This study seeks to investigate and determine the impact or influence of extremist Salafist political thought on the insecurity of the Islamic Republic of Iran. The growing trend of extremist Salafist courses is such that we are witnessing many events in Muslim countries every day, and it seems that this issue will spread to all Muslim countries. These actions, while causing serious damage to the security of Islamic countries, have also created many problems for the international community and have led to the introduction of Islam as a source of violence in the world. These groups have unsecured the communities of the West Asian region and inflicted deadly blows on them. The present study with a descriptive-analytical method tries to answer the question that what is the effect of the political thought of extremist Salafis in creating insecurity in the Islamic Republic of Iran? The type of research in this study is applied and developmental. To conduct the research, the methods of studying related texts, collecting information through library study, reviewing documents and interviewing experts and thinkers in this field have been used. The statistical population of the study is about 25 Defenders of the Shrine, experts of the subject matter and university professors. To determine the sample size, qualitative and non-probabilistic sampling method has been used, based on the results and the fact that the researcher studied, the theoretical saturation by conducting the required interviews, the sample size is considered equal to 25 people. Based on the theoretical data and also reviewing the statistical sample interviews according to the proposed model, the researchers have been analyzed the main and secondary research questions and examined the influence of extremist Salafist political thought in creating insecurity to the Islamic Republic of Iran. Finally, by explaining the results of the extremist Salafist political ideas, solutions and suggestions to prevent further insecurity have been presented.

Keywords: Salafism, Takfir, Insecurity, Islamic World.

1- Faculty Member, Imam Hussein (as) Complex University

2- M.A in Strategic Defense researches

3- Ph.D. in Islamic Philosophy and Speech, Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards

Lebanon's Hezbollah Activism in the Syrian Crisis and Changes in Hezbollah Combat tactics

Jaafar Azimzadeh¹, Bahram AsliZadeh², Ali Ismailzadeh³

Abstract

The outbreak of the Syrian crisis in 2011 and the continuation of the civil war in this country between the Syrian regime and the militants and terrorist groups, had various consequences in the balance of power in the regional order of West Asia. In fact, as a result of this crisis, governmental activists of resistance front which centered by Iran and Russia on the one hand and its non-governmental actors, especially by the Lebanese Hezbollah movement, were able to maintain a regional balance in favor of the resistance front by supporting the Syrian political system and cause extensive geopolitical changes in the regional order of West Asia. Mean While, Lebanese Hezbollah, as an asymmetric activist, entered the Syrian civil war and faced many opportunities and challenges at the tactical and strategic level, especially in the field of its combat tactics. Thus, in this study, the authors hypothesize that Hezbollah's opportunities were more than its challenges in entering the Syrian war and it made Hezbollah to be able to reconsider its combat tactics during the crisis and also become an effective asymmetric force in the regional and even international equations, seek to answer the fundamental question of how Hezbollah's activism in the Syrian crisis has affected its combat tactics by entering in to the Syrian crisis? The results of the research shoe that Hezbollah has made changes in his combat tactics by entering in to the Syrian crisis such as: acquiring new technical and weapons capabilities, acquiring new tactical capabilities and so on.

Keywords: Syrian crisis, combat tactics, Hezbollah, front of resistance.

1- Faculty Member of Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards

2- Teacher and Lecturer of Imam Ali (as) Faculty

3- Teacher and Lecturer of Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards

**Bi-Quarterly Scientific Journal of Sacred Defense Studies and
Contemporary Battles, University of Imam Hussein**

Autumn & Winter 2021, Vol. 2, No. 3

Contents

Title	Author	Page
• Lebanon's Hezbollah Activism in the Syrian Crisis and Changes in Hezbollah Combat tactics		
.....	Jaafar Azimzadeh, Bahram AsliZadeh, Ali Ismailzadeh	1
• The Influence of Salafi-Takfiri Political Thought on the Insecurity of the Islamic Republic of Iran		
.....	Mehdi Nataqpour, Yaser Rezapour, Ruhollah Pourasiab	2
• Discourse Analysis of the Will of the Martyred commanders of Khalkhal city		
.....	Parviz Sabouri Kazaj, Javad Sabouri Kazaj	3
• Signs of the Formation of Jihadi Management in the Sacred Defense; Case Study of Samen-ol-Aimmeh Operation		
.....	Rasoul Hamzehpour Asadi, Abdullah Mobini Dehkordi	4
• Analytical study of the most important factors in the victory of the Sacred Defense in comparison with the Second Iran-Russia War		
.....	Mehdi Ramezani, Mohammad Hafazisefat	5
• A Review of the Geographical Factors' Role in the Planning, Implementation and Results of Preliminary Valfajr Operation		
.....	Morteza Karimi, Mohsen Radmehr, Mohsen Ghaffari	6
• Abstracts		
.....	Abolghasem Mardomi	

راهنمای اشتراک دوفصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر
دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)

دانش پژوه ارجمند، در صورت تمایل به اشتراک نشریه، طبق جدول زیر مبلغ تعیین شده را به حساب جاری طلایی ۸۴۸۸۰۰۲۰۴۱۰۳ بانک سپه شعبه دانشگاه امام حسین(ع) قابل پرداخت در تمام شعب بانک سپه به نام دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) واریز و اصل فیش بانکی را به نشانی دفتر نشریه ارسال فرمایید.

تهران: مبلغ ۸۰/۰۰۰ ریال بابت ۱ شماره + هزینه پست = ۲۰/۰۰۰ ریال
شهرستان‌ها: مبلغ ۸۰/۰۰۰ ریال بابت ۱ شماره + هزینه پست = ۴۰/۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس و نبردهای معاصر

تلفن: ۷۴۱۸۶۲۹۶ - دورنگار: ۷۷۱۰۵۰۴۸

E-mail: defamoghadas@chmail.ir

به پیوست فیش بانکی شماره
اشتراک دوفصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر ارسال می‌شود.
نام و نام خانوادگی / نام سازمان یا موسسه:
نشانی:

تلفن:

می‌باشم.

صندوق پستی:

تا شماره

نسخه از شماره

کد پستی:

متقاضی تعداد